(جهت سپری نمودن دوران محکومیت شان درموء سسات کار تأدیبی واصلاحی که برای اینگونه رده بندی های متخلفین بدون استثناء از جمهوریتهای متحدکه قبل ازبا زداشت و محکومیت آنها دران می زیستند یک طرف گذاشته شده است)
کتگوری (خصوصا جنایات خطرناک دربرابر دولت)
(ماده ۶۴ و ۷۳ درقانون نامهء جنائی اراس اف اس ار)
) یک سلسله ازماده های مشخص سیاسی که درتحت همان شرایط زندانیان وجدان غالبا محکوم به (خیانت)
(تحریکات ضدشوروی) وفعالیتهای سازمانی (ضد شوروی)
قرار می گیرند .
بسا از زندانیان وجدان تحت سایرماده های قانون محکوم شناخته میشوند . بگونه مثال (اقتضاح ضدشوروی)و مقالات مذهبی ، بواسطه محکومیت جنائی نخستین ، ازجنایات شان دست بردارنشده اند بلکه به فعالیتها و اعمال جنایتکارانهء شان ادامه میدهند . اگرچنین اشخاص بار دوم اتهامات ومحکومیتی علیه آنان واردشدچنین اشخاص به مثابهء جنایتکاران حرفوی تبارزکرده وبگونهء غیر قابل علاج درمی آیند (   ) ودرین زمره رده بندی میشوند ، وآنها باید به جمهوریتهای دیگردوران محکومیت شان را سپری نمایندتا سرزمین اصلی شان و یا به عبارهء دیگربخاطرتبارزمکررجرم وجنایت آنها که به گونهء غیرقابل علاج واجتناب ناپذیردرآمده عوض اینکه دوران محکومیت شان درمحل نزدیک ماوا و مسکن آنها صورت گیرد به جمهوریتهای دیگراین دوران محکومیت را سپری می نمایند .

درعمل، افراد واشخاص این نوع کتگوری تقریبا " همواره از جهت گذراندن دوران محکومیت شان در مؤسسات کارتأدیبی واصلاحی در اراس اف اس ار " RSFSR " تبعید میشوند. برای اهالی غیر از ملیت روسی (مردمان سواحل بالتیک، یوکرائینی ها، اوزبک ها، ارمنی ها و امثال آن) شامل یک سلسله محرومیتها و ناهنجاری ها است طوری که از طرف قضات شوروی علیه آن پیش بینی و اخطار داده شده.

یکی از منابع رسمی در زمینه چنین میرساند: این موضوع بطورکلی قابل درک است که نزدیکترین آن چه به زندانی قرار دارد همانا محل بودوباش و بستگان وی و بزرگترین آرزوی وی امکان بهره برداری از حقوقش در امر ملاقات با آنها خواهد بود.

عین مقامات ذیصلاح چنین می اندیشید از اینکه دوران زندانی و بازداشت در یک محل دور، عنصر کیفری و مجازات یک محکوم را فزونی می بخشد، بخاطریکه زندانی (درشرایط اقلیمی که او نسبت به آنها نامأنوس و ناآشنا است و در امر تحقق بخشیدن به یک سلسله از حقوقش با شکا - لات بر میخورد با ید زندگی کند و کار کند).

درکلونیها و زندانهای RSFSR اراس اف اس ار، زبان روسی به مثابه یک وسیلهٔ افهام و تفهیم در رابطه با کلیه مسایل بین مقامات اداری و زندانیان میباشد. در امر استفاده از مترجمین قیدو شرط های وجود دارد، که بایستی در امر تهیهٔ وسائل در امر اظهار عقیده از اینکه پرابلم زبان بگونهٔ رسمی یک موضوع تثبیت شده و شناخته

شده است وداراي چندزبان بودن هم جايزدا نسته شده است مگربا آنهم، مواردبي شماري كه دررابطه باتوبيخ زندانيان باشدويا حتي بخاطرتكلم به يك زبان غيرروسي در كلوني ها درسرزمين جمهوري روسي مجازات هم شده اند درج وثبت است (نشريه غيرروسي سا ميزدات كه به انگليسي نشرميشودخزان سال ۱۹۷۳ سان ماتي او، كاليفورنيا) اپريل ۱۹۷۴.

اين موضوع درموردزندانيان سياسي صدق ميكندبه گونهء مثال ازيوكرائين، كه بسياري ازآن ها بخاطراندیشه هاي (مليت خواهي) آنها كه معمولا شامل حمايت و تبعيت آنها روي پرنسيپ ، فرهنگ وزبان يوكرائيني و مقاومت آنها بآنچه آنها مي انديشندبه مثابهء يك پاليسي رسمي روسي ساختن جمهوريت آنها محكوم شده اند. دركلوني ها وزندانها مراودات ومكاتبات آنها به زبان يوكرائيني معمولا جهت ترجمهء رسمي مصادره ميشود، ويا از آن ها تقاضا بعمل مي آيدكه نامه هاي شان رادوباره به زبان روسي بنويسند. ديدوبازديدآنها اگربحث گفتگو بزبان روسي صورت نگيردبآن خاتمه داده ميشود. موارد مشابه نيزبازندانيانيكه آنها زبان عبري ويا زبانهاي بالتيك رابكاربرندنيزقابل تطبيق است.

اين عمل جابجا كردن زندانيان ومحبوسين درموءسسات كه درنقاط دوردست اراس افاس اربشمول موردوويا وپرم " Perm " موقعيت دارندبراي بسا ازخانواده ها با استفاده ازفرصت كه تقريبا امتيازات وارسي ازآنان به گونهء نهائي آن محدودومنحصرباشدويا تحت مضيقه وفشار

قرارگیرنداشکالات زیادی را باعث میشود. این موارد غالبا به وابستگان وخانواده ها بخاطرعدم توانائی،بخاطرمصارف جهت بازدیدازوابستگان زندانی شان، آنها را درجریان معلومات قرازمیدهد.

مرکزیت عمده زندانیان سیاسی که آنها (خصوصا جرائم خطرناک دولتی) را مرتکب شده اند ویا آنها (دوبار محکوم شده اند) درکامپلیکس های کلونی ها درجمهوریت سوسلیستی خودمختارشوروی مودوویا " Mardavia) که به فاصله ۴۵۰ کیلومتری جنوب ماسکوودرناحیه پرم" Perm " با شدقراردادهمیشود.

کلونیهای متعددوبی شماری درکامپلیکس موردوویا وجوددارد (خصوصا خطرناکترین آن) وزندانیان سیاسی (علاج ناپذیر) که آنها درکلونیهای(ZHKH)($\frac{۳۸۵}{۱}$ ۳/۱۷/۱۹و ۱۹) جمع شده اند. کلونی(یک) کلونی است دارای رژیم مخصوص، کلونی سوم بیشترآنرا زندانیان سیاسی طبقه اناث احتوا میکندویاطبقه اناث که باردوم دربرابرقانون روی مسائل مذهبی مرتکب این عمل شده اند. (بیست ودوتن درزمره سیصدتن ازطبقه اناث زندانی درینجا در دسمبر ۱۹۷۴ زندانیان سیاسی ومذهبی بوده اند)این جهار ویک تعدادسایرکلونی بگونهٔ مجموعی دوبروولاگ (Dobnovloa) کامپلیکس فرعی را باکلمهٔ که از حروف نخستین اصول قضائی Khkh ۳۸۵ تشکیل شده است میباشد

کامپلیکس پرم(Perm) وی اس ۳۸۹ (Vs389)در ناحیهٔ چوسووسکوی(chasovskoi) (که تقریبا " به ۱۲۰۰ کیلومتری شرق ماسکوواقع است) درمنطقه پرم

(Perm) میباشدزندانیان سیاسی درپرم درکلونیهای ۳۵ و ۳۶ نگهداری میشوند. طبق نشریهٔ نمبر ۳۳ شرح وقایع تازه هریک ازین دوکلونی ها بین ۲۰۰ و ۲۵۰ زندانی را درخودجا داده اندگذشته از ان، یک کلونی سوم به عین مقیاس درمجاورت آن به همکاری متهمین که دراجرای ساختمان آن شرکت داشتنددر اواخرسال ۱۹۷۴، چهارتن از اعضای ماسکو (دسته های پیشاهنگ درامردفاع از حقوق بشردراتحادجماهیرشوروی) چنین ارزیابی نمودندکه در کلونیهای پرم (Perm) ومورودوویا (Mardovia) درحدودیکهزارتن از زندانیان سیاسی ومذهبی موجودانند یکاندبازداشتگاه وزندان شوروی که مصئونیت بین المللی توانسته است گزارش واطلاعات مفصلی پیرامون آن گرد آوری نمایدهمچنین دراراس اف اس ار (RSFSR)میباشد.

بازداشتگاه وزندان ولادیمیر (V.Ladimir) در نزدیکی شهرکهن بههمان اسم تقریبا بهیکصدوهفتادوپنج کیلومتری شرق ماسکوموقعیت دارد. این مخصوص برای زندانیانی است که بیشترخطرناکترجلوه میکنند، بشمول زندانیان سیاسی کهازکلونیها روی اتهامات تخلف از قوانین کلونی بدانجا منتقل شده اند. بهسال ۱۹۷۴،یکتن ازهم اطاقی های زندان سیاسی پیشین چنین بررسی نمودکه تقریبا درحدود ۱۵۰۰ رفقای زندانی درزندان ولادیمیرزندانی می باشند، کهازان جملهسی وپنج تن آن ها زندانیان سیاسی بوده اند. ازآن زمان کهاین ارزیابی وتخمین صورت گرفته، یک تعدادازندانیان سیاسی ازکلونیهای کارتأدیبی واصلاحی بهبازداشتگاه ولادیمیر

منتقل شده اند که بگونهٔ حتمالی مجموع زندانیان وجدان در ولادیمیر در حدود پنجاه تن میباشد.

با یدچنین تأکید شود که بسا از انها پیرامون زندانیان وجدان درمورد دوویا پرم وولادیمیر چیزی می دانند، همچنین بسا از زندانیان وجدان در هرجای اتحاد شوروی نگهداری میشوند. متخلفین بار اول (که بگونهٔ مثال) متهم به (افتضاح ضدشوروی) ویا وجوهات مذهبی مرتکب کدام عمل شده باشند ممکن در کلونی های اراس اف اس ار (RSFSR) که آنقدر از شهرت فراوانی برخوردار نیست (خصوصا درشرق دور) ویا درکلونی های جمهوریتهای متحد خود شان نگهداری شوند. این کیفیت بیشتر گستردهٔ بازداشت سیاسی دراتحادشوروی یک عاملی است که درامر گرد آوری اطلاعات تازه و آمار واحصائیه های آن پیرامون زندانیان وجدان وتضمین تعداد آنها را خیلی مشکل جلوه میدهد.

مقامات مسئول آمارهای مربوط به تعداد زندانیان را دراتحادشوروی به نشر نمی سپارند واز آنجائیکه آنها حتی بدینگونه اشاره به زندانیان سیاسی و مذهبی نمی کنند، صرف یک کیس میتواند که تعداد زندانیان وجدان دراتحادشوروی را تخمین وارزیابی نماید. هریک ازین ارزیابی ها درارابطه با تعداد آنها دربین نفوس مجموعی زندانیان برمبنای اشاره به سوابق تاریخی انگیزه های سیاسی بازداشت دراتحادشوروی بایدصورت گیرد. این پدیده که با ابعاد وسیع وگسترده تر آن عبارت از افاده مطلب ومرامی است درارابطه با تخطی که تاریخ دولت

شوروی را برجسته ومحسوس ساخته است دربین دونسل مردم شوروی ازآزمون دوانقلاب سربدرآورده اند ، جنگ داخلی دوامدار ودرگیری این کشوربا خارج که به از بین رفتن نفوس بیست ملیونی شوروی انجامید . ساختمان اقتصادی کشوربر مبنای مالکیت دسته جمعی الزامی بروسائل تولیدات زراعتی باگذشت دوران فوق العاده درامر سرعت بخشیدن، صناعتی ساختن کشورش تغییرشکل داد . کلیه کشورها خودرا ازامپراطوری روس قبل ازانقلاب مجزا ساختند وبعدها ازیک طرق وطرق دیگربه تأسیس دولت شوروی نایل آمدند .

درجریان هریک ازین مراحل تکاملی وانکشافی ، بخش وسیعی ازنفوس صدمه دیده توافق شانرا ازتصمیم گیری رسمی پس گرفتند . پالیسی رسمی چنین بوده است تا جائی که رضایت وتوافق کمتری نسبت به رژیم وجودداشته است ؛ اعمال فشار برآنها درامر تحمیل تغییرات ودگرگونیهای فوق العاده وسریع که ازطرف سردمداران حکومتی به نشر رسیده الزامی بود . درداخل حزب کمونیست اتحادشوروی وحکومت آن عمل تصفیه وپاکسازی منظم تا اوائل سال ۱۹۵۰ سربراه افتید ، وهریک ازآن ها دراندیشهٔ قلع و قمع افرادبی شماریکه چنین مینمودکه آنها دربرابر پاره ازپالیسی های زعامت دست اندرکار رشده بودند. در بین نفوس به مقیاس گسترده ووسیع ، به تعدادبی شماری ازمردم صرف بخاطرمخالفت راستین ویا سطحی درمقابل تصمیمات وقرارهای رسمی درارابطه با چنین مسائل حیاتی چون اقتصاد ، مذهب ، ملیت ها ، پالیسی وفعالیتهای روشن

فکری بەکمپ ها ی کا را جبا ری ا نبا شتەشدە ا ند .

ا عما ل فشا ردرقا نو ن بشکل دکتورین وتلقین ا ز اینکه منا فع سیا سی دولت شوروی نسبت بەنوشتەٴ قا نو ن تقد م دا رددروا قعیت ا مر (بطورمثا ل توسط NKVD وبورد مخصوص) درهرزما نیکه منا فع دولت دستخوش تهدیدو خطر قرا رگیردتوزیع ونشرمیشود . ا عما ل فشا ربەپیما نه گستردەتسهیلات بیشتری را درنتیجەٴ شا مل سا ختن درقا نو ن چون(دربرگیرندەٴ تما م) ما دەها چون ما ده هفت که کمیسیو ن جنا ئی را بەمثا بەٴ یک شرط ا لزا می قبلی د ر جهت حصول بیک ا لزا م جنا ئی نا دیدەگرفتەا ست ما ده ۱۶ که محکومیت و مجرمیت یک شخص را تحت یک ما دەیک عمل مشا به آنرا بدمیدا ندا ما با عملیکدوی مرتکب شده ا ست یکسا ن نیست ، وما ده ۵۸ کەیک سلسلەا عما ل گستردەرا در برمی گیردچون(فعا لیتها ی ضدا نقلابی).

مقا ما ت مسئول شوروی پا رەٴ سنگین بی ا عتنا ئی مسئولین ا موررا موردملامت قرا ردا دەا ست ، بلکەصرف بر مبنا ی یا دآوری ا زدورا ن ستا لین فقیدومعمولا با تأکید گذا ری برعمل تصفیەوپا کسا زی درون حزب .

منا بع رسمی شوروی با ا بعا دبا زدا شت سیا سی حتی قبل ا ز۱۹۵۳ کدا م بحث وگفتگوی ندا رند . ا ما طبق تخمین وا رزیا بی مقا ما ت غیررسمی تعدا دمحبوسین سیا سی دردورا ن مرگ ستا لین بگونەٴ ثا بت بەیک ملیو ن تن میرسیدەا ست .

درا وا سط ۱۹۵۰، یک تعدا دبیشترزندا نیا ن سیا سی‌از زندا نها وکلونیها آزا دشدندورسما (ا عا دەحیثیت شدند)

چنین است که بگونهٔ رسمی چنین اعتراف بعمل آمد که اشتباها از روی نافهمی زندانی شده بودند. هیچ منابع رسمی تعداد افراد آزاد شده را فاش نساخت. مگر با آنهم یک منبع نیمه رسمی در رابطه با تعداد افراد معاف شده به سال ۱۹۵۷ توسط (کودریاوتسیف (Kudrayavtsev) که در آن دوران کفیل و یا قائم مقام حارنوال عمومی اتحاد شوروی بود، درضمن یک گفتگو با یکتن از دانشمند قانون امریکا بنام هیرالد بیرمن(Herald Bermar) اظهار داشت آقای کودریاوتسیف به آقای بیرمن چنین اظهار داشت که درحدود ۲ بر ۳ از کمپهای کار اجباری از بین رفته اند و همچنین به همان تناسب مشابه به نفوس زندان بین سال ۱۹۵۳ و ۱۹۵۷ به نشر رسیده است. از آنجائیکه آقای کودریاوتسیف نفوس زندان را بسال ۱۹۵۳ سه ملیون وانمود کرد، او چنین وانمود کرد که دوملیون تن آنها از زندان آزاد شدند که تعداد بیشتر آنها را زندانیان سیاسی تشکیل میداد.

یک تخمین وارزیابی تعداد موجودهٔ زندانیان وجدان معاصر، روی یک واقعیت مبنی براینکه بسا از زندانیان سیاسی در دوران ستالین برمبنای عفو و بخشایش آزاد نشده اند، بگونهٔ مغلق و سردرگم است. گزارشهای مختلفه دررابطه با زندانیان سیاسی چنین وانمود میکنند (وحتی زندانیان نظامی) که قبل از سال ۱۹۵۳ زندانی بوده اند تا حال درمناطق دورافتاده موء سسات وسازوبرگهای زندان اتحاد شوروی تحت بازداشت قرار دارند که تعداد بیشتر این افراد روی اتهامات سیاسی تا بیست و پنج سال دوران

محکومیت شانرا تا دوران اخیرحیات ستالین در زندان سپری کردند، وحتی بعدازان نیزمعافیت نیزحاصل نکردند. وحتی هیچ سان کاهش درمحکومیت آنها بعمل نیامد تا اینکه دراخیرسال ۱۹۵۰ حداعظمی دوران محکومیت به پانزده سال کاهش یافت. بەپیمانۀ زیاداطلاعات پیرامون اینگونه افراددرنشرات غیررسمی که دردسترس ما قراردارد، نمی توانددسراغ شود وروی این ملحوظات تخمین وارزیابی تعدادآنهاامرمشکل جلوه میکند.

بدین سان، طوریکه دربالا ازان یادآوری کردیم، این امرمشکل است که تعدادزندانیان وجدانان را که در مناطق دورافتاده وکلونی های وابسته بدان که صرف به شکل گزارش مهم پیرامون آن دراسنادومدارک سامیزدات (شبنامه ها) ازان یادآوری شده است تخمین وارزیابی نمود.

والیری چالیدز (Valery Charidze)یک متخصص قانون پیشین درارابطه با کمیتهٔ حقوق بشرازماسکوکه به سال ۱۹۷۲ ازحقوق شهروندی شوروی محروم گردید، چنین برآوردکرده است که به (دهها هزارتن) ازشهروندان شوروی روی تخلفات سیاسی ومذهبی دوران محکومیت شان را می گذرانند.

اناتولی مارچینکو (Anatory Marchenko) برمبنای تجارب درسازوبرگهای کیفری وجزائی شوروی به سال ۱۹۶۰ چنین تخمین نموده است که به (هزارهاتن ازین گونه زندانیان) وجودداشته است.

اکادمیسن اندری سخاروف دراواخرسال ۱۹۷۴ تعداد

دربرا بردولت ، یا توزیع ونشرآنها ، برای عین هدف تهمت زنی وافتراء خودساخته وپرداخته که کشور شوروی و سیستم اجتماعی آنرا جریحه دارمیسازد ، ویا توزیع ونشر ویا تهیه وتدارک آن ویا محافظه آن برای همین مرام ، نشریاتی که دارای چنین محتوای باشد مجازات آنها درنتیجه محروم ساختن آنها ازآزادی برای یک مدت از ششماه گرفته تا هفت سال ، یا بدون تبعید وجلا وطنی برای یک مدت زمان دوالی پنج سال ویا توأم با تبعید برای یک مدت زمان دوتا پنج سال میباشد . توسط یک شخصیکه قبلا بارتکاب چنین عملی دست زده ویا متهم بآن بوده خصوصا جرایم خطرناک دربرا بردولت ویا دردوران جنگ مرتکب چنین عملی شده ، مجازات آن درنتیجه سلب آزادی وی برای یک مدت سه الی ده سال ، توأم یا بدون جلا وطنی اضافی برای یک مدت دوالی پنج سال میباشد .

ماده ۷۲ـ فعالیتهای سازمانی که منظورآن خصوصا ارتکاب جرائم خطرناک دربرا بردولت وهمچنین سهم گیری آنها درسازمانهای ضدشوروی، فعالیتهای سازمانی که منظورآن درامرتهیه وتدارک ویا ارتکاب خصوصا مرتکب جرائم خطرناک علیه دولت شده باشد ، ویا درامرایجاد و رویکارآوردن یک سازمانیکه به مثابه یک مقصدا صلی ، مرتکب چنین جرائم ویا سهمگیری دریک سازمان ضدشوروی باشد مطابق ماده ۶۴ و ۷۱ قانون نامه موجود مجازات خواهد شد .

← جماهیرا شترا کیه شوروی میتوا ندسراغ گردد .

زندانیان سیاسی را بین(دوهزا روده‌هزار)محاسبه نموده است ، که‌دررابطه‌با آن کسانیکه‌روی ملحوظات مذهبی زندانی شده‌اندشامل نیست).

پی آی کودریاوتسیف (P.I. Kudryavtsev) عین مقام رسمی قانون درفوق تذکرداده‌است ، یک اثر مهمی را درجهت محاسبه‌تعدادزندانیان وجدان شوروی تدارک دیده‌است . آقای کودریاوتسیف به‌هیرالد - ج - بیرمین چنین گفته‌است بسال ۱۹۵۷ دراتحادشوروی‌تعداد زندانیان به‌یک ملیون نفربوده . کهازآن جمله قرار گفته‌وی درحدود۱۰ فیصدآنراجرائم سیاسی تشکیل میداد یا به‌عبارهٔ دیگراوچنین اعتراف نمودکه‌درآن زمان در حدودده‌هزارتن اززندانیان سیاسی دراتحادشوروی وجود داشت .

دررابطه‌با پذیرش تخمین فیصدی که‌بگونهٔ یک رقم اصغری که‌برای امروزهم قابل تطبیق است‌یک استدلال موءجه‌وقابل قبولی است . برای یک‌چیز ، آقای کودریاوتسیف درارقام متذکره‌اشخاصیکه‌روی تخلفات مذهبی محکوم شده‌اندشامل نساخته‌است ، یک کته‌گوری که بسال ۱۹۵۷ نیزبزرگ بوده‌وبرای امروزنیزقسما درنتیجه اعمال قوانین شدیدپیرامون مراسم مذهبی بسال ۱۹۶۰ تطبیق شد . دوم درحالیکه‌بسا اززندانیان سیاسی از ۱۹۵۷ به‌این‌سوآزادشده‌اندوبعدازاتمام دوران محکومیت شان، بسا ازین افراددررابطه‌با دگرگونیها وانکشافات که‌فعالیت حقوق بشربسال ۱۹۶۰ بیشترقابل روءیت بود ورویکارآمدن مواظبت‌وارسی به‌قانون نامه‌های جنائی

دررابطه با ماده های سیاسی نوین مشابه ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱-۱۹۱ و ۳-۱۹۰ قانون نامه جنائی ار اس اف اس ار (RSFSR) می باشد. درحالیکه یک تعداد از همشهریان شوروی و مبصرین غیرشوروی چنین تخمین کرده اند که تعداد زندانیان سیاسی بیش از ان تخمین وارزیابی آقای (کودریاوتسیف) است ۱۰ فیصد کل نفوس زندان، چه نقش غیررسمی اخیر الذکر بمثابهٔ رقم اصغری مناسب جلوه میدهد. درحالیکه کدام آمار رسمی منتشره پیرامون اندازه و تعداد نفوس مجموعی زندانیان شوروی دردسترس ما قرار ندارد، جهت بدست آوردن نتیجه تعداد آنرا حداقل یک ملیون از اهالی شوروی بپذیریم یک رقم درستی خواهد بود.

ازینکه نفوس زندانی شوروی دارای رقم بزرگی است بواسطهٔ توده با صلاحیت رسمی که حاصلهٔ کارگرزندانیان را بگونهٔ مسلم (Izvestny) دارای اهمیت اقتصادی است تذکرداده است واین تولیدات مشخص کننده و مقیاس ثابت ومسلم درجهت برنامه های منظم اقتصادی جمهوریتهای متحدبرای موٴسسات کارتأدیبی واصلاحی می باشد.

سازمان سیاه (CIA) ایالات متحده امریکا در این تازگیها از عکس برداری های که توسط قمرمصنوعی پیرامون نفوس زندانی شوروی تدارک دیده شده تقریبا بین دو نیم ملیون افراد شوروی زندانی میباشند.

اندری سخاروف عضو فرهنگستان شوروی چنین ارزیابی نموده است که بین یک اعشاریه هفت ملیون ارزیابی میکند درحالیکه یک مقام غربی حداقل یک ملیون زندانیان

را تخمین نموده است ، رقمیکه بگونهٔ تخمینی از مجموع تعداد دو ارزیابی نفوس هریک از مؤسسات کارتأ دیبی و اصلاحی تخمین نموده است .

پذیرش این موضوع طوریکه هنوز قابل قبول است بیانیه نیمه رسمی آقای (کودریاوتسیف) ازینکه یک فیصد اززندانیان شوروی را بسال ۱۹۵۷ زندانیان سیاسی احتوا میکرد و پذیرفتن یک ملیون افراد اندازهٔ تقریبی نفوس زندان امروزی میباشد ، درحالیکه مصئونیت بین المللی چنین می پذیرد که برای امروز تقریبا درحدود ده هزار تن اززندانیان سیاسی و مذهبی دراتحاد شوروی زندانی اند .

حفظ ومراقبت اززندانیان درقانون جزائی معاصر شوروی وازنگاه تئوری ،

این موضوع حفظ ومراقبت واقعی زندانیان (طوریکه در جهت " اصلاح " و " تجدید آموزش " آنها مخالفت بعمل آمده است) ازینکه (واردآوردن صدمه و دردورنج وتکلیف) مجاز ولازمی پنداشته شده است . درعمل میزان دردو رنج که بالای زندانیان شوروی وارد آمده است بیشتر ازان حدو مرزی است که تاحال بدان اعتراف شده است ویا درنشرات رسمی شوروی روی موضوع اغماض شده است ـ دررابطه با موضوع بطورحتمی توسط دادرس که یک دوسیهٔ سیاسی را به سال ۱۹۶۹ درارمینیا موردتصفیه قرارمیداد بدان اعتراف نمودو زمانیکه وی گفت که (بازداشت طویل المدت نتائج وخیمی را برای صحت وسلامتی متهمین وپیشبرد آموزش و

تعلیم وتربیت آنها به بار خواهد آورد) این گزارش روی دووجوهات حفظ ومراقبت زندانیان که به بزرگترین رنج ومصیبت دست بگریبان اند ، عبارت است از ستاندارد های غذای نا کافی ومحروم شدن آنها از بهداشت ودرمان وسایرسهولتها .

غذا

گرسنگی به مثابهٔ یکی از مشخصات دائمی کلونی وحیات زندان بوده که قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی آنرا تدارک دیده است . تعیین جیره بندی مواد غذائی برای کلونیها وزندانیان وبرای رژیم های مختلف آن، شورای وزیران اتحاد شوروی مسئولیت آنرا به عهده دارد . غذا های معمول وموٴثر برای کتگوری ها ورده بندی های مختلف زندانیان روی قانون سال ۱۹۷۲ پا به عرصهٔ وجود گذاشته است . غذای مخصوص مطابق رژیم فرق میکند ، اگرچه این موضوع درقانون جا داده نشده است . زمانیکه زندانیان تحت عنوان (عادی) غذای بیشتر ودارای کیفیت عالی خوب نسبت به دیگران دریافت می کنند ،هنوزهم آنها به فقدان غذای مخصوص مواجه اند .بسا اززندانیان وجدان سرشناس تحت شرایط رژیم بخصوص و دشواری دوران محکومیت را می گذرانند . فلهذا آنها غذا ها ئیکه دارای کیفیت پائین ترمیباشد دریافت میکنند .

گذشته از آن، همین زندانیهای وجدان اندکه درد و رنج وتکلیف بیشتری را روی این واقعیت که مقامات اداری زندان صلاحیت قابل ملاحظهٔ درامرتهیه وتدارک مواد غذائی دارند ، متقبل میشوند . زندانیان میتوانند درشرایط

جیره‌بندی غذائی کم بخاطر به‌سرنا رساندن نارم ها و معیارهای کارشناسان (به‌طورسیستماتیک موردا ذیت و آزار) قرارگیرند. مقامات با صلاحیت قانون، مجازات را جهت (تخلفات از قوانین) مرعی الاجرا قرارمیدهند، متضمن سلب احتمالی حقوق یک زندانی جهت دریافت یک پارسل غذا ویا صرف مقدارنا چیز پول برای خریداری غذا های متمم میباشد. مقامات کلونی منظما دارای زندانیانی اندکه آنها را درسلولهای کیفری (Shizo یا PKT) قرار داده‌شده‌اند جا ئیکه، درنتیجهٔ قانون، جیره‌بندی غذائی آنها بگونهٔ موٴثرکاهش داده‌شده‌وغذا های گرم صرف درروزهای یکروزدرمیان برایشان داده‌میشود (رائیسه‌پالاتنیک) یک کتابدارکه‌بسال ۱۹۷۱ برای دو سال بخاطر (شایعه‌پراگنی ضدشوروی) دوران محکومیتش را می گذرانید، غذای مخصوص روزمره‌را دررژیم عادی کلونی درناحیهٔ (دنی پروپتروسک Dnipropetrovsk) در یوکرائین چنین توضیح میدهد:

آنها سه‌دفعه‌درروزبرای ما غذا می دادند، از طرف صبح یک شوربا ویا یخنی نرم جوبا شیر، ماهی فاسدشده و چای با مقدار بیست‌گرام شکردرا ثنای شام گاهان، عین چیزبدون شکر، خوراک عمده‌درا ثنای ظهریخنی گل کرم یا گولپی که‌درآب واستخوان ها جوش داده‌شده‌بودویا بعبارة دیگریخنی گل کرم که‌ازمخلوط آب واستخوان بدست‌آمده بود. دومین بخش غذا درا ثنای ظهرخوراک جوویا بعضی اوقات یک توته‌کچالوی خوردبا سبزیجات، کمی بیشتراز یک پوند (پنجصدگرام) نان تقسیمات روزانه‌است.

انا تولی ما رچینکو (AnatolyMarchen)رژیم تیپیک ونمونه‌وی موا دغذائی را برمبنای تجارب دوران زندانی اش بسال ۱۹۶۰ جنین توضیح میدهد:

صبح ناشتا جوبا شیردوپیاله

ظهر- دوچمچه‌یا آبگردان ا زیخنی گوپی یا گل کرم که‌کیفیتش را ا زدست دا ده‌بودبا دوچمچه‌خفیف ا زجوشیر.

شا مگا ها ن - دوچمچه‌همان جوشیرتوأم با یک پارچه ا زما هی جوش دا ده‌بدا ندا زه‌قوطی گوگرد.

زندانی سیا سی رها ئی یافته‌ٔ سا بق یوری گیندلر (Yuri dendler) به‌ترتیب ذیل رژیمها ی تأکید شده موا دغذا ئی درکلونی موردوویا را چنین تذکرمیدهد:

صبحگا ها ن - ا زهفت الی هشت ونیم صبح یخنی با کچالوونا ن جو.

ظهریا پیشین - ا ز۱۲الی ۱ بجه‌یخنی گل کرم پا کولپی، جوشیر، جوار (Oat Pel) خوراک ا رزن و یا ا رزن با نا ن.

شا مگا ها ن - که‌ا زپنج بعدا زظهرالی هفت - جوشیر ما هی یا ما هی که‌به‌شکل کیک درآورده‌شده‌است - کیک ما- هی توأم با نا ن.

یک نا مهٔ که‌ا زکلونی۱۹/۳۸۵ ZHKH درموردوویا در ما رچ ۱۹۷۴ فرستا ده‌شدوا مضا ی شش تن ا ززندانیا ن سیا- سی نیزدرا ن درج شده‌بودحا کی ا زفروریختگی موا دغذائی روزمره‌درکلونی رژیم دشوار-

تولید	کمپ رژیم دشوار	پی کل تی (بلاک مجازات وکیفر) رژیم مخصوص	سلولهای شیزو رژیم مخصوص
خمیربادنجان			
رومی	۵ گرام	۵ گرام	۵ گرام
نان گندم سیاه	۶۵۰ رر	۶۰۰ رر	۴۵۰ رر
خوراک آرد			
گندم	۱۰	۱۰	۱۰
گندم یا جو			
پوست کنده	۱۱۰	۸۰	۵۰
مکرونی	۲۰	۱۰	
گوشت	۵۰	۳۰	
ماهی	۸۵	۷۵	۶۰
روغن	۱۰		
شکر	۲۰	۱۰	۶
روغن نباتی	۱۵	۱۵	
کچالو	۴۵۰	۳۵۰	۲۵۰
سبزیجات عمو			
ماگل کرم	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

طبق معیارها وستندارد‌های بین المللی، کاروبا یکه توسط زندانیان درشوروی تحت شرایط رژیم دشوا کلونی های کارتأدیبی واصلاحی صورت می گیرد، میتوا به مثابهٔ (یک نقش فعال) پنداشته شود. ضرورت انرژ لازم برای یک فردیکه (فعالانه) برای هشت ساعت در ر یکا را شتغال داشت سه هزار و یکصدوسه هزار ونه صد کلور

برای یک زن دوهزار وچهارصد الی دوهزار وهفتصد کلوری در روز بود. آنچه درفوق تذکریافت مواد غذائی درتحت شرایط رژیم دشوار وسخت میباشد (۱) که دارای ۲۶۰۰ کلوری میباشد. فلهذا حتی غذای عادی زندانیانیکه در رژیم دشوار وضیق قرار دارند جیره بندی غذائی آنها از نگاه کالوری غیرکافی میباشد. زندانیان درشرایط مواد غذائی PKT(۲) دوهزار ویکصد کالوری دریافت میکنند ولو که اگرضرورت افتد که آنها کار زندانیان عادی را انجام دهند درحالیکه وضع زندانیان درشیزو (Shizo)(۳) به ۱۳۰۰ کالوری کاهش می یابد.

طبق معیارهای بین المللی، بدن ویا وجود انسان روزانه درمقابل هرکیلوگرام وزن بدن به یک گرام پروتین ضرورت دارد که یومیه باید همین کالوری لازم که تدارک دیده شده است گرفتن آن کافی به نظر میخورد که این موارد درکلونی های کارتأدیبی واصلاحی شوروی معمول نیست. مواد غذائی فوق الذکر چنین وا نمود میکند که گرفتن پروتین روزمره، نیز غیرکافی است ـ سرانجام به کاهش وزن می انجامد، ازآنجائیکه گرفتن روزمره پروتین نمیتواند ضایعات پروتینی را که درانرژي به مصرف رسیده است جبران نماید، نتیجهٔ خالص آن یک امرآشکار است. طوریکه وضع جسمی زندانیان روبه وخامت میرود، ازظرفیت وقابلیت کارآن کاسته میشود. حاصل کار پائین ونا چیزبا کاهش مواد غذائی باید تنبیه شود ـ ازدرزمره ٔ حلقه های معیوب محسوب شده که به فقدان پروتین وکالوریک مزمن می انجامد. این کاهش مواد غذائی وپروتین با

فقدان سایر عنصر لازمی غذائی (منرالها وویتامینها) وضع را ازبد، بدتر میسازد. کیفیت نا چیز مواد غذائی درکلونیهای کار رتأدیبی واصلاحی یکی از شکایات عمده و اساسی است توسط زندانیان در درخواستها نامه‌ها، اعتراض‌نامه‌ها و نامه‌های سرگشاده که عنوانی مقامات شوروی وسازمان‌های بین المللی (بگونهٔ مثال هلال احمر) بعمل میآید.

یک گزارش سال ۱۹۷۳ ازیک کلونی در منطقهٔ پرم چنین میرساند:

بما کچالوها وگولپی های ناکار ربعنوان خوراک داده میشود. چوچه‌های مگس بحال استحاله وپوپنک ها بعضا در غذا یافت میشود وسالون طعام خوری غالبا در نتیجه تعفن ماهی فاسدشده مشبوع میشود. علیرغم گرسنگی زیاد، زندانیان از خوردن ماهی خراب شده خودداری میورزند، امابا آنهم وضع غذائی آنها رو به بهبودی نمی رود.

یک متهم در تمام دوران حیات محکومیت وزندانی نمی توانند به میوه‌های تازه ویا سبزیجات دسترسی پیدا کند ونه به شیر، تا زمانیکه وی بخاطر علالت ونا توانی مزاجی به مواد غذائی بیمارستان قرار داده نشود. گزارشات واطلاعات مختلف در رابطه با محکومین چنین میرسانند که زندانیان مقادیری از گل های خودروو علوفه‌ها را در جریان ماههای تابستان، شاید بخاطر جبران وتلافی از فقدان آن ها ویا چیزهای را برای جویدن ورفع دردها وغم های آنی گرسنگی بخوردن آن می پردازند.

زندانیان ومحکومین زندان ولادیمیر معیار پائین تر غذا را درمقام مقایسه با کلونی ها دریافت می کنند.

زندانیانیکه از هرجای دیگر بخاطر کدام تقصیر به زندان ولادیمیر منتقل میشوند در ماه اول با جیره بندی مواد غذائی کم تغذی میشوند، و در جریان همین مدت زندانیان نمی توانند از فروشگاههای زندان از تولیدات مواد غذائی آن استفاده نمایند و یا هریک از مواد غذائی را که خودشان با خود آورده اند نیز شامل این امر میشود. آنها بعدا تحت شرایط و اوضاع رژیم دشواری قرار می گیرند (معادل رژیم کمپهای ویژه بگونهء مثال خیلی خشن و سخت) که البته برای دو ماه میباشد. بعدا آنها به زندان عمومی منتقل میشوند و در آن جا از مواد غذائی که در فروشگاههای زندان وجود دارد استفاده می نمایند که در ماه سه روبل مخارج آن است. بسا از زندانیان موجود و گذشته ء زندان ولادیمیر از نورم وستاندارد مخصوصا پائین آن، آنرا به باد انتقاد قرار داده اند. ارقام ذیل وابسته به نشریه و مدارک غیر رسمی مجهول و بی نام ـ سامیزدات (سال ۱۹۷۳) تشریحی از تغذی زندانیان را در زندان ولادیمیر ارائه میدهد.

نورم غذائی روزمره ـ معیار ستاندارد عمومی زندان

کلیه مقادیر بحساب گرام

	۱ـ بعد از جولای ۱۹۷۲	۲ـ قبل از جولای ۱۹۷۲	۳ـ نورم تقلیل یافته
نان	۴۵۰	۵۰۰	۴۵۰
گوشت	۴۰	۴۰	
ماهی	۷۰	۸۵	۶۰
کچالو	۵۵۰	۵۰۰	۲۵۰

ماده ۱۴۲ـ تخلف از قوانین پیرامون انفکاک کلیسا ودولت وکلیسا ومکتب ، تخلف از قوانین روی انفکاک وجدائی کلیسا ودولت ومکتب ودولت درنتیجهٔ کارهای تأدیبی برای یک مدت زمانیکه بیش از یکسال بطول نخواهد انجامید تنبیه خواهند شد ویا با جریمهٔ که بیش از پنجاه روبل میباشد.

عین عمل توسط شخصیکه قبلا هم به تخلف از قوانین روی موضوع جدائی کلیسا ودولت ودولت ومکتب محکوم و مقصرشناخته شده بود ، طورشا یدوبا یدفعالیتهای سازمانی درامرارتکاب به چنین اعمالی روی دست گرفته شده باشد ، حکم مجازات درنتیجهٔ محرومیت وسلب آزادی وی برای یک مدت زمانی که از سه سال تجاوزنکند مرعی الاجرا خواهد بود.

ماده ۱ـ۱۹۰ توزیع وپخش جعل سازی وساخت وبافت ها که تقلب وساخت وبافت آن معلوم وآشکارگردد که دولت شوروی وسیستم اجتماعی آنرا لکه دار وجریحه دار سازد. انتشار ودوران سیستماتیک به گونهٔ شفاهی که ساخت و بافت وتقلب کاری های آن آشکارگردد که دروغ محض است که درنتیجهٔ آن دولت شوروی وسیستم اجتماعی آن جریحه دار میشود ، ونظیروامثال آن، تدارک وتهیه ونشروتوزیع آن ها با اسنادتحریری، مطبوع ویا سایراشکال و انواع حامل این محتویات با سلب آزادی برای یک مدت زمان که از سه سال بیشترتجاوزنکند مجازات خواهند شد ، یا به واسطه کارهای تأدیبی واصلاحی برای مدت یکسال، یا با پرداخت جریمهٔ که بیش از صدروبل نباشد دربارهٔ وی حکم

۱ـ بعدا زجولای ۱۹۷۲	۲ـ قبل ازجولای ۱۹۷۲	۳ـ نورم تقلیل یا فته	
		کلیه مقا دیر بحسا ب گرا م	
سبزیجا ت	۲۵۰	۳۰۰	۲۰۰
دو غا ب	۹۰	۷۵	۵۰
مکرونی	۱۰	۱۰	
آ رد	۱۰	۱۰	
روغن نبا تی	۱۵	۱۵	۶
شکر	۲۰	۱۵	
نمک	۱۰	۱۰	۱۰

همچنین زندا نیا نیکه دریک رژیم سخت وخشن در سلول کنفری ویا بلاکها ی مجردبخا طرتنبیه ومجا زا ت آ نها قرا رگرفته اند نیزتا بع این جیره بندی موا دغذا ئی ناچیز قرا رمي گیرند ، ا ما صرف هرروزدوم ـ درروزها ی دیگر به آ نها صرف ۴۵۰ گرا م نا ن، بها ندا زهٔ یک قا شق شورباخوری نمک وآ ب جوشا ن دا ده میشود .

موا دغذا ئی درتحت شرا یط رژیم سخت وخشن ا ز غذ ا ها ی عمومی که ا زنظرمقدا رنا ن(۴۰۰ گرا م) وشکربا شدفرق وا ختلاف دا رد . سا یرا قلام آ ن عینا مشا به به هما ن موا د غذا ئی عمومی ا ست . ا رزش کا لوری موا دغذا ئی درزندا ن عمومی ا ز ۲۰۰۰ ا لی ۲۱۰۰ کلوری میبا شد ، که هما ن غذا ی تقلیل یا فته ا ست ۱۵۰۰ کلوری ـ محصولات وفرآ ورده ها ئی که موا دغذا ئی را برا ی زندا نیا ن تهیه وتدا رک می بینند دا را ی کیفیت پا ئین میبا شدچه صرف نا ن سیا ه که خیلی سنگین ومرطوب ا ست .

فهرست غذای هفته‌وار برای استفادهٔ عمومی

نان، شکر، ماهی که صبحانه همه روزه مواد استعمال دارد.

	صبحانه	ظهر	شامگاه
دوشنبه	یخنی	۱ـ یخنی که از نشاسته فرق دارد ۲ـ آرد جو با شیر (پیاوه)	کچالو
سه‌شنبه	آرد جو با شیر (پیاوه)	۱ـ نخود آب ۲ـ مخلوطی از آرد جو با شیر (پیاوه)	کچالو
چهارشنبه	آرد جو با شیر (پیاوه)	۱ـ یخنی لبلبو ۲ـ آرد جو با شیر (پیاوه)	مخلوط آرد جو با شیر (پیاوه)
پنجشنبه	آرد جو با شیر (پیاوه)	۱ـ یخنی مکرونی ۲ـ پیاوه آرد جو با شیر	سلادروسی
جمعه	کچالو	۱ـ یخنی گل کرم یا گلپی ۲ـ پیاوه آرد جو با شیر	کچالو
شنبه	پیاوه آرد جو با شیر	۱ـ نخود آب ۲ـ پیاوه آرد و شیر	کچالو
یکشنبه	پیاوه آرد جو با شیر	۱ـ یخنی مکرونی ۲ـ پیاوه آرد شیر	سلاد روسی

صبحگاهان ایام تعطیل (اول ودوم می) شاماهی بسیار اعلی درعوض ماهی کوچک ورشته فرنگی بجای پیاوه آردوشیرمیباشد.

فهرست غذا برای کسانیکه طبق قانون درخوراک آن ها کاهش وتقلیل صورت گرفته است.

صبحانه ــ ماهی های کوچک، نان توأم باآب جوشان
ظهرانه ــ یخنی یا یخنی لبلبو (صرف یک خوراک)
شامگاهان ــ پیاوهٔ آردجوبا شیر

یخنی خیلی آبگین، معمولا ازگندم پوست کنده (گندم، جو، ماهی آزادکوچک با جووارزن) مکارونی با نخودآب، با مقدارناچیزکچالوبدان علاوه می شود. در واقع یخنی بدون گوشت میباشد، زندانیان میگویند :آن ها صرف گوشت را دریک ظرف می جوشانندا گرمقدارناچیز و تکهٔ خوردی ازگوشت اگردرظرف کدام کسی سراغ شودخوش بخت است. همچنین آنها درسلادروسی ترشی را نیز میریزند بعضی اوقات عوض سلادیک لبلبوی خوب جوش داده را برای شما عرضه میکنند. ماهی همان ماهی کوچک اروپائی است این ماهی های کوچک بهاصطلاح با مرچ ونمک ومسالهکه با یک تماس ازهم جدا میشود ــ کچالوبشکل خمیردرآورده می شودبهگونهٔ تیره، وآن بهخاطرمخلوط کردن آن با عصاره میوهاست. این صرف دراثنای موسم خزان است کهکچا ــ لوی خوب میسرمیشود. پیاوهازهمان آردارزن کهبحیث یخنی بکارمیرودازان ساخته میشود، اما این بشکل غلیظ آن است کهبدون کچالواست. بعضی اوقات وغالبا بعضی

روزها درنتیجه‌خرابی معده‌نان پیشین صرف نمی کنند یا به‌عبارهٔ دیگرا زطعام ظهرصرفنظرمیکنند ، که‌به‌مثابهٔ یک قانون ودستورا لعمل درآمده‌است . بگونهٔ مثال، به روزهای چهارشنبه‌زمانیکه‌برای ظهرانه‌یانان پیشین یخنی لبلبوباگلپی به‌شکل خمیره‌درنتیجهٔ استعمال مساله‌ونمک ترش ساخته‌شده‌توأم با خمیره‌آردارزن که‌پوست و یا سبوس بیشترا رزن هم درآن وجوددارد .

غذاها وخوراکهای زندان یک ودو ، غذاهای عادی متساویابعدوقبل ازماه‌جولای سال ۱۹۷۲ تقریبا حاوی ۲۲۰۰ کلوری بود . گرفتن کلوری بدین پیمانه‌صرف در صورتی کافی است که‌اگرزندانی هشت ساعت به‌استراحت بپردازد ، وکارهای سبک وبی دردسررا برای چهارساعت انجام دهدومتباقی ساعات که‌عبارت ازا ۱۲ ساعت باشد آرام بنشینددرعمل چنین نیست ونخواهدبود . اینگونه غذاها برای یک فردسالم نمیتواندکافی پنداشته شود کسی را که‌جهت تنبیه‌وسرزنش به‌زندان ولادیمیر فرستاده شده‌وی را بعدا زگذشت ماهها وسالها درکلونی کارتأدیبی واصلاحی درمعرض جیره‌بندی غذای ناکافی یکه‌وتنها بگذارید ــ یا قراردهید .

غذای سوم زندان، حاوی۱۵۰۰ کالوری وصرف برای یک فردسالم که‌بیست وچهارساعت دربسترا استراحت کند بدون اینکه‌کدام فعالیت جسمی دیگری انجام دهدهمین اندازه‌کالوری برای آن کافی به‌نظرمیخورد .

هنوزهم ازین بدترشراطواوضاع رژیم خشن وناگوارسلولهای تنبیه‌ومجازات است که‌بنام بلاکهای مجرد

ازآن یاد میکنند. درین بلاکها زندانیان مواد غذائی سوم را صرف بعداز روز دوم دریافت میکنند و به روز دیگر صرف چهارصد و پنجاه گرام نان و آب جیره بندی آن میباشد. این چنین معنی میدهد که دوازده صد کالوری و بیست چهار گرام پروتین تقریبا برای یک روز. این امر در واقع یک غذای حالت گرسنگی است در گذشته، پهلوهای خطرناک تغیرها و معیارهای ناچیز و در سطح پائین مواد غذائی زندان قسما با در نظر داشت این واقعیت که زندانیان به سلولها یشان محصور گذاشته میشدند، و بکارهای سنگین جسمی نیاز احساس نمیشد کار آنها تخفیف یافته بود، مگر با آنهم، بعضی اوقات در اوائل سال ۱۹۷۵ برای زندانیان در جهت انجام کار و بار جسمی مکلفیتهای برای آنها وضع گردید. طبق اسناد و مدارک غیر رسمی و محرمانه که توسط افراد مجهول الهویهٔ زندان ولادیمیر برشتهٔ تحریر درآمده، زندانیان که بکار شان ادامه دهند صد گرام نان فوق العاده و چیزی عسل همه روزه در اختیار آنان قرار داده میشود. فلهذا وضع زندانیان در اصل خودشا هد و گواه برای مدعای اقامت در زندان ولادیمیر میباشد. زمانیکه (اناتولی مارچینکو) بسال ۱۹۶۳ از آن زندان به کلونی (موردوویا) مراجعت نمود، رفقای کلونی فورا با وی قسمتی از جیره بندی غذای شانرا جهت کمک برای صحتمندی وی از درد و رنج جسمی در دسترس وی قرار دادند و (نیرنگها) را در جهت مستریح نگهداشتن وی از اجرای کار و باری برای چندین روزهای نخست بکار بردند.

مقامات اداری کلونی برای امروز نیز برای تحت

تهدیدقرار دادن افراد زندانی ولادیمیر به مثابه یک وسیلهٔ اساسی سعی وتلاش آنها درجهت تحمیل دسپلین و نظم در بین افراد کلونیهای کارتأدیبی واصلاحی دست اندرکار میباشند بعضی اوقات از تهدیدکار می گیرند .

رژیم غذائی درکلونی ویا بیمارستان زندان باعث یک سلسله دگرگونیها شده است با جیره بندی گوشت فوق العاده ، ماهی ونان درجه اول سفیدسیلو ، وجیره بندی دوصدگرام شیردرروز . مگربا آنهم درعمل، زندانیان غالباً یک سلسله مشکلات را درامر حصول وجلب نظر طبی و حصول اجازه نامه درامر تبدیل ساختن رژیم غذائی مخصوص خودرا درمحک آزمایش وتجربه قرار میدهند .

ازشکایات معمول وعادی بین زندانیان از نگاه صحی عبارت ازقرحهٔ معده ومعاء ومصابین این بیماری به تمام معنی ازرژیم غذائی که موردنیاز آنها است نا- درا دردسترس آنان قرار می گیرد ، گرچه بسا ازین بیماریها بحال مزمن درمی آیند .

زندانیان برای غذای شان ازطریق یک کاهش اتوماتیک (خودبخودی) تقریباً چهل ودوکوپیک (که معادل بیست وچهار پنس سترلنگ ویا پنجاه سنت امریکائی می شود) ازمدرک درآمدروزانهٔ شان می پردازندودرجریان زمستان این وضع به پنجاه کوپیک بالا میرود (که معادل بیست ونه پنس سترلنگ و ۶۱ سنت امریکائی میشود) .

مطابق ماده ۳۶ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی(افراد محکوم که ازکار درنتیجهٔ معاذیرصحی معاف شده اند.... غذای شان را مجانی بدون پرداخت پول

دریافت مینمایند) فلهذا طبق گزارش زندانیان کاهش های درحدود دهفتا دوپنج کوپیک روزمره (که معادل ۴۳ پنس سترلنگ و ۹۰ سنت امریکائی میشودبرای رژیم غذائی بیمارستان بعمل آمده ، درامربررسی وتخمین رژیم غذائی زندانیان که درکلونی اوقات شان راسپری مینمایند چنین باید گفت که زندانیان باید کارهای جسمی سنگین را بانجام رسانند. واز نگاه تیوری، صرف زندانیانیکه در رژیم بخصوص کلونیها قراردارند زنگاه قانونی (کارهای ثقیل جسمی) را باید بسررسانند. درعمل کلیه زندانیان بطورکلی درتحت شرایط واوضاع کاروممعیارهای تولیدات عالی قراردارند .

درپرنسیپ ، پیوندوبستگی جیره بندی های خوراک بالای سطح تولیدی وباروری چه بساکه درنتیجهٔ بیانیه های پیاپی ازینکه هرزندانی ازحقوقش بهره مندمی شود یک امرمسلم پذیرفته شده است که سایرشهروندان شوروی از آن برخوردارنیستندحقوق دریافت تغذیه تضمین شده چه درنتیجهٔ کارمصارف آنرا می پردازدیا خیرمهم نیست . باآنهم، ماده ۳۶ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی قسماچنین یادآورمیشود (جیره بندی های غذا در رابطه با .... باخصلت وکیفیت کاریکه توسط افرادزندانی بسرمیرسدوضمنا طرزبرخوردآنان به کاروبارشان تشخیص میگردد). درجه بندی جیره بندی های غذا برای زندانیان ازنگاه تیوری درضمن اشاره صریح وروشن به پرنسیپ که مطابق مادهٔ ۱۲ قانون اساسی اتحادجماهیر شوروی پی ریزی شده موٴجه جلوه داده میشود (کسیکه کار

نمی کنندنبا یدا وچیزی بخورد).

یک شکل دسترسی وحصول به مقدا روا ندا زهٔ غذا توسط وا بستگا ن ومتعلقین زندا نیا ن دررا بطه (با وضع برخورد وتلقی آنا ن با کا ر) شا مل سیستم خریدا ری متمم موا د غذا ئی نیزمیشد . چه هریک ا زموٴسسا ت جزا ئی دا را ی یک (کا نتین) ویا (مغا زه) ا ست که زندا نیا ن میتوا نندتو ـ لیدا ت وما یحتا ج موا دغذا ئی ونیا زها ی لازمی شا نرا ا ز آ نجا دستیا ب نما یند (وخریدا ری نما یند) ا ین حقــــو ق برا ی زندا نیا ن محفوظ نگهدا شته شده ا ست .(بخا طرا ستفا ـ ده ومنفعت محکومیت درا نجا م ونها یت کا رآ نها). فلـهذ ا آ نها درا مرخریدا ری(محصولات غذا ئی وما یحتا ج موا دغذا ـ ئیٔ وما یحتا ج لازمی) صرف هما ن مقدا رپولی را کـه د ر نتیجهٔ کا ردرکلونی ویا زندا ن بدستآ ورده ا ند مصرف کنند) ومقدا ری هم جهت ا ینگونه خریدا ری ها که ممکن ا ز نگا ه تئوری ونظری درضمن پیشآ مد ها ا نجا م وبسررسا نـد ن معیا رها ی کا را ضا فی زندا نیا ن با شدا فزا یش بعمل خوا هد آ مد .

مقدا روا ندا زه ا ی که برا ی هریک ا ززندا نـی برا ی ا ینگونه مقا صدمجا زدا نسته شده ا ست مطا بق به رژیم فر ق میکنند . زندا نیا ن رژیم عا دی میتوا نندده روبل(معا دل پنج پوندوهشتا دپنس ا نگلیسی ویا دو۲ زده دا لرو بیست سنت ا مریکا ئی) دریکما ه مصرف کنند ، وآ نها ئیکه درشرا ـ یط رژیم نسبتا متوسط وسخت ودشوا ری قرا ردا رند ۷ روبل (که معا دل چها رپوندوپنج پنس ا نگلیسی وهشت دا لـــر و پنجا ه سنت ا مریکا ئی) میشوددرجریا ن یک ما ه مصرف می

کنند. زندانیان شرایط رژیم سخت وشدیدتر به ارزش پنج روبل (که معادل دوپوندونودپنس انگلیسی که شش دالر و ده سنت امریکائی) میشودمجازاند. برای زندانیان رژیم بخصوص، وبرای آنانیکه درسلولها ی مجازات قرار گرفته اندا ین مصرف به دوروبل (که معادل یک پوندوپانزده پنس انگلیسی ویا دودالروچهل سنت امریکائی میشود) در هر ماه برای شان تعیین شده است.

یک اید یا ومفکوره دررابطه با قدرت وتوانائی خرید ازین مبلغ درنتیجهٔ قیمت های پرچون فروشی پارهٔ از تولیدات اساسی که به سال ۱۹۷۴ ارائه شده قرار آتی است

قطی پنجصدگرامهٔ ماهی نمک زده تقریبا یک روبل و سی کوپیک (که معادل هفتادوپنج پنس سترلنگ که مساوی به یک دالروپنجاه وهشت سنت میشود) قیمت دارد.

قطی پنجصدگرامهٔ پنیرارزان قیمت هفتاد کوپیک (که معادل چهل پنس انگلیسی و ۸۴ سنت امریکائی میشود) قیمت دارد.

قطی پنجصدگرامه بهترین پنیریک روبل وهفتادکوپیک (که معادل یک پوندسترلنگ انگلیسی که مساوی بد و دالرودوازده سنت امریکائی است) قیمت دارد. انتخاب مواد غذائی قابل مجازوسایرا قلام که قابل خریداری اند محدوداست، وبدست آوردن آن درهرصورت بگونهٔ متفرق وتابع وقت وزمان است. مواد غذائی قابل مجاز عبارت اندازماهی دودی، پنیر، شیرینی های ارزان قیمت، روغن مارگارین جهنباتی وجهحیوانی، مربا، سبزیجات داخل قطی سربسته، گوشت ونان، سوداوخریداری ازمغازه

ها درضمن یک سلسله اقلام مهم چون صابون، پودر دندان، سامان وقرطاسیه وامثال آن. دوزوبل برای زندانیانی که تحت شرایط رژیم بخصوص دوران زندانی شان راسپری می کنند برای خریداری اشیای موردنیاز غیرازغذا تخصیص داده شده است .بگونهٔ مثال ارسال ومرسول نامه ها ومکاتبه ، که درین مورد استفاده از مغازه های کمپ درعمل به مثابهٔ یک امتیاز پنداشته میشود تا یک حقوق، وهریک از تخلفات ونقش شکنی های خوردوریزو وابسته به قوانین کمپ که به مفهوم محروم ساختن پارهٔ یا به طورکلی ازخریداری موادازین مغازه ها برای مدت یکماه ویا بیشتر از آن مواجه میشوند .

شرایط دیگردرامر استفاده از فروشگاهها ومغازه های داخل کمپ عبارت ازین است که صرف مقدار پولیکه در نتیجهٔ کار زندانیان ومحبس دریافت میکنند درجهت خریداری مواد بکار میرود ، پولیکه از طرف وابستگان ویا رفقا فرستاده میشود قابل مصرف نیست درکمپهای چون شرق دور وشمال، جیره بندی فروشگاهها وقیمتهای آن با در نظر داشت قیمت بلند مواد غذائی درین مناطق تا اندازه گران ترتمام میشود. مگربا آنهم حتی استفادهٔ اصغری از مغازه ها درارابطه با جیره بندی محاسبه شدهٔ آن(معادل ده روبل درماه مصرف ایجاب میکند ، که توسط آن فرآورده های مورد نیاز غذائی با محتویات انرژی عالی وبلندخریداری می شود ، وسروصورت دادن مصرف این غذای فوق العاده در یک قیمت معین ومنظم درجریان تمام ماه) یک زندانی میتواند صرف دوصدوپنجاه کلوری اضافی بدست بیاورد ،

دادگاه مرعی الاجراء خواهد بود.

ماده ۲۷۷ـ تجاوز به حقوق دیگران و نقض حقوق هم شهریان در لفافهٔ ظاهری رعایت مراسم مذهبی. سازمان دهی ویا مخاطب ساختن ورهنمائی کردن یک دسته ویا گروپ، که فعالیت آنها، در لفافهٔ بظاهر آراسته تبلیغ معتقدات مذهبی وبرپاداشتن مراسم مذهبی که هدف آن متضرر ساختن صحت همشهریان با هریک از تخلفات در رابطه با حقوق همشهریان، ویا اغفال کردن ووادار کردن هم شهریان در امر امتناع آنها از فعالیتهای اجتماعی و انجام کاروبار ومشاغل دولتی ویا ناگزیر ساختن اطفال خورد آن بدچنین یکی از گروپها، مجازاتها با محروم ساختن آن از آزادی برای یک مدت زمانیکه بیش از پنج سال نباشد ویا با تبعید آنها با عین شرایط توأم با مصادره ملکیت ودارائی آن ها ویا بدون مصادره قانون مرعی الاجرا خواهد بود.

سهمگیری فعال در فعالیت یک گروپ مشخص که در پاراگراف ماده موجود مشخص شده باشد، با پروپاگند و تبلیغات سیستماتیک که درجهت ارتکاب بچنین اعمال مشخصه در رابطه باشد، مجازات آن با سلب آزادی برای یک مدت زمانیکه بیش از سه سال نباشد محکوم، یا با تبعید برای همان مدت، یا کاروبار تأدیبی واصلاحی برای یک مدت زمانیکه بیش از یکسال نباشد قانون درباره وی مرعی الاجراء خواهد بود.

تذکر: اگر فعالیتهای افراد طوریکه در پاراگراف دوم ماده موجود از آن ذکر بعمل آمده است وافراد خودشان

که هنوز رژیم غذائی آن در یک سطح هماهنگ توأم با بهداشت خوب بالا نمی رود.

در واقع تبصرهٔ رسمی دربارهٔ نهادهای قانونگذاری کارتأ دیبی واصلاحی اتحاد شوروی وجمهوریتهای متحدآن این موضوع را واضح ساخته است که سیستم اضافی خرید اجناس از برای آن نیست که زندانیان را در امر فرار از رژیم گرسنه مجاز بدانند. این یگانه توضیح ممکن برای حقیقت میباشد، که بگونهٔ واضح در تبصرهٔ که بخاطر نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحاد شوروی و جمهوریتهای متحدآن اظهار مطلب شده است، که صرف برای محکومین خرید مواد غذائی یک حدومرزی را طبق قانون برای مصرف آن تعیین کرده است، که دررابطه با موضوع چنین حدومرزی روی مصرف بطور عمومی نمی باشد (زندانیان میتوانند پول بی حدوحصری را درجهت خریداری کتب کما زطرف دولت به طبع رسیده اند بگونهٔ مثال صرف کنند)، عین مشی محافظهٔ (رژیم گرسنه) درلست نمونه های مجازات که در دسترس کلونی ومقامات اداری زندان قرار دارد یک امر واضح وآشکار است. ممکن آنها دستوری صادر نمایند که درنتیجهٔ آن (محروم ساختن یک زندانی، از حقوق اش در امر بدست آوردن بقیه نامه ها وپارسل ها وپاکت هایش میباشد، ومنع ساختن آن در امر خریداری از فرآورده های غذائی برای یکماه). یا به عبارهٔ دیگر، این مجازات زبرای آنست که منابع مواد غذائی اضافی زندانی را قطع نمایند. تبصره پیرامون نهادهای قانونگذاری کارتادیبی واصلاحی اتحاد جماهیر شوروی وجمهوریت های

متحدآن چنین تصریح میکندکه این مجازات وکیفر صرف شامل ساختن، جلوگیری وتحریم حقوق زندانی در جهت خریدخوراکه با باست نه بدان معنی که ازحقوق خریداری (اشیای موردنیازوضرورت اساسی وی) محروم ساخته شود.

یک قانون ـ گرچه خیلی محدود ـ طرق تکمیل کردن واضافه نمودن غذای مخصوص کسی ازطریق پارسل های غذا این موضوع ارتباط به شرایط ونوع رژیم آنها درارابطه با محکومیت دارد، بدین معنی زندانیانیکه یک ونیم چند دوره محکومیت شان را سپری کرده باشند میتوانند درجریان هرسال پارسلهای زیادی راچون سه پارسل وبابسته ها که هرکدام آن پنج کیلوگرام وزن داشته باشد دریافت نمایند. حدودقابل مجازمواد غذائی خیلی محدود است، مواد اشیای خشک چون بسکیت مجاز است، اما یخنی شفاف بخاطر محتوای گوشت آن ممنوع است، وچاکلیت هم ممنوع است، بخاطرآشوبگری وفتنه، بناء به گفته یکتن از مقامات مسئول کمپ زندانیان. بازدیدکنندگان میتوانند بعضی اقلام ومواد محدودرا درکلونی بخاطرخویشاوند ان شان باخودبیاورند ـ امابا آنهم ازین امتیازنا چیز بگونه سخت ومحکم مراقبت به عمل می آید. به مثابه سایرحقوق زندانیان، تحویل وحصول این پارسلهادرعمل به مثابه یک امتیازتلقی میشود، وحقوق دریافت آنها غالبا به مثابه یک مجازات ملغی قرارداده میشود.

یک سعی وتلاش برای اینکه زندانیان را بطور کلی باجیره بندی قانونی آنها متکی سازدیک فرمانی ازطرف اراس اف اس ار (RSFSR) شورای عالی اتحاد جماهیر

شوروی درهفتم جون سال ۱۹۷۲ صادرشد، که درواقعیت امروا ردکردن موادغذائی را بداخل حریم زندان منع می کند- پاره‌ازموادقانون چنین است.

جهت ارسال ومرسول غیرقانونی، اختفاء وکتمان از امتحان وبررسی ویاسعی وتلاش درامرنقل وانتقال به‌هر ذریعهٔ ممکن دررابطه‌با افرادمتهم ومحکوم، افزارفر- آورده‌های غذائی، پول، شراب، ودیگرافزاروسائل استعمال وکاربردآن درسازوبرگها وموٴسسات کارتأدیبی واصلاحی قدغن شده‌است، چنین تصویب شده‌است درجائیکه اینگونه‌فعالیتها دخالتی درمسائل ومسئولیت جنائی نداشته‌باشند، گروه‌های متخلف جریمهٔ که‌ازطرف مقامات مسئول اداری علیه‌آنها تحمیل شده‌است که‌ازده‌روبل گرفته‌تاپنجاه‌روبل، یا یک سلسله‌اقدامات وتشبثات اجتماعی، مطیع وتابع خواهندبود.

بسال ۱۹۷۲، اکادیمسین (عضوفرهنگستان یا عضو انجمن دانش) ذخاروف ولی اونتوویچ) دراثنای به‌تصویب رساندن این قانون نامه‌درمحضرعام اعتراض نمودند وتلگرامی عنوائی رئیس‌شورای عالی اراس‌اف‌اس ار (RSFSR) شوروی مبنی برعدم رضایت آنها ازتصویب این قانون نامه‌فرستادکه‌متن آن چنین است:

مجرمیت بخاطرنقل وانتقال فرآورده‌های غذائی برای زندانیان که‌درنتیجهٔ طرح ریزی قانون به میان آمده‌است حاکی ازاظهارنظررسمی پیرامون موجودیت یک رژیم که‌مبتلا به‌گرسنگی مزمن درکمپها وزندانها میباشند هیچکس به‌نقل وانتقال غیرقانونی متوصل نخواهند

شدتا یک ضرورتی محسوس نشود. فرمان قانونی درامررروی کارآوردن امکانات که اوضاع را برای زندانیان بیشتر بگونهٔ تراژیدی درخواهدآورد، می گشایدحتی بدترازان با رویکارآوردن ومعمول ساختن تلاشی زندانیان و بازدیدکنندگان ازآنها مابه‌نمایندگان شورای عالی اتحاد جماهیرشوروی به‌صراحت اظهارمیداریم درامر روی کار آوردن یک اصلاحات دررابطه‌باقانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی بمنظورخاتمه‌بخشیدن شکنجه‌ومحکومیت غیرقابل تحمل زندانیان که‌ناشی ازگرسنگی است‌توجه شان را مبذول دارندفلهذا بگونهٔ که‌واضح است، این اعتراض نادیده‌گرفته‌شدوقانون به‌تصویب رسید، وتاحال مرعی‌ـالاجرا است.

این موضوع قابل تذکراست‌که‌زندانیان شوروی تقریبا کلیهٔ آنها درکاروباروبامشاغل صناعتی به‌نحوی از انحاء ویا برای قطع درختان استخدام شده‌اند.اما هرگز درمسائل زراعتی ازآنها کارگرفته‌نمیشود، علی الرغم کمبودی سالیانهٔ کارگران زراعتی دربسا مناطق مخصوصا دراثنای بذرافشانی وبرداشتن محصولات. این پدیده‌به سال ۱۹۶۸ دریک مونوگراف طبع شدهٔ رسمی پیرامون تئوری جزائی قسما ازآن توضیح شده‌است. موءلفین ازگماشتن زندانیان جهت استخدام آنها درمزارع، قسما بخاطر اینکه‌این نا ممکن است‌که‌محدودیت درجهت مصرف بسیاری ازاقلام موادغذائی زندانیان بوجودآوردازینکه‌بشمول (شیر، تخم، سبزیجات، میوه‌وغیره) درین کلونیها تولیدمیشود، به‌مخالفت شدیدبرخواستند. فلهذا سطح جیره

بندی غذائی که برای زندانیان وجود دارد و همچنین نظام نامه ها و قوانین روی موضوع پارسل ها و پاکتهای تحویل شده که از ارزش آنها کاسته میشود آ فلهذا نه تنها قانون در اصل خود، بلکه قوانین و نظامنامه های حکومتی و پالیسی کلونی مقامات اداری زندان متیقن اند از اینکه زندانیان بمثابهٔ یک شرط اساسی در دوران حبس آنها گرسنه باقی بمانند. گرچه از نظر رسمی بدان اعتراف نشده است، هدف جزائی و تنبیهی این پالیسی بسا اوقات توسط مقامات رسمی بگونهٔ شفاهی مورد تائید قرار گرفته است ـ بگونهٔ مثال زمانیکه زندانی یوکرائینی (والینتین موروز) به معاون حارنوالی مقامات اداری کمپ موردوویا شکایت نمود، از اینکه زندانیان مصاب به قرحهٔ معده که به رژیم غذائی حالت گرسنگی نگهداشته میشوند شدیداً بیمار اند.

مقامات رسمی چنین جواب دادند: (این همان چیزی است که مجازات آنرا ایجاب میکند ضربه زدن به معده).

اناتولی مارچینکو نتائج این پالیسی را چنین خلاصه نموده است:

فلهذا مقامات اداری کمپ وسائل نیرومند اعمال فشار را بر زندانیان سیاسی تحمیل میکنند ـ یک سیستم کلی تحریک گرسنگی. کاربرد این سیستم سرانجام به ضعف ولاغری و فقدان ویتامین (امراضیکه ناشی از فقدان ویتامین بوجود می آیند) پاره از محبوسین در نتیجهٔ عدم کفایهٔ غذائی باید کلاغ یا زاغ را شکار کنند و بخورند، اگر نیک بخت باشند یا طالع با آنها یاری نماید سگها، در خزان سال ۱۹۶۷ یک زندانی از کمپ ۱۱ در موردوویا طرق دریافت

بدست آوردن کچالوها را زمانیکه دربیمارستان بوده سراغ کرد. او بیش از حدا ز آنها استفاده کرده و مرد ـ از اینکه کچالوها خام بودند.

مراقبت های صحی وبهداشتی

مسلما چنین محرومیت های طویل میتوانند، ودر بسا موارد چنین اتفاق می افتد، که عواقب خطرناکی برای صحت وسلامتی زندانیان به بار آورد. ترکیب طبخ بسطح پائین وخراب، غذاهائیکه به سرعت تناول میشوند درحالیکه کار سنگین وطاقت فرسا باشد خصوصا درشرایط و اوضاع غیرصحی واقلیم سخت وناگوار برخی ا ززندانیان را بعنوان افراد باطل وبی اعتبار جلوه دهد چه بسا اززندانیان با گذشت دو یا سه سال شکایتهای ازقرحه های معده و سایر شکایت معدوی دارند. تسهیلات طبی کلونی ومحابس وزندانها درا مر معضله وپرابلمهای صحی زندانیان که برای یک دوران طولانی درتحت شرایط واوضاع نا مطلوب ودشوار قرا ردارند غیرکافی به نظر می آید. چه طبق قانون هر کلونی یک دسته از پوستهای موءلفین معاونت نخستین و یا واحدهای گسترده ترطبی(Med Pongat Basan Chas)به شمول یک داکترجراحی، دواخانه ولابراتوا ربا شند.

یک کلونی درهریک ا زنواحی با ید دارای یک بیمارستان مجهز باشد، بگونهء مثال درکامپلیکس موردوویا (Mordovia) این موضوع ارتباط می گیرد به کلونی نمبر (۳) در (Barashiv) باراشی وو.

طبق تبصرهء نهادهای قانون گذاری کار تأدیبی و

اصلاحی اتحاد جماهیرشوروی وجمهوریتهای متحد (کلیه پیش رفت های ساحهٔ علم طبابت) درموسسات کارتأدیبی و اصلاحی درمحک آزمایش وتجربه قرارداده میشود. هنوز معیارهای مراقبت صحی یک عمل خیلی معمول و متداول جهت شکایت از طرف زندانیان بوده است. جابجا ساختن تسهیلات طبی درکلونی وسیستم زندان ناقص است.

این موضوع تاحدی قابل درک وفهم است. کلونی ها وزندانهای بی شماری وجوددارندکه کارکنان و دست اندرکاران فن طبابت باید آنرا تکمیل نمایندوکارآزموده وماهرباشند، پرسونلهای با تجربهٔ طبی غالباخدمت وانجام کاروبارشانرا دربین نفوس ملکی که باید درجاها ومحل بازداشتگاهها ومحابس بسررسانندترجیح میدهند کاروبارطبابت درموسسات کارتأدیبی واصلاحی خصوصا با درنظرداشت این واقعیت ازینکه کلونی ودکتوران وابسته به زندان بایدتحت اداره کسانی به کاروبارشان ادامه دهندکه تقاضا وخواستهای آنها غالبا با آنگونه موسسات درتضاد قرارمی گیردوقضاوتهای طبی تحت الشعاع آن قرار می گیردوبگونهٔ یک پدیدهٔ غیرقابل استیناف ومرافعه خواهی درمی آیددکتوران کلونی ماموربن موظف با رتبه ودرجهٔ هستنددروزارت امورداخله ولباس آنها .با علایم ونشان وزارت امورداخله کشورمزین است.

شکایاتیکه غالبا ازطرف زندانیان صورت می گیرد عبارت ازین است که واحدهای طبی وحتی بیمارستانها با کارمندان جدیدآموزش دیده، ودکتوران بی تجربه که آن ها توسط مامورین پائین رتبهٔ طبی که دراتحادشوروی به

مشا بهٔ (Feld Shers) یا ما مورین تا زه‌وا ردونیمه‌حر-فوی که‌دیپلوم فا رغ تحصیلی ندا رندشهرت دا رند . بعضا چنین ا تفا ق می ا فتدکه‌ا ین ما مورین تا زه‌وا ردو نیمه حرفوی ا زز مرهٔ زندا نیا ن نیزا ستخدا م میشوندوبا عجله هرچه‌بیشتردرمسا ئل لازمی ویا محسوس معا ونت نخستین و جرا حی ها ی خوردوریزا زآ نها کا رگرفته‌میشود . یک وا حد تیپیک طبی شا مل چندچیزخوا هدبود . دودکتوریک دندا ن سا ز ، یک یا دوتن ا زکا رمندان‌تا زه‌وا ردونیمه‌حرفوی، دو قا بله‌ویا پرستا رودومحا فظ بیما رستا ن. ا طا قها ی کوچک وخوردوریزی با تسهیلات درما نی بیما ریها ی خوردو ریز برا ی بیما را ن خوا هدبود . شکا یا ت ا زبیما ری ها ی شدید وخطرنا ک توسط متخصصین که‌آ نها درجریا ن یک وقفه‌دو ،سه ما ه‌جهت مشا هدهٔ بیما را ن ا زهرکلونی که‌لست بیما ران‌در آ ن درج ا ست موردمعا لجه‌قرا رمی گیرند .

درکلونی ZHKH ۳۸۵/۱۹ موردوویا Mordwia در جنوری سا ل ۱۹۷۲، وا حدطبی دا را ی یکصدوبیست بستردا-را ی سه‌متخصص‌درما ن شنا سی، یک جرا ح ویک تکنیشن دندا ن، که‌کلیهٔ آ نها بگونهٔ مقا یسوی با تجربه‌نا کا فی مشغول فعا لیت بودند . ا وقا ت کا را زده‌بجهٔ صبح آ غا زمی یا فت‌وتا سا عت پنج بعدا زظهرا دا مه‌دا شت . در ا ثنا ی شا مگا ها ن، درجریا ن شب‌ودرا یا م تعطیل ودرا خیر هفته هیچ دا کترموٴظف وجودندا شت وهیچگونه‌خدما ت طبی بطور کلی به‌مشا هده‌نمی رسید ، کلیه‌وا حدطبی جهت حا لت ها ی ا ضطرا ری وعا جل که‌توسط یک کا رمندطبی نیمه‌حرفوی، که ا ورا نندهٔ پیشین ترا کتوربود ، جریا ن ا موررا به‌پیش می

بردند. با فقدان کارمندان آزموده وآموزش دیده در بسا ازکلونیها وزندانها نارسائی ها وفقدان وسائل مخصوص طبی وموادلازم نیزباآن توأم است. ۱۹۷۳- گزارش غیر رسمی (سامیزدات) ازیک کلونی درمنطقه پرم (دراورال) چنین حکایت میکند:

مراقبتهای طبی درسطح پائین جریان دارد. اکثریت زندانیان دوران محکومیت شان راکه ازپانزده الی بیست وپنج سال باشدمی گذرانند، چه بسا ازآنها ازقرحه توبرکلوزوقلب شکایت دارند. یگانه بیمارستان شصت کیلومتردورترکه توسط یک وسیلهٔ نقلیهٔ بزرگ لاری برای سرکهای خیلی خراب صورت می گیرد. دورخانهٔ کمپ فاقد نیازهای لازمی درمانی وطبی است. زمانیکه یک زندانی بنام (میلیکیان) ازیک حملهٔ قرحه وزندانی دیگر (فیودوروف) به فلج اعضاء مصاب شد، اینها می بایستی ازمنطقه ساختمان وعمران بخاطرنبودن چپرکت مخصوص بیمار(ستر یچر) برروی تخته ها نقل داده شدند. نه کدام درمان و تداوی میسربودونه معاونتهای طبی برای آنها صورت گرفت. (چه ازآنجائیکه فیودوروف به متخصص بیمار عصبی نیازداشت ومیلیکیان به عمل جراحی فوری ضرورت داشت آنها حتی به بیمارستان منتقل نشدند. اما اگرحتی آنها به بیمارستان منتقل میشدند، کمک ومعاونتی برای آنها نمی شد، بخاطراین که بیمارستان با کارمندان کارآزموده ومتخصص مجهزنیست. چه بسا اززندانیان بیمارکه در شرایط فوق العاده دشواروخطرناک بیماری قرار دارند، رفتن به بیمارستان رابخاطراینکه بیمارستان به مثابهٔ

یک زندانی بیش نیست جدا طاقهای آن خیلی کوچک بمثابه سلولهای بسته‌شده، کلکین های آن جامدوسفت و تاریک است، نیازهای صحی نادیده‌گرفته‌شده‌است وبیماران از بیماری های رقابتی وساری شکایت دارندکه‌ازیک دیگر شان مجزا قرار داده‌نمی شوند. تشنابها وبدرفت ها نیز وجودندارد، صرف یک مستراح یا آبریزکه‌با سختی انسان میتواندروی آن بنشیند، مسافرت چنان خسته‌کن است‌که زندانیان بیماررا بیم آن میرودکه‌تا رسیدن به‌بیمارستان زنده‌بمانند.

زندانیان غالبا ازین شکایت دارندکه‌هران گونه وسائل وامکاناتیکه‌درکلونیها وجوددارد‌بعضا از آن ها سوءاستفاده‌به‌عمل می آیدوهمان ادویه‌ها ئیکه‌ازمیعاد ووقت آنها گذشته میباشدموردا ستعمال قرار می گیرد که سودمندواقع نمی شود.

یک مثال خوب درارابطه‌با بی کفایتی درامر استفاده ازوسائل درمانی درمورد (میخائیل بارتانتوک) یک زندانی عیسوی مذهب وابسته‌به‌گروه غسل تعمیددرناحیه بریست (Brest) بیلوروسیه میباشد. زمانیکه آقای (بارتانتوک) بسال ۱۹۷۰ داخل کلونی گردید، رسمابوی توضیح داده‌شدکه (بخاطرعلالت وناتوانی جسمی) از کار معاف است. دران زمان صحت وی جزازعدم توانائی مزمن وی(که‌خصلت وماهیت اصلی آن ازطرف مصئونیت بین المللی نیزشناخته‌نشده‌بود) خوب بود. صحت وی درشرایط واوضاع کلونی روبه‌وخامت گرائید، واوبخاطردرمان وتداوی فشارخون بلندوپرابلمهای قلبی بدکتورمراجعه

بمثابهٔ یک خطر بزرگ اجتماعی پیدا شته نشوند، اقدامات فشار اجتماعی علیه آنها مرعی الاجراء قرار خواهد گرفت.

مقطعی از پنج تن از تاریخ مختصر مرافعه و دعوا زندانیان وجدان ذیل اصلا درجهت توضیح پاره از استدلالهای تیپیک برای آن تعداد اشخاصیکه درنتیجهٔ آراء و نظریات سیاسی و مذهبی شان تحت بازداشت قرار گرفته اند درنظر گرفته شده است.

پاروئیرا یریکیان پاروئیرا یریکیان، متولد سال ۱۹۴۹، اصلا ارمنی، یکی از جمهوریتهای اتحادشوروی که بطرف جنوب کوههای قفقاز موقعیت دارد و با ترکیه و ایران هم سرحد است، درسالیان اخیر گروپهای حقوق مدنی و ملی دربین ارمنی ها بگونهٔ بین یکعده از سایر ملیتها دراتحادشوروی تبارز نمود.

درتابستان سال ۱۹۷۹ آقای (ا یریکیان، که در آن زمان بحیث یک محصل درانستیتوت پولی تخنیک (یریوان) درردیف پنج تن از ارمنی های جوانی قرار دارد که به اتهام سازوبرگ دهی یک سازمانی که هدف آن (ضدشوروی) بود و با توزیع نشرات (ضدشوروی) محکوم و زندانی گردید درجریان این محاکمات این گروه که مصادف به فبروری سال ۱۹۷۰ است، مدعی العموم چنین اتهاماتی را برای آن اقامه نمود که پنج تن آنها درجهت نشر و پخش اوراق تبلیغاتی دررابطه با خورده گیری و انتقاد از پالیسی شوروی پیرامون ملیتها و خواهان رویکار آوردن یک دولت آزاد و

کرد. درا وا خرسال ۱۹۷۳ با تا بلیتها وانجکشنها درمان وی صورت گرفت که نتایج آن فلج ضمنی وبطورکلی نیروی دیدش راازدست داد. بعدا به خانمش از طرف دکتوران چنین گفته شدکه چشم چپ وی هرگز بحال طبیعی برنخواهدگشت.

مصئونیت بین المللی وبقیه سازمانهای بین‌المللی وابسته به حقوق انسانی، به طورمنظم درخواستها وتقاضاهای ازوابستگان زندانیان دراتحادشوروی پیرامون فرستادن پزشکان بی طرف سیاسی درامرمعاینه زندانیان شوروی وکلونی های آن دریافت میدارندتقاضاهای بی شماری درامرارسال ادویه‌ها ووسائل درمانی بزندانیان خصوصا وسائل موردنیازمبرم آن ها بداین سازمان مواصلت کرده است.

هرگزچنین مواردی اتفاق نیفتاده است که یک پزشک ودا کترغیرروسی درجهت معاینه ویا درمان یک زندانی شوروی مجازشمرده شده باشد. غالبا این موضوع از طرف مقامات رسمی شوروی ازینکه دکتوران شوروی نیازبه معاونت وکمکهای حرفوی ازخارج ندارندتوضیح داده شده است. آنچه کمترقابل توضیح وتذکراست عبارت ازتکذیب ثابت وغیرقابل تغییرآنها درامرمجازشمردن وفرستادن وسائل درمانی به زندانیان بوده است.

تا سال ۱۹۶۶ برای فامیل وخانواده‌های زندانیان درامرفرستادن ویتامین ها وادویه‌هائیکه توسط دکتوران کلونی صلاحیت داده شده بودامکانات آن وجودداشت. همه اینها دراثنای مواصلت درجهت پیش گیری وممانعت از قاچاق ادویه مخدره تابع (سانسور) قرارگرفت، چه بسا از

ادویه‌هائیکه‌خوبترتشخیص گردیده‌بودتجویزگردید و از طرف خویشاوندان وو ابستگان بیماران فرستاده‌شدکه‌به‌بیماران نرسیده‌است .

به‌سال ۱۹۶۶ وارد‌کردن ادویه‌ودیگروسائل درمانی بطورکلی ممنوع قرارداده‌شد، هرکدام ازین ادویه‌ها که بعدازین مواصلت کردطبق سانسوربدون درنظرداشت تقاضاها توسط ماموریس وکارمندان طبی کلونی قدغن گردید

کمبودی ونارسائی کارمندان آن وفقدان تسهیلات لازم به‌درمان بهداشتی که‌بطورعموم ازطرف زندانیان گزارش داده‌شده‌است دال برضعف ونارسائی آن میکندمگر باآنهم، یک عامل عمده‌عبارت‌ازوضع برخوردآنها به نیازهای طبی زندانیان می باشد. این طرزتلقی و برخوردآنها چه‌غالباً یکی بی اعتنائی آنها ودرسطح کلونی یک خصومت ومخالفت علنی محسوب میشود .

طبق ماده ۳۷ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی بموضوع چنین اشاره‌میکند:

تعامل وجریان درجهت کمک ومعاونت های طبی و درمانی بدافرادیکه‌به‌سلب‌آزادی محکوم شده‌اند، کاربردواستفاده‌ازبهداشت عمومی، موسسات بهداشتی ودرمانی اجنسی ها ونام نویسی ها برای اینگونه مقاصد، کارمندان وعمله طبی ودرمانی ازطرف وزارت داخله اتحادجماهیرشوروی ووزارت صحت این کشورتعیین‌وتثبیت خواهدشد .

درعمل این موضوع مراجع تصمیم گیری کشوررا پیرامون مسائل طبی به‌وزارت داخله‌ومقامات اداری کار

تأ دیبی وا صلاحی محول میسا زد . عملیا ت روزمره خدما ت بهدا شتی کمپ ها نه تنها به مشکلات ونا رسا ئیها ی نا شی ا ز حیا ت کلونی وا بسته ا ست بلکه به برخوردوسلوک مقا ما ت ا دا ری بسوی خوا ستها ومطا لبا ت زندا نیا ن بخا طر درما ن ومعا لجهٔ طبی نیزمیبا شد .

ا زنگا ه تغا مل برا ی دیدن دا کتریک امرخیلی پیچیده ومغلقی ا ست . صف ها ی طولانی کشیدن ومنتظرنوبت بودن یک سیستم نا م نویسی بیروکرا تیک ، وضع شتا بزده وبرخوردورویهٔ بی رحما نه میبا شد . چه درین ا ثنا به بسیا ری ا فرا دوزندا نیا ن جهت ا ینکه ا ززیرکا ردربروندخودرا به نا خوشی میزنندکه کمی خودرا ا زکا رآسوده خا طرسا زند می توا ن برخورد . وا ین برجستگی ومترا کم پشت سرهم ا یستا- دن به خسا ره وزیا ن بیما را ن وا قعی می ا نجا مد . یک زندا نی بیما رکه صبحگا ها ن درردیف مردم منتظرنوبت می با شدنمی توا نددا کتررا قبل ا زوقت معینش که طبق آ ن،آ ن دا کترروزا نه بکا رآ غا زمی نما یدا زوی دیدن کند . ا گر بیما رنتوا ندکه کدا م پا رچه ویا برکهٔ ا زدا کترجهت مرخصی ا ش ا زکا ردریا فت کند ، ویا زما نیکه ا وتوسط ا فرا دوپر- سونل ها ی غیرحرفوی طبی(Feld Sher) دیده شدکه آنها فا قدچنین صلاحیت ومرخصی وی را ا زکا ردا رند ، ا ین زندا- نی بیما ردرردیف غیرحا ضرا ن محسوب میشودومگربا وجود ا ینکه بیما را ست نتا ئج وعوا قب نا مطلوبی درا نتظا ر وی خوا هدبود .

درربا بطه با موضوع گزا رشها ی که ا زدکتورا ن که وا قعا زندا نیا ن بیما ررا بطورکلی به شمول کسا نیکه خودرا به

ناخوشی زده‌اند موردد رمان ومداوا قرارمیدهند . رئیس یک کمیسیون طبی در (Perm) کلونی ۳۸۹ VS بزندانیان چنین خاطرنشان ساخت که (وظیفه وی درمان وتداوی نبوده است بلکه ناگزیرساختن آنها برای کاربوده است و در زمره کسانیکه در ردیف بیماران محسوب می شدند دگروال (کوزینتسوف) آنها را چنین رده بندی نمود (که شایسته کارانند) عبارت بودند از زندانیان نیکه اعضای بدن شان را بنا به عللی از دست داده بودند .

سفارشات دکتوران کلونی باید توافق نظر مقامات اداری را حاصل کند ، یا به عبارهٔ دیگر سفارشات واوامر دکتوران بگونهٔ اتوماتیک نمیتوانند جامهٔ عمل بپوشد مگر اینکه توافق نظرمقامات اداری را بخود جلب کند .

یک درخواست نامه ویا عریضه توسط یک داکتر برای مقدار ادویهٔ لازم ومعین باید تدارک دیده شود ،ویا سفارشات وی مبنی برتبدیل کاریک زندانی ازدشوار وسنگین به کار سبک وسهل ویا اینکه تبدیل یک زندانی از منطقهٔ سردومرطوب به یک منطقه گرم ومعتدل روی وجوهات طبی ، ممکن از طرف مقامات اداری کنار گذاشته شود .

مصئونیت بین المللی درین اواخر بگونهٔ مثال در این اواخر چنین درک کرده است که دراکتوبرسال ۱۹۷۴ — دکتوران دریک کمپ درنتیجهٔ کبرسن (دریوکرائین) به طورعاجل چنین تجویز نمودند که (الکزاندرفیلدمن) یهودی باید جهت معالجه وضع جگروی که خیلی وخیم پنداشته می شد کداین تجویز آنها توسط مقامات اداری روی یکسلسله وجوهات ازینکه وضع مزاجی (فیلدمن) آنقدرخطرناک و

وخیم نیست که انتقال وی را به بیمارستان غیر نظامی موء جه جلوه دهد ، فلهذا از طرف مقامات اداری کلونی رد شد .

البته در رابطه با موضوع از اینکه افراد و پرسونل های طبی در کلونی در شرایط و اوضاع خیلی دشواری قرار دارند طورشاید و باید مقامات اداری، چه بسیاری از آنها تا حد ممکن توانائی شان در تحت همان شرایط و اوضاع سعی به خرج میدهد ما با آنهم، یک سلسله نمونه های از بی اعتنائی صریح مقامات در رابطه با پزشکان و دکتوران کلونی گزارش داده شده است .

درمی ۱۹۷۴، درجریان یک اعتصاب غذائی دوامدار توسط زندانیان سیاسی در کلونی پرم (VS ۳۸۹/۳۵) تقاضای زندانیان که به اعتصاب غذا نپرداخته بودند جهت جلوگیری از مرگ زندانیان سیاسی باید بگونهٔ الزامی و تحمیلی وفشار غذا خورانده شوند . طبق ادعای جگرن (یا ـ رونین) داکتر کلونی (VS ۳۸۹/۳۵) دادن غذا بگونه الزامی و تحمیلی برمبنای علایم واثرات طبی، طورشاید و باید زمانیکه آنها بوی (استون را احساس کردند از سرگرفته خواهد شد) (چه در مرحلهٔ اعتصاب گرسنگی بشکل حادو مزمن جسم بوی استون را بخارج منتشر می سازد).

عین گزارشها از زندان ولادیمیر نیز رسیده است . به سال ۱۹۷۴، بوریس شیل کروت درضمن خاطرات توقیفش در زندان ولادیمیر بین مارچ ۱۹۷۱ وآگست ۱۹۷۲ چنین می نویسد :

بخاطراینکه درحالتهای عاجل واضطراری یک زندانی

اگر به داکتر ضرورت احساس کند باید ساعتها به درواز ه با یستد. من خاطرات یک (لاتویائی) را بخاطر دارم که او مصاب به انسداد روده بود. وی بخاطر درد و رنج زیاد در محل استراحتش برای چهار روز قبل از اینکه داخل بیمارستان زندان شود این پهلو و آن پهلو لول میخورد.

همچنین یکسلسله موارد دیگری هم بچشم میخورد که زندانیان بیمار بخاطر بی اعتنائی های درمانی حیات شانرا از دست داده اند. بگونهٔ مثال بسال ۱۹۶۹ رشید دین محمداوف ـ ۴۹ ساله بعد از مواصلتش در کلونی ۱۵ در موردو و یا شرائین وی پاره شد یا به عبارهٔ دیگر به بیماری تصلب شرائین مواجه گردید و از اینکه برای پنج ساعت متوالی به درمان وتداوم وی چندان توجهی مبذول نشد، قرار ادعای مأمور موظف خیلی دیرتر از وقت معین است که دکتور را درین اثنا احضار کرد. آقای (دین محمداوف) به خاطر ضایعات خون از بین رفت. ودر تابستان سال ۱۹۷۳ دگروال (کوزنتسوف) در پیرم کلونی (۳۸۹ VS) زندانی (کورکیس) را واجد و شایستهٔ کار رزیابی نمود، گرچه آقای (کورکیس) بخاطر وضع قرحه و علالت ناشی از آن کار نمی کرد. بعد از نخستین روز آغاز کار روبارش، آقای (کورکیس) تحت حملهٔ قرحه قرار گرفت و دگروال کوزنتسوف از درمان وی بخاطر (خرابی هوا و اوضاع جوی) خودداری نمود و آقای کورکیس درگذشت.

از مشهورترین آنها و از جملهٔ موارد آشکار که خیلی مستند جلوه میکند مرگ شاعر (یوری گالانسکوف) بخاطر عدم توجه مقامات درمانی وطبی منیباشد. آقای گالانسکوف به

سا ل ۱۹۷۸ درکلونی کا رتأ دیبی وا صلاحی بخا طردفا ع فعا-
لانه‌ا زنویسندگا ن(سن یاوسکی‌ودا نیل) به‌هفت سال زندا ن
محکوم شد . درا یا م سپری نمودن دورا ن زندا نی ا ش د ر
کلونی ۳۸۵/۱۷ ZHKH) درپوتما (درموردوویا)با لتها ب
ا ثنا عشرموا جه‌شد . مقا ما ت مسئول تجویزخورا ک مخصوص‌را
(که‌بگونه‌ٔ مثا ل عسل) ا زطرف خویشا وندا ن وی فرستا د ه
شده‌بود ، مجا زندا نستند . گذشته‌ا زا ن غذا یی که‌درزندا ن
بوی دا ده‌میشدبا وضع صحی وی سا زگا ری ندا شت وبه‌ضررآ ن
تما م میشد ، وا و نا گزیربودکه‌هشت سا عت روزا نه‌کا رکند .
مقا ما ت مسئول کا لونی به‌شکا یا ت ما درگا لانسکوف با تا-
ئیدا ین موضوع ا زینکه‌آ قا ی گا لانسکوف بیما رنیست بلکه
صرف به‌مثا به‌ٔ (یک ا وبا ش ا ست که‌ا زکا رشا نه‌خا لی میکنند)

طبق گفته‌ا لکسا ندرگینزبرگ ، رفیق (آ قا ی گا لا-
نسکوف) که‌وی هم دورا ن محکومیتش‌را درهما ن کلونی
سپری میکرد)که‌درکلونی صرف یک دا کتروجوددا شت ، ا ز
ا ینکه‌آ قا ی گا لانسکوف هرگزبسا ل ۱۹۷۲ تحت درما ن قرا ر
نگرفت . ا زا ینکه‌تحت عمل جرا حی قرا ردا ده‌نشود بخا طر
فقدا ن کفا یت دکتورا ن کلونی به‌ا ین ا مرتن درندا د . و
درضمن ا زسا زما نها ی بین ا لمللی درجهت کمک ها ی در-
ما نی وطبی تقا ضا نمودوچنین وا نمودکردکه‌ا میدوآ رزو-
یش را درا مردرما ن وتدا وی درکلونی ا زدست دا ده ا ست .
بتا ریخ ۱۸ ا کتوبر ، زما نیکه‌قرحه‌ٔ وی پا ره‌شد ، آ قا ی
گا لانسکوف روی آ ن تحت عمل جرا حی قرا رگرفت . عمل
جرا حی توسط دکتورا ن کلونی بعمل نیا مدبلکه توسط
رفقا ی زندا نی که‌آ موزش درما نی دیده‌بودندا ما تجا رب

عمل جراحی را نداشته اند.

بعد از عمل جراحی مقامات اداری حتی این شخص را که عمل جراحی انجام داده بود اجازه ندادند که از (گالانسکوف) دیدن کند و یا اینکه (گالانسکوف) را به یک بیمارستان غیرنظامی منتقل سازند.

زمانیکه سرانجام یک داکتر با کفایت از مسکو حاضر شد (که ۴۵۰ کیلومتر از مسکو فاصله دارد) خیلی بعد از وقت بود. و آقای گالانسکوف بتاریخ چهارم نومبر سال ۱۹۷۲. به عمر سه وسی سالگی درگذشت.

قانون شوروی چنین یک طرحی را در امر آزادی فوری زندانیان که بیماری آنها خطرناک پنداشته شود تهیه کرده است. ماده ۱۰۰ نظامنامه کار تأدیبی و اصلاحی ار اس اف اس ار (RSFSR) روی موضوع چنین روشنی می افگند:

متهمین و محکومین که آنها از بیماری خاد و مزمن دماغی ویا سایر بیماری های خطرناک که موانعی در امر ادامه دوران محکومیت باقیمانده برای آنان بوجود می آورد، می توانند توسط یک محکمه از دوران محکومیت باقیمانده آنها صرفنظر شده و آزاد شوند طرز العمل و تعامل در امر آزادسازی اینگونه افراد از سپری نمودن دوران محکومیت اضافی در نتیجه قانون گذاری اتحاد شوروی و (اراس اف اس ار) توضیح داده شده است. یک درخواست در امر رهائی و آزادساختن اینگونه افراد جهت سپری نمودن دوران محکومیت بیشتر توسط رئیس ویا سرپرست این اداره با اعمال مجازات به محکمه ارجاع شود. توأم با این درخواست نامه نتیجه گیری کمیسیون طبی و دوسیه

شخص فردمتهم به محکمه راجع خواهد شد.

درنتیجهٔ پرسش وبررسی از (دوسیه شخصی) زندانی، این ماده مجال وفرصت های را به یکسلسله مطالعات وفکتور های انفسی یا درونی بگونهٔ مثال (سلوک وورویهٔ) زندانی ویا وضع برخوردوی باکاردرضمن تصمیم که آیا میتوان زندانی که به بیماری شدید مبتلا است آزاد شود، گذاشته است. فلهذا، ماده ۱۰۰ به مثابهٔ یک کل اولویت را به وضع آفاقی و عینی صحت یک زندانی متوجه میسازدو چنین خواهدنمودکه یک سلسله امکانات واقعی را درامر درمان وتداوی بیشترزندانیان بیمار عرضه نماید.

مگرباآنهم، علیرغم یک تعداد بیشترزندانیان که شایسته وسزاوارآن اندکه بیش از پیش دراسرع وقت مطابق به مادهٔ ۱۰۰ آزادگردند، اما این ماده کاملا درعمل نادیده گرفته شده است. هیچ زندانی که روی وجوهات درمانی آزاد شده باشد مورد پذیرش مصئونیت بین المللی قرار نگرفته است. وما کدام موارددیگری ازرهائی زندانیان وجدان را تحت ماده های ماده ۱۰۰ صدم استماع نکرده ایم.

اما باآنهم، درظاهرامر، این ماده است که درموارد مختلف ردوبدل های زندانیان سیاسی ناگوار وخطرناک به بیمارستانهای روانی روی ملحوظات (بیماری اعصاب) قرارادعای خودآنها ازین ماده استمداد وکمک خواسته اند ازینکونه زندانیان یکی هم (یوری بیلوف) است که بسال ۱۹۶۷ بجرم دست داشتن به تحریریک مقاله پیرامون (گزارش واطلاعات ازتاریکی) که بگونهٔ محرمانه و خارج

ازتسلط وکنترول دولت برشتهٔ تحریردرآمده بودبرای پنج سال زندان محکوم گردید. بسال ۱۹۷۰ اوازیک کلونی بهزندان ولادیمیرمنتقل گردید، درظاهرامربخاطر ملاحظات نظم ودسپلین میباشد. درخزان سال ۱۹۷۱، جریانات نوین جنائی(بخاطرتحریکات ضدشوروی) طبق ادعای آنها درداخل زندان ادامهداشت برعلیهوی اقامهگردید. مگرباوجودآن، دردسمبرسال ۱۹۷۱ وی به (انستیتوت سیربسکی) دربیمارستان روان پزشکی دادگاهدرمسکو جهت معاینات روان پزشکی فرستادهشد. کهبالنتیجهبمثابهٔ یک شخص مصاب به (بیماری روانی)تشخیص شدودرمی ۱۹۷۲ اززندان ولادیمیربهیک بیمارستان ویژهروان پزشکی در (ذی چ یووگا (Sychyovka) درناحیهٔ سمولینسک منتقل گردید. طبق تشریح وقایع وجریانات اخیر سرطبیب انستیتوت به (بی لوف) گفت (ما تا زمان دگرگونی اندیشهها ونظریاتش وی را تحت درمان خواهیم داشت.)

زندانی دیگرکهمادهٔ ۱۰۰ صدم بهخسارهوضرر وی تمام شدهاست عبارت است از (الجیرداس ذی پر) آقای (ذی پر) اهل لتوانیا بسال ۱۹۴۴ بایک دستهازپارتیزان های لتوانیائی پیوست . زمانیکهقوای جرمنی وشوروی درامرتسلط وحاکمیت برجمهوری های بالتیک بهنبردپرداختهبودند، کهدرآن آوان وی چهاردهسالهبود، و او بخاطرملحق شدن بهنیروی پارتیزانی کهازهردوجانب باروحیهواحساسات ملی وازجانب دیگربا درنظرداشت این واقعیت کهمادروی بسال ۱۹۴۴ بهسایبریا درکلونی و یا کارتهٔ زندان روی ملحوظات داشتن یک فارم یا مزرعه

مستقل ارمنیها بوده اند. کلیه متهمین بعنوان مقصر شناخته شده و محکوم به حبس گردیدند. طوریکه رهبر ادعا شده این دسته، آقای (ایریکیان) به محکومیت شدیدتری مواجه گردیده است، چهار سال بازداشت درشرایط ورژیم خیلی ناگوار و شدید کلونی کارگران تأدیبی و اصلاحی برای وی مرعی الاجراء شناخته شد. زمانیکه وی دوران محکومیتش را درکلونی یا کارته (موردوی Mordovia) سپری می نمود، آقای (ایریکیان) درزمرهٔ نه تن اززندانیانی قرارداشت که یک عریضهٔ دسته جمعی را عنوانی صلیب سرخ بین المللی پیرامون شرایط و اوضاع بازداشت شان امضاء نمود.

آقای ایریکیان درتابستان سال ۱۹۷۴ از زندان آزاد گردید و درد سمبر همان سال او درارابطه با تلاش هایش جهت اشتراک وسهمگیری وی درجریان محاکمه دو تن از رفقایش دوباره تحت بازداشت قرارگرفت. او بعنوان متخلف از قوانین ودستورالعمل هائیکه جنبش و نهضت زندانیان آزادشده را محدود میسازد محکوم گردید و در اوایل سال ۱۹۷۴ محکمه (Prey Wan) وی را بدو سال زندان محکوم ساخت (طبق یک گزارش این محکومیت وی یکسال بوده) آقای (ایریکیان) یکراست جهت گذراندن محکومیتش فرستاده نشدا ما وی تحت تحقیق ومراقبت محبس کا.جی.بی قرارداده شد، او سرانجام (به تبلیغات وآشوب ضدشوروی) متهم وسهمگیری وی در (یک سازمان ضدشوروی) جهت محاکمه وی را درمحکمهٔ دادگاه عالی ارمنیا بتاریخ ۲۲ اکتوبر ۱۹۷۴ حاضرساختند.

منتقل شده بود .

بسال ۱۹۵۸، فعالیتهای سابق پارتیزانی آقای (ذی پری) کشف و وی برای بیست و پنج سال بزندان محکوم گردید. با گذشت یک مدت زمان کوتاه و بنیا بعدا زآن نظام نامهٔ نوین جنائی به صحنهٔ عمل پیاده شد که مدت نهائی زندان را به پانزده سال رساند.

بسال ۱۹۷۳ با گذشتاندن پانزده سال دوران محکومیت و زندانی، آقای (ذی پر) درخواست نامه را درجهت آزادی اش تقدیم مقامات قانونی نمود. درخواست نامه های وی درتابستان سال ۱۹۷۳ موردپذیرش مقامات قرار نگرفت. زمانیکه درتلاشها و مساعی اش درامر حصول نجات ورهائی از زندان پافشاری بخرج میداد، درسپتمبرسال ۱۹۷۳ وی راازکلونی پرم (Perm)VS۳۸۹/۳۶ با نستیتوت (سیربسکی) ماسکوجهت تشخیص بیماری روانی منتقل ساخته شد. (طبق یک سندغیررسمی و غیروابسته به دولت اما محرمانه، آقای ذي پردرمرحلهٔ نخست توسط روان پزشکان محلی که درسیستم کارتأ دیبی و اصلاحی استخدام شده بودند بودندتشخیص گردید). وبسال ۱۹۷۴ آقای ذی پراز مسکو به یک اطاق دربیمارستان روان پزشکی درکلونی ۳۸۵/۳-ZHKH کارتأ دیبی و اصلاحی موردوویا منتقل گردید. قرار اظهارروا بستگان وخانوادهٔ وی، اوهنوزتحت تداوی قرار دارد.

کیفیت وخصلت تسهیلات طبی که برای زندانیان شوروی تدارک دیده شده است ازمسیرهای قانونی ازینکه بایدزندانیان ازکلیه امکانات درمانی طبی استفاده کنند

بگونهٔ صریح انحراف کرده است . حتی بیشتر از نتناقض با ادعا های دارکه پالیسی جزائی شوروی تحمیل رنج و تکالیف را به زندانیان بحدنهائی اش تخفیف دهد . که این موضوع قسما به حذف کردن آن انجامیده است .کمبودی تسهیلات وپرسونل های کارآزموده وقسما توسط کمیسیون ازینکه بدنیازهای واقعی طبی بسیاری زندانیان توجه عمیق وجدی نشان داد، بی میل به مشاهده میرسد . بی اعتنائی های طبی توأم با گرسنگی حادومزمن وتوأم با کاراضافی وسپردن کارها وجریان اموربه موءسسات جزائی شوروی با کرکترونقش بیشترتنبیهی نسبت به اینکه توسط هرستاندارد ومعیار موءجه وانمودگردد، جاداده می شود . اعلامیه های بلندپروازانهٔ راکه توسط مقامات شوروی سر براداخته شده بحال خودتنها بگذارید .

اصلاح زندانیان

قانون کارتأدیبی واصلاحی اتحاد شوروی وکلیه نشرات رسمی پذیرفته شده روی این موضوع ازینکه درسیستم جزائی وکیفری اتحادشوروی پرنسیپهای دخالت داردوتحت بازداشت قرارگرفتن بگونهٔ که دارای هدف ومنظورخاصی است که عبارت است ازاصلاح زندانی ، تأکیدوپافشاری می نمایند .

این پرنسیپ ازنگاه تصوروخیال بشردوستانه جلوه می نماید . اگراین موضوع بادقت ومحتاطانه مطابق با قوانین تطبیق وتفسیرنگرددبا وجودمتناقض بودن آن دارای یک خطرقابل ملاحظهٔ برای زندانیان میباشد .

بگونهٔ که درفوق نشان داده شده است ، قانون کار

تأدیبی واصلاحی شوروی دارای اختیاروحق انتخاب این نظریه از اینکه رفورم واصلاح زندانیان نه تنها پیشگیری از ارتکاب مجدد به جرائم توسط یک زندانی (ریسی دیویسم) میباشد اما درجهت تغییرودگرگونی وجدان زندانی بینش ودید اخلاقی وی، پیوند وارتباط وی با سایر همنوعان وطرز تلقی وبرداشت وی ازکار، از نگاه تئوری، پی ریزی چنین هدف عالی نیاز مند آنست که هر زندانی بشکل وطرز جامع تحت مطالعهٔ مقامات زندان باید قرار گیرند فلهذا روی این مرام (یک برنامهٔ مشخص ومنحصر بفرد) جهت اعادهٔ حیثیت وآبروی وی طرح ریزی شود. درعمل، دستورو حکم جهت بررسي ومطالعه دقیق هریک از زندانی توسط مقامات مسئول زندان، صلاحیت گسترده تری را درامر جستجوو کاوش تقصیروخطا ها دررابطه با سلوک زندانی وتحمیل مجازات و یا اعمال یکسلسله محدودیت های بیشتر علیه آنها، در دسترس آنان قرار خواهد داد.

تبصره نوین روی آئین نامهٔ کار تأدیبی واصلاحی از اساس، کاربرد اقدامات وتدابیر مایهٔ تشویق و مجازات بمثابهٔ یکی از مشاغل وکاروبار اداری در امر اداره وسر برا ه انداختن تعلیم منحصر بفرد ومشخص با زندانیان را حاشیه دار میکند.

مصئونیت بین المللی هرگز به چنین موارد (مایهٔ دلگرمی وتشویق) که درجهت منفعت رساندن به وجدان زندانی باشد برنخورده است.

این (پروگرام منحصر بفرد) از طرف زندانی بر مبنای داوطلبانه خارج از قلمرو فهم ودرک آن که نیاز به یک اصلاح

وریفورم عمیقانه‌داردقابل پذیرش نمی باشد.
برای زندانیان (تأدیب وتجدیدتعلیم وآموزش) الزامی است، واوحتما این (برنامه‌ویروگرام) راکه‌ازطرف کمپ ویامقامات اداری زندان تدارک دیده‌شده‌است می پذیرد.
ظاهراخطربروزانگیزه‌های ارادی واختیاری در چنین قلمروزیاداست. حتی مقامات اداری زندان که بیشتربرمبنای عواطف بشردوستانه‌ونوع پرستانه متکی باشددرزمینهٔ ارزیابی وبررسی نیازهای زندانیان در جهت اصلاحات وطرح ریزی (برنامه) درانجام و بسر رساندن چنین نیازها مواجه‌باشتباه‌ولغزش میشوند.
خطرتصامیم وفیصله‌ها طبق میل واراده‌ٔ خوددرچنین مواردخصوصا خیلی بیشترمحسوس است، طوریکه‌رسما " در زمینهٔ موضوع اظهارشده‌است، توقع آن نمی رودکه‌مقامات اداری زندان وکمپ درین مکلفیت مغلق وپیچیده با درنظرداشت قوانین ونظام نامه‌های مجردوخشک زنجیر پیچ محصورساخته‌شوند. فلهذا این مقامات اداری درامر اخذتصامیم وفیصله‌که‌جسان (به‌اصلاح وتجدیدآموزش)زندانیان تحت کنترول آنها پرداخت تایک اندازه‌زیاد از مهلت برخوردارانند.
طوریکه‌بیشترازانچه‌درین گزارش فوق نوشته‌شده است، مقامات اداری ام وی دی وزارت امورداخله مؤسسات کارتأدیبی واصلاحی اتحادشوروی با پرنسیپهای عالی، قضاوت ودسپلین ازخوددرامرحصول ودسترسی به آرمان واهداف بشردوستانه‌توسط قانون جزائی وتیوری اتحادشوروی پی ریزی گردیده‌لازمی وضروری میباشد،

مشخص نشده اند . یک مطالعهٔ مواد ونشریه روی اوضاع و شرایط زندان شوروی که قابل حصول ودسترسی است یک خاطره واننتباه روشنی را بجا می گذارد که هدف آن اعادهٔ حیثیت زندانیان چه از طرف مقامات اداری یا زندانیان جدی گرفته نشده است . هدف اعادهٔ حیثیت زندانیان به گونهٔ کلی درامرادارهٔ کلونی ها وزندانها با درنظرداشت امنیت ودرنتیجهٔ اصل (تنبیهی ومجازات) بگونهٔ برازنده ومهم تبارزکرده است . زندانیان سیاسی خصوصا بطورغیر رسمی درا٠مردرک موضوع ازینکه مسئله چنین است درجریان امرقرار می گیرند . بگونهٔ مثال، دررژیم بخصوص موردو ویا درکلونی ZHKH ۳۸۵/۱ کپتان ویا تولی مشرکا ،جی، بی کوچیتکوف بسال ۱۹۷۱ به ادوردکوزنتسوف چنین گفت :

شما مطابق احکام خاص دراینجا قرارگرفته اید ، این یک موٴسسهٔ تأدیبی واصلاحی نیست بلکه یک موٴسسه تنبیهی وتأدیبی است . وظیفه ما رام ساختن شما است ،تازمانیکه شما به مثابهٔ مچ بنددستهای ما قرارگیرید ـ شمامیدانید؟

فلهذا تیوری نیزازواقعیت فاصله گرفته است ازینکه درهیچیک ازاسناد غیررسمی ومحرمانه که ازکمپها ی شوروی وزندانها ی آن منشأ می گیردومقامات زندان آنراانجام میدهندحتی زندانیان با تبعیت ازتیوری ازینکه زندانیان می بایستی(اعاده حیثیت شوند) نداهای سرمیدهند چنین می نمایدکه زندانیان تیوری را به مثابهٔ (یک پدیدهٔ واهی وتخیلی) می پندارندوبااشاره وحکایت ازآن خودشانرا پیرامون سوٴاستفاده ها ئیکه توسط اداره چیان درلباس (تادیب واصلاح وتجدیدآموزش) زندانیان سر می

زندمحدودمیسا زند .

طبق ماده ۷ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی اتحادجماهیرشوروی وجمهوریتهای متحد ،دررابطه با موضوع چهاروسائل اساسی وبنیادی درامر (تأدیب و تجدیدآموزش) زندانیان وجوددارد .

ـ رژیم گذراندن دوران محکومیت.

ـ کاریکه ازنگاه اجتماعی سودمندومفیدباشدیابه عباره دیگرکارا جتماعی سودمندومفید .

ـ کارسیاسی وآموزشی .

ـ رهنمودها وهدایات حرفوی ومسلکی.

نخستین اینگونه وسائل(اصلاح زندانیان)برمبنای پرنسیپی استوار است که (مجازات) دراصل خوددر جهت تجدیدآموزش زندانیان درنتیجهٔ مشق وتمرین به مثابهٔ یک تأثیربازدارنده ومانع برآنها درمی آید .این عملیه درفوق که ازان روی پهلوهای مهم آن بحث بعمل آمد ، رژیم گرسنگی است ـ سه وسائل اخیرالذکررفوزم واصلاحات صرف ازنگاه فرضی وتیوری که عاری ازهریک ازکیفرو دردورنج برزندانیان است .

کار طبق قانون(هریک ازافراد متهم ومجرم باید کارکنند) جائیکه برای زندانیان خصوصا جهت کارآنان درقانون کارتأدیبی واصلاحی شوروی وتیوری آن عبارت ازآن چیزی است خصوصا قدرومنزلت کاربصورت عمومی توسط دکتورین مارکسیست ، لیننیست دویک بخش جداگانه روی آن توضیحات داده شده است .

کارعبارت ازوسیله ویا ذریعهٔ آموزش برای مردم است که بر مبنای سهمگیری اجتماعی کارسودمند و مفید فورمول بندی میشود که عبارت است از سایکالوجی یک رحمتکش، احساس دوستانه وکولکتولیسم- در جریان کار خصلتها وکیفیتهای مفیدوسودمنداجتماعی یک انسان قالب ریزی میشود. همچنین درنتیجه کاربرد کارسودمند و مفیداجتماعی رفورم واصلاح افرادمجرم ومقصرنیزسبا ز و برگ می گیرد بخاطرتحقق همین مرام آئین نامه کارتأ- دیبی واصلاحی اراس اف اس ار RSFSR چنین تصریح می کند:

تولیدوفعالیت اقتصادی موٴسسات کارتأدیبی و اصلاحی بایدتابع وظائف ومکلفیت های اساسی گردند- تنبیه واصلاح وتجدیدآموزش افرادمقصرومجرم.

امابا آنهم، تقبل وتعهدزندانیان درجهت کارکر- دن توسط یک اصل دیگری توضیح گردیده است-(بدین معنی کسیکه کارنمی کند، نبایدوی چیزی بخورد) مفهوم آن چنین است که تاانداز ه وحدممکن، زندانیان در نتیجه تولیدیت ومطلوبیت شان درادای حفظ ومراقبت اززندان شان چیزی بپردازند، یا به عبارهٔ دیگرحاصلهٔ کارشان را درادای حفظ ومراقبت اززندان قراردهند. این اصل خود شایدوبایدبه کلیه رده بندیهای افرادعلیل وناتوان و افرادیکه بسن قانونی بازنشستگی تصادف می کنندرانیز دربرمی گیرد.

آئین نامه کارتأدیبی واصلاحی اراس اف اس ار (ازماده ۳۷ الی ۴۲) شرایط ومقرراتی راارائه

میکندکه‌تحت آنگونه‌شرایط زندانیان با یدکار کنند. مگر با آنهم، تبصره‌ایکه‌درین اوا خر پیرامون نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحادجماهیرشوروی و جمهوریتهای متحدآن چنین میرساندکه‌اینگونه‌قوانین و نظامنامه‌ها صرف عموم بودن آن ازنگاه‌خصلت آن میباشد

تفصیلات ویژهٔ کارزندانیان ازطرف هرموٴسسهٔ اداری کارتأدیبی واصلاحی وضع گردیده‌است. درعمل، کار زندانیان به‌هیچوجه‌آنان رادرامردرک ازشعوروو جدان آنها ویا (اصلاحات‌ورفورم) درارابطه‌باآنان طوریکه‌تیوری کارتأدیبی واصلاحی ازآن یادآوری میکند، نمی باشد.

کارزندانیان نوعی ازشکنجه‌میباشد، واقعیتیکه توسط روزنامه‌شوروی (قزاقستانسکایا پراودا) موٴرخ ۱۴ مارچ ۱۹۷۳ درضمن اشاره‌ٔانگشت‌شماربطورعمومی پیرامون کارمجرمین ومحکومین چنین اعتراف نمود:

کاریکه‌توسط زندانیان به‌پیش برده‌میشوداصلاکار دشوار نیست ونارم های حاصلهٔ آن بیش ازحدمیباشد. اما درینجا چیزی وجودنداردکه‌دربارهٔ آن کدام اقدامی صورت گیرد. کلونی کارمحل رهایش واستراحت نمیتوانند باشد. این محل درجهت کاربردواعمال مجازات است ــ درینجا الزامی است که‌هرکس کارکندکاریکه‌خم به ابرو درنیارود، ولوکه‌پیشانی وجبین وی مملوباعرق باشد.

زندانیان کاروباروومشاغل متنوع راچه‌در داخل کلونی وچه‌خارج ازان انجام میدهند. کاراجباری والزامی ویابه‌عبارهٔ دیگرکارگران که‌ناگزیراندکارکنند که به‌پیمانهٔ گسترده‌تراین کارگران درساختمان منازل در

نقاط دورافتاده کشورکه درآنجا جذب اینگونه کارگران بدین پیمانه مصرف گزافی راایجاب مینماید، کلیه اشکال کاروبار وفعالیت آنها اجباری است زندانیانیکه فاقد ... را ندوکاری از آنها ساخته نیست جیره بندی مواد غذائی آنها ناچیزوکم وبدون مزد است . تیپ وروندکار یکه باید یک مجرم ویا محکوم موظف به آن است به کدام حرفه خاص ویا هرنوع ازمهارتهای راکه وی بدان منسوب بود ندارد، بلکه امکانات تدارک دیده شده وآنچه را رژیم در محکومیت آن درج کرده میباشد بطورعموم هرگونه رژیم خشن ودشوار وشدید باشدکار آن سنگین تر، ناگوار و خطرناکتر میباشد .

یک زندانی که دوران محکومیتش را دریک رژیم معمولی می گذراند درداخل کلونی کارهای مثل (خیاطی) نه آنقدرکارخطرناک وپر مشقت وکاروبار ورکشاپ (چون نجاری وکارهای فلزی) میباشد . اعضای پخت وپزآشپزخانه، پاره ازمحافظین، محافظین گدام ومحافظین پاسبانان کتب ویا کتابدارها ازبین زندانیان جنائی که دوران محکومیت شانرا دررژیم عادی که جرم آنها آنقدر خطرناک نمی باشد استخدام میشوند . زندانیان به طور آزادانه درمحیط کلونی درجریان کاروبار ومشاغل شان میتوانند فعالیت کنند .

زندانیان تحت شرایط رژیم دشوار غالبا درورکشاپ های بزرگ ویا کارخانجات که جهت ساختن موبل وفرنیچر پولش ورنگ آمیزی سیتهای رادیوتلویزیون ، ترتیب و تنظیم سامان ووسائل برقی، لفافه های طباعتی و یا

محفظه‌ها ی مقوا ی نا زک ، مصروف کا روبا را ند .
زندا نی تحت شرا یط رژیم دشوا روسخت (که ا کثریت آ نها را زندا نیا ن سیا سی تشکیل میدهدشا مل ا ین رده بندی قرا رمی گیرند) یا یدکا رها ی سنگین جسمی را نیز بسررسا نندچو ن تمدیدلین فا ضل آ ب ، سا ختن سرک ها ، چوب بریدن، قطع ا شجا رویا کا روبا ردرفا بریکه‌ها جا ئیکه آ لودگی هوا به‌صحت وسلامتی جسمی مضرتما م میشودوشرایط پرسروصدا وبا هیا هوکه‌با عث برهم خوردن نظم وتعا د ل جسمی وروا نی میشود .
رژیم مخصوص (که‌یک ا مرمعمول برا ی زندا نیا ن وجدا ن میبا شد) که‌مستلزم کا رجسمی، معمولا ونها یتا با خصلت ا صرا زآ میزش ا زمعدن درآ وردن، آ با دوا صلاح کرد ن ا را ضی مردا بی وبا طلاقی، حفرسنگریزه‌ها ، به‌شکل کنده درآ وردن خشت سا زی، وسا ختما ن ا بنیه‌به‌پیما نه‌گسترده، کا رخا نجا ت کیمیا وی، بگونهٔ مثا ل شا مل آ ن میبا شد .
ا لبته‌کا رها تحت یک نظم ودسپلین خا ص محا فظین ا نجا م می یا بدوزندا نیا ن توسط وسا یط نقلیهٔ که‌با محا فظین مسلح وسگها توأ م ا ست گا هی چنین ا تفا ق می ا فتد که فا صلهٔ چهل ا لی پنجا ه‌کیلومترهرروزرا ه‌می پیما ید .
طبق ما ده ۳۷ ا را س ا ف ا س ا ر RSFSR آ ئین نا مهٔ کا رتأ دیبی وا صلاحی زندا نیا ن به‌کا ریکه‌به‌عهدهٔ آ ن ها سپرده‌میشود (با درنظردا شت قا بلیت کا رآ نها میبا شد) تبصره ا یکه‌درین ا وا خروی آ ن صورت گرفته‌چنین بموضوع روشنی می ا فکند :
درنظردا شت قا بلیت وظرفیت کا ربرا ی مقصرین و

طبق یک گزارش مجهول (سازمان مجاهدین خلق)

ویا شب نامه و نشرات محرمانه که خارج از کنترول دولت است در اثنای محاکمه، مدعی العموم یک نامه را که توسط آقای (ایریکیان) درجریان محاکمهٔ قبلی وی به رشتهٔ تحریر درآمده بود و صرف توسط دفتر سانسور وزارت امور داخله مورد مطالعه قرار گرفته بود که سرانجام آن را مصادره کرده بود بعنوان شهود به پیش کشید. همچنین مدعی العموم برقراری رابطهٔ آقای (ایریکیان) را با خارجی ها نیز یادآور شد. در بیانیهٔ نهائی اش به محکمه، آقای (ایریکیان) هرنوع فعالیتهای سازمانی اش را در اثنای دورهٔ کوتاه آزادی اش انکار نمود. او اظهار داشت: کارمندان (کا، جي، بي) بمن چنین اظهار داشتند که بنحوی از انحا آنها مراقب من خواهند بود، از اینکه آنها به سراغ راهی برخواهند آمد که از آن وقت از من دست بر می داشتند، وطبق ادعای آنها، صرف موجودیتم در بین رفقایم یک تأثیر تحریکی والهامی برای آنها داشته. آقای (ایریکیان) اعتراض نمود که وی نه بخاطر فعالیت هایش به محاکمه کشانده شده بلکه بخاطر اندیشه ها ونظریاتش

آقای (ایریکیان) دریک محیط ورژیم سختگیرانه کالونی کارگران تأدیبی واصلاحی به هفت سال زندانی محکوم گردید که به تعقیب آن سه سال دوران تبعید را نیز بگذراند.

مجرمین یک امر الزامی برای مقامات اداری پنداشته می شود .... یک ظرفیت کار ناکافی وحتی بیشتر از آن، بستن مالیات سنگین برکار که نه تربیه آمیز است ونه مطابقت به اهداف ومفاهیم اقتصادی کار دارد ونه از نگاه ملاحظات صحی بجا ومعقول به نظر می آید . قرار دادن محکومین و مقصرین در زیر بار سنگین مالیات از اینکه اعمال مجازات به مثابهء یک هدف تحمیل دردورنج جسمی ندارد با قانون متناقض خواهد بود .

مگر با آنهم ظرفیت کار زندانیان به پیمانه وسیع درجهت موءظف ساختن کار ونارم های تولیدی به زندانیان نادیده گرفته شده است چه اغلب اوقات چنین گزارش داده شده است که حتی معلولین ویا افرادیکه شدیدا به بیماری مواجه بودند مکلفیت بکار جسمی بیشتر اند بیانیهء ذیل در اثر درخواست وتقاضای که از طرف نشریهء غیررسمی ومحر- مانه عنوانی هلال احمر بین المللی توسط یک دسته از زندانیان سیاسی درکلونی موردوویا به سال ۱۹۷۱ اظهار شده مهیا شد .

بگونهء مثال، ۴۸۰ زندانی درکمپ ۱۳۴ ۳/۱ را معلولین گروپ دوم تشکیل میداد ، درحالیکه ۱۰۸ تن آن ها را معلولین گروپ سوم تشکیل میداد که آنها را عموما افراد مسن که بیست وپنج سال دوران محکومیت شان را تکمیل کرده باشند که به گونهء حیرت انگیز از سیاچال (ور- کوتا ، مگادین ونورلسک) نجات یافته اند . چه بسا از آن ها درجنبشهای ملی اشتراک کرده اند وجرأت آنرا داشته اند که در برابر پالیسی ملی حزب ، که در بسا از مناطق با

بی رحمی هرچه بیشترا عما ل میشدمقا ومت بخرج دهند .

درنتیجهٔ خوف هریک ا زا نتقا دممکن وا ختما لـــی ، رنج ومصیبت وگرسنگی نها ئي آ نها بسوی ورکشا پ ها (در ا مربهره بردا ری ا زظرفیت وقا بلیت با قیما نده آ نها)سوق دا ده میشوند ، طبق ا ظها رمطلب یک ما موردر ، دوبرووولاگه کپتا ن(سوچ کوف) که یک شخص عیب جووبدگما ن ا ست .

جسم علیل ونا توا ن مسن درما نده وکوفتهٔ آ نها نمی توا ندما یهٔ تولیدا ت بیشتربا شد . گا هی چنین نیزا تفاق می ا فتدکه مردم برسرجا ی کا رشا ن می ا فتندومی میر ند صرف کسا نیکه کا ملا علیل ونا توا ن ا ندبحا ل خودگذا شته میشوند . ا فرا دیکه به ندرت می توا نندتوسط عصا جوب این سووآ نسوحرکت کنند .

طبق قا نون، زندا نیا ن کلیه رژیمها با ید بیش ا ز هشت سا عت درروزکا رنکندکا رروزا نه هشت سا عت تعین شده ا ست . عموما ا ین نا رم قا بل ا حترا م ا ست ، گرجه طبق گزا رشیکه ا زندا نیا ن سا بق به نشررسیده چنین حا کي است که کا ربعضا به ٩-١٠ ا لی ١٢ سا عت برا ی سه جها ر روز سر حسب تصا دف دریک هفته طبق برنا مهٔ تولیدی درکلونـــی ا ین کا رها ا دا مه دا شت . سا عا ت کا را زهشت صبح آ غا ز تا چها رونیم عصر (شفت ا ول) وا زچها ربعدا زظهرتا دوا زده و نیم بعدا زظهر (که شفت دوم) با نیم سا عت وقفه برا ی نان پیشین وشا م میبا شدروزیک شنبه ویا روزدیگرهفته ر و ز تعطیل مبیا شد . دربعضی جا ها روزها ی یک شنبه روزتعطیل هفته میبا شد . پروژه ها ی سا ختما نی بزرگ بطورعموم همه وقت دا را ی یک برنا مه میبا شند ، یعنی هروقت فعا لیت

دارند. درمورد بسا از سایر تیپهای کارگران مقصر، بطور معمول یک نارم مشخص دیگری نیز وجود دارد که باید بسر رسانده شود. این نارم های بلند پرواز انه با زندانیانی که علیرغم نا آشنائی وفاقد کفایت کار آنها در برابر این مشاغل طور شاید و باید در انجام و تکمیل آن موظف و مکلف اند.

طبق گزارش زندانیان، تعداد و تسلسل نارم ها به گونهٔ مستمر روبه افزایش می رود و میزان وجوه قابل تادیه یا مزد برای کارهای خورد و ریز کاهش یافته است. یک زندانی که مدتی را به سال ۱۹۶۰ درسه کلونی موردوویا سپری کرده بود چنین گزارش داد که در جریان یکنیم سال نارم برای صیقلی ساختن وجلا دار کردن سیتهای تلویزیون از چهار الی چهار رده در یک شفت هشت ساعته بالا رفت. درهر جا پنجا ودو را دیومی بایستی صیقل وجلا دار ساخته میشد و شصت و پنج جوره دستکش که جای چهار انگشت را با هم وجای شصت را جدا گانه دارد، در یک شفت ویا نوبت مشابه دوخته میشد.

برعکس (یوری گندلر) چنین گزارش داده است که نارم کنگره دار کردن ۳۶۰ محفظه های چوبی برای ساعت، گرچه در بدو مراحل خیلی خسته کن جلوه می نمود، به مرور ایام طبق معمول وتمرین ومشق او به آسانی میتوانست مقدار مورد نیاز را در چهار ساعت (نیمهٔ نوبت یا شفت) تولید کند واز این رهگذر بتواند مدرک هنگفتی برای خود به دست آورد.

اخلاقیات کلونی، با آنهم، خصوصا در بین زندانیان

مقصر ، با ترشروئی ومخالفت بخاطر قبل از وقت انجام دادن وبه تکمیل رساندن بیش از پنج فیصد حتی زمان که این کار به آسانی ممکن بود ، گذشته از تحایف وانعامات تولیدی، بخشها ویا تقسیمات فوق العاده صابون، تخفیف ویا کاهش زیادد در مقابل خرید اجناس موردنیاز از فروشگاه ومغازه داخل کلونی وپارسل ها وامثال آن (رئیس پلات نیک) یک کتابدار یک دوسال را دریک کلونی در ناحیه دنی پروپتروسک دریوکرائین بعد از اینکه متهم به (تحریکات ضد شوروی) بسال ۱۹۷۱ گردید، چنین گزارش میدهد که در رژیم معمولی کلونی وی، پرداخت اجوره یک روبل و پنجاه کوپیک معادل (هشتاد و هفت پنس سترلنگ که معادل یک دالر و ۸۳ سنت امریکائی میشود) برای هرده فیصد کار بیشتر از نارم ماهانه قابل پرداخت بود. یا به عباره دیگر اگر جریان امور به ده فیصدهم میرسید که بالاتر از نارم ماهانه بود این مبلغ با آنها پرداخته میشد.

مصرانه و بگونهٔ پیگیر کار خوب بعنوان نمونهٔ مثال وعبرت آمیز وشایان تقلید باعث آن میگردید که زندانی قبل از وقت رهائی یابد. این صرف ندرتا به زندانیان سیاسی ارتباط داشت . برعکس ، اگر گزارش و اطلاعات درباره کار ولوروی هرعللی بوده باشد که مقامات مسئول از جریان ووضع کار مطلع ساخته شوند از امتیاز محروم و مجازات خواهند شد.

بی اعتنائی وبی مبالاتی های مکرر جهت انجام کار ویا رسیدن به یک حد نارم معمول به مفهوم آن خواهد بود که برای چندین روز، هفته ها وماهها درسلولهای مجرد

زندان قرار داده شوند. مقصرین و محکومین بداین نام شهرت یافته‌اند که حجم تولیدات را به ۱۰ و ۴۰ فیصد پائین بیاورند و حتی اعتصابات، در اعتراض علیه بلند رفتن نارم ها، نقل و انتقال غیر منصفانهٔ کارگران و امثال آن، شواهد کمتری وجود دارد در رابطه با نقش اینگونه عوامل مورد نظر و شرکت کنندگان معمولاً خودشان را در بلاک های مجازات می یابند. بیماری توسط سردسته‌های تیم با بی اعتنائی و عدم علاقه مورد معالجه قرار می گیرند، و در انجام و تکمیل نارم های شان مات و مبهوت مانده‌اند

طبق قانون، شرایط و تدارک مصئون و ایمن درجهت اجرای کار در موءسسات کارهای تأدیبی و اصلاحی باید مطابق به استندردها و معیارهای تصریح شده قانون گذاری کارگری برای کلیه موءسسات صناعتی و کارگری اتحاد شوروی باشد. مگر با آنهم درعمل، شرایط کار زندانیان معمولاً ناگوار و قسماً خطرناک نیز میباشد.

(یوری گیندلر) چنین گزارش به نشر سپرده است که درکلونی موردوویائی اش اندازه و میزان این هیاهو در دستگاه های صنایع چوبی آنقدر زیاد بود که زندانیان پشم و پنبه بر دو گوش خود قرار میدادند و کلاه زمستانی را سر می کردند که دولبهٔ آن پائین بود حتی درجریان تابستان نیز مسئله تهویه و تصفیه آنقدر خراب بود که گرد و خاک ناشی از ماشین اره کشی درفضا پخش و انتشار می نمود و همه چیز را می پوشاند.

زندانیان درکلونی پرم گزارش های مشابه عدم مصئونیت و تدابیر احتیاطی بسال ۱۹۷۲ را ارائه می کنند.

هوای کارخانه‌های پلاستیک سازی با هوای خطرناک مگنیزیم اوکسایدسفید (سنگ ریزه) حتی به‌بارکهای زندانیان نیزاثرات آن دیده میشداز اینکه دکانها دارای دستگاه تهویه‌وتصفیه‌نبوده‌اند.

رئیسه (پالات‌نیک Pälatnick) دریک اطاق خیاطی با دوصدتن اززندانیان مخصوص طبقهٔ نسوان کار می کرد، کارآنها شامل دستکش دوزی، لباس‌ها، زیرپیراهنی، جاکت، روکش‌های لحاف، بسال ۱۹۶۸ نارم برای جاکت‌ها صد، بسال ۱۹۷۲ میزان آن به ۱۴۵ رسید. عین ماشین کهنه‌ده‌ساله‌موردا ستعمال قرارگرفت. کدام‌دستگاه تهویه‌وجودنداشه، افزارمعاونت‌نخستین یاضد تعقیم نیزنبود، اگریک حادثهٔ پیش می آمد، قربانیان میبایستی الی منطقهٔ معیشت برای تداوی پیاده‌روی کنند.

جراحت‌های ناشی ازکارخانه‌جات وتأسیسات صناعتی یک امرمعمول ومتداول بود. بگونهٔ مثال پدر (پاول ادل‌هایم) یک کشیش درجون سال ۱۹۷۰ به‌سه‌سال کار با مشقت تحت بازداشت قرارگرفت، یک پایش را درنتیجه جراحتی که‌ازاثرکاردرکلونی برداشته‌بود، قطع نمود.

نمایندهٔ زندانیان شرایط واوضاع کارگری را در کلونی به‌ترتیب آن درضمن استخراج ازیک نامهٔ که‌توسط یک گروه‌اززندانیان درکلونی نمبر۱۹ (موردوویا) بسال ۱۹۷۲ نوشته‌شده‌موردارزیابی ومحاسبه‌قرارمیدهد.

درکارخانه‌افزار ووسائل ماشین

خطرناکترین عملیه‌عبارت‌است از برطرف کردن ویا پس کردن اجزای

تکمیل شده ویا تمام شده وجا بجا ساختن اجزاء ویا پارچه های جدیدبرای سوچ کردن ویا قطع ارتباط دکمه فشارد ر جریان عملیهٔ تخنیکی، که تخلف شدیددررابطه با مصئونیت تخنیکی که بطورکلی دریک ماحول بیرونی ناپسندیده تلقی میشود، کدام مقررات خاصی وجودندارد. ماشین درحال گردش (برقو) به آسانی میتوانددست زندانی را مجروح سازد. البته از ین نوع جراحت ها یک امر معمول ومتداول است. گذشته از ان، پارچه های خوردوریز، لب بریدگی ظروف که تیزوگرم ازماشین به خارج افگنده می شود. کاربا دستکش ها درموارد یکه دستکش، با یکدست گرفته میشودوبه دندانهٔ ماشین داده میشود، طورشایدوباید ترشحات وآلودگیها ناشی ازشیره ومحلول این موادکه جلد را می سوزاندندا رای بوی بدودارای بوی دلخراش، نه تنها درنتیجهٔ ماشین چاپ ویا عصاره کشی بلکه همچنین در کلیه ورکشاپ ها کارچنین است.

(شیمون لی ویت) بریدگیهای خوردوکوچک درسراسر دست هایش به مشاهده میرسیدهیچکس قادرنیست که سهمیه های کارش را، که به پیمانه خیلی بلندپروازانه است به سررساندوبی اعتنائی درامراجرای آن مجازات است. کاربارا ندازی حتی خراب تراز ان است. کلیهٔ ما از مکلفیت واشتغال به این کارمشخص درهراس می باشیم که شامل بارا ندازی، تخلیه کردن واگون های قطار آهن می باشدچه این کارخیلی مشکل وخطرناک است، کسی بدون اطلاع قبلی درهرزمان وهروقت چه روزویا شب ممکن از خواب بیدارساخته شود- حتی به شمول روزهای یک شنبه

برای کارها درنظر اول، دستکش دوزی (خصوصا دستکش که چها رانگشت را با هم وشصت را جدا گانه نگهمیدارد) چنان مینمودکه کارمناسب وسهل وساده ای است . اینگونه مغازه ها ودکانها درکلیه کمپها نیزوجوددارند . زنان روی ملحوظات سیاسی مخصوصا بدینگونه امورا شتغال دارندا ما آنها نیزکاررا خسته کن وطاقت فرسا می یابند ، چه میتوانندکسی درباره آنها ئیکه مجبورونا گزیربانجام کارانند چیزی بگوید ؟

تقاضا های بیش ازحددرساختمانها ئیکه چراغهای کم نوروخیره درآن ها نصب است ووسائل ماشینی را بکار می اندازندکه بگونهٔ مداوم به شکستن آن ها می انجامد . . (سیل وازال مین سن) بطورمداوم به تکلیف ومصیبت کمردردی مبتلا است وبخاطری تا مدت زمانی به تکلیف و ناراحتی مداوم چشم بگونهٔ سرگیچ درمانده است .

بخاطرناراحتی وتکلیف مزمن وحادچشم (یوری - فیودوروف) زندانی سیاسی دیگرازکارگاه دستکش دوزی به شغل وکاروبارسرچپه کردن آن ، که کارآن موجبات ناراحتی کمتری را به بارمی آوردگماشته شد . اوخوشبخت است ، بخاطریکه نارم دوختن میتواندتوسط عده ای بسر رسانده شود ، حتی افرادصحتمندنیزازانجام واجرای چنین کاری عاجزوناتوان اند ، وکلیهٔ آنها سرانجام بدین مصیبت مواجدخواهندشد .

خارج ازکارهای ساختمانی وضع با درنظرداشت این واقعیت ازینکه یخ بندانهای موردوویا بهاصطلاح (بالباسهای مخصوص کار) بطورکلی غیرقابل تحمل است

وضع را بیش از حد متشنج و مغشوش ساخته است ... تغییرو تبدیلی ها غالباً صورت می گیرد، یک کسی درهر زمانـــی باید چنین توقع داشته باشد که نقل وانتقال وی حتی به کارهای سنگین ودشوار نیز بعمل خواهد آمد. این حالـت بدون (از زندانیان سیاسی) بنامهای (آلتمن وشیپ شی لوویچ) پیش آمد، که هردوی آنها در دستگاه مخلوط کننده ویا میکسر کانکریت در شرایط بادهای تیز و تند مشغول کار اند.

طبق قانون، مزد واجوره زندانیان در برابر کار آن ها با میزان و حدودیکه برای کلیه کارگران شوروی تعیین وتثبیت شده است یکسان میباشد، مگر با آنهم، در آمـد بیشتر آنها در کسرات خود بخودی بخاطر تعمیر و نگهداری آن ها از بین میرود. زندانی می تواند صرف ده فیصد از درآمدش را دریافت کند. مقدار بیشتر این درآمد بگونه اتوماتیک بحساب زندانی انتقال داده میشود، که بخاطر جرائم که در آینده انتظار آن میرود، مجازاتیکه در برابر تخریب بعضی اشیاء و امثال آن سر بزنند، نگهداری میشود زندانیان نمی توانند پول نقد با خود داشته باشند، مگر با آنهم، طوریکه در فوق از آن یادآوری نمودیم، آن ها طبق قانون معین این مقدار پول را در کوپونها کـــه مقدار معین درآمد آنها در نتیجه آن (برای غذا و سایـــر نیازهای لازمی) بشمول کتابها که به قیمت پرچون ونازل در دسترس آنها قرار داده میشود به مصرف میرسانند.

از نظر رسمی این موضوع (برای مقصرین علاقمند از نتائج کارشان) یادآوری شده است. بخاطر میزان غیـــر

قابل ارزش مزدواقعی وفقدان فرصت مساعدکه نتوانند بیش از ده فیصددرآمدشانرا مصرف کنند، چه انگیزه و محرک واقعی کارزندانیان عبارت است از مکانات از اینکه تدارک وتهیه غذا ممکن به نفع ویا ضررآنها تغییر کندکه این موضوع به مقامات اداری زندان درارابطه با ارزیابی ومحاسبهٔ دلچسپی آنها یکارارتباط دارد.

زندانیانیکه نارم های شان را قبل ازوقت معین بسررسانده اندمجاز اندکه ازدوالی چهارروبل به شکل فوق العاده درهرماه مصرف کنند (که ارتباط به شرایط و وضع کاردارد) البته این مصارف آنها (شامل غذا وسایر احتیاجات لازمی وضروری) آنها میباشد. اینگونه امتیاز خریدمواد غذائی که بگونهٔ فوق العادهٔ آن به مفهوم افزایش مهم درمیزان تغذیه وپرورش یک زندانی محسوب میشود- مگربا آنهم زندانیان سابق روی مشکلات زندانیان تبصره های جهت تصمیم که آیا غذای خریداری شده فوق العاده میتوانندتلاف مصارف اضافی انرژی وتوانائی لازمی درجهت بدست آوردن نارم های عالی پنداشته شود تضمین اینگونه امتیازات میل واراده مقامات ذیصلاح کمپ میباشد، ودرواقع بطورنورمال صرف برای کسانیکه خصوصا درموارد زندانیان سیاسی بطوراستثنائی بخشیده میشودکه حق خریدمواد غذائی، که غالبا درردیف (فقدان انگیزه وبی میلی) که به مقامات اداری زندان میسراست، قرارمی گیرند.

زندانیان سیاسی گاهی ازطرف مقامات مسئول به خاطر (داشتن وضع وحرکات ناشایسته دربرابر کارشان متهم

کرونیدارکادی ویچ لی‌اوبارسکی

کرونیدارکادی ویچ لی اوبارسکی متولدسال ۱۹۳۴ ویک دانشمندفزیک نجومی بوده‌نامبرده مقالات متعدد علمی راپیرامون موضوعات چون میتیورها (شهاب یا اثر هوائی) سیارات وبایولوجی فضائی، که‌اکثراین رساله ها ومقالات درژورنالهای شوروی به‌نشررسیده‌است . وی همچنین سه‌کتب علمی نیزنوشته‌است وچندین آثار علمی را بشمول کهکشان ها توسط (فریدهایلی) بزبان روسی ترجمه‌کرده‌است . تاسال ۱۹۷۲ اودرانستیتوت گولووگا (Chorono Gloka)(چورنو) حالتهای جامددررابطه بافزیک یاحالتهای فزیکی جامدات نزدیک مسکوقرار داشت باخصوصیات ویاحالت های فزیکی جامدات مشغول کاربود . درجنوری سال ۱۹۷۲، اوبایکعده‌مردمی ملحق شدکه‌تحت (کیفیت ۲۴) تحقیق(کی،جی،بی) پیرامون نشرو توزیع ژورنال حقوق بشری که‌بحیث شب‌نامه‌پخش وتوزیع میشدوثبت وقایع دوران معاصروموجوده‌است .

(که‌درنتیجهٔ این تحقیق وبازداشتها ، تلاشیها واستنطاق ها که‌درنتیجهٔ آن به‌وقوع پیوست ، مجلهٔ ثبت وقایع دوران موجوده‌بین اکتوبر۱۹۷۲ ومی ۱۹۷۴ ازنشر باز ماند .) وبعدازهشت ماه‌توقیف وبازداشت ابتدائی و مقدماتی، آقای(لی یوبارسکی) بتاریخ ۲۶ اکتوبر ۱۹۷۲ به‌محاکمه‌کشانیده‌شد . اومتهم به (برانگیختن‌وتبلیغات ضدشوروی جرم وی شامل داشتن وتوزیع چندی ازین‌نشرات (سامیزدات) ویاشبنامه‌بوده ، به‌شمول شرح وقایع موجود

ساخته میشوند ، عمل گرفتن، گلاویزشدن، کلیداتهامات
که هرشخص نا مطلوب را مجبور میکنندآنهابا مقامات اداری
کمپ برخوردخواهندنمود . برمبنای همین اتهامات ،ممکن
با مطلوبیت واقعی زندانی سروکاری داشته‌باشدیاندا ـ
شته‌باشدزندانیان سیاسی غالبا ازحقوق شان درامرصرف
نظرکردن حتی ازمقدارناچیزازدرآمدشان رابرای غذا ،
محروم ساخته‌میشوند ، گذشته‌ازان، زندانیانیکه (بگونه
سیستماتیک وبدخواهانه) درجهت نارمهای محصولات و
تولیدات کسراتی واردمیکنندازجیره‌بندی موادغذائی
آنها نیزکاسته‌میشود ، ویا به‌عبارهٔ دیگرزندانیانیکه
اتهامات علیه‌آنها ازطرف مقامات مسئول زندان بخاطر
کنترول وکاهش تولیددررابطه (با نظربدخواهانهٔ آنها به
گونهٔ سیستماتیک) ثابت گرددازجیره‌بندی موادغذائی
آنها نیزکسراتی واردمی آید .

آموزشهای سیاسی هدف ومنظوررسمی ازکار (آموزش
سیاسی) با زندانیان عبارت است
ازآموزش آنها (با روحیه‌ووضع امانت داری درارابطه با
کار ، اجرا وانجام درست وصحیح قوانین واحترام گذار ـ
دن به‌قوانین سوشلیستی حیات دسته‌جمعی، وبرخوردحما ـ
یوی به‌ملکیت سوشلیستی....)
بگونه‌های مختلف ومتفاوت اقدامات وتدابیرسیا ـ
سی ـ آموزشی که‌توسط قانون رویکارآمده‌اند ، به‌شمول
(تحریکات وپروپاگندا) ویا عمل تحریک آمیزوتبلیغات
و (توضیح قانون گذاری شوروی) که‌توسط این نارمهای

عمومی رهنمائی میشود، مقامات مسئول اداری هریک از موسسات کارتأدیبی واصلاحی(هریک ازذرایع ومتدهای نفوذفن تعلیم، همان چیزهای تدارک دیده‌شده‌با قوانین رژیم آنچه‌درنارم های قانون تثبیت شده‌تناقض ندارد تأکیدوپافشاری بیشترروی آموزش‌سیاسی طبقات‌کهاقلا" درهفته‌یکبار (به‌استثنای زندانها که‌به‌رفقای آنها اجازه‌داده‌نمیشودکه‌سلولهای شانرا ترک کنند،باستثنای کاروبارومشاغل آنها ودوران مشق وتمرین آنها) این صنف ها یا درسخانه‌ها برای دوساعت بطول می انجامد ، و دربین اثنا مقامات اداری کلونی پیرامون مسائل وجریانات معاصروا خبارسیاسی وسایرعناوین وسرلوحه ها ی پذیرفته‌شده‌ٔ رسمی چون تاریخ حزب کمونیست مورد.بحث قرارداده‌میشود. بتمام معنی این لکچرها وجووبحث های که‌آنها سربرا ه‌می اندازندردسطح پائین است و مورد نفرت همگانی قرارمی گیرد. زندانیان سیاسی، که چه بسا از آنها تحصیلات عالی دارند، این درسخانه‌ها وکلاس های سیاسی را مخصوصا عمل توهین آمیزمی پندارند.

درضمن یک مقاله‌ٔ که‌درکلونی موردوویا بسال ۱۹۶۶ برشته‌ٔ تحریردرآمد، مؤرخ یوکرائینی بنام (والانتین موروز) درراربطه‌با موضوع چنین نوشت :

درآموزشهای سیاسی جلسات وگردهم آئی ها ئیکه توسط افرادنیمه‌باسوادنظامی درسطح اولدارها برای هنرمندان ونویسندگان سربراه‌انداخته‌میشود،زندانیان دربین اثنا بایک.لمری بریدمن (لیسی یوباثیف ـ کمپ نمبر ۱۱) بااستفاده‌از (یوـ ان ـ مؤسسه‌ملل متحد)

اعلامیه حقوق بشر به مثابه یک استدلال به بحث پرداختند. او با بی اعتنائی آنرا مردود قرار داد: (متوجه باشید، این برای نگروها است.)

(ادوردکوزنتسوف) دریک روز مخصوص کلونی کارتأدیبی و اصلاحی بخاطر شرکتش دریک تلاش بی نتیجه هواپیماربائی بسال ۱۹۷۰ که به پانزده سال زندان محکوم گردید بسال ۱۹۷۱ درضمن خاطرات زندانش چنین میگوید:

آخرین صنف، من به صنف بریدمن(بی زوبوف)شتافتم اطلاعات گرانبهائی مبنی براینکه (درچین صهیونیستها و محافظین سرخ یا پاسبانان انقلاب به دادوفریاد میباشند دراختیار ما گذاشت ـ مردم چین آنقدر احمق نیستند ـ آنها درس آموزنده به آنها خواهند داد!)

سطح علمی این لیکچرها درواقع هیجان آور است!

فلهذا، برخوردهائیکه زندانیان بسوی این کلاسها ودرسخانه ها ازخودنشان میدهند (درجهت تعیین میزان تأدیب واصلاح آنها) ازطرف مقامات اداری میتواند مورد استفاده قرار گیرد.

زندانیان وجدان چنین مینمایدکه پیوسته در برابر فشار مقاومت ازخودنشان میدهندکه ازین طریق بتوانند با نقاط نظر رسمی درین رده بندی هماهنگ سازند ـ نتیجه گیری حداقل (نارضایتی) مستمرآنها چنین خواهدبود که زندانیان سیاسی ازحقوق وامتیازات رهائی قبل ازوقت موعودآنها اززندان محروم خواهندشد.

قانون کارتأدیبی واصلاحی حضوردرین نوع درسخانه ها را الزامی واجباری نمی سازدوتبصره روی نهادها ی

قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحادجماهیر شوروی وجمهوریتهای متحدچنین توضیح میدهد : این غیرمجاز است که حضوربهم رسانیدن به اینگونه جلسات را بمثابهٔ یک امرالزامی واجباری درزابطه با زندانیان تلقی نمود .

امابا آنهم، رهنمودسال ۱۹۷۲ وزارت امورداخله (شماره ۰۲۰ ۵) این نارم قانونی را گول زده است واین موضوع را برای زندانیانیکه به کلاس ویا درسهای سیاسی حاضرنمیشوندقابل مجازات میداند ، برای اجتناب ورزی ازان صریحا به معنی درتضاد واقع شدن با نارم قانونی خواهدبود ، بدین معنی که حضوربهم رسانیدن در درس های سیاسی باید داوطلبانه ورضاکارانه باشد ،رهنمود وزارت امورداخله درسهای سیاسی را بخشی از (نظم روز) کلونی کته گوری ورده بندی میکندوغیرحاضری را دراینگونه درسها بمثابهٔ تخلف از (نظم روز) می پندارد .

درعمل، کلونی ومقامات اداری زندانان بطورعموم برای (تجدیدآموزش سیاسی) زندانیان وجدان سعی وتلاش بخرچ میدهند ، اینگونه زندانیان همواره دارای اندیشه های عمیق سیاسی ومذهبی میباشندکه درنتیجهٔ مواجه شدن آنها با تحریک متشکل وسازمان یافتهٔ عالی وفعالیت های تبلیغاتی که هدف کلیه شهروندان اتحادشوروی میباشدوروی این ملحوظات درآرزوی آن اندکه محکومیت را جریحه دارسازند ، بوجودآمده اند . هرگونه سعی وتلاش درجهت دگرگون ساختن اندیشه وعقاید اینگونه افرادنیاز خیلی بیشتربه (آموزگاران) خیلی مغلق وپیچیده ازنگاه روشنفکری خواهدداشت تا نسبت به کسان موجوددرموسسات

کارتأدیبی واصلاحی، جائیکه درسهای سیاسی توسط افراد پائین رتبهٔ وزارت امورداخله به پیش برده میشود.

بسال ۱۹۷۳ ضمن گزارش مفصل کتبی پیرامون تئوری جزائی، مقنن طراز اول شوروی (ام دـ شارگارودسکی) چنین می نویسد:

بی قانونیت بی عاطفگی وپستی ارزش واهمیت آموزش کیفرمجازات را نابودمیسازد، وچیزیکه درنتیجهٔ آن باقی میماند صرف دردورنج ومصیبت است، صرف تنبیه وتأدیب (جهت تهذیب اخلاق) (Kara)

هنوزبیانیه ها توسط زندانیان شوروی هیچگونه شک وتردیدی را بخودراه نمی دهدازینکه (بی قانونیت و یا کار خلاف قانون) وواردآوردن صدمه ودردورنج عباراتی انددرتجارب آنها که یکی ازمشخصات عمده حیات درکلونی ها وزندانهای شوروی میباشد. محکومیت سیاسی ومذهبی زندانیان به مثابهٔ یک اساس برای کیفرومجازات میباشد، هرگونه سعی وتلاش توسط یک زندانی درجهت انتقال آراء واندیشه های مخالف سیاسی اش به ساییرین سزاوار و شایسته رژیم خیلی خطرناک خواهدشد، یک تعداد اززندانیان وجدان برای اینگونه فعالیتها درزندان محاکمه شدندومحکومیت های اضافی نیزعلیه آنها اعمال شد.

اسنادومدارک محرمانه که ازموءسسات وسازوبرگهای کارتأدیبی واصلاحی شوروی سربدرمی آوردومرتبا حاوی ارزیابی های رویدادها وپیش آمدهای است که مقامات کمپ وزندان دربرابرخواستهای سیاسی مشروع وقانونی که توسط زندانیان ارائه میشودویا دربرابرخواست های

زندانیان که روی انگیزه های مذهبی بازداشت شده اند در اماررعایت از حقوق آنها برای عبادت و نیایش برخوردها و تبصره های خشن وجاهلانهء می نمایند.

طرز برخورد مقامات کلونی با زندانیان مذهبی که بسال ۱۹۷۳ توسط یک دسته از زندانیان سابق شوروی که به تأسی از پیش آمدوطرز برخورد بهتر با زندانیان سیاسی درکلیه کشورهای اروپا تذکرداده شده بود، میباشد.

جستجو وتلاش و تعقیب بعدا زپیدا کردن آثار ونشریهء مذهبی درکمپها وزندانها پیروان مذهبی بوضع وحشیانه تحت اذیت وشکنجه قرار می گرفتند، پراگندگی مراسم نمازخوانی درساحه های مختلف کمپ، مجازات درسلول های مجردزندان بخاطربی اعتنائی جهت گزارش دادن موضوع برای کاربروزهای تعطیل بزرگ مذهبی (چون ایستر عیدقیام مسیح وعیدمیلادمسیح که بروز بیست وپنجم دسامبر تصادف میکند) تحریم هرگونه مراسم، حتی تبلیغ و موعظه وبجا آوردن مراسم مذهبی برای زندانیان درگذشته این همه متودها وشیوه های نفوذ (آموزشی وتعلیمی) اند که بدین وسیله آنها سعی وتلاش می نمایندکه این رخنه اختلاف مذهبی راازبین بردارند.

رهنمودهای حرفوی ومسلکی

وسیله تجویزشده چهارم برای (اصلاح و تجدید آموزش) زندانیان عبارت است از (آموزش عمومی ومطالعه مسلکی وحرفوی تخنیکی). طبق قانون، موءسسات کار تأدیبی واصلاحی مکلف اندکه تعلیم وآموزش عمومی را تا

صنف هشتم برای کلیه زندانیانیکه از این آموزشها بی بهره باشند تدارک ببینند. قانون همچنین درجهت تحصیلات بیشتر که شامل لیسه ها باشد الی صنف دوازده برای زندانیان با مساعدت امکانات وشرایط مهیا کند. کدام گزارشی درجهت تطبیق اینگونه نارم های قانونی که آموزش و تعلیم عمومی را دربرگیرد نرسیده است.

اما با آنهم، این یک حقیقت مسلم است، که زندانیانیکه دارای تحصیلات عالی حرفوی ومسلکی هستند از این گونه (مطالعات حرفوی ومسلکی تخنیکی) درحالیکه در زندان باشند مثمرثمر واقع نمی شود، یعنی به سود آنها نیست. روی این ملحوظات قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی موجوددرمقام مقایسه با وضع قانون سال ۱۹۳۳ که چنین تصریح می نمودکه (سازمانهای کارگری خصوصا آن ها ئیکه به محرومیت آزادی مواجه گردیده اند تسهیلات نگهداری آنها فراهم گرددوتحصیلات مسلکی وحرفوی آنها بلندبرده شودودرضمن جهت دستیابی به مسلک های جدید روزنه های کشوده شودآنقدر (مترقی وپیشرفته) نمی باشد

به سلسله تسهیلات آموزشی وتعلیمی طوریکه درموسسات کارتأدیبی واصلاحی شوروی معاصر به کارگران ضرورت دارد، با درنظرداشت افراد آموزش دیده مسلکی وحرفوی این احتیاج را مرفوع نمی سازد.

کسانیکه بیشتر از آن صدمه می بینند عبارت از زندانیان میباشند، کته گوری زندانیان (روشنفکروبا استعداد) کته گوری که بیشتر زندانیان سیاسی بدان تعلق میگیرند (امانه بیشتر زندانیان مذهبی).

زندانیان چنین گزارش داده اند که آنها به (فقدان قوهٔ فهم ودرک) مواجه اند. زندانیان نمی توانند کتابهای مطبوع جدید را ویا مقالاتی را پیرامون رشته های تخصصی شان موردمطالعه قرار دهند. یک برنامهٔ زندانیان سیاسی در (موردوویا) دربهار سال ۱۹۷۴ چنین حکایت میکند: (بعد از سالیان سال زندانی ومحکومیت یک انسان کامل غیرحرفوی به مثابهٔ یک متخصص از کمپ سر بدر می آورد).

این وضع بیانیه های رسمی را موردتکذیب قرار می دهد زیرا اهداف ومنظور از سیستم کارتأدیبی و اصلاحی شوروی مساعدساختن امکانات برای زندانیان در جهت تعقیب یک حیات عادی دراجتماع میباشد. باارتباط موضوع به زندانیان سیاسی، این مرام غیرانتفاعی است یا به عبارهٔ دیگر درجهت مخالف منافع این مرام است. با سربدرآوردن از کلونی یا زندان، چنین افراد از اینکه دوباره به شغل وحرفهٔ سابق شان برگردند خودرا فاقدتوانائی می یابند، بخاطر اینکه مهارتهای علمی وتخنیکی شانرا درجریان همین مدت محکومیت ازدست داده اند. در رابطه با زندانیان که آنها مرتکب جنایت عادی ویا به عبارهٔ دیگر تقصیرات متعارف ومتداول قانونی از آنها سرزده باشد، این وضع به مشکل میتواند موجبات جلوگیری از برگشت به حرکات وعادات ناپسندسابق (Recidivism) گردد.

درموردزندانیان مقصرومحکوم برای تبارزمخالفت های سیاسی شان، خارج ساختن آنها از شغل تخصصی شان

صرف تا زمانیکه بیشتر درا مرتبا رزبه مخالفت شان مبادرت کنند مسئول و محکوم شناخته می شوند .

بطور مختصر ، سیستم کارتأدیبی واصلاحی شوروی مکلفیت های راکه پیرامون اعادهٔ حیثیت وآموزش آنها باشدتوسط قانون گذاری کارتأدیبی وتیوری بسرمیرسانند .

رابطه بین زندانیان و مقامات اداری

در هریک از سیستم و شرایط زندان رابطه بین مقامات اداری زندان وزندانی توسط یک محیط وعنصرجبروفشار مشخص میگردد . درداخل دیوار های هرزندان ومحبس درهرگوشه وکنارجهان خطری وجود داردکه مقامات اداری زندان با اعمال جبر و فشار ، مستبدانه طبق میل ودلخواه خودشان طبق قرارها و فیصله های که درجهت توهین نمودن زندانیان صادرمی کنندا ز صلاحیت خودسوء استفاده خواهندنمودوحقوق جانب مقابل را نادیده خواهندگرفت .

بافهم ودرک این خطر ، قانون دانان شوروی مطالبهای نظامنامهوآئین تا اندازه ممکن مکمل روابط روزمرهرا بین مقامات زندان وزندانیان نموده اند ، ویا به عبارهٔ دیگرقانون دانان شوروی بادرک این خطر نظام نامهوآئینی را مطالبهنموده اندکه تا اندازهٔ ممکن مکمل روابط روزمرهرا بین مقامات زندان وزندانیان موردبررسی قرار دهند .

اما باآنهم ، طوریکه بارها پیرامون موضوع در این

گزارش اشاره‌شده‌است تحلیل وبررسی بزرگ پیرامون مسئله دردسترس هریک ازمقامات اداری موءسسات کارتأدیبی و اصلاحی قرارداده‌شده‌است .

این موضوع ازنگاه رسمیت بخاطرضرورت جهت انعطاف پذیری درواکنش وعکس العمل مقامات اداری در برابرپرابلمهای گسترده‌ومتنوع که‌درجریان عمل، موءسسات جزائی به‌تصمیم گیری نیازداردلازمی پنداشته شده‌است .

ازنگاه‌تیوری ومطابق به‌قانون تحریری امکان بی مبالاتی وسوءاستفاده‌مقامات اداری ازصلاحیت دلخواه و صلاح دیدآنها درنتیجهٔ صلاحیت وحقوق نیرومندمباشر و ناظروکالت یا گماشتگی ها وکمیسیون نظارت عمومی‌کوچک ونا چیزجلوه‌داده‌شده‌است . یا به‌عبارهٔ دیگرطبق قانون تحریری بی اعتنائی ها وبی بندوباری ها ی مقامات اداری که‌طبق میل خودازمسیراصلی منحرف میشوندصلاحیت آن ها توسط یک دستگاه‌نیرومنددیگرکه‌حق نظارت وکنترول برفعالیتها ی آنان داردوعبارت است ازوکالت یا گماشتگی وکمیسیون عمومی نظارت ویا هیئت نظار عمومی کنترول میشود . درعمل، یگانه‌منبع ودستگاه کنترول و نظارت پیرامون سلوک وکردارمقامات اداری زندان و کلونی عبارت می باشدازوزارت امورداخله (ام وی دی MVD) که‌سیستم قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی در حیطهٔ صلاحیت آن قراردارد . مگربا آنهم، وزارت امور داخله‌یک سابقهٔ خصمانهٔ طولانی باخواستها ومطالبات زندانیان ومحبوسین دارد‌خصوصا محبوسین سیاسی تبصره

تاریخ وثبت آن، درین محاکمهٔ آقای لی یوبارسکی اعتراف نمودکه وی این نشرات وآثار را با خود داشته و چندی ازین آثار ونشرات سامیزدات ویا شبنامه‌ها را توزیع کرده، اما وی ازینکه نه مفکوره وآرزویش ونه محتویات این موادونشرات متذکره دارای کدام انگیزهٔ (ضد شوروی) داشته است بصراحت اظهار داشت. دربنیانیهٔ نهائی اش آقای (لی یوبارسکی) فیصله مدعی العموم را یادآورشد وآنرا به مثابهٔ یک (افترا واتهام نادرست) خواند، اظهار خود (آقای لی یوبارسکی) ازینکه تبعه و شهروندان شوروی بخاطراندیشه وعقایدشان به محاکمه کشانده میشوندآقای (لی یوبارسکی) این جریان را روی این ادعای آنها که شهروندان آنها دارای آزادی اندیشه وعقایدمیباشندبه مثابهٔ دوروئی وریا خواند، اما، در عین زمان تعقیب بازداشت آنها جهت اظهارا ندیشه وعقایدشان به مقامات ذیصلاحیت ومسئول خیلی ناگوار و نامطلوب جلوه میکند. اوهمچنین روی این اصل پافشاری نمودکه سوشلیزم باگسترش آزادی درجهت انتقاداز پالیسی های رسمی ومقامات مسئول عوض اینکه تضعیف گردد نیرومندترخواهدشد.

شورای دفاعی آقای (لی یوبارسکی) چنین استدلال نمودازآنجائیکه هیچ انگیزه (ضدشوروی) دررابطه با مدافعین نمی توانند ثابت گردد، شکل اتهام از (تحریک و تبلیغات ضدشوروی) به (پخش جعلسازی هاکه به دروغ شهرت داردکه دولت شوروی وسیستم اجتماعی آنرا جریحه دار می کند) عوض گردد. (اتهام اخیرالذکرحداقل دارای سخت

اولیای اموربه آئین نامه کارتأدیبی واصلاحی(اراس اف اس ار RSFSR)(که ازطرف وزیرعدلیه اراس اف اس ار ، وی، ام- بلی نوف اداره میشد) هرنوع سعی وتلاش که توسط مقامات محلی یا رسمی را جهت بعهده گرفتن صلاحیت ارگان های قانون گذاری درامرانفاذقانون اخطارمیدهد.

صرف ارگانهای قانون گذاری میتوانندیک نورم جدیدرا به میان آرندیا آنرا تغییردهندویا ماده قانون موجودرا اگرلازمی پندارندتعویض نمایند. تا زمانیکه قانون تعویض نشده است طبق نظم وقانون پابرجا باید نظم بطورکلی رعایت گردد. قانون هرگونه اعمال وفعالیت ها را به هررنگ وقماشی که باشد، به بهانه وعذر طبق مصلحت آنها خارج ازمرزهای قانونی بهاقدامی متوسل شودوبا آن مطابقت نداشته باشددررده بندی های قانونی راهی ندارد ومجازنمی دانندمگربا آنهم، مقامات اداری زندان درمسائل اداری عادی ومعمول موءسسات وسازو برگ های خودشان تااندازه ء ناچیزتوسط قوانین ودستور العمل های عمومی که درآئین نامه کارتأدیبی واصلاحی مندرج است استمدادمی جویندتا (رهنمودهای) اداری که ازطرف وزارت اموردا خله ، که متن های آن بگونه ء اشد محرم نگهداشته میشود، حتی اززندانیان نیز.که صدور آن ازطرف وزارت داخله صورت می گیردکه سیستم کارتأ - دیبی واصلاحی رااداره ورهنمائی میکند، وبیشتر با تفصیل ومشرح نسبت به نورمهای قانون گذاری است،این رهنمودها دارای صلاحیت عملی بزرگتری برای مقامات اداری زندان میباشدتا قیدوشرط آئین نامه های کار

تأدیبی واصلاحی - یا به عبارهٔ دیگراین رهنمودها نسبت به قیدوشرط آئین نامه‌های کارتأدیبی واصلاحی دارای صلاحیت عملی بزرگتری برای مقامات اداری زندان محسوب میشوند. بخاطرکثرت اینگونه رهنمودها بودکه آئین نامه کارتأدیبی واصلاحی سال ۱۹۳۳ (اراس اف اس ار RSFSR) ازجاه دررفت وبه سال ۱۹۵۳، یک انکشاف ودگرگونی که قانون دانان شوروی ازآن وقت آنرا به باد اتهام گرفتند به‌گونهٔ غیرعلمی وانمودشدحتی زمانیکه این رهنمودهابا روحیه واساسات وتحریرقانون کارتأدیبی واصلاحی رانفی میکندامابا آنهم این قوانین ازاولویت خاص برخوردارند. یک مثال روی اینگونه نیرنگ قانونی که درفوق نقل قول شد، صدورامربه غیرحاضران درسهای سیاسی یک تخلف وگاه قابل مجازات است.

رهنمودیکه‌جه‌بسا غالبا توسط زندانیان درارابطه با این موضوع عبارت است ازرهنمودشماره ۰۲۰ چهارده‌جنوری سال ۱۹۷۳ وزارت امورداخله، این فرمان نیاز به یک سلسله‌تغییرات گسترده درامربرخوردوسلوک با زندانیان داشت. هرگونه‌تغییرات که‌دررهنمود ۰۲۰ رونما می شدحقوق زندانیان رابیشترمحدودمیساخت وفرصت مساعد را برای مقامات زندان درامرتعقیب ومجازات بیش از پیش برشدت آن می افزود.

بگونهٔ مثال، رهنمود ۰۲۰ آئین نامه‌کارتأدیبی و اصلاحی(اراس اف اس ار) پانزده‌روزبازداشت را به‌شیزو (Shizo) (به‌سلولهای مجردشکنجه) تعیین نمود.وادامه اینگونه مجازات راتابع ارزیابی صحت وسلامتی جسمی

زندانی ساخت .

طبق این رهنمود تولیدات غذائی متنوع که جهت خریداری دردسترس زندانی قرار میگرفت شدیداً ممنوع قرار داده شد، و زمینه را بیشتر در امر محدوده مکاتبات زندانیان و ارسال و مرسول نامه مساعد ساخت .

رهنمود ۲۰ یکی از سایر رهنمودهای اداری که شرایط ثابت و مستحکمی را در موسسات کارتأدیبی و اصلاحی شوروی منظم میسازد، طبق گزارشهای بی حدوحصر از زندانیان، گرایش نیرومندرهنمودهای تازه بسوی وارد آوردن هرچه بیشتر فشار علیه زندانیان میباشد. این وضع بیانگر روبه تحلیل رفتن مقامات ذیصلاح که بگونه اصلی آن را به آئین نامه های قانون کارتأدیبی و اصلاحی شوروی در یک سعی تلاش که درامر جلوگیری از وقوع مکرر ناروشی که یکی از مشخصات سیستم زندان دوران ستالین در اتحاد شوروی میباشد منسوب میسازد .

امنیت زندان

قانون شوروی به مثابه نخستین نیاز درارابطه با برقراری امنیت از موسسات کارتأدیبی واصلاحی شوروی نام میبرد، کاربرد و اعمال اینگونه تعهدات و مکلفیتها چنان است که زندانیان دوران محکومیت شانرا دریک شرایط ووضع انقیاد محقرانه نزد مقامات زندان سپری میکنند، بزندانیان واضحاً چنین تفهیم میشودکه بهروزی وشادکامی آنها در اختیار مقامات زندان قرار دارد .

درهرزمان زندانیان از زنگاه قانونی از طرف مقامات

اداری زندان بشمول خودآنها ازسرتا پا وآنچه با خوددارند باید موردتلاشی قرار گیرند. آنچه را که زندانیان مجاز اند با خودداشته باشند مطابق یک قانون مقامات اداری توسط یک فهرستی که خیلی ناچیز وکم است دردسترس آنان قرار داده میشود. زندانیان نمی توانند با خودپول و یا مواد واشیای قیمتی را داشته باشند. داشتن سیت های رادیو وتلویزیون پیوسته ممنوع است. زندانیان میتوانند کتب با خودداشته باشند گرچه مطابق رهنمودهای ۰۲۰ – تعداد این کتابها را زندانیان میتوانند با خود داشته باشند به پنج جلد میرسد. کتب ورسالات مذهبی به شمول انجیل ممنوع است، طورشاید و باید قطعه بازی ها و هرنوع ازسرگرمی ها بشمول فلاش وقماربازی نیز زندانیان هم چنین نمی توانند فزاروو سائل هنرمندان را چون رنگ های مختلف، قلم گچ یا مداد رنگی وبرسهای مخصوص را با خودداشته باشند.

زمختی وخشونت را که مقامات اداری زندان و کلونی درجهت تحریم برمالکیت شخصی افراد تحمیل می کنند از یک موءسسه به موءسسهٔ دیگرا زیک زمان به زمان دیگر متفاوت است. اما با آنهم، صلاحیت نا محدودتلاشی بطور منظم وبا قاعده درامرمساعدساختن یک بهانه درجهت تحت شکنجه وفشارقرار دادن زندانیان مشخص وبه مثابهٔ یک وسیلهٔ ارعاب وا ختناق وجدان بکاربرده میشود. ازکلونی پرم به سال ۱۹۷۳ چنین گزارش داده شده است که معاون قوماندان جگرن فیودوروف) (زمانیکه داشته های زندانیان را خصوصا کتاب آنانرا موردتلاشی فوق العاده قرارمیداد، کتاب را

فورا بزمین پرتاب کردو درزیر پا لگدمال نمود.

سایر قواعد معمول مشخص با نیازمندی قانونی از اینکه هدف مجازات (تحقیر و اهانت شخصیت انسانی) نمی باشد در تضاد واقع میشود. قواعد ذیل بعداً نشر و صدور هدایت و رهنمود شماره ۰۲۰ و تضادهای آن با استاندارد ها و معیارهای معقول مدنی در کلیه موءسسات کار تأدیبی و اصلاحی تأسیس شده است.

زمانیکه در تلاش ملاقات و یا زدید اعضوا فرادیک کمپ ویا سایر افرادیکه خواهان بازدید رسمی از کمپ باشند مقصور یا محکوم باید از نها استقبال نمایند البته این استقبال آنها در نتیجهٔ به پا خواستن آنها، و در ماه های گرم سال با برداشتن کلاه از سرشان، مقصر باید موءدبانه مدعوین کمپ را به عنوان (همشهری و یا همشهریان) خطاب نماید که به تعقیب رتبه و مقام رسمی آنها می آید. رهنمود ۰۲۰ همچنین روش سابق را جائیکه زندانیان ضرورت به آویختن یک پارچه یا تکهٔ که اسم فامیلی آنها بشمول نمبر مسلسل آنها برروی لباس آنها می افتد. خصوصاً گزارشهای و اصله خیلی مغشوش کننده است (که از کلونی ها چه از موردـ و یا و پرم نشأت میکند) از ینکه زندانیان طبق معمول به مثابهٔ پایهٔ چوب همه طاس و بی مومی باشند.

قوانین دسپلین و نظم روی حقوق مکاتبهٔ زندانیان به هم تصادف میکنند. چه طبق قانون، زندانیان تعداد نامحدودنامه ها را می باستی دریافت کنند. تعداد و شمار نامه ها را که زندانیان میتوانند از کمپ به خارج بفرستند سه نامه در یک ماه میباشد (در رژیم شدید) دونامه در یک ماه

(رژیم سخت‌گیر و دقیق) و یا یک نامه در یکماه (در رژیم مخصوص میباشد). در رژیم کمپهای عادی کدام سختگیری و محدودیتی وجود ندارد. برای زندانیانیکه در سلولهای شکنجه محصور میباشند حقوق آنها، یک نامه در دو ماه میباشد، یا بعبارهٔ دیگر در جریان دو ماه می توانند یک نامه به خارج از سلول زندان بفرستند.

مثالهای زیادی از زندانیان گزارش داده شده است که بگونهٔ کلی از حقوق ارسال نامه حتی تا یکسال نیز محروم باقی مانده اند. چه هر دو نامه ها، نامه های ارسالی و مرسول، یا به عبارهٔ دیگر نامه هائیکه از خارج مواصلت میکنند و نامه هائیکه به خارج فرستاده میشوند تحت سانسور قرار دارد و یا مصادره خواهند شد، البته بعضی اوقات بدون اطلاع قبلی افراد، چه به شکل یک تهدید و یا بر روی یک سلسله ملحوظات محتوای غیرقابل قبول، این موضوع خصوصاً ارسال و مرسول نامه از فامیلها و دوستان زندانیان سیاسی و نامه هائیکه از خارج به زندانیان یهودی الاصل مرعی الاجرا است. پارهٔ از زندانیان و خانواده های آن ها ماه ها بدون اینکه نامهٔ دریافت کنند در انتظار باقی می مانند.

کلیهٔ علایم و حکایات از حیات زندان و یا کلونی از نامه هائیکه توسط زندان بخارج فرستاده میشود، صحنه زندان را تمثیل میکند. موضوع دیگر در زمینهٔ سانسور و درنگ یا وقفه در نامه عبارت است از مسئلهٔ زبان است که نامه بدان نوشته شده است. نامه هائیکه به استثنای زبان روسی (بگونهٔ مثال یوکرائینی، جورجیائی، قزاقی و

امثال آن) برای مرحله نخست به مراکز هریک از جمهوریت ها (کیف، تبلیس، الما آتا وامثال آن) فرستاده میشود که درانجا بزبان رسمی ترجمه شده وواپس جهت سانسور به کلونی فرستاده میشود، عملیه ا یکه سه ماه را دربر میگیرد، برای زندانیان سیاسی از جمهوریت های غیرروسی (که بسا از آنها دوران محکومیت شان را بخاطر نیشنلیزم یا اندیشهٔ ملیت پرستی می گذرانند، وروی این ملحوظات زبان ولهجهٔ خودشان را روی پرنسیپ که تخلف از قانون نمی تواندبا شدبکار میبرند) که این موضوع خصوصا شکل ظالمانه وتوهین آمیزسانسوراست. نامه های ارسالی از خارج ندرتا به نقطه مطلوب میرسد.

حقوق قانونی زندانیان جهت دریافت نامه وپارسل ها همچنین تحت عناوین مختلف امنیت موردنقض وتخلف قرارمی گیرد. زندانیان درکلونی ها پارسل ها را می توانند دریافت کنند، این موضوع نه چندان دارای اهمیت است که دوران محکومیت آنها چندسال است. تعداد پارسل های راکه یک زندانی می بایستی دریافت کندوابسته به خصوصیت رژیم آن است. درتحت شرایط رژیمهای عادی میتوانندسه پارسل درجریان یک سال دریافت نمایند، زندانیان رژیم شدیدمیتوانند دوپارسل درجریان یکسال دریافت نمایند، زندانیان تحت شرایط رژیم به خصوص سخت گیرانه میتوانندیک پارسل درجریان یکسال دریافت نمایند. پارسل ها ئیکه توسط افرادفرستاده میشوند، باید از پنج کیلوگرام بیشتروزن نداشته باشند. طور شایدوباید ینگونه پارسل ها، که کلیه زندانیان همه

سا له‌دو بسته‌ها ی آ نرا که‌یک کیلوگرا م وزن دا ردو محتوا ی آ ن کا غذو محصولات رخت شستنی(لاینین Linen) وشیرینی ها ی خشک (که‌چا کلیت شا مل آ ن نمی شود) میبا شد . د ر دورا ن گذشته ، علاوه‌ا زینکه‌زندا نیا ن میتوا نستندبمجله ژورنا لها وروزنا مه‌ها ا شترا ک کنندوپا رسل ها ی کتب را که‌توسط یک کتا بخا نه‌با تمبرها ی پوستی مخصوص‌ا جراء می شد ، صرف نشرا ت روسی میتوا ندموردسفا رش قرا رگیرد ، و کتب ونشرا ت خا رجی ممنوع ا ست . ا ما با آ نهم ،درنومبر سا ل ۱۹۷۲ ا ین حقوق آ نها لغووبا طل ا علان شد ، طبق گزارش‌طبق رهنمودها ی شفا هی با معا مله‌گرا ن کتا ب .

بخا طرگرسنگی حا دومزمن زندا نیا ن، پا رسل ها ی غذا ی برا ی آ نها ا زا همیت ویژه‌ٔ برخوردا را ست . ا زآ وا ن نفا ذقا نون گذا ری کا رتأ دیبی وا صلاحی درین ا وا خریک سلسله‌محدودیت ها ی بیشتری به‌یک سلسله‌ا زا قلام موا د غذا ئی به‌شمول پا رسل ها که‌به‌زندا نیا ن با ید فرستا د ه شود ، رویکا رآ مده‌ا ست .

ا شخا صیکه‌به‌ا رسا ل پا رسل ها ی محتوئ ا قلام‌ممنوعه (چو ن چا کلیت ویا تولیدا ت گوشت) به‌زندا نیا ن مبا درت میکنندسزا وا رپردا خت جریمه‌پنجا ه‌روبل(معا دل بیست و ندپوندا سترلنگ که‌شصت ویک دا لرا مریکا ئی میشود) می شوند . مگربا آ نهم درعمل زندا نیا ن ا زمفا دحتی پا رسل ها ئیکه‌محتویا ت‌آ ن مطا بق قا نون مجا زدا نسته‌شده‌ا ست دردسترس‌آ نا ن قرا ردا ده‌نمی شود . چه‌بسا ا زپا رسلها تحت عنوا ن زندا نیا ن فرستا ده‌میشود (به‌مثا به‌ٔ نامه‌های ا رسا لی عنوا نی آ نها ضا یع میشوند) طبق تبصره‌پیرا مون

نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحادشوروی وجمهوریتهای متحدمقامات زندان وکلونی درجهت تلاشی هریک ازپارسلهای فرستاده شده ناگزیرومکلف اند، باید این عمل رادرمحضرزندانیان که عنوانی آنها این پارسل ارسال شده است صورت گیرد. توجه مصئونیت بین المللی به یک سلسله موارد کشانده شده است خصوصاً آنهایرا که در این گونه تلاشی ها که دیده وداسته محتوای آنرا با گشودن و مخلوط کردن با آن کلیه اقلام موادغذائی رادرپارسلها فاسدوباطل ساخته است.

این عمل آنها یک امرغیرمعمولی نمیتواندباشد، بلکه به مثابهٔ یک عبرت وسرمشق ونادیده انگاشتن و سوء استفاده به پیمانه گسترده درامرطرحهای امنیتی به مثابه یک وسیله وعلل ناموٴجه ناراحتی زندانیان وتوهین به شخصیت آنها میباشد.

قانون چنین ایجاب می نماید که زندانیان در هر سال بتوانندتوسط گروهی ازمردم بایدموردبازدیدقرار گیرند. دونوع بازدیدها مجاز است، معمولی، بازدید های (مختصر) که تقریباً چهار ساعت وقت را دربر می گیرد که درسالون انتظار بعمل می آید، وخصوصی آن بازدید (طولانی) که تقریباً سه روزرا دربر می گیرد.

دیدوبازدیدهای شخصی ازنظررسمی درامربرقراری روابط فامیلی خیلی مهم وبا ارزش تلقی شده، واینگونه تعامل بطورعادی به همسران، زن وشوهرمجازشمرده میشود به معنی آنست که دریک اطاق مناسب که لازمهٔ تمام امکانات وابسته به حیات زناشوئی باشددراختیارآنان قرارداده

میشود.

زندانیان تحت شرایط رژیم عادی میتوانند سالیانه چهار ملاقات و بازدید عادی و دو ملاقات خصوصی داشته باشند، و تحت شرایط رژیم شدید سه ملاقات و بازدید عادی و دو ملاقات خصوصی (که درین اشنا باید آنها به کار روبار شان نیز داده دهند) و تحت شرایط رژیم سختگیرانه، دو ملاقات عادی و یک بازدید و ملاقات خصوص امکان پذیر است، و تحت شرایط رژیم عادی یک بازدید و ملاقات عادی و یک ملاقات خصوصی ممکن است. اما با آنهم، هریک از ملاقات ها و بازدیدها باید مورد تائید و قبول مقامات اداری زندان و یا کلونی قرار گیرد حتی بخشی از عمل محروم ساختن زندانیان از حقوق شان در بازدید شانی، مقامات اداری کلونی و زندان غالبا اقتضاآت دسپلین و امنیت را بحیث یک بهانه برای مختل ساختن ملاقاتها و بازدیدها بکار میبرند. ملاقاتهای عادی تحت مراقبت قرار می گیرد، ارتباط فزیکی میان زندانی و بازدیدکنندهٔ وی ممنوع است. گفت وشنود و مذاکره بین زندانیان و بازدیدکنندگان آن ها در کلونیها ئیکه در (ار اس اف اس ار RSFSR) موقعیت دارند جهت متقاعد ساختن از پرسونل های مراقب در عمل باید به روسی باشند زیرا که اطلاعات غیرقابل قبول چه بداخل و چه خارج موسسه منتقل نمی شود.

وابستگان زندانیان سیاسی بعضا چنین مینمایدکه از طرف مقامات اداری کمپ رویهٔ نامناسبی علیه آنان صورت می گیرد. با تصویب و توشیح فرمان سال ۱۹۷۲ (ار اس اف اس ار RSFSR) شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی

گیری کمتری ولهجهٔ ملایم تری درمحاکمه محسوب میشود .)
او همچنین درزمینه تقاضا نمودکه محاکمهٔ دادگاه جنین خواهدبودکه آقای (لی یوبا رسکی) را درامرادامهٔ کار و با رومشاغل علمی اش مجاز قرار دهد . هردوی این تقاضاها موردپذیرش قرار نگرفت . آقای (لی یوبا رسکی) بهاتهام اصلی محکوم وبرای پنج سال تحت بازداشت البته تحت شرایط ورژیم سخت گیرانه درکلونی کارتأدیبی واصلاحی حکم محکمه علیه وی نافذگردید .

آقای (لی یوبا رسکی) جهت سپری نمودن دوران زندانش به کلونی موردووی(Mordovi)فرستاده شد . علیرغم این واقعیت ازینکه بخش بزرگی از معدهٔ وی قبل ازبازداشت درنتیجهٔ عمل جراحی برآورده شد ، وبرای وی کدام رژیم مختص دیگری تجویزنگردید . بعد از یک سلسلهٔ اعتراضات واعتصاب غذا دراکتوبرسال ۱۹۷۴ درجهت سپری نمودن بقیه مدت دوران زندانی اش در بازداشتگاه ولادیمیر منتقل گردید .

پاکوف نیکولای ویچ پاولوف نامبرده متولدسال ۱۹۳۵ وتاسال ۱۹۷۳ به حیث یک برنامه ریزتخنیکی برای سازوبرگهای اداری حکومت مجلی در (تالدی گورگان Taldykorgan درجمهوری قزاقستان آسیای میانه مشغول کاربود . اودارای هشت فرزندو عضوجناح مخالف Dissentiningving مسیحی پروتستان انجیلی وکسانیکه به غسل تعمیدعیسوی وابستگی دارندخصوصا جهت نام گذاری Christian Baptists

ورود اقلام ویژه (اکثرا) بداخل زندانها وکمپها ممنوع قرارداده شد، بازدیدکنندگان به کمپهای مورد ویا پرم (Perm) مواجه به تلاشی جبری وحتمی قرار می گیرند خصوصا دراثنای مواصلت شان به کمپها وزندانها .

درکلونی پرم VS ۳۸۵/۳.۵ نویسندهٔ یوکرائینی (ایوان سویتلیچنی) دریک نامه شکایت آمیز وگلایه امیزش به وکیل دعوا درآگست سال ۱۹۷۴ چنین اظهارنظر می کند:

زمانیکه همسرم جهت ملاقات من درسپتمبرسال ۱۹۷۳ آمد، مقامات زندان درظاهرا مرا زوی تلاشی نکردند، مگرلخت کرده شلاقش زدند، وی را ناگزیربه چمپاتمه زدن نمودندوامثال آن. چنان است، آنها وی را تابع یک عملیه وجریانی ساختندکه فوق العاده توهین آمیزبحیثیت وآبروی انسانی وی پنداشته میشود.

(وی وی سارناچ نایا V.V.Sarnachnaya)همسر زندانی(ز- انتونیوک Z.Antonyuk) نیزبه عین جریان وعملیه قرارداده شدیا به عبارهٔ دیگرتابع عین جریان قرار گرفت. اگربازدیدکنندگان به این عملیه مخالفت ازخود نشان دهندبه دیدن وبازدیدها خاتمه داده میشود. دراثنای مرخص شدن، بازدیدکنندگان دوباره به خاطراینکه نامه های محرمانه را دردسترس زندانیان قرارندهندتا خروج ازکلونی موردتلاشی قرارگرفتندآ این عملیه توهین آمیز درهرجای قانون ازآن ممانعت وتحریم میکند.

دسپلین ومجازات بخاطرهمین شیوه ها وبرخوردهای توهین آمیزمعمول ومتداول برای

افرادیکه به بازدید و ملاقات زندانیان می آیند بود که از حقوق وصلاحیت مقامات اداری در امر تحمیل مجازات باید چیزی فهمیده شود. پاره ای از استدلال و بهانه جوئی های خیلی معمول در امر تطبیق مجازات قرار آتی است :

- شکایاتی که خطرناک تلقی شوند.
- غیرحاضری از کار و بار روی هر دلیلیکه باشد.
- کوتاه آمدن از اجرا و انجام نارمها.
- امتناع ورزیدن از برداشتن کلاه در مقابل مامورین کمپ یا زندان.
- زخمی ساختن یا قطع اندام روی هر استدلالی که باشد.
- نغمه سردادن، کوبیدن پیغامها بر دیوارهای سلول، و آوازسردادن.
- داشتن اقلام وسامان (غیرمجاز).
- درنگ وتأخیر روا داشتن بزای عمل حاضروغائب، خوراک کار.
- اعتصاب غذا.
- پوشیدن لباس غیرمجاز برای کار.
- امتناع از اشتراک وحضور در درسهای سیاسی.
- قطعه بازی کردن.
- تبصره های سیاسی نمودن.
- امضاء اعتراضنامه ها ودرخواست ومطالبات از سازمان های غربی.

مقامات اداری زندان وکلونی انعطاف پذیری بیشتر در امر تصمیم گیری از اینکه چه استدلال و اساس میتوانند زمینه را برای مجازات فراهم سازد ویا به عباره دیگر

روی‌کدام علل مجازات اعمال میشود ـ چنین عمل چون پوشیدن پای پوشهای روی فرش وقالین (سه دقیقه‌ناوقت تر)ازخواب بیدارشدن وپختن چای باقیمانده درچاینک به‌مثابهٔ یک بهانه‌برای مجازات رسمی .

ماده ۳۴ نهادهای قانونگذاری کارتأدیبی واصلاحی یک فهرست مکمل مجازاتی راکه‌رسما موردپذیرش قرار گرفته دردسترس شما قرارمیدهد :

ـ اخطاررویا رسما توبیخ کردن.

ـ وظایف وکاروبار بیش‌ازحدوفوق العاده‌برای پاکی و صفائی صحن ومحوطهٔ زندان .

ـ محروم ساختن کسی ازتماشای سینما یا کنسرت،واشتراک درمسابقات اتلتیک .

ـ تحریم یک بازدیدوملاقات معمولی.

ـ محروم ساختن ازحقوق دریافت پارسلهای ارسالی بطورمنظم توسط پوسته‌ویا توسط شخص ، ویا حقوق خرید موادغذائی تا یکماه .

ـ فسخ والغای شرایط بهترکه‌درماده ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ نهادهای قانون گذاری ازآن تذکررفته‌است .

ـ قراردادن یک زندانی تا پانزده‌روزدرسلولهای زندان (PKT) درارتباط‌با افرادمقصردربازداشتگاها ومحابس بگونهٔ غیرمجازدرامرحضوربکاروطالعه .

ـ قراردادن یک زندانی برای پانزده‌روزدربلاک مجبر جزائی وکیفری شیزو (Shizo) توأم با اجازه‌یا بگونهٔ غیرمجازجهت حضوربکاررویا مطالعه .

ـ قراردادن یک شخص برای ششماه‌دریک محوطه‌بگونهٔ

سلول دررژیم عادی، شدیدوسخت کارتأدیبی واصلاحی در کلونی ها تا یکسال درسلولهای مجرددرکلونیها با یک رژیم مخصوص، ودرزندانهاانتقال به یک رژیم سخت گیرانه برای یک مدت زمانیکه درماده ٔ پانزده (ازدوتاششماه) انتقال افراد ازبخشهای عادی منازل مسکونی کلونی رژیم مخصوص به محوطه های سلول مانندرهمان کلونی.

مجازات کمترخطرناکترآنها منظمادرا مرمحروم ساختن زندانیان ازبازدیدکنندگان وپارسلهای مهم آنها بکارمیرود- مگربا آنهم مجازاتهای خیلی خطرناک غالبا روی مسائل کوچک نیزاعمال میشود.

زندانیانیکه بهبازداشت های تنبیهی وتعذیری در کلونی های کارتأدیبی واصلاحی فرستاده میشوندمعمولا " تابع شرایط رژیم مخصوص به اصطلاح (محوطهٔ سلول مانند PKT) اسم اختصاری روسی است ویاسلولهای مجرد شتراف نوی ای زول یا تور) یاشیزو Shizo بگونه ٔ مختصرآن) افراددداخل زندانها ممکن در (کارت سیر) (سلولهای مجردزندان) بزای پانزده روزنگهداشته خواهندشد- درارابطه با موضوع قوانین وجوددارد که مشخصات فزیکی سلولها وبلاکهای مجازات را تنظیم میدهد.

فلهذا ایجاداختناق ومجازات وواحدهای مجردنظم ونسق بدین قالب ریزی کهصرف کردن وقت درآنها بهصحت وسلامتی افرادمحکوم خطرات را بهبارمی آوردبگونه ٔ صریح وواضح ممنوع قراردادهشده است.

مگربا آنهم، شرایط درسلولهای مجازات (چه در پی کی تی وشیزو PKT and Shizo) گاهی

چنین تلقی میشودکه صحت زندانیان را معروض به خطر می سازد. برخی ازسلولهای زندان مرطوب وآنقدر دارای دستگاه تهویه وبرخی ازآنها فاقدهمه چیزمیباشند. احیانا این همه وسائل درزیرخانه ها میباشند۔ چه درجریان زمستان آب درسلولها به یخ بندی مبدل خواهدشد، ودرجریان تابستان طاقت فرسا ونا راحت کننده درخواهدآمد. زندانیان برروی تخته های لچ وعریان میخوابندومسائل صحی نیز ابتدائی است. سلولها دارای مخزن آب حوض برای شستشو ندارند (احیانا یک مخزن فلزی ویا جام وکاسه برای استفاده عموم قرارداد) زندانیان ناگزیراندکه بخشی از وقت محدودوتمرین ومشق شان را بخاطرشستشوبکاربرند. سلولهای زندان دارای طشتهای آبریزمیباشدکه زندانی خودش روزمره آنرا خالی میسازد. بعدازین کارهیچ جا نمی تواندستش را بشوید. وقت تمرین کاهش داده شده است. جیره بندی موادغذائی کاهش داده شده است وزندانیان غذای گرم را صرف یک روزدرمیان میتوانندداشته باشند.

تحمیل محرومیتها ونا راحتی برزندانیان درسلول های مجازات میتوانددربسا ازسیستم های زندان سراغ گردد. درکلونیها وزندانهای شوروی، مقامات اداری چنین مجازاتهاوشکنجه هارا که غالبا با علائم بیرحمی وبی عاطفگی توأم میباشد. روحیه ایکه دران مجازات وشکنجه ها تطبیق واعمال میشودازطرف مقامات اداری پرم (Perm) کلونی ۳۶ که دررابطه با سلوک وبرخوردآن با یک دسته از زندانیانیکه بسال ۱۹۷۲ بخاطرمخالفت شان از رهنمود

۲۰ه بـه اعتصاب غذا اقدام کردندتوضیح داده شده است .

درجریان چهارساعت اعتصاب غذائی آنها تهدید و تحقیرشدند . بعدا مقامات اداری به اقدامات بیشترموءـ شروکاری متوسل شدند . هیچگونه مداوا وکمک های طبی به مظاهره چیان بعمل نیامدگرچه پیرامون چنین کمک ها در قانون درارابطه با اعتصاب غذا تصریح شده است . بعدا هر کدام آنها یکا یک به اطاق محافظ احضار شدند ، که کلیه مقامات اداری کمپ به شمول اعضای کی،جی،بی درآن اشتراک داشتند . زمانیکه آنها درامراطاعت ازرهنمودنمبر ۲۰ه روی خاتمه دادن به مظاهرات اعتصاب غذائی شان سرباز زدند ، رفقای لاغرشده ازپنج الی پانزده روزدرسلولها ی مجردزندان بعنوان مجازات قرارداده شدند ، بعد از نخستین تقلا وزورآزمائی بزمین افتیدند ، دستهای شان بسته شدوسرشان تراشیده شد ، گذشته از ان، توجه ناچیزبه وضع صحی زندانیانیکه تا مدت طویل درسلولهای مجازات قراردارندمبذول میشود .

درمی ۱۹۷۴ زندانیان درکلونی پرم ۳۸۹/۳۵ VS توسط مقامات طبی وسایرمقامات رسمی مناطق اداری ساـ زمانهای کارتأدیبی واصلاحی چنین گفته شدازینکه قانون شوروی هرگزدرسلول مجازات قراردادن افرادعلیل و ناتوان را منع نمی کندواز ینکه کدام ضرورت قانونی نیز درارابطه با موضوع وجودنداردکه یک زندانی قبل ازاینکه به سلول زندان قرارگیردازنگاه صحی موردمعاینه قرار گیرد .

شرایط رقتبارطبی ودرمانی بسااززندانیان،کار

بردطبی ودرمانی بسا ا ززندانیان،کاربردواعمال اینگونه مجازات را خطرناک می پندارد- هنوززندانیان با شرایطی جون نرحهٔ معده منظما تحت شرایط واوضاع ناگوار تری در PKT و SHIZO قرار گرفته اند.

محصورقرارگرفتن بیک سلول شکنجه ومجازات (چه PKT ، Shizo یا Kartser) بیانگریک دگرگونی موقتی دررژیم است که زندانی درآن نگهداری میشود- مگر با آنهم (سلوک وبرخوردنا مطلوب وخراب) میتواندبا یک سلسله تغییرات طویل المدت دررژیم زندان ازنگاه رسمی تنبیه ومجازات شود.

فقدان مجازات اعدام (که درذیل میتوانیدبموضوع تماس گیرید)شدیدترین شکل مجازات که تا امروزبمقامات اداری یک کلونی وجودداشته است منتقل ساختن یک زندانی به زندان ولادیمیرمیباشد. که درشهرقدیم یا سابق روسیه بهمان نام موقعیت دارد، محبس ویا بازداشتگاه ولادیمیریکی ازخطرناکترین موٴسسه جزائی درا تحادشوروی پنداشته میشود (بهاستثنای بیمارستانهای روان پزشکی).

زندان ولادیمیربرای افرادیکه متهم به (جرائم خطرناک) شده باشند (خصوصا جنایتکاران معتادوخطرناک که چندین بارمرتکب جرائم شده باشندوبگونه غیر قابل علاج درآمده باشند) وافرادیکه ازکلونیهای کارتأدیبی واصلاحی درنتیجهٔ یک مجازات منتقل میشوند- چه زندانیان سیاسی بی شمار ازسایرموٴسسات جزائی وکیفری بدینجا نقل داده میشوند. درزمرهٔ بسا ازافرادیکه مصئونیت

بین المللی آنرا پذیرفته که انتقال آنها را به سال ۱۹۷۳ ، ۱۹۷۴ به این زندان وانمود میسازد عبارت اند از (سرگی مال چیوسکی، یاکوف سوسلینسکی، الکساندر سرگی ینکو، کرونیدلی یوبارسکی ونا راضیان مارکسیست یوری وود کا ویوری فیدوروف) میباشند .

درجولای سال ۱۹۷۴، ولادیمیر بوکوفسکی، که او بسال ۱۹۷۳ دوسال دوران محکومیتش را درزندان ولادیمیر گذ ـ شتانده بود ، دوباره بخاطر شرکتش به یک اعتصاب غذا در کمپ کار تأدیبی واصلاحی در منطقه پرم به سه سال محکوم و به همین زندان منتقل گردید .

هیئت شناس معروف (کرونیدلی اوبارسکی) که او در بهار سال ۱۹۷۴ در رأس فهرست زندانیانیکه دریک نامه امضاء نموده بودند و آن نامه عنوانی کمیته حقوق بشر مسکو که تخلفات قانونی را درکلونی های (موردوویا) نشان می داد طبق احکام صادره در اکتوبر سال ۱۹۷۴ بزندان ولاد ـ یمیر منتقل شد . مقامات رسمی آقای (لی یوبارسکی) را از اینکه از مسیر اصلی منحرف شده مورد اتهام قرار دادند در حالیکه یک وکیل دعوای محل، وی را از اینکه (او نظریات واندیشه هایش را تغییر نداده است) محکوم نمود . زمانی که آقای (لی اوبارسکی) به زندان ولادیمیر مواصلت نمود فوراً تابع شرایط رژیم سخت ترقرار داده شد . طبق شرح وقایع معاصر ، آقای (لی اوبارسکی) برای دوماه تابع یک شرایط فوق العاده نارم قانونی مواد غذائی که به مثابهٔ (جیره بندی سلول مجازات) شهرت دارد قرار داده شد .

علیرغم شرایط دشوار در زندان ولادیمیر، حتی زندانیان سیمارشدید نیز باین زندان منتقل میشوند. بگونهٔ مثال کرونیدلی او بارسکی، بخش بیشتر معدهٔ وی بخاطر مصاب بودن به قرحه در نتیجه عمل جراحی برداشته شد، (الکساندر سرگی بینکو) از توبرکلوز مزمن شکایت دارد و ولادیمیر بوکوفسکی از قرحه اثنا عشر و بی نظمی های قلبی وجگر شکایت دارد.

انتقال به یک موسسه که دارای رژیم مختلف باشد بیانگر یک تحول در محکومیت زندانی پنداشته می شود. صلاحیت استثنائی و منحصر بفرد محاکم در امر تعیین محکومیت ظاهرا در نتیجه نیاز ها و ضرورت از اینکه صرف محکمه میتواند فیصلهٔ را برای یک دگرگونی در از مدت در رژیم یک زندانی صادر کند و این یگانه حقوق محفوظ محکمه است و بس.

مگر با آنهم، در ظاهر امروز از رت امور داخلهٔ کشور بطور کلی از شیوه های اداری اش بخاطر تغییر رژیم زندانیان بدون توسل و مراجعه به محاکم دست بردار نشده است.

بسال ۱۹۷۲ در حدود پنجصد تن از زندانیان از کلونی Zhkh۳۸۵/۳/۱۷/۱۹ در کامپلکس های کلونی موردوویا به دو کلونی ها در پرم منتقل شدند. برخی از آنها که بعدها روی آن تبصره به عمل آمد از ینکه استدلال برای انتقال گسترده تر آنها (توزیع مجدد کمپهای سیاسی) جهت پیش گیری از انتشار اطلاعات، و مغشوش ساختن تماسها بین زندانیان در جریان امر دخیل بوده است. به مجرد رسیدن در کلونی ۳۸۹/۳۵ VS و VS ۳۸۹/۳۶ به زندانیان چنین تفهیم

شدکه تمام این منطقه (یک سوء سه بخصوص کارتأدیبی و اصلاحی) بوده است ، به آن معنی که کلونی های داخل آن کلونی های رژیم مخصوص میباشد . از آنجائیکه کلیه زندانیان دوران محکومیت رژیم سخت گیرانه ء را می گذرانند انتقال آنها بیانگریک دگرگونی وتحول دررژیم میباشد که بخاطرآنها محکوم شده اند . این موضوع غیرقانونی بود بخاطراینکه هیچ محکمهء چنین امری را صادرنکرده است ، امااز طرف وزارت امورداخله پاس شده مورد تصویب قرار گرفت .

ازینکه بخشی از آن درظاهرا مرنقض صریح ازقانون میباشد ، چه انتقال زندانیان درنتیجه تحمیل فشاورنج برزندانیانیکه درجریان امردخیل بودند ، میباشد . پاـ نزده تن آنها دراطاقهای خواب ، هرکدام آنها غرق عرق ریزی خودشان شده بودند ، غذا وخوراک اصالتش را ازدست داده بود (فاسدشده بود) برای دوروزآنها زندانیان را به دست شوئی ومستراح نبردند . مردم بایدازکاریدور ها استفاده میکردند ـ کلکین ها مهرلاک وبسته بود ، صرف در اخیروقت تبعیدشان کلکین ها کمی بازگذاشته شده بود ،اما این نمیتوانست کمک ویاری رساند . مردم لخت وبرهنه روی کف اطاق قرارداشتند . خاک تعفن خفه کننده ،مسموم کننده ـ یک شخص درجریان نقل وانتقال درگذشت . این یک شکنجه خطرناک بود . ارزیابی دیگرعین مسافرت این توضیح وحکایت را تائیدنموده وعلاوه میکند :

حتی کوچکترین یک امتیاز ـ یک قطره آب ،یک جرعه ازهوای تازه برای تنفس ، صرف میتوانست بواسطه

این باپتیست های مخالف درا مرپذیرش پاره‌ای ازمحدودیت رسمی که درجهت فعالیتهای مذهبی برای آنها در سال ۱۹۶۰ تجویزشده خصوصا محدودیتها ئیکه پیرامون حقوق آنها جهت رهنمائی اطفال شان درمذهب باشدنمی پذیرند درخزان سال ۱۹۷۳ آقای پاولوف درزمرهٔ یک دستهٔ شش نفری باپتیست مخالف در (تالدی کورغان) وبا یکسلسله ازتخلفات جنائی دررابطه با فعالیتهای مذهبی شان، به شمول تخلف ازقوانین روی انفکاک کلیسا ودولت ومکتب ودولت ، وتوزیع وپخش اکاذیب که دولت شوروی وسیستم آنرا جریحه‌دارمیسازددرنتیجهٔ وازدکردن اتهامات بازداشت گردید. درجریان محاکمهٔ شش تن که مصادف به ماه فبروری سال ۱۹۷۴ است ، مدعی العموم چنین مدعی شد که متهم بگونهٔ سیستماتیک به نشروتبلیغ مذهب پرداخته وجهت تحقق بخشیدن به این مرام به وعظ وتبلیغ ، تیپ ریکاردرها وانجام واجرای اشعاروسرودهای مذهبی که پاره‌ای ازاین سرودها واشعار توأم با افزارموسیقی بوده ، مدعی العموم علاوه برآن ازینکه آقای پاولوف و دو تن ازمدافعین همکاروی چنین اعتراف نموده اندکه مشترکا " (دروس مذهبی را برای اطفال خوردسن سازمان داده اند) که طبق اظهارمدعی العموم نقض وتخلف ازقوانین پیرامون(انفکاک وجدائی کلیسا ازدولت وکلیسا بوده است) شواهداصلی درجریان موضوع شامل اسنادمطبوع وموعظه ها وسرودها ئیکه بشکل کسیت درآمده وازمنازل مدافعین بدست آمده ومصادره شده است وپیش آمدچشمدیدازینکه اطفال مدافعین بگونهٔ منظم بروزهای شنبه ویک شنبه

فریا ددسته جمعی زمانیکه قطار آهن از یک منطقه پرنفوس میگذشت بدست آید. پاره‌ا ززندانیان بحال بی هوشی افتادندوتعادل روانی وجسمی شانرا ازدست دادند. نکلای نکلاینکوا زقطار آهن به بیمارستان منتقل گردید. هیچنوع درمان طبی دراثنای سفرسردست نبود- محافظین بی سوادبگونهٔ بی باکانه همان تابلیتها را به هرکس توزیع می نمودند.

وقایع چنین نشان دادکه دررابطه با موضوع مثال های واضحی ازبی اعتنائی مسئولین زندان وصلاخیتهای آنها وموقف بی دفاع زندانیان را دربازداشت توضیح می دهد. با وجود پرنسیپ قانونی ازینکه دوران حبس و زندانی دراتحادجماهرشوروی روی هدف تحمیل رنج و مصیبت جسمانی وکسرشأن انسان نمیتواندباشد ما مقامات زندان با تحمیل مصیبتها وتکالیف وبالاخره توهین وتحقیر ساختن زندانیان حسب معمول بکارشان ادامه میدهند، با چنین اعمال آنها مرتکب تخلفات مکررا زقانون گذاری اتحادشوروی میشوند.

بسال ۱۹۶۲ یک مقاله (۱-۷۷) مجازات اعدام را محکومیت نهائی که محکمه میتواند آنرا برای (اقامه‌دعوا وجریان حقوقی که‌کارسازمانهای تأدیبی واصلاحی‌را مختل میسازند) به‌تصویب برساندبه‌آئین نامه‌جنائی ار اس اف اس ار (RSFSR) علاوه‌گردید، روی وجوهات مختلف تادرین اواخرتحمیل شده‌بودوبخاطرتخلفات متنوع دسپلین ونظم ونسق ازطرف زندانیان باآزردگی کامل تحمیل می شد.

ادوردکوزنتسوف خاطراتی را که در جریان نخستین دوره زندانیش (از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ بعد از یک اتهام که بخاطر تحریکات ضد شوروی) بوقوع پیوسته بود چنین شرح میدهد که عده‌ای از زندانیان در کلونی مورد وویا برای خال کوبی برروی بدن شان توأم با شعارهای ضدحکومتی و مثله کردن وواردآوردن جراحات مختلف در بدن شان اعدام شدند. زمانیکه وی به کلونی ZHKH ۳۸۵/۱ موردوویا بسال ۱۹۷۱ برگشت، او چنین دریافت که در غیاب وی اعدام ها بخاطر خال کوبی در بدن متوقف ساخته شده است.

گرچه برخی از مقامات اداری کلونی ها سرانجام احیانا زندانیان را با ماده‌ٔ ۱-۷۷ و اعمال و کاربرد مجازات اعدام را در سازمانهای کارتأدیبی و اصلاحی تهدید می نمایند با آنکه بگونه‌ٔ صریح به پیمانه‌ٔ بزرگ از آن کاهش به عمل آمده است. مصئونیت بین المللی در این سال های اخیر هیچ مواردی را از اینکه یک زندانی وجدان تحت ماده ۱-۷۷ به اعدام محکوم شده باشد در اختیار ندارد.

در اسناد و مدارک اخیر نشرات محرمانه که از موءسسات جزائی و کیفری شوروی سر بدر می آورد (نشر و پخش میشود) هیچگونه موارد تثبیت شده از این گونه اعدامها را چه زندانیان سیاسی و چه جنائی بخاطر ندارد.

فلهذا یگانه موجودیت مجازات اعدام در قانون برای تخلفات و سرپیچی از دسپلین و نظم نسق توسط زندانیان بیانگر یک مغایرت و اختلاف بین ادعا های مورال عالی قانون کار تأدیبی و اصلاحی اتحاد شوروی و ایجاد رعب و خوف از طرف رژیم که زندانیان پیوسته و بگونه مستمر

تابع آن شرایط قرار داده شده اند، میباشد.

کنترول قانونی بالای مقامات زندان وکلونی	اصلاحات قانونی که به گونهٔ تدریجی بعد از سال ۱۹۵۳ در اتحاد شوروی وضع گردید با

یک سلسله مساعی وتلاشها درجهت اعادهٔ نقش قانون در تأسیسات زندان ومحابس اتحاد شوروی توأم بوده است. گرچه آئین نامه های کارتأدیبی واصلاحی نوین تا سال ۱۹۷۰ به شکل قانون درنیامده بود، تقریبا دراواسط سال ۱۹۵۰ دگرگونیهای مربوط به اصول قضائی درآن، جهت تدارک نظارت قانونی بالای مقامات زندان وکلونی رویکار آمد مهمترین همه قانون ویا آئین سال ۱۹۵۵ روی صلاحیتها و یا اعمال نظارت گماشته ها ویا وکلای اتحاد جماهیر شوروی بودکه تا حال مرعی الاجراء است.

طبق مادهٔ ۳۵ این آئین نامه مامورین این مؤسسه وکلا از صلاحیت عام وتام درجهت وارسی از کلونیها و زندانها دراثر کنترول وبررسی اسناد مربوط به موارد مختلف دوسیه های زندانیان ومراقبت از قانونی بودن کلیه احکام واوامر وهنمودهای مقامات اداری مؤسسات کارتأدیبی واصلاحی باشد برخوردار میباشند.

عین قانون وآئین نامه (درماده ۳۶) وکلا وگماشته ها مبنی بررسیدگی ومراقبت به جریان امور برسر وقت پیرامون شکایات ومطالبات زندانیان را نیز مورد مخاطب قرار میدهد. گذشته از آن، به سال ۱۹۵۷ کمیسیون های نظارت عامه سراسر اتحاد جماهیر شوروی (به مثابهٔ ارگان

های کنترول عامه‌روی نظارت قانون درامرفعالیت موء ـ سسات کارتأدیبی واصلاحی) واردعمل شودتأسیس گردید .
درقانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصر ، وکلا و یا گماشته‌های آنها به‌شمول کمیسیونهای نظارت عامه‌بمثابه‌ٔ دوجیندل درامرمراقبت ونظارت‌قانونیت درموء سسات کارتأدیبی واصلاحی اتحادشوروی می باشند .
ماده ۱۱ آئین نامه‌کارتأدیبی واصلاحی اراس اف اس ار (RSFSR) چنین تصریح میکندکه‌وکلای اتحادشو ـ روی وگماشته‌های تابع آنها ناگزیرومکلف اندکه (از نظارت واقعی قوانین)موء سسات زندان رامتقاعدسازند . آنها بایدجهت پیشگیری ازین رویدادهای نامطلوب متخلفین ازقانون را (ازهرکسیکه‌این تخلفات ناشی می شود) مجازات وتنبیه‌نمایند . درجاهای مختلف قرار ادعای آئین نامه‌ازینکه‌وزارت داخله (درسیستم اداری زندان مسئول میباشد) بایدباوکلا درامرتشخیص وتثبیت تفصیلات عملیات زندانها وکلونیها همکاری ومعاونت نماید .
ماده ۱۱ آئین نامه‌کارتأدیبی واصلاحی اراس اف اس ار همچنین اعلام میداردکه‌مقامات اداری زندان در (امربسررساندن وانجام) رهنمودهای گماشته‌ها ویاوکلادر رابطه‌بانظارت ووارسی ازقوانین(ناگزیرومکلف اند) .
جهت متقاعدساختن این موضوع ازینکه‌زندانیان میتوانندکه‌توجه‌وکلا وگماشته‌ها (وسایرارگانها وموء ـ سسات) رابسوی بی مبالاتی هاوبی اعتنائی ها جلب نما ـ یندونهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی زندانیان

را به وا جدبودن حقوق درا مرشکا یتها ی تحریری، آنها را متقا عدمیسا زد. طبق تبصره نها دها ی قا نون گذا ری کار تأ دیبی وا صلاحی ا تحا دجما هیرشوروی وجمهوریتها ی متحد حقوق ا فرا دمقصرو متهم ا زینکه شکا یا ت شا ن را به مرا جع قا نونی برسا نندبه مثا به ٔ یکی ا زتضمینا ت مهم شرط قا نونیت درا ثنا ی ا عما ل مجا زا ت محسوب می شود.. سرهم بندی وفرستا دن شکا یا ت توسط هریک ا زفا رم ها به هرشکلی که با شندمجا زا ست وکدا م ما نعی برا ی آنها وجود ندا رد.

ا ما با آنهم، حقوق زندا نیا ن درا مرسربرا ه اندا ختن شکا یا ت بصورت عموم نا دیده ا نگا شته میشود. صرف هما ن نا مه ها ی شکا یت آمیزی که توسط زندا نیا ن به وکلاء ویا گما شته ها فرستا ده میشودتوسط مقا ما ت ا دا ری کلونی ویا زندا ن ا زسا نسورها ی ا لزا می معا ف میبا شند. ا ین بدین معنی ا ست که شکا یا ت زندا نیا ن، جزوکلا ویا گما شته ها ا زطرف هما ن مقا ما ت مربوطه ٔ پوسته که شکا یت آمیز با شدتحت سا نسورقرا رمی گیرد.

ا ین موضوع با تصویب وفرما ن شورا ی عا لی ا تحا د جما هیرا شترا کیه شوروی موٴرخ ۱۲ ا پریل سا ل ۱۹۷۸ که درا رتبا ط به شکا یا ت همشهریا ن میبا شدقرا رآتی ا ست:

فرستا دن شکا یا ت ا فرا دمتهم ومقصرجهت فیصله توسط آن ا فرا دمقا ما ت رسمی که فعا لیت وکا روبا ر آنها موضوع شکا یت با شدمنع قرا ردا ده شده ا ست. ا ما با آنهم شکا یا ت زندا نیا ن به وزراء وسا یرسا زما نها نه تنهاازطرف مقا ما ت ا دا ری کلونی وزندا ن موردمطا لعه قرا رمیگیرد،

بلکه غالبا به مقامات اداره مرکزی کارتأدیبی واصلاحی درچوکات وزارت داخله نیز ارجاع ساخته میشود .

باصلاحیت دردست داشتن مقامات اداری کمپها وزندان میتوانند شرایط هرزندانی را تغییر دهند ، آنها دسترسی قابل ملاحظه درامر گرفتن انتقام اززندانیان شاکی میباشند - بعضی اوقات عملیه انتقام جوئی وارعاب حتی رنگ قانونی بخود می گیرد طوریکه بررسی وارزیابی ذیل از کلونی پرم به این موضوع روشنی می افگند .

مقامات اداری کمپ زندانیان را از جریان موضوع مطلع ساخته اند که در رابطه با موضوع یک رهنمود و هدایت مخصوصی وجود دارد که طبق آن به مقامات اداری صلاحیت داده شده است که شکایات زندانیان را سانسور نمایند و تصمیم بگیرند که میشود محتوای این نامه ها افتراء آمیز باشند و یا اینکه روی واقع بینی استوار باشند . در مورد اول ، اگر آنها در شکایات زندانیان جنبه های افتراآمیز را تشخیص دادند ، مقامات اداری کمپ صلاحیت آنرا دارند که این نامه شکایت آمیز را نفرستند و صلاحیت آنرا دارند که زندانی را بخاطر انتقال اطلاعات و گزارشات غلط و افتراء آمیز و یا ارائه مفاهیم نامطلوب در نامه تنبیه و مجازات کنند . بدین سان یک تعداد زیاد زندانیان جهت فرستادن شکایات در سلولها ی مجازات قرار داده شدند و در ضمن از وصول نامه و پارسل ها و بازدیدکنندگان از آنها نیز محروم گردیدند ، یا به عبارهٔ دیگر ارسال و مرسول نامه ها و پارسلها به اینگونه افراد ممانعت بعمل آمد و در ضمن کسانیکه جهت ملاقات با اینگونه افراد به زندان و یا

کمپ می آیند نیز از آنان ممانعت وجلوگیری بعمل میآید حتی فرضا نامه های سانسور نا شده به وکلا یا گماشته ها دارای ارزش نه چندانی اند که سود و منفعت نه چندانی دارند، طبق کلیه محاسبات و بررسی ها ئیکه توسط زندانیان وجدان اتحاد شوروی به عمل آمده.

اگرو کیل یا گماشته خود را در داخل کلونیها وزندان ها درجریان امور دخیل سازد بدین معنی اوضاع داخلی کلونی وزندان را مطالعه کنند، چنین می نماید که هرگز به جانبداری از زندانیان نخواهد بود. این موضوع بگونه ٔ مفصل دریک (خاطره ٔ) که یکماه مکمل اعتصاب غذا در کلونی کار اصلاحی وتأدیبی ۳۸۹/۳۵ VS درتابستان سال ۱۹۷۴ تذکرداده شده است

زندانیان شکوه وگلایه های متعددی پیرامون تخلف از قوانین توسط مقامات کمپها نمودند (بگونه ٔ مثال ممانعت غیرقانونی نامه ها وپارسلها ، خلاف ورزی آنها از ماده های آئین نامه کارتأدیبی واصلاحی پیرامون شرایط کارزندانیان، وابستگان ورفقای زندانی که جهت ملاقات بزندان می آیندبطورخودسرانه وجابرانه از این حقوق بی بهره کردن، تخلف ازنارم ها ئیکه مجازات زندانیان را نظم ونسق می بخشند). مقامات مسئول وکلا وگماشته ها وسایرکلیه ایجنسی ها ونمایندگیها ئیکه بااین گونه مسائل وابستگی دارنددرخواست ومطالبات آنها نادیده گرفته شد. فلهذا چنین تصمیم گرفتندکه شکایات آنها جای را نمی گیردوبی مفهوم است وگماشته ها یا وکلا نیز به گلایه وشکایات آنها گوش فرا نمی دهند، علیرغم این

واقعیت که این زندانیان بشکل نیمه‌سیر بودند و در بسا موارد وضع صحی آنها نیز چندان رضایت بخش نبود باعتصاب غذا متوسل شدند . زمانیکه زندانیان شکایاتی روی بی قانونی ها وخلاف ورزی های مقامات اداری کلونی در اثنای غذا تقدیم مقامات مربوطه نمودند ، یک مقام برجسته‌ٔ رسمی به‌آنان چنین گفت :

(شما میتوانید شکایت نمائید ما شما خوبتر میدانید که هیچ وکیل یا گماشته‌ٔ به‌شما کمک ومعاونت نخواهد کرد) بعد از اینکه اعتصاب غذا پایان یافت ، گماشته‌ها و یا وکلای اراس اف اس ار شکایاتی را که‌توسط اعتصابیون غذا در برابر بروحشت وخلاف ورزی های که‌توسط مقامات اداری کلونی درجریان اعتصاب غذا مرتکب شده‌بودند مورد بازجوئی وارزیابی قرار دادند . در آگست ۱۹۷۴، مقامات اداری کلونی از وکلا یا گماشته‌های آراس اف اس ار یک نامه‌ٔ رسمی را که‌شکایات هریک از زندانیان به‌مثابه‌ٔ یک مسئله (غیرقابل اثبات) و (با درنظرداشت حقیقت غیر موجه‌میباشد) مورد تکذیب وتردید قرار گرفت . درهمان ماه نویسنده‌ٔ یوکرائینی (ایوان سویت لیچنی) با ارزیابی ها وبررسیهای گماشته‌ها ویا وکلا به‌مقابله برخواست و دوباره به‌اعتصاب غذا پرداخت و فورا برای سه‌ماه درسلول مجازات قرار داده‌شد .

کمیسیون های نظارت عامه‌دومین وسیله‌ٔ نظارت و رعایت قانون را درکلونیها تدارک می بینند . این کمیسیونهای ناظر و مراقب با نمایندگان کارگران ورنجبران به‌سویه‌ٔ محلی درمنطقه ، شهر ، ناحیه ،درتماس‌اند .

طبق ماده ۱۱۰ آئین نامه کارتأدیبی واصلاحی ار اس اف اس ار (RSFSR) عضویت در ان بطورعمومی برای نمایندگان شورای کارگران ونمایندگان اتحادیه‌های تجارتی کمونیستهای جوان وبقیه‌سازمانهای ملی وکولکتیف های کارگری) کارگران وزارت امورداخله‌وکلاء و محاکم، اعضای کمیسیونهای نظارت نمی توانندباشند.
کمیسیونهای نظارت قانونارژیم‌بامشاغل وکاروبارآنهابا کلیه جنبه‌های فعالیت سازمانهای کارتأدیبی واصلاحی‌وابسته میباشد. آنها درجهت کمک به‌زندانیان بخاطرتجدیدآموزش آنهادارای صلاحیت می باشند. برمبنای ارزیابی آن ها ازسوابق زندانیان، آنها میتوانندرهائی قبلی زندانیان راازطریق محاکم ویاانتقال آنهاراازیک شکل رژیم به‌نوع دیگرآن مطالبه‌کنند.
کمیسیونهای نظارت بایستی(درجهت اعمال وتطبیق کنترول عمومی) پیرامون فعالیت موءسسات کارتأدیبی واصلاحی اشتراک ورزندجهت رسیدن باین مرام آنها با صلاحیت گسترده‌تری که‌دردسترس آنان قراردارد باید از کلونیها وزندانها جهت استماع شکایات زندانیان و در امردرخواست تقدیم اسنادمربوط بآن توسط مقامات اداری بایدموردبازدیدقرارگرفته‌خلا بین این قیدوشرطهای قانونی وعمل خیلی زیاداست. تااندازه‌ء که‌برای ما معلوم است هیچ کمیسیون نظارت تاحال به‌نمایندگی از یک زندانی وجدان شوروی که‌موردپذیرش مصئونیت بین المللی قرارگرفته‌باشد، بجشم نمی خورد، چه‌درنتیجه ء تقاضا وخواهش برای آزادی آن ویا تخفیف کاهش درشرایط

وی ویا بواسطهٔ اعتراض بخاطر تخلفات از قوانین توسط مقامات اداری زندان ویا کلونی ها . از اینکه موجودیت کمیسیون نظارت درعمل به زندانیان سیاسی نامرتبط است شاهداین مدعا است تقریبا فقدان یک رهنمائی و دستور به کمیسیون های نظارت ودردسترس نبودن گزارشها وبیانیه ها به مقدار زیاد توسط آن ودرباره زندانیان وجدان دراتحاد جماهیر شوروی. یگانه استثناء قابل ملاحظه به این بی اعتنائی وعدم رعایت برای کمیسیون های نظارت درشمارهٔ ۳۳ شرح وقایع اخیر، که سفارشهای کمیسیون نظارت را دررابطه با رهائی وآزادسازی بموقع هشت تن زندانیان درکلونی موردوویا Mordovia ۱۹ / ZHKh ۳۸۵ گزارش داده است . ازجملهٔ هشت تن سه تن آنها بخاطر تبانی وهمکاری با نیروهای اشغالی درجریان جنگ عمومی دوم جهان بعنوان مجرمین جنگ محکوم. شده بودند که دوتن آنها درزمره نیروهای اشغال جرمنی داخل خدمت بوده اند، یکتن آن دربرابر برنا راضیان (پاول لیت وینوف ولاری سابوگوراز) بسال ۱۹۶۹ گواهی داده است ، ویکتن آن، یک پارتیزان هواخواه گروه نیرومقاومت سابق لاتویا که صرف سه ماه به خدمتش مانده بود، به ده سال حبس محکوم شد .

حقوق دان شوروی (ام - دی -شارگورودسکی) بسال ۱۹۷۳ چنین نوشت که از نظرباتش تا حال دربین عموم مردم شوروی از آن مواظبت به عمل می آید زینکه (اعمال مجازات شدید مبارزه با جرم خیلی موء شرخواهد بود) اگر در عملیات شان کمیسیون های نظارت چنین نظریات رامنعکس

اجتماعی بوجود می آورندکه در آن یکی از مدافعین (خانمی که اسمش الا کاسپر "Ella Kasper" که ۲۴ ساله بود) به خواندن سرودهای مذهبی درین اجتماع می پرداخت.
متن بیانیهٔ نهائی آقای پاولوف درمحکمه خارج از اتحاد شوروی فراهم وتدارک میشودکه در آن وی اخطار نموده است که او ویا مدافعین شریک وی به نشر رساله ها در امر جریحه دار ساختن دولت شوروی دست اندرکار شده باشند، اما به این موضوع اعتراف نموده اندکه آنها به نشر و توزیع نسخه های انجیل بخاطر تقلیل وکاهش آنها به این امر دست زده اند. او اعتراف نمودکه او ویا لیسی های رسمی و فعالیتهای آنها در رابطه با علاقمندان ومعتقدین مذهبی در اتحاد شوروی به با انتقاد قرار داده است، اما نامبرده ازینکه هریک از بیانیه های انتقادی وی نادرست بوده است انکار نمود. وی اعتراف نمودکه او به اطفالش پرنسیپ های مذهبی را می آموخته، اما وی چنین به سخنانش ادامه داد که یک عیسوی راسخ العقیده و موٴمن ناگزیر است که باید چنین کند، بگونهٔ که مارکسیست، لیننیست گرویده و وقف شده از نگاه شعوری ناگزیر و مکلف به تربیه و راهنمائی اطفالش برمبنای پرنسیپ های کمونیسم می باشد. او به محکمه این نکته را نیز یادآور شد که لینن از حقوق همه افراد در جهت اعتراف به تبلیغ ونشر اندیشه و عقاید آنان دفاع نموده است. آقای پاولوف در جریان فعالیتهای مذهبی اش مرتکب اعمال جنائی شده و برای مدت پنجسال زندانی در کالونی کار تأدیبی واصلاحی محکوم گردید. گذشته از آن، محکمه وی را به سلب صلاحیت

سازند ، این موضوع به مثابه یک توضیح خواهد بود درامر فقدان موءثریت درجهت تخفیف بخشیدن شرایط زندان .

مگر با آنهم ، کمیسیونهای نظارت عامه بدون ارگان های رسمی بطور آزادانه نمی توانند فعالیت کنند . آنها ناگزیراند که پرنسیپها واهداف مقامات اداری را که متهم به اداره سیستم زندان میباشد احترام بگذارند . بیانیه ء آقای (شارگورودسکی) براوضاع مردم شوروی هرقدر صحت داشته باشد ، قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصر شوروی مجازات را منعکس می سازد ، درک مکافات وکیفر بازداشت ، وچنین برخوردها یقینا ازمشخصات آنهای است که اعمال وکاربرد این قانون گذاری ها را تجویز می کنند . چنین مشی وروشها است که عملیات کمیسیونهای نظارت عمومی را تشخیص وتثبیت میکند .

طرز تفکر زندانیان

(شوکوف) بخواب رفت ، واو خیلی خوشحال بنظر می رسید . او برای امروز میتوانست خوش قسمت باشد . آنها وی را اگر زیر ماشین سردکننده (یخچال) قرار نمی دادند ـ اگر این افراد در جهت کار کردن در اکتشاف جامعه سوسیالستی تعقیب نمی شدند و حتما یک جام فوق العاده خمیره یا حریره نرم را از طرف ظهر نوش جان میکرد . کارفرمای آنها بخاطر کار آنها بهره برداری بیشتری می نمود , او می بایستی جهت ساختمان بهتر همان دیوار فکری بر سرش خطور میکرد . آنها همان پارچه و تکهٔ فولاد را درهمان حالت جست و خیز خوشی و سرور نمی توانستند پیدا کنند . سزار یا قیصر در اثنای شامگاهان مزدش را ادا میکرد که وی با آن مزد در دست داشته باید تنباکو می خرید ـ واو در نتیجهٔ آن می بایستی بیمار میشد .

هیچ چیز روز را ضایع نساخته بود یا به عبارهٔ دیگر روز به هدر نرفته بود واو تقریبا خوشحال و خندان به نظر می آمد . سه هزار و ششصد و پنجاه و سه روز و شاید به آن در محکومیت

آن از شیپوربیداری تا صدای شیپوردرزمره‌ٔ سه‌فوق‌العاده آنها بخاطرسال کبیسه‌بود.

این بودشمه‌ٔ ازخاطرات (ایوان دی نی سوویچ شوکوف) درآخیرروزدرکمپ کارا جباری درآستانه‌ٔ آخرین دوران حیات ستالین. آنها یگانه‌ذریعه‌ویا وسیله مشروع وحلال موجودیت وبقای بودکه الکساندرسولزی نتسین (Alexandar Solzhenitsyn) میتوانست برای آنها ئیکه مدت دوامداروطولانی زندان رادرکلونی کاراجباری بگونه‌ٔ که‌خودوی درآن قرارداشته‌باشددرتصوربگنجانند، منعکس میسازد.

(ایوان دی نی سوویچ) صرف از زینگه‌خودرا با نیازها وضرورتهای ابتدائی بدون اینکه مانع کاردیگران گردد سعی وتلاش نمودوفلهذا هرگزبه‌مقامات رسمی یا باگرفتن شانس که‌وضع راازبدبدترنسازدشکایت نکرد.

همچنین وسائل وذرائع دیگری نیزجهت بقا وموجودیت وجوددارند. چه‌زندانیان مذهبی ازوحشت حیات زندان ازطریق طاعات وعبادات شان(رهائی) یافتند. چه‌بسا هنوزهم به‌این کارشان ادامه‌میدهند، واین موضوع بسااوقات حتی درجریان سالها ازینکه‌پاره‌ٔ ازدشوارترین ورفقای صادق وراستین زندانهای شوروی وکلونی ها از معتقدین وایمان داران بادیانت وپارسا مذهبی میباشند.

سایرزندانیان بقا وموجودیت شان رادرپستی وحقارت میدانند. بسا اززندانیان دراندیشه‌ٔ عطف‌توجه‌خاص محافظین مقامات اداری زندان ازطریق جاسوسی ودادن

اطلاعات درباره‌ٔ سایر زندانیان میباشند. (ادوردکوز نتسوف) بسال ۱۹۷۱ چنین تخمین زده است که در زمره‌ٔ ۹۰ زندانی درکلونی مورد و ویاسی و هفت تن آنها جاسوس بودند و هفت دیگر نیز مشکوک به جاسوسی بودند. چه بسا از زندانیان جنائی، خصوصا در زمره‌ٔ اخلال گران که زندانیان سیاسی را نیز در بر می گیرد و حتی کاربجائی می کشد که ضرب و شتم وارعاب و ناراحت کردن زندانیان دیگر نیز شامل آن میشود.

این گزارش تقریبا حاکی از حملات و یورش مداوم توسط زندانیان جنایتکار نسبت به (والنتین موروز) به سال ۱۹۷۲ تذکر رفته است. موارد و مثالهای مشابه آن عادی خواهد بود تا زمانیکه مقامات زندان وکلونی در اندیشه‌ٔ استفاده از صلاحیت شان در امر پخش و نفوذ این اندیشه التفات و عدم التفات آنها به مثابه‌ٔ یک چماق در برابر زندانیان سیاسی به مثابه‌ٔ یک طبقه‌ٔ هم اطاق خصوصا خورد و زبون شده دامه خواهد یافت که بگونه‌ٔ عادی و معمول تبارز کند.

زمانیکه (الکساندر سولزی نیتسین) و (ایواندی نی سوویچ شوکوف) دوران محکومیت شان را سپری میکردند، دنیای زندان شوروی از اجتماع بشری خارج از زندانها کاملا بگونه‌ٔ تجرید قرار گرفته بود. این موضوع هنوز صحت داشت زمانیکه یک روز در زندگی (ایواندی نی سوویچ، سول ذی نیتسین) در جمله ادبی (دنیای امروز) بسال ۱۹۶۲ به نشر رسید. بحیث مؤلفین در رابطه با (مقدمه) در یک نشریه‌ٔ زبان انگلیسی داستان چنین ادامه میدهد:

(سول ذی نیتسین یک دنیای جدیدی را بشکل واضح وپو-ست کننده) یک جهانیکه برای بسا از افرادومردم خارج از اتحادجماهیرشوروی تااینکه (سول ذی نیتسین) آن را ترسیم نمودوبیان داشت ، وجودنداشته است .

از آن زمان ببعد، زندانی شوروی کمتربه گونهٔ مجردومنزوی قرارگرفته است یا به عبارهٔ دیگرازانزوای مطلق آن کاسته شده است . این موضوع نه تنها قانونگذاری گذشتهٔ دوران ستالین راکه بیشترحقوق مکاتبه و بازدیدافرادازندانیان (غالبا موردبی اعتنائی و حتی نادیده انگاشته میشد) تااندازهٔ ارتباط وتماسها بین یک زندانی واجتماع دراتحادشوروی برقرارگردیده است

چنین است رویکارآمدن نشرات غیروابسته بحکومت نشریهٔ که این دوران تجردوانزوا رادراجتماع زندان شوروی درهم شکسته است ، که درسالیان اخیریک گروپ کوچک ازشهروندان شوروی که مشتاق وعلاقمنددرامرحمایت ودفاع آزادازندانیانیکه بگونهٔ نادرست تحت بازداشت قرارگرفته اند، ودرضمن انکشاف یک واسطه ویا وسیله غیر رسمی برای این نوع تلاشها ومساعی شان که دارای یک نقش با ارزش وباکیفیت میباشندادامه میدهند. اینگونه تحول ودگرگونی یک شیوه وروندبقا وموجودیت را برای زندانیانیکه توانائی وقابلیت استفاده ازآنرا دارند میباشدکه برای دهالی بیست سال قبل ازامروزامکان آن وجودنداشت .

اهمیت تلاش محض درامرارسال ومرسول نامه ها توأم باشرح زندگی خارج ازسیستم زندان توسط(ادواردکوز-

نتسوف) دررابطه‌با خاطرات زندان چنین شرح داده شده است :

من صرف بخاطرآن می نویسم که‌انسان بمانم. این جا محل شیطان صفتان است ، هدف ومنظورآن یک انسان را بگونهٔ عمیقانه‌بسوی ناامیدی سوق دادن است ، به‌شک و تردیدافگندن انسان آیا حقیقت بگونهٔ کامل واجب الاحترام است ... یک خاطره‌برای من یک روند مخالفت آگاهانه‌درمقابل یک روشی ناممکن حیات میباشد.

همان عمل نوشتن که‌موجودیت کمپهای زندان را تمثیل میکند ، به‌همان نحویکه‌بوده‌است ، وجودخارجی بآنها میدهد ، بمن اجازه‌میدهدکه‌پشت سربایستم وزبان خودرا فروبرده‌چیزی بآن بگویم.

آقای کوزنتسوف که‌نامبرده‌پانزده‌سال دوران محکومیتش را درتحت شرایط رژیم مخصوص می گذراند ، فعلا می داندکه‌خاطرات زندان وی درنشرات محرمانه‌بداخل‌اتحاد شوروی به‌شکل کتاب بخارج ازکشورمنتشرشده‌است . برای زندانیان سیاسی مثل آقای کوزنتسوف شمردن محکومیت ها وتجارب را به‌مثابهٔ یک وسیله‌ویا ذریعهٔ بقای شرایط زندان بدون تسلیم طلبی بآنها تمثیل میکند. زندانی شدن عقایدنا راضیان سیاسی، زندانیان وجدان را نیرو مندترمیسازد. یوکرائینی ها ، یهودی ها ، بالتها (مردمان جمهوریتهای بالتیک) وامثال آن که‌بخاطر اعتراض برضدتبعیضات ملی زندانی شده‌اند، در زندان نیزبه‌تبعیضات بزرگ برمیخورند.

عده‌ای ازمردم بخاطرنفوذارگانهای امنیتی در

زندگی روزمره‌شوروی خودشان را درمحضرمامورین ومسئولین وزارت امورداخله و (کی،جی،بی) می یابند- آنهائی که درآرزووا ندیشهٔ هواخواهی کاملتربه‌قانون ومعیارهای قانون اساسی باشنددرمقابل به‌بی قانونی های بیشترو خشونت آمیزتردرداخل مؤسسات تأدیبی وجزائی مواجه میشوندتانسبت بخارج آن.

بالنتجیه‌بسا اززندانیان سیاسی درجریان بازداشت شان به‌فعالیتهای مخالفت آمیزشان ادامه‌میدهند. بسا اززندانیان سیاسی بگونهٔ کلی کلیه‌چینل ها ووسائل قانونی اعتراض درمقابل شرایط زندان راآزموده‌اند. درین موردآنها به‌احتمال زیاد ازاکثریت قاطع نفوس زندانیان مخالفت نشان نمی دهند. اما باآنهم، آنها ازچنین یک تعامل مربوط به‌اموری قضائی که‌بی نتیجه می مانددست بردارنمی باشند.

خصوصا درین سالیان اخیر، زندانیان سیاسی شوروی درامربرقراری مراودات باجهان خارج که‌دررابطه با اطلاعات بیشترپیرامون اوضاع واحوال درمؤسسات جزائی روی فعالیتها وکارروائی های خودشان تااندازه به‌پیروزی های دست یافته‌اند. علیرغم تلاشی های جسمی بسا ازبازدیدکنندگان دررابطه‌باآزادی زندانیان، یک جریان منظم وباقاعده‌درخواست نامه‌های تحریری، شکایات، خاطرات واطلاعات شفاهی ازکلونی های پرم وموردوویا مخصوصا وجودداردکه‌بسا ازین اسنادومدارک در نشریهٔ محرمانه (سامیزدات) درماسکوودرهرجای دیگر به نشرمیرسدودرخواست نامه‌ومطالبات وبیانیه ها را در

اختیار نمایندگان مطبوعات خارجی در مسکو قرار می دهند ترسیم میکنند.

شاید انگیزه و احساس آنها در نتیجهٔ فعالیت و کار بار فشرده و متراکم وگسترده مظاهرات (که بخش وسیعی از جهان از آن بی اطلاع اند) در کمپهای کار الزامی و اجباری سایبریا در اواسط سال ۱۹۵۰ سرازیر شد، زندانیان سیاسی بعنوان یگانه وسیلهٔ اعمال فشار نسبت بمقامات اداری در امر اصلاح و بهبود شرایط زندان به اعتصاب غذا متوسل شدند. کاربرد و استفاده از این شیوه خصوصا با در نظر داشت گرسنگی و فقدان غذائی که زندانیان شوروی با آن مواجه اند قابل یادآوری و تبصره میباشد. از نگاه عنعنوی و سنتی روزهای مخصوصی (چون روزهای پنج ـ ده دسمبر به سالگرد اعلامیهٔ قانون اساسی شوروی مصادف است).

بخاطر روزهای اعتصاب غذائی سالیانه از طرف زندانیان سیاسی شوروی در هر زندان و کلونی که باشند سراسر روسیه تخصیص داده شده است. مثال دیگر این اعتصاب غذا منسجم بسال ۱۹۷۴ بوقوع پیوست، زمانیکه زندانیان سیاسی در موردوویا (Mardovia) و پرم (Perm) تاریخ سی اکتوبر را (بعنوان روز زندانیان سیاسی) برگزیدند و این روز را برای اعتصاب غذا تخصیص دادند اعتصاب های غذائی دیگری بگونهٔ محلی میباشد بوقوع می پیوندد این گزارش تقریبا به اعتصاب غذای که در کلونی پرم ۳۸۹/۳۶ - در ماه جون و می سال ۱۹۷۴ بوقوع پیوست اشاره رفته است. این اعتصاب مواد غذائی طبق پلان برای سی و یک روز با یدادامه پیدا میکرد و در مرحلهٔ نخست بیست و پنج تن

اززندانیان دران شرکت جستند. با ختم سی ویک روز، بیست وپنج تن اززندانیان دیگرنیزبا آنان در امر اعتصاب غذا پشتیبانی وحمایه ازخودابرازداشتند.

پاره‌ای ازین اعتصابهای غذائی بگونه‌ء غیرآگاهانه وغیرارادی وبی اختیارتبارزمیکندموارد متعددی وجود داردکه‌یک تعداد اززندانیان سیاسی درامردفاع از همقطاران زندانی‌شان ویادرواکنش وعکس العمل دربرابر یک پالیسی رسمی ویا عمل عمال آنها به‌چنین عمل دست زده‌اندبعضا ازافرادبه‌تنهائی بعنوان اعتراض علیه شکایات فردی آنها دست با عتصاب غذا میزنند.

صرف بطورضمنی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی پیروزی کم دوامی را با خودهمراه‌دارد. طبق تعامل قانونی شرکت کنندگان دراعتصاب غذا به‌محرومیت‌های دریافت پارسل وبازدیدکنندگان مواجه‌میشوند، محصور بودن آنها به‌سلولهای مجازات ویا اشغال آنها به‌موءسسات که‌تنبیه‌ومجازات بیشتری اعمال میشودچون زندان ولادیمیرمیباشد. اما باآنهم اینگونه‌فعالیتها، خصوصا زمانیکه‌بخشی ازدنیای خارج متوجه‌ونگران موضوع است، بخاطرزندانیان وضع فکری آنها ازاهمیت ویژه‌ای برخوردار است، حتی اگرآنها اصلاح وبهبودی ثابت وبادوامی را درجهت کمک ومعاونت که‌به‌عهده‌گرفته‌اند، بوقت موعودش به‌سرنرسانند.

اعتصاب غذا ومساعی‌ایکه‌درامرانتقال اطلاعات پیرامون اوضاع زندان وکلونی میزان برخوردها وکشمکش را با مقامات زندان وکلونی شدت می بخشد. مقامات اداری

ازبدو مرحله درمقابل زندانیان به بدنامی شهرت یافته اند. بررسی ها ومشاهدات توسط (والینتین موروز) با یک نگاه وبینش عمیقانه دربسا موارد معلومات دست اول را در دسترس شما قرار میدهد که قرار آتی است :

بسا اززندانیان سیاسی گذشته ازینکه مجرمین و متخلفین سیاسی را بآنها نشان دادند درضمن بآنها چنین گفته شد (اینها دزدانی هستند ما از مردم ما میباشند شما دشمنان میباشید.)

زندانیان سیاسی روی این ملحوظات تحت شکنجه و تهدید قرار میگیرند، ودرمقابل آن ها دربرابر مقامات اداری بیشتر به اعتصاب غذا ونظریات خارج ازساحه زندان را نسبت بخودخواستار اندوامثال آن. که این موضوع خشونت مقامات اداری زندان را دربرابر زندانیان سیاسی بیش از پیش شدت بخشید. پدر (یوری فیدوروف که به سال ۱۹۶۹ برای شش سال جهت سهم گیری وشرکتش درجملهٔ ناراضیان گروه مارکسیستی تحت بازداشت قرار گرفت) بعد ازبازدید وعیادت پسرش درکلونی موردوویا ۳۸۵/۱۷ به سال ۱۹۷۲ چنین گزارش داده شده است که مقامات اداری کلونی (مراجعه شود به فعالیتهای ضدشوروی که حرف به حرف هرعملیکه ازطرف زندانیان سرمیزند) قوماندان کلونی (سی، پ، گورکوشوف) آقای (فیودوروف) را چنین مخاطب قرار داد: (کلیه آنها رهزنان میباشند وپسر شما رهزن رهزنان است) .

تشدید برخوردها بین زندانیان سیاسی و مقامات اداری زندان قسما بدترشدن شرایط زندان شوروی را روی

ازچهار فرزندش نمود که بعنوان پدر آنها نمیتوانند باشد.
کلیهٔ ازمدافعین همکاروی نیزمتهم شناخته شدند و به عرصه‌های مختلف بازداشت کشانده شدند (گرچه محکومیت یکتن ازمدافعان به تعویق انداخته شد) وسه تن آنها نیز به عین ترتیب ازحقوق پدری علیه برخی ازفرزندان شان محروم ساخته شدند. مصئونیت بین المللی نمی دانند که آقای (پاولوف) به کدام یک ازکالونیهای کارتأدیبي و اصلاحي درامرسپری نمودن محکومیتش منتقل شده باشد.

(ایرینا ستاسیو- کالی نیتس)

ایرینا ستاسیوکالی نیتس متولد سال ۱۹۴۰، یک شاعره اوکرائینی است. بعدازفراغت ازدانشگاه لووو (Lovov) برای وهله نخست بحیث یک مربی وآموزکار وبعدا بحیث یک لیکچرردررابطه با زبان وادبیات دردانشکده مقدماتی انستیتوت پولی تخنیک لووو ومشغول کاربود. اثرمنظوم واشعاروی دریک سلسله انتشارات رسمی برای اطفال به گونهٔ اشعارشوهرش " ایگورکالی نیتس " که او بسال ۱۹۶۰ ازمدح وستایش عالی ازنحوهٔ نقادی اش درچکوسلواکیا وپولیند برخوردار شده بود، به نشر میرسید که هردوی آنها دارای یک دختر ده ساله بنام دزوینکا (Dzvinka) می باشند. چه هردوی آنها خانم " ستاسیوکالی نیتس " و شوهرش درردیف قربانیان فشارهای رسمی نیشنلست های یوکرائینی وحامیان وهواخواهان حقوق بشرکه سرانجام کارآنها دریک عملیهٔ گسترده جهت زندانی ساختن و بر

بعضی وجوهات خاص ، بگونه‌ا یکه‌دررهنمود ۵۲۵ سال ۱۹۷۲ وزارت‌امورداخله‌اعلام گردیده‌توضیح میدهد. به هر اندازه‌ٔ که‌زندانیان سیاسی دربرابرپالیسی مقامات رسمی به‌اعتراض می پردازند، واکنش وعکس‌العمل مقامات رسمی بشکل اذیت وآزاربرای زندانیان سیاسی بیشتربه‌ا دگسترده‌تری بخودا ختیارمیکند. روی این ملحوظات ، تداوم فعالیتهای مخالفت‌آمیز زندانیان سیاسی درداخل دیوارهای زندان به‌مشکلات وتکالیف آنها می افزایدوا صلاح اوضاع زندان راافاده‌میکند.

اما باآنهم، اذیت وناراحتی که‌درنتیجه‌ٔ عدم‌اصلاح شرایط زندان شوروی که‌زندانیان مواجه‌آن اندبدترین مجازاتها پنداشته‌نمی شود. چه‌بسا اززندانیان به‌شرایط واوضاع بیرحمانه‌وتوهین آمیزی مواجه‌میباشند،دررابطه‌با موضوع مواردمتعددازمحکومیت که‌متوجه حیات هر کدام آنها میباشدبه‌ثبت رسیده‌است . بگونه‌ٔ مثال در کلونی موردوویا (ادوردکوزنتسوف) به‌بهانه‌ٔ تلاش فرار دربین افرادمحافظین مسلح چندتن آنها حیات شانرا از دست دادند.

(اناتولی، مارچینکو) اینگونه‌ (تلاش های گریز) انتحاری را به‌مثابه‌ٔ (خاتمه‌بخشیدن به‌حیات و زندگی خودازطرق عادی که‌بدکمک بگهبانان ومحافظین باشد توضیح میدهد). سعی وتلاش انتحاری دیگربکار برد و استفاده‌ازشیوه‌های خیلی معمول ومتداول صورت می گیرد. درکلونی پرم VS ۳۸۹/۳ بسال ۱۹۷۴، یک زندانی باسم (اویاناسینکو Opana Sinko) قبل ازغرغره

کردن خودش یک نامه را برجای گذاشت که چنین حکایت می کند : (بیش از این توانائی لازم برای مقابله وجود ندارد لعنت بر سر شما ای بی عاطفه ها !)

دوسیه آقای (اوپاناسینکو) بگونهٔ سرمشق در رابطه با این موضوع میباشد که از جمله بیست و پنج سال دوران محکومیتش بیست و دو سال را سپری نمود.

تیب دیگر اینگونه مظاهر از هم گسیخته و شاریده زندانیان در موء سسات جزائی و کیفری شوروی مثله کردن (قطع اندام) خود میباشد. گزارش نمونه های مثال بیشتر خطرناکتر اینگونه پدیده ها یک سلسله شک و تردیدهای را بین پارهٔ از ناظران خارج از اتحاد شوروی رویکار آورده است مثله کردن و قطع اندام از خود نه تنها یک پاسخ نمونه وی و سرمشق از طرف زندانیان میباشد ما با آنهم، مثالهای بی شماری در رابطه با اینگونه رویدادها وجود دارد که نمی توان آنرا مردود شمرد. در واقع، قطع اندام و مثله کردن اعضای بدن حتی بگونهٔ دسته جمعی نیز معمول بوده است.

شماره ۲۴ وقایع اخیر چنین گزارش داده است که در ماه مارچ ۱۹۷۲، پانزده تن از زندانیان که در یک کلونی رژیم عادی بعنوان اعتراض بخاطر شرایط نا مطلوب زندان دهن های خودشان را دوختند که پارهٔ زندانیان شامل این حادثه فورا به بیمارستان روان پزشکی مخصوص لیننگراد فرستاده شدند، و بقیهٔ آنها در سلولهای مجازات و تنبیه قرار داده شدند، قوماندان کلونی برطرف گردید.

نشریهٔ ذیل شرح وقایع اخیر چنین گزارش داده است که بسا از آنهائیکه به سلولهای مجازات و تنبیه قرار

داده‌شدندوباره (علائم جراحت بربدن شان دیده‌می شد) وفلهذا با زنجیردستهای شان بسته‌شدکه‌به‌مفهوم مانع شدن ازهرنوع حرکت دست ها جهت جلوگیری ازمثله کردن وقطع اندام خودوحمله‌به‌نگهبانان میباشد.

ادوردکوزنتسوف بسال ۱۹۷۱ که‌درجریان دو دور زندان درکلونی موردوویا واینگونه‌رویدادها رابسیار مشاهده‌کرده‌است. بسااوقات خودم شاهدپاره‌ای از رویدادهای عجیب وغریب مثله‌کردن اندام بودم. من به محکومینی برخورده‌ام وبچشم سرمشاهده‌کرده‌ام که یک مشت ازمیخها وسیمهای نوک تیزرا بلعیده‌اند، همچنین من به‌کسانی برخورده‌ام که‌ترمامیتر (حاوی سیماب) را بلعیده‌اند، ظرف‌شوربا خوری(سوپ خوری) که‌ترکیب سرب با قلعی است (بعدازپارچه‌ساختن آنها باندازه‌" قابل خوردن " پارچه‌های شطرنج، مهره‌رومینو، سوزنها،شیشه های غیرشفاف، قاشق ها، چاقوها وسایرافزارو آلات مشابه‌آنها، همچنان من محکومینی را مشاهده‌کرده‌ام که دهن‌ها وچشمهای شان را با تاروسیم دوخته‌اند، یک قطار دکمه‌ها را به‌بدن شان ازطریق دوختن وصل نموده‌اند و یا اینکه‌خصیه‌ها یشان را دربستر میخجوب کرده‌اند، میخ را به‌شکل چنگک درآورده‌وآنرا بلغ نموده‌اندوبعدازآن این چنگک راازطریق یک نخ بدروازه‌متصل ساخته‌اند. فلهذا دروازه‌نمی تواندبازشودتااینکه‌ازطرف داخل بآن فشار داده‌نشود. من محکومینی را مشاهده‌کرده‌ام که‌جلد بدن شانرا ویا بازوان شانرا ویا پوست رانهای شان را قطع کرده‌اندوسخت شده‌وبه‌مثابه‌یک جوراب ساقه‌بلنددرآمده

است ، ویا قسمتی از بر آمدگی گوشت شانرا (خصوصاً از شکم شان ویا رانهای شان) قطع نموده کباب نموده و تناول می کنند ، ویا اینکه بگذارید که خون از ناحیه بریده شده و یا اندام قطع شده ویا شریان قطع شده به ظرف سوپ خوری بچکد خورده و یزنان، خورده و ریز شوند بعداً مثل یک کاسه شوربا خوری آنرا سر کشیدن و خودرا با کاغذ و اوراق پوشاندن و خودرا آتش زدن، ویا قطع انگشتان شان را ،یا بینی شان یا گوش یا قطع آله تذکیر .....

آقای کوزنتسوف درامر توضیح این پدیده بر می آید برای وی افرادیکه به مثله کردن خودشان بر می آمدند ، طوریکه غالباً تمثیل شد (غم انگیزترین قربانیان رژیم درنوع خود میباشد اینها تحت تعقیب قرار میگرفتند ، و تحت شکنجه قرار داده میشدند) بسا ازین افراد با نحطاط روحی مصاب بودند ، بحال انحطاط روحی دائمی که یکی به دیگری خون می دادند که بسا از آنها علایم زوال وفساد (میزان مقاومت جلد آنها در برابر برد ، بطورمثال پائین تر از حد نورمال است) ..... بظهور می پیوست . محیط طبغی فاسد در داخل آن به گونه طغیان و به جوش می آمد و سرانجام به تنفر و خواب های تب دار انتقام در برابر مسئولین و حکام مسئول زندان می انجامید ، به مجرد یکه آنها ازینکه نمی توانستند دندان شانرا به گلوی آن شخص فرو برد ، پی بردند ، سرانجام بر سر خود این عمل را انجام میدادند .

اناتولی مارچینکو هم در کلونی های موردوویا و هم در زندان ولادیمیر شاهد این رویداد ها بوده ، او به این چیزها عادی شده بود . با مدت چندماه که در زندان سپری

کرده‌ام تا کدام اندازه‌از وزنم کاسته‌شده‌است . حالا من میتوانستم حریصانه‌وهوسانه‌ماهی کبک هارا از بین خون گرفته‌وبلع می نمودم وبعدا بیرون بریزم واین برایم چنین مینمودکهٔ درجهان هیچ چیزمزه‌دارتر از ماهی کبک های من نمی باشد . یک شخص پیشروی چشمانم خون میر - یزدومن کاسه‌شوربا را پاک می لیسم وصرف اوقات طعام خوری دیگررا می اندیشم که‌چه‌زمانی وقت طعام خوری فرا میرسد . دروجودهریک ما درین شرایط زندانی آیا چیزی از احساس بشریت میتواندباقی بماند؟ این خطوط تمثیلی از اوضاع وشرایط زندان شوروی به‌شکل ونحوهٔ خیلی بدتر آن است ، واین نا مناسب خواهدبودکه‌این موضوع رابا چنین یک برجستگی آن خاتمه‌دهیم . شایدپارهٔ از زندانیان درموءسسات کارتأدیبی واصلاحی شوروی وحتی برخی از زندانیان وجدان، سلوکها وبرخوردهای راکه‌بیشتر مطابقت نزدیک با آن اهداف علامیه‌های رسمی دوران باز داشت است از خودتبارزدهند ، آنها درزمرهٔ استثنا آت محسوب میشوندتا یک قانون .

بازداشتهای الزامی(اجباری) دربیمارستان های روان پزشکی

به سال ۱۹۶۰ یک نویسنده ومنقدادبی شوروی بنام (والیری تارسیس Valery Tarsis یک اثرنوشته اش را تحت عنوان بلوبوتل یابوتل آبی را جهت طبع ونشربخارج از کشورفرستادکه دران نامبرده یکسلسله پهلوهای حیات معاصرشوروی را ببادانتقادگرفت. درآگست سال ۱۹۶۲، قبل ازطبع ونشراین اثربرای مرحلهٔ نخست درخارج ازکشور (انگلستان) والیری تارسیس دربیمارستان روان پزشکی درمسکوتحت بازداشت ومراقبت قرارداده شدکه شهرت وی بیشتر جهان خارج رابدنبال داشت، وسرانجام در اخیر سال ۱۹۶۳ آزادگردید. سال مابعدیک اثروخاطرهٔ اطاق شماره نمبر۷ راکه باشرح زندگی وتجاربش پیرامون روان پزشکی شوروی که تاحدناچیزی به گونهٔ لفافهٔ آمیزبرشتهٔ تحریر درآمده بود، بخارج ازکشورفرستاد. بسال ۱۹۶۶ والیری تارسیس ازاتحادشوروی مهاجرت کرد.

درجنوری سال ۱۹۷۰، ولادیمیربوکوفسکی بخاطر شرکتش دریک مظاهره درجهارراهی پوشکین درمسکوبه سال

۱۹۶۷ بعداز سپری کردن سه سال در زندان آزاد گردید. آقای بوکوفسکی نیز تقریبا در اواسط ۱۹۶۰ در حدود بیست ماه را در بیمارستان روان پزشکی به خاطر داشتن نسخه های کتاب میلووان جیلاس تحت عنوان طبقه ٔ نوین تحت بازداشت قرار گرفت. یکسال بعدا ز رهائیش بسال ۱۹۷۰، آقای بوفسکی سعی بیشتر در جهت نظم وانسجام اسناد و مدارک پیرامون تشخیص های روان پزشکی و درمان مخالفین سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی پرداخت. همچنین مصاحبه های نیز (به شمول یک مصاحبه تلویزیونی) پیرامون موضوع با روزنامه نگاران خارجی بعمل آورد.

در اوایل سال ۱۹۷۱ آقای بوکوفسکی یک کولکسیون از مواردی که حاوی اسناد و مدارک در رابطه با سوء استفاده ها از روان پزشکی در اتحاد شوروی با شدبه جهان غرب فرستاد. در جنوری سال ۱۹۷۱ او از روان پزشکان جهان غربی تقاضا و درخواست نمود که این موضوع را مورد مطالعه قرار دهند و بنا بر آن در امر دفاع از قربانیان سوء استفاده از روان پزشکی گامهای مثبت و عملی بردارند و روی این ملحوظات در مارچ سال ۱۹۷۱، او تحت بازداشت و مراقبت قرار گرفت.

در جنوری سال ۱۹۷۲، ولادیمیر بوکوفسکی تحت محاکمه قرار داده شد. در زمره اتهامات ویژه ایکه علیه وی اقامه شده بود، عبارت از انتقال و ارسال اظهارات (افترا آمیز) مبنی بر اینکه افراد صحتمند در اتحاد شوروی در بیمارستان های روان پزشکی ویژه قرار داده میشوند به روزنامه نگاران خارجی بود. سرانجام او بعنوان (محرک

شا یعه‌پرا گنی ضدشوروی) مقصرشنا خته‌شدوبدوسا ل زندا ن
پنج سا ل دررژیم دشوا رکلونی کا رتأ دیبی وا صلاحی وپنج
سا ل بتعیدمحکوم گردید. ا گربعدا زرها ئی(وا لپری تا ر-
سیس) ا زبیما رستا ن روا ن پزشکی بسا ل ۱۹۶۳ یک وقفه و
رکودطولانی روی علاقه‌ودلچسپی جها ن درا بطه‌بین سیاست
وروا ن پزشکی درا تحا دشوروی وجوددا شت ، ا ین مسئلـــه
بیا نگروا قعیت مسا عی وتلاش ها ی شهرت وی بسا ل ۱۹۷۰ و
۱۹۷۱ نبوده است . بلکه‌ا زا ن زما ن به‌بعد، چه بسا ا ز
روا ن پزشکا ن خا رجی، قا نون دا نا ن، سا زما نها ی وابسته
به‌حقوق بشرونما یندگا ن نشرا تی وا طلاعا تی ا نرژی سعی
وتلاش چشمگیرشا نرا درجهت تجسس وتعمیم ا ینگونه‌موا ر د
که‌توسط آ قا ی بوکوفسکی توضیح گردیده‌ا ست وقف کردند.
آ نها موا دبیشتری جهت کا ردا شته‌ا ندکه‌روحیهٔ بوکوفسکی
به‌مثا بهٔ سرمشق برا ی آ نا ن محسوب شد، ودرنتیجه علا-
قمندی بخا رج تشویق گردیدند، چه‌رفقا ودوستا ن موجوده
آ نها وچه‌گذشته‌دربیما رستا نها ی روا ن پزشکی شوروی رفقا
ودوستا ن آ نها . خویشا وندا ن وحا میا ن آ نها ، تجا ر ب
شا نرا ضمن یک درخوا ست نا مه‌تحریردا شته‌ا ند. نا مه‌ها ی
سرکشا ده‌وخا طرا ت ، ویا روی موضوع چه‌بگونهٔ شخصی و یـا
مکا لما ت تلفنی با ا تبا ع غیرشوروی میبا شد.

برخی ا زین مردم ا تحا دشوروی را بسوی خا رج ترک
گفته‌ا ندوموا صلت آ نها بخا رج ا زکشوربهترین مدعا روی
موضوع میبا شد. علیرغم ا نتقا دگسترده‌پیرا مون ســـوء
ا ستفا ده‌سیا سی ا زروا ن پزشکی، مقا ما ت با صلاحیت شوروی
با یکسلسله‌تردیدها وبی مبا لاتی ها با ا ینگونه‌عوا مل بـر

خورد میکنندو با فرونشاندن انتقادها واحساسات (ضد شوروی(چه درداخل وخارج اتحادشوروی وا ردعمل میشوند با این کارمقامات شوروی نسبت با شکال عادی توقیف در موردتوقیف وتحت نظارت گرفتن اشخاص روی ملحوظات روان پزشکی بصراحت بیشترسخن می رانندوبا این ترتیب درجمع آوری معلوماتی کمک میکنندکه بخاطرارزیابی این ادعاضروری است که اشخاص سالم برمبنای وجوهات سیاسی برخلاف اراده شان دربیمارستانهای روان پزشکی با زداشت میشوند .

این مشاجره با احساسات وهیجان عمیق توأم است چه به یک پهلومسئله (قربانیان) قراردارند : افرادیکه در رابطه با عدم رعایت نظریات سیاسی ومذهبی دریک زمان ویا دوران دیگری بعنوان(دیوانه) اعلام شدندو کسیکه غالبا در نتیجه مساعی و تلاش بطور کلی تحت (درمان) طبی که مغایر آرزوی آنها بوده قرار داده شدند اینگونه افرادِ اشخاص ویا کسانیکه درردیف مشابه آنان قرارمی گیرندمحتملا تاحدی کیفرآنها وحتی نسبت برفقای زندان سیاسی درموءسسات وسازمانهای کیفری عادی بزرگتروشدیدترمیباشد .

درضمن ارزیابی شواهدومدارک ارائه شده توسط این گونه افرادنه تنها تحقیروا هانت اخلاقی واوقات تلخی آن ها را بخاطربایدسپردبلکه این واقعیت راازینکه آن ها معمولا ازارائه اسنادوشواهدیکه می بایستی بگونه رسمی آن اعمال وکردارقابل نکوهش راموءجه جلوه دهندنیز سر با زمیزدند .

با درنظرداشت یکسلسله موارد یکه درا ن رسا نه ها ی شوروی تبصره ها پیرامون روا ن پزشکی شوروی را توسط روا ن پزشکا ن خا رجی سوء تعبیرنموده ا ند ، خوف و هرا س ا زینکه ا متیا زا ت کوچک ونا چیزمی با یستی تحریف ودگرگو ن میشدموء جه جلوه دا ده شده ا ست .

درپهلوی دیگرآ ن مقا ما ت ا دا ری شوروی قرا ردارند درا مرمحا فظه ونگهبا نی پندا روپیکرسا ینس شورو ی د ر خدما ت ا جتما عی ما ت ومبهوت وسردرگم ما نده ا ند ، د ر نتیجه ا دعا ها ی ا را دتمندا نه وا ستعما ل نا مطلوب وشریرا نه ا دو یه جهت ا عما ل فشا رسیا سی به ا ها نت وتحقیرموا جه شده ا ند . ا ینگونه مقا ما ت ا دا ری جزا نکا روتکذیب کلیه ا دعا ها دررا بطه با ا ستفا ده ٔ نا مطلوب ا زروا ن پزشکی در کشورشا ن کدا م ا نتخا ب دیگری ندا رند . هنوزشوا هدومدا رک آ ن به هما ن شکلیکه درنگا ه ا ول می با یستی تبا رز می کردبه هما ن گونه قطب بندی نشده ا ست . بسا ا ز ا سنا د و مطا لب که نقا ط نظرمقا ما ت رسمی را تمثیل میکندبحما یه ا زا تها ما تی ا ست که علیه روا ن پزشکی ا تحا دشوروی وا رد آ مده ا ست . مطا لعه ٔ متن قا نون که دررا بطه با زدا شت ا لزا می وجبری روی وجوها ت روا ن پزشکی ا ستوا ر ا ست زمینه را درا مرا ستفا ده ٔ نا مطلوب ا زروا ن پزشکی چه خا رج ا زبی مبا لاتی وا هما ل ویا طرح ها ی وا بسته بآ ن وا ضح و آ شکا رمیسا زد . ا ظها را ت عمومی توسط نما یندگان سرشناس روا ن پزشکی شوروی سلطه ٔ ملاک عمل آ نها را برا ی بیما ری ها ی روا نی که بگونه ٔ بی بندوبا روبی ربط فورمول بندی شده به منشا ٔ وا ردآ وردن هریک ا زتبا رزمخا لفت روی

کناری افرادازکاروبارومشاغل شان درسال ۱۹۷۲و ۱۹۷۳ شد. درپاره‌ء ازموارد بسال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱، آنها به مقامات شوروی ازجهت زندانی ساختن مؤرخ یوکرائینی والنتین موروز (Valentin Moroz) ومایکروبای لوجست (نینا ستروکاتا - کاراوانسکایا Ninostrvkata Karavanskaya که هردوی آنها بخاطرتبلیغات وتحریکات ضدشوروی) متهم گردیدند. خانم ستاسیو کالی نیتس درامرسازماندهی یک کمیته‌درامردفاع از (نینا ستروکاتا) سهم گیری نموده‌بودودرحوالی همین گیر و دار وی ازشغلش برکنارگردید.

درجنوری سال ۱۹۷۲، ایرینا ستاسیوکالی نیتس، شخصا بخاطر (تبلیغات وتحریک ضدشوروی) متهم وزندانی گردید. مصئونیت بین المللی کیفیت اصلی این اتهامات را دربرابروی صحت نمیدانند، اما خانم ستاسیو کالی نیتس پیوسته موثوق بودن آنها را موردتکذیب قرار داده است. وی درجولای سال ۱۹۷۲ که‌بگونه‌ء مؤثردریک جلسه محرمانه‌درلیووو (Lovov) محاکمه‌شد. نامبرده مقصرشناخته‌شدوبه‌شش سال زندان دریک رژیم معمولی کلونی کارگران تأدیبی واصلاحی محکوم شد، که به تعقیب آن سه‌سال دوران تبعیدرا نیزخواهدگذشتاند. دو ماه بعدشوهرش نیززندانی گردید. اونیزسرانجام به (تبلیغات وتحریکات ضدشوروی) متهم وبه‌شش سال زندان وسه‌سال تبعیدمحکوم گردید. دخترآنها را وابستگان آن ها تحت سرپرستی قرارمیدهند.

خانم ستاسیوکالی نیتس دوران محاکماتش را در

موضوعات عمومی درقلمروروان پزشکی باشدبه میان کشیده است .

بحث قابل تذکروا همیت عبارت است ازبیان یک واقعیتی از اینکه بیانیه ها واظهارات رسمی وملی کشوردر امروا کنش وعکس العمل درمقابل ادعاهای استفاده های نامطلوب ازروان پزشکی دراتحادشوروی به محتوای مشخص آن ادعاها کدام اشارهٔ نشده است بگونهٔ مثال ، کدام واکنش رسمی ازطرف مقامات شوروی درراربطه با ارائه انتقادها به یک سلسله (ازتشخیص های رسمی روان پزشکی) ناراضیان سیاسی دیده نمی شود . این اسنادومدارک از اهمیت وسیع وگستردهٔ برخوردار است که هرکدام آنها به مثابهٔ یک مدرک بنیادی ورسمی برای بازداشت وتوقیف الزامی یک مخالف سیاسی به یک بیمارستان روان پزشکی پنداشته میشود . این اسنادحاوی چنان شواهدقاطع مبنی برتائیدادعاهای استفادهٔ نامطلوب سیاسی ازروان پزشکی دراتحادشوروی است که موضوع معلوم کردن صحت و سقم آنرانهایت مهم وحیاتی میسازد .

آیا این اسنادومدارک جعلی وتقلبی اند ، اگرقرار معلوم مقامات شوروی آنهارا چنین اعلان خواهندنمود . درحالیکه مسئله هرگزبوقوع نپیوسته است . گذشته از آن اگراین اسنادومدارک بگونهٔ اصلی تشخیص های رسمی روان پزشکی باشند ، اگرمتدها وشیوه های روان پزشکی که درآنها بکاررفته ورسماً موردتائیدقرارگرفته باشند ، ادعا های ضدونقیض کاینگونه اسنادرابحیث تقلب وجعلی مردود می شماردکه بدین صورت کاریکه (بگونهٔ مستقیم یا غیر

مستقیم) طبق امرا یجنسی هما وگماشتگان دولتی صورت گرفته بی اهمیت وناچیز پنداشته شود. این موضوع میتواند بخشی ازتوصیحی باشد برای سرباز زدن مقامات شوروی که اینگونه اسناد ومدارک را به مثابهٔ جعلی وتقلبی بپندارند. ناکامی به چنین امری آنانرا متقاعد نمود وبمثابه یک استدلال به جانبداری ازپذیرش آن بحیث یک مدرک اصلی وا داشت ــ اما یگانه استدلال درزمینه نبود.

تشخیص های رسمی روان پزشکی خارج شوروی که قا-بل دسترسی است ویکسلسله شواهد تحریری وشفاهی بجانب داری ازادعا های استفاده های نامطلوب سیاسی از روان پزشکی شوروی درمقابله با رسیدگی دقیق ازنزدیک ازجا-نب گروه های مربوط ارائه شده است.

ارزیابی ها وبررسی های متعدد ومشخص بطور جدا-گانه، توسط اشخاصیکه یکدیگرشانرا نمی دانند به عمل آمده، متقابلاً مؤید اینگونه مسائل حتی روی تفصیلات کوچک وناچیز میباشد.

تصویر عمومی که ازینگونه محاسبات وارزیابی ها سر بدرمی آورددارای ارتباط منطقی بوده وبه مثابهٔ وهم و خیال نمیتوانند نادیده گرفته شود ویا به مثابهٔ محصول مسا-عی مشترک درامر تحریف واقعیت نمیتواند باشد.

برمبنای شواهد موثوق وقابل دسترس، مصئونیت بین المللی به مثابهٔ یک حقیقت اظهارات عمومی را از اینکه شهروندان واتباع متعدد شوروی به مثابهٔ یک اثر نتیجهٔ مستقیم معتقدات سیاسی ومذهبی ازمداوا ودرمان بی بهره اند ودربیمارستان روان پزشکی بحال باز داشت

موردبررسی قرارداده‌شده‌است . هرگونه‌سعی وتلاش درامر تخمین تعدادافرادیکه‌بحال توقیف نگهداشته‌شده‌اندحتی به‌موانع بیشترنسبت ازآنهائیکه‌درامرتخمین تعداد زندانیان سیاسی ومذهبی که‌درموءسسات زندان عادی به حال توقیف نگهداشته‌شده‌اندمواجه‌شده‌اند .

دوم به‌مجردیکه‌یک شخص دریک بیمارستان ویژه روان پزشکی(عقلی وعصبی) توقیف گردیدتا زمان(اعاده صحت) برای یک مدت نامحدودنگهداری میشودودرواقعیت امرازجامعه‌غائب میشود . مشکلاتی راکه‌این موضوع در امرتخمین وارزیابی تعدادبیماران هم اطاق (سیاسی) دربیمارستانهای روان پزشکی که‌توأم بایک واقعیتی است که‌تاریخ این پدیده‌دراوایل سال ۱۹۷۰ آغاز نشده بود ، زمانیکه‌مقداربیشتراسنادومدارک ومشهودروی موضوع دراتحادشوروی درامرسربدرآوردن بود ، ویاحتی به سال ۱۹۶۲، زمانیکه‌رسانه‌های جهان توجه‌بزرگ شانرا به سوی توقیف یک نویسنده‌بنام (والری تارسیس)بیک بیمارستان روان پزشکی بخاطرنوشته‌های انتقادی عالی اش معطوف داشتند . بسال ۱۹۵۵ و۱۹۵۶ به‌ابتکاریکتن از اعضای حزب بنام (اس پی زارایف S.P. Pisarev) کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی یک کمیسیون ویژه‌ای رادرامرتحقیق ادعاهای استفاده‌ٔ نامطلوب از روان پزشکی بوجودآورد .

طبق اظهارات آقای(اس پی زارایف S.P. Pisarev) این کمیسیون چنین دریافت که (سال بسال)روان پزشکی بطورسیستماتیک به‌مثابه‌ٔ یک وسیله‌ویاطرح در جهت

زندانی ساختن افرادیکه دارای عقل سلیم اند استفاده ٔ نامطلوب نموده است . این کمیسیون بگونه ٔ سیستماتیک تعبیرهای نادرست وتحریف از حقیقت درضمن تشخیصی که از طرف موٴسسه (سیربسکی) " Serbsky " خصوصا توسط (دی، آر لونتز D.R. Lunts) (که درازمان بحیث یک لیکچرر عالی مقام) ویکعده از سایر افراد بعمل آمده باسناد ومدارک ثابت ساخت از اینکه ، درنتیجه ٔ کوتاهی و تقصیر موٴسسه ٔ علم تشخیص که تحت بررسی وتحقیق است بیمارستان های روان پزشکی سرتاسری شوروی، وبالاتر از همه دوزندان ومحابس برای زندانیان سیاسی که بالکه ٔ بدنامی خاصی شهرت دارند خصوصا محبس کازان ولیننگراد ، سال بسال توسط افراد سالم وعاقل مملوساخته میشود که قربانیان وافرادبی گناه میباشندکه بگونه ٔ غیرقانونی تحت اینگونه عواقب خشن وناگوار قرارگرفته اند . این گزارش تهیه شده ٔ رسمی تحت فشار قرارگرفت . طبق اظهار آقای (اس پی زارایف S.P.Zarev) پاره ٔ از بهبودی ها ودگرگونیها باالنتیجه دربیمارستان های ویژه ٔ روان پزشکی رونما گردید . فلهذا تعداد مجموعی بیمارستان های ویژه روان پزشکی از بدو تأسیس آن دوچندگردیده و استفاده ٔ نامطلوب از روان پزشکی برای هدفهای سیاسی ادامه دارد .

مصئونیت بین المللی با پاره ٔ از تفصیلات موارد ی را که درحدود یکصدوبیست تن از اتباع شوروی که آنها طبق حکم محکمه به بیمارستانهای روان پزشکی روی ملحوظات سیاسی ومذهبی از جنوری سال ۱۹۶۹ به اینسو تحت توقیف

وبازداشت مبتلا شدند بخاطر دارد. این ارقام شامل آنهائیکه جهت تشخیص طولانی (نه بخاطر درمان ومعالجه) به مؤسسات روان پزشکی فرستاده شده اند نمی شود ونه شامل آنها میشود که با یک تعداد نامحدود از زندانیان مؤسسات جزائی عادی که در سرویسهای روان پزشکی در آن مؤسسات تحت بازداشت قرار دارند وپیرامون چگونگی موارد آنها اطلاعات ناچیز در دست است. سرانجام بسا از آن، همشهریان واتباع شوروی که آنها یادداشتهای تحریری از تجارب شان در بیمارستانهای روان پزشکی دارند چنین تذکر داده اند مسائل وجریانات را به افرادیکه روی ملحوظات سیاسی ومذهبی ویا فعالیتهای شان در بیمارستانهای روان پزشکی تحت توقیف قرار داده شده اند، گذاشته اند. این مسئله در اصل خود نظریه ای را از اینکه یک تعداد چنین افرادکه روی اسناد ومدارک موثق که خارج از اتحاد شوروی قابل حصول ودسترسی بدانها است صرف پاره ای از مجموع آنها پنداشته میشود.

سوابق موضوع از سال ۱۹۱۷ به بعد، توجه خیلی زیادی در اتحاد جماهیر شوروی در امر انکشاف وگسترش رابطه بین روان پزشکی وقانون سربراه انداخته شده است. این پدیده در نخستین دهه زمامداری شوروی با یک گرایش افراطی در امور قضائی اتحاد شوروی که سعی وتلاش را در امر تعیین وتثبیت علل جرم نه بگونه تقصیر وجرم انفرادی ومشخص بلکه از زنگاه مضار وزیانهای اقتصادی واجتماعی قبل از جامعه سوسیالیستی وجود داشته

تشویق ودلگرمی بآن داده است . درچنین یک اوضاع روان پزشکان درامرروبکار آوردن طرحهای قانونی در جهت مصئونیت افرادازسرانجام وعواقب ارتکاب جرائم در اثنای بیماری دماغی، چه این بیماری حادومزمن باشد، چه موءقتی ازنفوذونقش فراوانی برخورداربودند. فلهذا ماده ۱۱ آئین نامه جزائی سال ۱۹۲۶ اراس اف اس ار R-SFSR چنین تصریح میکند، درحالیکه طرحهای دفاع وحمایت اجتماعی ودرمان طبی میتوانست به چنین افرادتطبیق گردد. آنها می بایستی تحت قانون جزائی مجازات نمی شدند.

بسال ۱۹۲۲، موءسسه روان پزشکی عدلی (سیربسکی Serbsky) درمسکو بمنظورپیشبردکاروفعالیت تحقیق وتتبع درارابطه بین بیماری های عقلی وجنایات بنیان گذاری شدبدینسان(حقوق افرادیکه تعادل عقلی خودرااز دست داده اندبایدمحافظه شودبخاطراین که مرتکب اعمال خطرناک بجامعهء خودشان خواهندگردیدنه برمبنای اندیشه وارادهء نامطلوب وبدبلکه بگونهء غیرارادی مرتکب چنین عملی میشوند).

تااواسط سال ۱۹۳۰ تحقیقات وبررسی های روان پزشکان باشیوهء خیلی آزادانه درامرنجات ورهائی افراد متعددازمسئولیت جنائی معمول ومورداستعمال قرار می گرفت. مگربا آنهم، زمانیکه روشهای تجربوی در امور قضائی شوروی ازنگاه رسمیت موردپذیرش واقع نگردید و نظریهء تقصیرفردبرای ارتکاب جرم دوباره تأکیدگردیدو ازموءثریت نظریهء طبی درفیصله نامه های محاکم جنائی

بطورکلی کاهش به عمل آمد. فلهذا ملاک ومحک روان پزشکی به مثابهء یک وسیلهء دریافت پناهگاه برای مبتلایان به بیماری روانی وپارهء ازکسانیکه آنها به بیماری روانی مبتلا نشده بودندبه کاروبارش ادامه میداد. طوریکه الکساندریه سینن ول پین (A.Yesenin Volpin)دریک نشریهء (نظریک ماهر) گزارش را برای کمیته حقوق بشردر مسکوتدارک دیدازآن یادآوری نمودروان پزشکان تشخیص های بیماری روانی را به مثابهء یک وسیلهء محافظه مردم ازفشارهای سیاسی بکارمی بردند.

دردوران اختناق وفشارگسترده زمامداری ستالین بسا ازمردم درنتیجهء وجودبیمارستان های روان پزشکی نجات داده شدند، ووضع موجوده به هرگونهء که باشد، نباید این موضوع را فراموش کنند. آئین نامه جرائم معاصرشوروی پرنسیپ ها وقواعدی راازینکه افرادمبتلابه بیماری روانی نمی توانندبخاطرجرائمی که محتملا ازآنها سرزده است مستحق مجازات شمرده شوندبخاطردارد. این تخیل از اینکه بیمارستانهای روان پزشکی شوروی تاحال بمردم پناهندگی میدهندطبق یک سلسله منابع درارابطه با یکعده ازمقصرین ومتهمین به جرائم سعی وتلاش به عمل می آید که تشخیص غلط روان پزشکی نقش موءثری درامرانتقال آن ها ازموءسسات کارتأدیبی واصلاحی به بیمارستانهای روانی دارد.(عین گزارش معمولا می افزایدکه بعدازیک دوران توقف مختصردربیمارستان های روان پزشکی ویژه، این گونه افرادازین پیش آمدوحرکت اظهارتاسف می کنند، البته روی دلائلیکه درذیل ازان تذکرداده خواهد شد

انکشاف ودگرگونی درقانون شوروی درراBطه با طرحهای حمایه ومحافظه افراد مبتلا به بیماری روانی در نتیجهٔ فشارهائیکه ناشی از احساسات وانگیزه های بشردوستانه بوده است واقلا ازطرف یک مقام غیرشوروی – خارجی به مثابهٔ (یک گام بسوی حل، یک برخوردوتصادم طویل المدت بین معیارهای علم طبابت ونیازهای منظم قانونی موءثر) عرضه شده است.

هنوزاین پدیده صرف یک بخشی ازتصویرمیباشد. زمانیکه محکمهٔ شوروی درنتیجهٔ اندیشه ونظرکار آگاهان ومتخصصین ازینکه مدعی علیه مبتلا به بیماری روانی است وی راازمسئولیت جنائی وجرم وازمواجه شدن به مجازات رهائی می بخشند، همچنین باید اقداً مات وطرحهای را نیز باید صادرکندکه جامعه راازاعمال بیشترخطرناکتر توسط مدعی علیه حمایه ودفاع نماید.

ازجمله اقداماتیکه محتملا وغالبا ازطرف محاکم شوروی درینگونه مواردصادرمیشودعبارت ازتوقیف الزامی ودرمان طبی الزامی. یا به عبارهٔ دیگرصدوراحکام ازطرف محاکم شوروی به توقیف وبازداشت جبری افراد و تحت معالجه ودرمان طبی قرارگرفتن بگونهٔ جبری و الزامی می انجامد.

این صورت رابطه بین روان پزشکی وقانون بسااوقات ودربسیاری کشورها متضمن استفاده های نا مطلوب وغیرانسانی دربرابرافرادبگونهٔ خیلی محسوس وخشن بوده است. اینگونه بدرفتاری ها ومجازات ها که چندان امید آگاهانه برای رهائی آنها نمی باشدوبدین وسیله به یک

شیوهٔ تداوی ودرمان میشوندکه طبق خواست ومیل آنها نبوده ما به بهترین وجه حالت ووضع دانش ومعلومات طبی محل را درآن دوران معین منعکس می سازد.

روان پزشکان وقانون دانان دربسا از کشور ها چنین دریافته اندکه درموردتوقیف وبازداشت افراد بر خلاف میل شان دربیمارستانهای روانی ویاعدم تسامح و بی مبالاتی افرادمقامات اداری درارابطه باتیاز افراد بیمارجهت تداوی ونیازجامعه درامرحمایه وپشتیبانی تقدم وبرتری حاصل خواهدنمودیکسلسله خطرات واقعی را ببارمی آورد.

همچنین این موضوع بگونهٔ گسترده ترآن چنین پذیرفته شده است که جهت پیش گیری با اینگونه خطرات از طریق بهبودی وانکشاف مستمرومداوم درخدمات روان پزشکی وحتی بیشترازآن، باانکشاف وبهبودی در مقابل طرزالعمل نیرومندقانون حقوق کلیه افرادیکه در امر قضاوت وداوری ورعایت اصول وآداب ومعاشرهٔ خود شان محروم نگهداشته شده اندحتما باآن مقابله شود.

هنوزنمایندگان باصلاحیت ومتفذحرفه وشغل روان پزشکی اتحادشوروی بطورکلی وبدون شک وتردیدهریک از نیازهادرامرانکشاف وتکامل موانع نیرومندومستحکم دراتحادشوروی بخاطرارتکاب بدرفتاری ها دربرابرافراد که مقام وموقف آنها دراجتماع روی ملحوظات روان پزشکی تعیین وارزیابی میشودازنظربدورانداخته شده است.

بگونهٔ مثال، درآگست سال ۱۹۷۳(داکترای - وی سینزنوسکی (A.V.Snezhnevsky) یک عضواکادمی علوم

اتحادشوروی ویک روان پزشک سرشناس ومعروف درموٴسسه طب عدلی ویا روانی(سربسکی SERBSKY) ماسکوروی این ادعاازینکه‌روان پزشكي شوروی بخاطرملحوظات سیاسی تخطی های دران صورت گرفته‌است موردمخاطب قرارگرفت. داکترسنیزنوسکی چنین اظهارداشت که (درجریان پنجاه سال کاروبارومشاغلش درصحت عامهٔ شوروی هیچ گونه موارد را که‌یک فردصحتمندبه‌بیمارستان روان پزشکی قرار داده‌شده‌باشدبخاطرندارد). این اظهارات، مکرراتوسط داکترسنیزنوسکی وسایرروان پزشکان مشهوروسرشناس اتحادشوروی، بگونهٔ ساده‌قابل قبول نمی باشد. این پدیده‌باشعورعادی درتضادواقع میشود، وهیچ کشوری در جهان وجودنداردکه‌با چنین یک خوش بینی صادقانهٔ به گونهٔ ازخودمدح وستایش نماید. اینگونه‌ادعاهای‌شوروی زیادتریکسلسله‌ادعا های بیشتر مدلل ومستنداشتباهات وخلاف ورزی های ویژهٔ کارروان پزشکی دراتحاد شوروی به‌مخالفتهای برخورده‌است. سرانجام، یک بررسی نزدیک ازقوانین عملی معاصراتحادشوروی کدحاکم ومسلط برتوقیف وبازداشت افرادروی وجوهات روان پزشکی‌است چنین واضح میسازدکه‌غیراز آنچه‌مقامات‌شوروی ادعا می کنند، آن قوانین دارای تضمینات کافی درمقابل تخلفات‌ازروان پزشکی جهت یازداشتهای نادرست ودرمان زیان‌آوروخطرناک افرادرادرخودنگنجانیده‌است.

برمبنای مشخصات دررابطه‌بانارمهای قانونی شوروی وداوری روی موضوع ازنگاه مشخصات ویژه‌داوری‌روان پزشکی که‌درداد گاه‌فراهم شده‌تشخیصهای روان پزشکی به

یوکرائین دریک کالونی که برای طبقهٔ اناث تخصیص داده شده می گذرانند. دخالت وی دریک سلسله از درخواستها به مقامات مسئول درامر گسترش حقوق زندانیان میباشد. بگونهٔ مثال، درسپتمبر سال ۱۹۷۴ او وچندتن از رفقایش درامر انتقال برخی از درآمد کارشان را به تخصیصه شوروی برای قربانیان کودتای چلی تقاضای اجازه نموده بودند این تقاضای آنها بگونهٔ تقاضای پیشین آنها درامر بدست آوردن حقوق وامتیاز جهت سهم گیری آنها در امر انجام مراسم مذهبی بیاد بود ایستر (Easter) پذیرفته شد.

خانم ستاسیوکالی نیتس طبق اطلاعات واصله بسال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ از یک تکلیف وناراحتی جگرومعده رنج می برد. تلاشها توسط فامیل وی درجهت ارسال ادویه وپوشاکه های گرم توسط مقامات پوستی یا مقامات اداری کلونی محدودیت های را به بار آورده است.

یک تذکر پیرامون منابع اطلاعاتی

درین تحقیق وبررسی از شرایط و اوضاع زندان وبازداشتگاه ها در اتحاد شوروی، مصئونیت بین المللی روی دونوع منابع ومأخذ اطلاعاتی خودرا متکی دانسته است. آثار ونشراتیکه بگونهٔ رسمی پخش وتوزیع میگردد ودرضمن محاسبه ها وارزیابی ها ئیکه توسط خود زندانیان، فامیلی ورفقای آنها به خارج سرایت کرده.

منابع ومأخذهای منتشرشدهٔ رسمی شامل متن های قانونی، تبصره های رسمی پیرامون متون قانونی واشرات

معرض نمایش قرار داده شده است. این محتملا چنین می نماید که توقیف و بازداشتهای نادرست همشهریان روی ملحوظات روان پزشکی اما بدون انگیزه سیاسی در اتحاد شوروی به مثابه هرجای دیگر یک امر معمول و متداول است. یکتن از شهروندسابق اتحاد شوروی چنین گفته است:

اگر کسی بخواهد جهت مخالفت ایدئولوژیکی صرف درباره مجازات صحبت کند پرابلم به گونه سطحی و تصنعی ساده خواهد شد. ما همچنین از تخلفات حقوق هزاران افراد که برچسب خلل دماغی و یا بیماری روانی بروی آنها زده شده برمیخوریم (الزاما غیر ایدئولوژیکی) انواع دیگر معاشره و سلوک را نیز میتوانیم تذکر دهیم. حقوق آنان بعضا بدون هیچگونه شک و تردید مورد تخطی قرار می گیرد. بعضا آنها بکمک سربازمزدور مورد تجاوز قرار می گیرند (یا محضا خسته و کسل) و یا بستگان که آنها نمی خواهند کمک کنند و یا نمی توانند در امر دفاع از ینگونه حقوق سعی و تلاش به خرچ دهند.

مگر با آنهم، زیرا وظیفه مصئونیت بین المللی عبارت از سعی و تلاش برای زندانیان وجدان و بخاطر اینکه اسناد موجود توسط قربانیان و یا پیرامون آنها که دارای انگیزه های سیاسی داشته اند در رابطه با سوء استفاده ها در روان پزشکی میباشد، فلهذا روی چنین موارد است که این گزارش توجهش را متمرکز خواهد ساخت.

قانون شوروی وروان پزشکی آن

دربسا مواردتا آنجا ئیکه موضوع شهروندان شوروی دربیمارستان های روان پزشکی بخاطرنظریات سیاسی ومذهبی شان تحت بازداشت وتوقیف قرارمی گیرندبه مصئونیت بین المللی این موضوع ثابت گردیده است ، طرزالعمل وجریان کار آن چیزی است کدتوسط قانون نامهٔ جرائم تدارک دیده شده است . قانون گذاری جنائی چنین تصریح میکند که اگریک ماموررسمی درصددآن بیفتدکه دوسیهٔ یک مجرم را موردبررسی وتحقیق قراردهدیا به عبارهٔ دیگرمسئلهٔ صحت روانی متهم را موردبازجوئی قراردهد ، آنها بایدتشخیص های روان پزشکی وی را توسط یک هیئت روان پزشکی مطالعه نمایند . اگراین کمیسیون چنین اعلان نمایند که متهم ازتکلیف روانی رنج میبردویاازنگاه روانی در دوران ارتکاب جرم فاقدصلاحیت بوده است اتهام جنائی وی نادیده انگاشته خواهدشدوتشخیص آن به محکمه راجع ساخته میشود . محکمه بعداتصمیم می گیردکه متهم راازمسئولیت جنائی اش معاف کندواحکامی صادرمیکندکه بموجب آن باید وی (طبق طرحهای الزامی مشخصات طبی) تحت توقیف ومراقبت صحی قرارمی گیرد .

طوریکه درگزارش قبلی روی موضوع بحث شد ، طراحان قانون گذاری جنائی معاصر ، درنتیجهٔ بی قانونی های بیش ازحدزمان ستالین برانگیخته شده اند ، که شامل قانون نامه میشودکه تضمین های خیلی نیرومندومستحکم طرز العمل حقوق افرا دمتهم درر ابطه با متخلفین جنائی می

باشد. درچندین موارد، قانونگذاری جنائی چنین حکم میکندکه این گونه تضمینهای معمول به افرادمتهم قابل تطبیق است که صحت و سلامتی روانی آنها قابل پرسش قرار می گیرد. مگر با آنهم، چنین موارد بگونهٔ رسمی ازموارد ودوسیه های با قاعده و منظم درنتیجه اختصاص یک فصل جدا گانه درهریک از این آئین نامهٔ طرزالعمل جنائی جمهوریتها مشخص ساخته میشود (درطرزالعمل آئین نامه جنائی RSFSR فصل ۳۳ میباشد) تبصره های رسمی روی این آئین نامه ها به موضوعات روشنی می افگندازینکه تحقیق وبررسی های قضائی چنین مواردرنتیجهٔ (مشخصات ویژه) ازهم متمایزمیگردد، بخاطراینکه این موضوع بگونهٔ رسمی تبارزکندطرزالعمل حقوق افرادمتهم ومظنون به بیماری روانی وخلل دماغ بهگونهٔ ساده درآورده میشودو بدینسان ازهیچگونهحقوقی نمی توانندبرخوردار باشند جزحقوق کورکورانه وغیرفعال پرسش یک مرد متدین و شنیدن مردمتدین.

ماده ۱۸۴ و ۱۸۵ آئین نامهطرزالعمل جنائی(R-SFSR) بفردمتهم درپرتوروشنائی بیشتردرامرمقابله و آمادگی درجریان دوران تحقیق شیوهها وبررسیهای هر یک ازکمیسیون دادگاه راکهدرامرتقدیم وپیشنهاد یک نظر ماهرپیرامون کیفیت ودوسیهٔ متهم موردمخاطب قرار گرفتهاست تضمین میکند. ماده ۱۸۸ بطورمختص اینگونه حقوق را بهافرادیکهتحت بررسی وامتحان دادگاه روان پزشکی قرارمیگیرندگسترش میدهد. مگربا آنهم ماده ۱۸۸ بواسطهٔ پاراگراف مادهٔ ۱۸۴ بی معنی جلوهداده شده

است که این ماده چنین تصریح میکند، اگر چنین فیصله شده باشد که شخص متهم تحت امتحان و پرسش روان پزشکی راجع ساخته شود و ضرورت به مطلع ساختن نظریه کمیسیون روان پزشکی نخواهد داشت، و یا حتی در حقیقت از اینکه صحت و سلامتی عقلی و روانی وی مورد پرسش قرار گرفته است.

حتی هر یک از محاکم که قبلا بررسی ها و ارزیابی های کمیسیون روان پزشکی را پیرامون حالت و وضع روانی شخص متهم مورد بررسی و مشاهده قرار داده باشد، او از شرکت در امر تحقیق و بررسی دوسیه و کیفیتش بدور نگهداشته میشود. مقامات مسئول تحقیق و بررسی نیاز به مطلع ساختن از اتهاماتیکه علیه وی اقامه شده نمی بینند و یا هر نوع اسناد و مدارکی که به گونهٔ دوسیه روی کیفیت و موارد وی ترتیب و تنظیم شده بی اطلاع گذاشته میشود، و بمثابه یک پرنسیپ او از جدبودن اینگونه حقوق محروم است.

طبق قانون شوروی، محاکمات باستثنای شیوه های خاص و یا مواردیکه اسرار و محرمیت دولتی و جرایم جنسی و امثال آن در آن دخیل باشد، بقیه کاملا علنی است. در محاکمات سیاسی علنی، اقدامات بخصوص لازم است اگر مقامات دولتی بخواهند که از اشتراک گروه کثیری از مردم و یا درک و اطلاع آنها پیرامون اینگونه محاکمات جلوگیری نمایند. در بسا از جمهوریت های اتحاد شوروی اگر سالمیت عقل (RSFSR) شخص متهم مورد بحث و پرسش قرار گیرد چنین اقدامات لازمی به نظر نمیخورد.

بگونهٔ مثال در (RSFSR) هیچگونه نیازی برای

استماع چنین مسائل درمحضرعام احساس نمیشود. یک تبصره رسمی پیرامون طرزالعمل آئین نامه جنائی (R-SFSR) (آن محاکم را که کلیه موارد وگوائف این کتگوری را درجلسهٔ محرمانه مورد استماع ورسیدگی قرار می دهند) مورد انتقاد قرارداده است. اما با آنهم هیچگونه شک وتردیدی وجودندارد که هریک از محاکم در (RSFSR) حسب صلاحدیدواختیارخودکه استماع به اینگونه محاکم را بسته وختم شده اعلان نمایند، ودرموارد اشخاص متهم به (جرائم) سیاسی استماع محاکم دریک اطاق صورت میگیرد.

دریوکراتین، برعکس اینگونه استماع ازطریق قانون به عموم افرادمجاز است. به این مفهوم که عموم مردم میتوانندجریان محاکمات را استماع کنند (اما با آنهم، درین جمهوریت قضات نیزبعضا اینگونه مواردسیاسی را به گونهٔ محرمانه استماع میکنند).

طبق مادهٔ ۴۰۷ آئین نامهٔ طرزالعمل جنائی (R-SFSR) این موضوع به صلاح دیدمحکمه واگذارشده است که آیا برای شخص متهم درمحکمه جهت استماع که روی اعتبار تشخیص یک متخصص درارابطه با حالت ووضع دماغی وی حضور یا بدیا خیرقرارصادرمیکند. ونه شخص متهم کدام حق قانونی برای ارسال یک بیانیهٔ تحریری درمحکمهٔ که جهت استماع برگزارمیشوددارد یا به عبارهٔ دیگر شخص متهم ازارسال نامهٔ تحریری روی گوائف خودش بمحکمهٔ استماع نیزدارای کدام حق قانونی نمی تواندباشد.

مادهٔ ۴۰۷ حتی الامکان حضوروابستگان نزدیک متهم

را درچنین یک استماع تذکرنمی دهدگرچه وابستگان در زمرهٔ کتگوری های اشخاصی محسوب میشوندکه آنها بایددر محکمه طبق صلاحدید محکمه (Courts discretion) بایدمجازشمرده شوندکه به مثابهٔ (یک نمایندهٔ قانونی) شخص متهم عمل کنند. یک تبصرهٔ رسمی روی همین آئین نامه چنین تذکر میدهدکه حضوروموجودیت وابستگان وخویشاوندان شخص متهم ممکن(سودمند) واقع شود. ما این موضوع نیزبه صلاحیت وصوابدید مقامات مسئول محکمه میباشد. در یکی از طرز العمل ها کمی صریح واندک تضمینات برای اشخاصیکه صحت وسلامتی روانی ودماغی وی موردپرسش قرار می گیرد، قانون چنین تصریح میکندکه سهمگیری و شرکت یک وکیل مدافع امر (حکمی) است جهت استماع این گونه مواردردرمحکمه این نیازوضرورت ازقرارمعلوم در جهت جبران وتلافی این واقعیت است که اینگونه افراد متهم درامردفاع ازخودشان امکانات قانونی دردسترس آنها وجودندارد. هنوزاین ماده درظاهرامرشورای وکلای مدافع را جهت ملاقات با موءکلش ضرورت نمی سنند. بطور مثال(والیریا نوودورسکایا) یک محصلهٔ ۱۹ ساله بعداز بازداشت وتوقیفش دراواخرسال ۱۹۶۹ جهت سوزیع ونشر اوراق تبلیغاتی برضدحزب کمونیست بدانفادبردداخت که وکیل مدافعش (دوبوزسکی) را هرگزملاقات نکرد. (از نظرروانی ودماغی بیمار) تشخیص شد. کیفیت وی نه تنها یک مثال مجرداین نوع پدیده پنداشته میشوداین مشکل است که چنین تصورکنیم که چسان یک وکیل مدافع میتوانندبرابراتهامات وارده وتشخیص روان پزشکی بدون

اینکه با موء کلش ملاقات کند از ان دفاع نماید .

محکمه حتی ضرورت بدفهماندن و مطلع ساختن کسیکه به بیماری روانی مبتلا است از تاریخ برگزاری استماع ودایر شدن محکمه پیرامون مسئله وی ندارد (اولیریا نوودورسکایا) نیز از نظر روانی بیمار تشخیص شود در بیمارستان روان پزشکی ویژه (کازان) بدون اینکه جریان کیفیتش را بوی اطلاع دهند تحت مراقبت وتوقیف قرار داشت و این گونه جریانات یک پیش آمد و تصادف معمول و متداول پنداشته میشود .

(واسیلی چرنی شوف Vasily Cherny Shov) یک روشنفکر ازلینن گراد بسال ۱۹۷۰ بعد از اینکه به اتهامات (ضد شوروی) منسوب ساخته شد ، دیوانه ومعیوب وانمود شد ، این عملیه را که درنتیجهٔ آن او به بیمارستان روانی تحت بازداشت و مراقبت قرار گرفت چنین توضیح میدهد :

درزندان وتوقیف برای نیم ساعت مکمل تحت معاینات طبی قرار گرفتیم وچنین تشخیص بعمل آمد- خلل دماغی مزمن از نوع پارانوئید . من وکیل مدافعم را نتوانستم ملاقات نمایم ، ودرجریان محکمه ام نیز حاضر نبودوبرای یکنیم ماه دربارهٔ تشخیص ویا جریان محکمه حتی چیزی نمی دانست . این خانم من بودکه بعد از محاکمه پیرامون جریان موضوع بعد ازینکه با من ملاقات نمود مرا ازجریان موضوع مطلع ساخت . خانم من به نمایندگی از من درجریان محاکمه اشتراک نمود ، اما از جریان کیفیت موضوع وی را مطلع نساخته بودندکه نقض صریح قانون می باشد .

سیاست روان پزشکی ومحاکمات

بدون شک وتردید مؤلفین قوانین جزائی معاصر شوروی فقدان تضمینات شدید وطرز العمل به امیدواری وچشم داشت بعدالت وحقانیت دررابطه با اشخاص متهم راکه مبتلا به بیماری روانی اند دردو استدلال ومثال قاطع که از آنها یاد حمایه وپشتیبانی بعمل آید موءجه دانسته اند: فورمول بندی تشخیص روان پزشکی آنها وفیصلهء نهائی محکمه قانونگذاری جنائی شوروی باین نیاز دارد که هریک از معاینات روان پزشکی عدلی با درنظر داشت تهیه وتدارک از نظر اهل خبیر وکارشناسان بگونهء آزادانه ، آفاقی روی واقعیت ها وحقائق کوائف ومسائل که تحت بحث قرار میگیرد میباشد. مقامات برجسته شوروی درساحه روان پزشکی عدلی غالبا بالای این موضوع پافشاری مینمایند که این مسئله درچهارچوب صلاحیت خدمات صحت عامهء اتحاد شوروی و تحت حمایه وسرپرستی وزارتخانه های صحت عامه قرار دارد. از اینکه معاینات روان پزشکی عدلی سربراه انداخته شود.

مقامات ذیصلاح شوروی گذشته از ان ادعای حمایه وپشتیبانی میکنند که کمیسیونها وهیئت های روان پزشکی عدلی بطور آزادانه غیرازروان پزشکان شوروی، که آنها از نظر حرفوی بودن شان یک پیوند وارتباط تحلیف حرفوی ومسلکی نیز دربرابر دولت دارند ، اگر آنها عمدا تشخیص های نادرستی را ارائه میکنند از نگاه جنائی مسئولیت دارند.

درقانون ودرعمل اداره‌ء تشخیص روان پزشک ما هرنه تنها زمینه‌را درامر نفوذ ومنشأ آن که نه تنها وزارت صحت عامه

درآن دخالت دارد بلکه ارگان امنیت دولتی وپولیس را نیز به پیش می کشند. این مقامات ذیصلاح هیئت تحقیق اند که در مرحله نخست تصمیم می گیرند که معاینات روان پزشکی شخص متهم را جهت معاینه به مقامات مسئول راجع سازند، وآنها تصمیم می گیرند که کدام یک از ماهرین و یا متخصصین یک موءسسه این معاینات را سربراه اندازد. این همان مقامات رسمی تحقیق اند که در موارد جنایات عادی مقامات ویا هیئتهای تحقیق میتوانند مامورین دارالوکالهها باشند، موءسسه نیز همچنین اینگونه موارد را تعقیب میکنند. در موارد سیاسی کی،جی،بی وام، وی، دی (MVD) یعنی وزارت داخله کشور ویا هردوی آنها درامر تحقیق با یکدیگر همکاری ومعاونت میکنند، واز روان پزشکان ویژه درامر بررسی وتحقیق از آنها یاری ومعاونت میطلبند.

طبق اظهار پروفیسور (گیورگی موروزوف Morozov) سرپرست انستیتوت سیربسکی واقعیتی را که پیرامون تشکیل کمیسیون ویا هیئت روان پزشکی عدلی با شدچنین توضیح میدهدوآن عبارت است از چندتن روان پزشک که دلائل مقنع را ازینکه کارکمیسیون بگونهٴ (اوبژکتیف) یا عینی وآفاقی خواهدبودتدارک می بینند. با یداین موضوع نیز تأکیدکرددکه این نحوه نیز درامرحفظ ونگهداری آزادی ویا عینیت وآفاقیت کمیسیونهای روان پزشکی عدلی در موارد سیاسی کاری نکرده است. آفاقیت وعینیت اقلا " زمانی قابل حصول است که یکی از روان پزشکان توسط خودمتهم ویا توسط وابستگان وخویشاوندان جهت معاینه

نا مزدگردد ، حقوقیکه رسما با شخاص متهم که در معرض
کمیسیون آگاه و متخصص عدلی مطابق ماده ۱۸۵ آئین نامه
طرزالعمل جنائی (ار اس اف اس ار RSFSR) قرار میگیرد
به متهم داده شده است ، طوریکه زطرف (زوریس میدویدیو)
یک دانشمند معروف که وی الزاما به یک بیمارستان عادی
روان پزشکی درسال ۱۹۷۰ داخل بستر گردید و بعدادرنتیجه
یک سلسله اعتراضات گسترده رهائی یافت درعمل هیئت
روان پزشکی درموارد سیاسی که از طرف دادستان و مقامات
اداری موسسات روان پزشکی برگزیده میشوند . در بسا
موارد نامزدی چنین تیم ها ویا گروه ها به عهده گیورگی مو
روزوف مدیر روان پزشکی عدلی موسسه سیربسکی میباشد ،
روان پزشکانیکه توسط قانون دانان ویا وابستگان متهم
سفارش وتجویز شده هرگز باین تیم ها نپیوسته اند .

روان پزشکان رسمی و متخصصین که درین موارد از
آنها کار گرفته میشود درخدمت دولت شوروی قرار دارند .
این موضوع یا مسئله دراصل خود از طرف مقامات دولتی
برای شنیدن واستماع پیشنهادهاکه با یک دلچسپی قطعی در
موارد سیاسی زمینه را بی آلایشانه مطرح بحث قرار میدهند
این نفوذ آنها دارای مسئولیت است ممکن مستقیم باشد
ومقاومت دربرابر آن مشکل جلوه میکند به مثابه سایر
موسسات دولتی شوروی، تأسیسات روان پزشکی، یا اقلا"
تأسیسات بزرگ آن که دردرجه اول شامل میباشند عبارت
اند از نمایندگان کی،جی،بی.

موسسه سیربسکی، طبق اظهارمدیر وی (گیورگی مو ـ
روزوف) تحت اداره وزارت صحت عامه میباشد . چنین می

وبا ددا شتها ئیکه توسط قضات شوروی ودانشمندان خصوصا آن نوشته های آنها که مهر رسمی تأکید در امر نشر محسوب میگردد چنین منابع اطلاعات خیلی ضروری ومهم را در دسترس مصئونیت بین المللی گذاشته است ، خصوصا در رابطه با پرنسیپ های رسمی دولت ومیکانیسم های حاکم و مسلط که در جریان عملیهٔ موٴسسات جزائی شوروی نقش قاطع و عمده دا رند مگر با آنهم ، متون رسمی دارای پاره ازمحدودیت ها است . در اتحاد شوروی به گونهٔ سایر کشورها ، این گونه متون تقریبا هیچگونه اطلاعاتی را روی برخورد ودر مان مشخص زندانیان وجدان تهیه وتدارک نمی بینند .گذشته از آن، صرف شمهٔ مختصری از طرق حیات وزندگی در موٴسسات جزائی اتحاد شوروی را بگونهٔ ثابت ومتین توضیح وترسیم می نماید روی همین منابع اطلاعاتی است که پیرامون بیانیه ها ئیکه توسط زندانیان وآنانیکه آزاد شده خودشان وآشنائی آنها وابستگان وفامیلی آنها باید مورد تجسس قرار گیرد . جمع آوری اطلاعات واثرات غالبا بشکل "محرمانه وشبنامه "سامیزدات (که از نگاه ادبی نشریه خودشان) معنی میدهد ، نوشته ها وآثار آنها ئیکه تایپ شده وخارج از انحصار ومحدوده رسمی نشرات به توزیع ونشر آن بپردازند ویا به عبارهٔ دیگر نوشته وآثاریکه بدون تجویز وتصویب رسمی دولت توسط افراد مخصوص طبع شده و به توزیع وپخش آن پرداخته شود یا شبنامه ها مخالفت ها ممکن تبارز کند محاسبه وابرازیابی حیات زندان مصنفین و موٴلفین به گونهٔ سامزدات بجانبداری ویا علیه آن باشد بخاطر مخالفت آنها با پارهٔ از سیستم های شوروی . در

نمایدکه رابطهٔ خصوصا مستحکمی با ارگان های امنیتی داشته باشد. این موضوع ازسالیان ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ از طرف کمیسیون موردتائیدقرارگرفته است که بواسطهٔ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی درامرتحقیق وبررسی خلاف رفتاری ها وتخطی های ادعا شده دررابطه باروان پزشکی ازینگونه صلاحیت برخوردار است .

دریـن اواخریک تعدادازمخالفین شوروی(درموٴسسه سیربسکی Serbsky) که درموردمعاینات روان پزشکی قرارگرفتند، پیرامون موجودیت نیرومندکی،جی،بی در این موٴسسه تبصره ها ئی نمودند. فلهذا روی موضوع (پیاترگریگورینکو) دراخیرسال ۱۹۶۰ موضوع راچنین شرح میدهد :

این موٴسسه درظاهرامردرسیستم وزارت صحت عامهٔ اتحادشوروی قراردارد، اما خودم شخصا وبیش از یکبار پروفیسور (لنتز Lunts) راکه سرپرست شعبه ویا دیپارتمنت که تشخیص بیماری من درآن صورت گرفت ، در یونیفورم ولباس یک غندمشرکی،جی،بی به دفترش می آید درست است ، زمانیکه او به شعبه اش آمدهموارهٔ یک کرتی سفیدبرتن داشت . من سایردکتوران رادرین موٴسسه در یونیفورم کی،جی،بی مشاهده کرده ام. من درمتقاعد ساختن خودم پیرامون ارتباط کامل ودرست بین این مأمورین کی،جی،بی ووزارت صحت عامه تاحال موٴفق نشده ام .

مردم چنین اظهارنظرمیکنندکه صرف یک شعبه ،شعبه ویا دیپارتمنت که تشخیص های ماهرین ومتخصصین را در

موا ردسیا سی موردمطا لعه‌قرا رمیدهندتحت ا دا ره‌آنهاقرا ر دا رد. من شخصا چنین می ا ندیشم که‌نفوذکی،جی،بی که نفوذقا طع درجریا ن ا مرمحسوب میشودسرا سرنظم ونسق و کا روبا را ین موء سسه‌گسترش یا فته‌ا ست . ا ما حتی ا گر مسا ئل وکا روبا ربگونهء با شدکه‌مردم میگویند که چنین ا ست ، سوا ل مطرح میشود: آ یا میتوا ندتشخیص یک متخصص روا ن پزشک دریک مسئله‌سیا سی آ فا قی وعینی با شدا گرمحقق ومتخصص مطیع وفرما نبردا ریک کسی قرا ر گیر دوهما ن شخص ، وحتی بوا سطهء دسپلین نظا می یک با دیگربسته‌وپیوندبا شند؟

کی،جی،بی KGB درنوع خودیک موء سسه‌ا ست که‌ا ز نیروی بیشتری برخوردا را ست ، یکنوع حقیقت که برا ی آ ن با عضویت سرپرست ورئیس آ ن، یوری ا ندروپوف ، در بیروی سیا سی کمیتهء مرکزی حزب کمونیست ا تحا د شوروی درنتیجهء محا سبه‌وا رزیا بی دست ا ول توسط شهروندا ن شوروی تصدیق ومهرتا ئیدشده‌ا ست .

موجودیت نیرومندکی،جی،بی KGB درموء سسه‌سیر بسکی ونقش مستقیم آ ن وا ستنا دبه‌تشخیص ها ی روان پز شکی درموا ردسیا سی ا گرنفوذ ونقش کی،جی،بی KGB ا ز برخی جها ت درینگونه‌تشخیص ها منعکس نمی شد، دروا قع یک مسئلهء تعجب آ ورخوا هدبود.

حتی ا گر، طوریکه‌حدا فرا ط آ ن مشکوک به‌نظر می خورد، کی،جی،بی دربرخی ا زروا ن پزشکا ن دا را ی یک نفوذ ونقش مستقیم نمی با شد، ا لبته‌دررا بطه‌با موضو ع هیچ سا ن شک وتردیدی نمی توا ن دا شت که‌روا ن پزشکا ن

عدلی شوروی نا گزیرا ندکه بسا ا ز نظریا ت سیا سی مشخصی را با درنظرداشت تعیین وتشخیص حالت وچگونگی صحت و سلامتی عقلی آنها مورددا وری قرا ردهند .این موضوع به تعقیب شامل ساختن چنین ماده های چون ۷۰(تحریکات و تبلیغات ضدشوروی) ۱۹۰-۱ (توزیع وپخش اخبار جعلی که نادرست وغیرصحیح اندکه لکه دارساختن دولت شوروی و سیستم اجتماعی آن) درقانون میباشد .

ماده های چون کلمات بی ربط وآزادانه جنایات را به یک بلسلهء گسترده تر آن به اظهارات سیاسی و (مذهبی) میکشانند . هریک از اتباع شوروی که او مطابق به حقوقیکه قانون اساسی بوی داده مستفید میشود . چون(آزادی بیان) که ازیک جهت حساس یا طبق حساسیت موضوع پالیسی رسمی کشوررا موردانتقادقرار میدهد (بطورمثال، اشغال چکوسلواکیا بسال ۱۹۶۸) سزاوار وشایسته تعقیب وبازداشت بودند .

اگر ، روی هراستدلالی که باشد ، مقامات رسمی که روی موضوع وی به تحقیق وتجسس می پردازندچنین تصمیم می گیرندکه نامبرده را جهت معاینات روان پزشکی را جع نمایند ، روان پزشکی عدلی(جنایت وجرم) وی را باید موردپرسش قرار دهد (خطابه های سیاسی که ازنگاه رسمی ضد شوروی ویا افتراء آمیزپنداشته میشود) طوریکه آنهاموارد دیگری را نیزخواهندداشت که باید آنگونه جرائم را چون هتک حرمت ، طعمهء حریق ساختن منازل ودارائی افراد درتحت عنوان جرائم موردپرسش قرار دهند .

روان پزشکی که اینگونه مسائل را مورد پرسش و

معاینه قرار میدهد با یداظهارات وخطابه های سیاسی متهم را نیز بایدمورد داوری قرار دهد، نه برمبنای ملاک ومحک عادی ومعمولی جروبحث قابل قبول بودن آن، بلکه در برابرنارم ها ومعیارهای سلوک ومعاشره که تقریبا نظریات سیاسی متهم را روی ملحوظات خطابه واظهارنظرآنها برای بازداشت بدین سان دانسته است .مکلفیت بخصوص روان پزشک معاینه کننده پاسخ ها را مطابق به سوالات باید مورد توصیه وسفارش قرار دهد. آیا اظهارنظرات وبیانیه ها (ونظریات سیاسی وی) متهم ناشی وزاده بیماری روانی بوده است ، آیا وی مائل به اصرار وسماجت جهت اعلام وانتشارنظریات سیاسی اش می باشد؟ اگرپاسخ در برابراین دوسوال (مثبت) یا (بله) باشدبعدا روان پزشکان عدلی اتحادشوروی درنتیجهٔ قانون جهت توصیه و سفارش که چه وقت وچگونه شخص متهم تحت جبرواکراه داخل بسترگرددیاخیرنیازدارد..

نقش سیاسی روان پزشکانی که اشخاص وافراد متهم (جنایات وجرائم) سیاسی را موردمعاینه وپرسش قرار می دهندنمی تواندصریح وروشن باشد. روان پزشکان شوروی تازمان اظهارنظریات سیاسی که ازنگاه رسمی موردپذیرش واقع نشده وبه مثابهٔ یک جرم درقانون اتحادشوروی باقی می ماندندرامرتحقق بخشیدن نقش سیاسی شان ادامه خواهندداد. یکسلسله ازتشخیص های رسمی روان پزشکی که بر مبنای آن ناراضیان سیاسی اتباع شوروی به بیمارستان های روان پزشکی محصورنگهداشته شده اند خارج از اتحاد شوروی نیزاین اسنادومدارک دردسترس مردم قرار می

گیرند. پاره‌ای از روانپزشکان جهان غرب چنین اظهار نظرکرده‌اندکه این یک امر نا ممکن است که بطورکلی این گونه تشخیص ها را ارزیابی نمود. این روانپزشکان پیچیدگی و مغلقیت تشخیص بیماری های روانی وضرورت برای معاینه‌را نه‌تنها با کلیه اسنادومدارک آن درهریک ازموارد مشخص بلکه شخصیکه تحت تشخیص قرار میگیرد صحه گذاشته اند. شایستگی ومزیت خاصی دراین مشی وطرز برخورد میتواند قابل مشاهده باشد. مگربا آنهم، مصئونیت بین المللی چنین معتقداست که اینگونه تشخیص های رسمی روانپزشکی، بطورمجموع با یک سلسله ازملاحظات وبررسی های دست اول ووقایع چشم دید شاهد مدعای مستند و مستحکمی است که‌دربسا مواردروانپزشکی عدلی شوروی تقدم وبرتری درجهت تشخیص افرادمتهم به (جرائم) سیا- سی را ملاک ومدارا عتبارخودقرارمیدهدنه ملاکها ی طبی.

بسال ۱۹۶۹، گینادی شیمانوف، یک عیسوی بنیاد گرا، جهت معاینات روانپزشکی به‌بیمارستان روان پز شکی (کاش چینکو Kash Chenko) که‌درحومه مسکوقرار دارد فرستاده‌شد. طبق اظهار (شیمانوف) روانپزشک معا- ینه‌کننده، داکتر (جرمن شافران Dr.German Shafran) این موضوع رادرجریان تحقیق وبررسی اش چنین واضح ساخت که‌آقای شیمانوف بخاطر معتقدات مذهبی اش مورد بازپرس قرارگرفت ودریک نقطه‌بوی چنین اظهارداشت:

(گینادی میخا ئیلویچ طوریکه‌شما میدانید......

هرآن چیزی را که‌شما برای ما خاطرنشان ساختیدما را باین متقاعدمیسازدکه‌بیماری عامل عمده‌واساسی برگشت شما

(تغییر مذهب شما) محسوب میشود. البته شما نمی توانید شخصا این موضوع را درک کنید، اما شما بما اعتماد داشته باشید که ما متخصصین هستیم. اگر شما در یک محیط فامیل مذهبی نشوونما کرده باشید و یا در بعضی نقاط جهان غرب زندگی کرده باشید، بنیا رخوب ما مذهبی بودن شما را به یک شیوهٔ دیگری میتوانستیم مورد بازرسی قرار دهیم... اما شما از یک فامیل غیر مذهبی سر بدر آورده اید شما یک شخص تعلیم یافته هستید. من حاضرم که حتی اعتراف نمایم که شما بیشتر پیرامون فلسفه و مذهب بیش از من چیزی میدانید....... و ناگهان شما مرد مذهبی مهباشید! این یک امر تعجب آور است... و یکی را به تعجب می اندازد اگر پاره‌ٔ از عملیهٔ غیر طبیعی در ذهن شما در دوران جوانی انکشاف پیدا نمی کرد، که بعدا شما را مرد مذهبی به بار آورد). یک کسی ممکن این اظهار نظر وی را به تنگ نظری روان پزشک حمل کند ولی این نفوذ کی،جی،بی نبود که سراسر این جریان نقش مسلط داشت.

طبق اظهار ادعای پارهٔ از افرعد مطلع از جریان امور کی،جی،بی بود که دستور تشخیص روان پزشکی را علیه گینادی شیمانوف صادر کرد، که او توقیف و باز داشت هم نشده بود و یا اینکه به کدام یک از جرائم نیز متهم نبود.

طبق اظهار آقای شیمانوف (دکتور شافران) در یک نقطه بوی در رابطه با اعتراف و تصدیق وی از اینکه وی به گونهٔ منظم نظریات مذهبی اش را به رفقا و همسایگانش اظهار میداشته خاطر نشان ساخت:

(شاید شما خارج از چهارچوب قانون نرفته باشید. اما چه

ارزشی را قانون میتواند داشته باشد؟ درواقعیت امر شما رژیم موجوده را متضرر خواهید ساخت ، بطورکلی، برگرداندن گوسفندان ولگرد به کلیسا . وشما خودمیدانید ، گینا Gina ، که رژیم تا یک اندازه دقیق وسختگیر است ... ویا چنین عملیات یا لانخواهد زد .

دراینجا شما درباره قانون سخن میزنید۔ آیا شما به این متقاعد نیستید که کمیته امنیت دولتی یا کی،جی،بی از قوانین عیب جوئی نمی کند! بسوی شما مینگرد . گینا من به خاطر شما متأسفم . بخاطر اینکه ناچار شما زیر فشار قرار خواهید گرفت واین آسایش و دلخوشی سردی برای شما خواهد بود از اینکه شما تنها نمی باشید ، در اندیشه آن نباشید که بخاطر ایجاد رعب وترس شما را می آزمایم . من مستقیما در آن سهیم نمیباشم ... شما مرا میدانید ؟ بلکه من بخشی از زندگی را میدانم . خودم شخصا برای مدت پنجسال درکولیما بحیث یک متخصص طبی کار میکردم ومن تأسف میکنم که خودشما برای خودتاج شهادت را تدارک می بینید . دراین اثنا من چنین می اندیشم که شما به طورکلی از اینجا بیرون خواهیدشد . شایدبعدا زمدتی بزودی وبه شکل عاجل طوریکه شما می اندیشید ، شما دوبار ه بدینجا خواهیدآمد . این امربرای کلیهٔ ما مفید خواهد بود۔ برای درمان اجباری) .

اما درمان اجباری صرف میتواند توسط یک محکمه تجویزگردد .(آقای شیمانوف پاسخ داد) (بسیار خوب ، آنچه شده است ؟ آنها یک استماع سری ومحرمانه خواهند داشت وشما چطور میتوانید آنرا ثابت کنید؟ خصوصا با چنین

یک تشخیص).

همچنین درزمینه یک سلسله موارد متعددو سایر موارد مشخص نیزوجودداشته است که درآن روان پزشکان در حال معاینه این موضوع را فاش ساخته اند که مسائل سیاسی به مثابهٔ فکتورهای عمده و مسلط درامرازیابی وبررسی افرادناراضیان سیاسی نسبت به عوامل طبی وبهداشتی آن داشته است . ولادیمیربوروسوف ، یک میخانیک برق ، برای دومین بارتحت مراقبت دربیمارستان های روان پزشکی قرارگرفته بود ، نخست در۱۹۶۴ درارابطه با اتهامات (تبلیغات وتحریکات ضدشوروی) وبعدا درسال ۱۹۶۹ زمانیکه وی به (افترا علیه شوروی) متهم گردید.

زمانیکه بسال ۱۹۶۹ همسر (آقای بوریسوف) شکایت نامه را مبنی براینکه وی دربیمارستان روان پزشکی به خاطرنظریاتش تحت بازداشت و مراقبت قرارداده شده است، تقدیم مقامات مربوطه نمود. یک روان پزسک چنین اظهار داشت ... او بدقسمت است ، درکتاب ماشت است . روان پزشک دیگردراظهارنظرش آقای (سوریسوف) را مخاطب قرار داد:

(بوریسوف این نقطه را ملتفت شوید، شما بعنوان یک شخص دارای منطق وعقل سلیم می باشیدومن متیقنم که شما نمی خواهیدبه دارالمجانین فرستاده شوید. شماپس چرا به تغییراندیشه هایت برنمی آئی؟

بتاریخ هفتم مارچ ۱۹۷۴ مکالمه ذیل طبق اظهار وی درجریان معاینه (ایوگنی نیکلایف Evegeny Nikolayev) یک دانشمندوساینتیست ، توسط داکتر (وی

دی دمیتریوسکی (V.O.Dmitrievsky) در بیمارستان روان پزشکی عادی (کاشچینکو Kashchenko) مسکو صورت گرفت.

دمیتریوسکی: ...... من به نظریات شما علاقمندم. درکلینیک این بیمارستان که شما را فرستاده اند یکسلسله اشاراتی نسبت به نظریات نادرست ونا موء جه شما نسبت به اجتماع تذکرداده اند.

نیکلایف: اندیشه‌ها ونظریاتم به هرنحویکه باشد با مسائل روان پزشکی هیچگونه ارتباطی ندارد.

دمیتریوسکی: اگرمسئله چنین باشد شما نبایداینجا باشید. اگرنظریات واندیشه‌های اجتماعی شما کدام خطر اجتماعی داشت آنها شما رادرین بیمارستان روان پزشکی قرارنمی دادند. درسه مرحلهٔ اخیرشما در بیمارستان روان پزشکی بوده اید. آیا این یک مدت طویلی بود؟

نیکلایف: بلی، مدت طویل.

دمیتریوسکی: فلهذا شما ماشین دولتی ما را میدانید هرکدام ما مطیع وفرمانبردار ارگانها وسازمانهای بخصوص میباشیم، اگرما کدام رهنمودی ازین ارگانها بدست می آریم ما ناگزیرومکلف با نجام آن میباشیم... شما می دانید، که شما بگونهٔ (سولزی نیتسین Solzhenitsyn) آنقدراز شهرت فراوان برخوردارنمی باشید. بخاطر اظهارات ونظریاتش آنها وی را خارج ازکشور فرستادند، اما آنها شما را بخاطربیانیه‌ها واندیشه‌های شما دربیما - رستان روان پزشکی قرارخواهندداد. دران تشخیص‌های روان پزشکی مخالفین سیاسی که دردسترس ما قراردارد،

توجه بیشتر بطورثابت به ریکاردهای سیاسی دررابطه با موضوع تحقیق روان پزشکی معطوف گردیده است . طوریکه (رای میدویدیو Roy Medvedev) درضمن تسلیم گزارش به کمیتهٔ حقوق بشر مسکو منعقده سال ۱۹۷۱ به این موضوع اشاره نمود :

درضمن چندین نتیجه گیری ها (تشخیص های روان پزشکی ماهرین ویژه) این ممکن است که به چنین (علایم و اعراض) بیماری روان پزشکی برخورد : (یک مانیا ، آزار دهنده و اذیت دهنده درتلاش حقیقت) (ریشش راآراسته می کند) (دقیق بودن اندیشه ، برخوردانتقادی غیرنا موجه به سوی اوضاع وشرایط موجود) (دخالت قوای شوروی درچکوسلوا کیا یک اقدام تجاوزکارانه می پندارد) ....(چنین می اندیشدکه تمام حیاتش راجهت تحقق کمونیسم وقف کند)

(زوریس میدویدیو Zhores Medvedev) (برادر هم زادوجفت زای میدویدیو) خودش موٴقتا مطابق طرز العمل حقوق مدتی بسال ۱۹۷۰ دربیمارستان روان پزشکی قرارگرفت داکتر (ای ـ یه ـ لیف شیتز Dr.A.Ye Lifshits) سرپرست بیمارستان روان پزشکی(کالوگا) وشخص مسئول (تشخیص) زوریس میدویدیو ، علاقمندی و دلچسپی خاصی رادرچندی ازنوشته های انتقادی اش پیدا کرد .

طبق اظهارزوریس میدویدیو ، درشامگاهان هشتم ماه جون، لیف شیتزوقت بیشتری رادرامرمتقاعد ساختن خودم ازینکه گذشته ازیک شغل ومکلفیت عادی اختصاصی و

حا لیکه‌ا ینگونه ملاحظا ت وبررسی ها با یدپیوسته در نظر گرفته‌شوند ، ا سنا دقا بل دسترسی وحصول سا مزدا ت بطور عموم درزمره‌ء ا سنا دومدا رک معتبرومهم محسوب میشوند . ا ین ا سنا دومدا رک درا دوا رمختلف درجا ها ئیکه‌ا زیکدیگر فا صله‌دا شته‌ا ندبرشته‌ء تحریردرآ مده‌ا ست .

درر‌ا بطه‌با موضوع بدرجه‌ء عا لی یک تا ئیدو تأ کید متقا بله‌بین ا سنا دهمچنین بین آ نها ومحا سبه‌و ا رزیا بی ها ی شخصی توسط زندا نیا ن رها یا فته‌که‌ا تحا دشوروی را ترک گفته‌ا ندمیبا شد . درجهت منسوب نمودن ا ین تأ کید وتا ئیددررا بطه‌با حقیقت به‌پیش آ مدها وا تفا قا ت یک ا مر سا ده‌وطبیعی جلوه میکند .

نسبت دا دن آ ن به‌سا خت وبا فت عمدی ودا نسته چنین خوا هدبودکه‌چنین فرض کنیم که‌به‌یک تنا سب گسترده‌یک تبا نی ودسیسه‌ء دست ا ندرکا ربوده .

آ ثا رونشرا ت قا بل دسترس بگونه‌ء محرما نه‌بمثا به‌ء یک کل ما را به‌ا سنا دومدا رک زندگی وحیا ت موء سسا ت با زدا شتگا ها ی ا تحا دشوروی متقا عدمیسا زدکه‌ا مثا ل آ ن را ا زمنا بع رسمی نمی توا ن بدست آ ورد . به‌صفحه ۱۵ به شا لوده‌پلان مرا جعه‌شودصفحه ۱۵ پلان وچا رت .

شا لوده‌پلان زون نمبر (۱) (رژیم مخصوص) در کمپلکس کا را صلاحی وتأ دیبی درموردوویا .

علایم :

ا لف ـ ا طا ق محا فظ

ب ـ دروا زه‌کلان

حرفوی به نوشتن مقالات سیاسی نیز باید بپرداز م پردا ـ خت . کارعملی ویا سایرکاروبارکه یک علامهٔ (نفاق) و یا (عدم همکاری) افراد ، یک اعتراض وعلایم آشکاربیماری درزمانش ، البته بیمارستان شما را مرخص خواهدنمود . او چنین گفت ، (اما شما باید کلیه سایرکاروبار ومشاغل را متوقف کنیدو به وکاروبار ومشاغل تجربوی خودرا متوجه سازید . اگرشما به فعالیتهای تحریر مقالات سیاسی ادامه دهید ، بعدا شما ناچار با ما یکجا خواهی بود) . لیف شیتزاین(پیشگوئی های دوره مرض) را بدفعات با لفاظ و شکل های مختلف تکرار نمود .

به هرنحویکه انگیزهٔ روان پزشک درجریان امور دخالت داشت ، اینگونه قضاوتها پذیرش رهنمود و نقاط نظرارگانهای امنیتی را نمی توانند درلفافه درآورند ، ازینکه مخالفین سیاسی بگونهٔ معقول ومدلل با در نظر داشت اختناق وبرهم خوردن تعادل فکری باید توضیح گردد . مساعی وتلاشها درامرسربراه انداختن اصلاحات و رفورم درا تحادشوروی به مثابهٔ یک خیال وهم وباطل و غیرقابل پذیرش پنداشته شده است ، درحالیکه انکار و تردیدشخص درجهت دست بردارشدن ازعقائدشان غالبا به مثابهٔ (فقدان وضع انتقادی ازحالات واوضاع وروپیش) به تشخیص کشانده میشود .

تشخیص ها ئیکه ازطرف روان پزشکان غالبا بمحاکم ارجاع میشوددرجهت تلاشها ومساعی شان بخاطر اثبات وجود بیماری روانی دربین مخالفین سیاسی بیگانه جلوه می کند . بگونهٔ مثال بسال ۱۹۷۲ یک تعدادافراددرسایبریا

بخاطرسازماندهی یک فرقهٔ بودائی توقیف وزندانی شدند مهمترین این گروه (بیدیا داندارون idya Dandarorn) برای یک مدت طویل دریک زندان کمپ تحت بازداشت و توقیف قرارگرفت که سرانجام درانجا درگذشت . چهارتن ازمدافعین همکاروی (یو- کی - لاوروف U.K.Lavrov) ای - ذی لیزنوف دی بتکس (Zheleznov De Butkus ووی ایم مونت لاویچ V.M.Montlevich) کلیهآنها درمعرض تشخیص روان پزشکی قرارداده شدند ،وازنگاه روانی بیمارتشخیص داده شدند و طبق دستوروفتوای محکمه به بیمارستان روان پزشکی سپرده شدند . عین جریان بستری ساختن مجموعی ومشترک بسال ۱۹۷۱ زمانیکه یک کمیسیون وهیئت روان پزشکان چنین سفارش دادکه چهارتن ازجمله هفت تن ازکمونیست های لیننگرادبخاطرتبلیغات وپخش نظریات مخالف مار- کسیسم دربیمارستان روان پزشکی ویژه تحت توقیف قرار گرفتند . متن کامل درراطه با تشخیص رسمی درین زمینه دردسترس مصئونیت بین المللی قرارنگرفته است . مگر باآنهم ، این مشکل است ازینکه اعلان اینگونه حماقت و دیوانگی کلیه گروپهای افرادنا معتقدراکه ناشی ازپاره تیوری گروه هیجانیها که بااحساسات وهیجان زیادبه این گونه مواردبرخوردمیکنند معتقدباشیم . به احتمال زیاد چنین پنداشته میشودکه اینگونه تعامل رسمی روی یکسلسله ملحوظات سیاسی اعمال میشود .

این امرواضح وآشکاراست که دریک سلسله مواردسیا- سی روان پزشکان شوروی سعی وتلاش شان رادرجهت مکتوم

ساختن تصامیم وقرارهائیکه‌دارای انگیزه‌سیاسی بودند ازقاموس محرمانه‌ونظریات کهافرادعا می ازان اطلاعی ندارند استفاده‌می نمایند. این طرح وتدبیرزاده‌ابتکار مقامات عالی روان پزشکی اتحادشوروی میباشد. جهت استفاده‌نامطلوب ازروان پزشکی بخاطرهدفهای سیاسی این امرلازمی جلوه‌میکندبخاطراینکه‌این موضوع روان پزشکان راتوانائی می بخشدکه‌خودرادرمعنی ومفهوم نتیجه‌گیری های ماهرانه‌ازقضاوت وداوری افراد عادی کشورمخفی وبحال کتمان نگهدارند. نقاط نظریکه صرف یک گروپ ویا دستهٔ انتخابی متخصصین میتوانندبرشا‐یستگی، لیاقت رده‌بندی های بخصوص‌افراددا وری وقضا‐وت نمایندتوسط عده‌ای ازروان پزشکان خیلی معروف وسرشناس شوروی بسال ۱۹۷۳ دریک نامهٔ که‌عنوانی جراید واخبارغرب بگونهٔ مختصرقرارداده‌شدمیباشد.

یک سلسله‌ازمواردوشکایات خوردوریزروانی وجود داردکه‌بیماری آن، درنتیجهٔ برهم خوردتعادل‌اعصاب پارانوویا سایرعلایم واعراض‌روانی ‐ پاتولوجی یا علم تشخیص‌امراض، سرانجام آنهارا بداعمال وفعالیتهای ضداجتماعی سوق خواهدداد دکه‌درکتگوری آنها ئیکه توسط قانون ازانها ممانعت شده‌است قرارمی گیرد. چون برهم زدن نظم عامه، انتشاروپخش‌شایعات، تبارزاندیشه های تجاوزکارانه‌ومتخلفانه وامثال آن. این موضوع قابل تذکراست که‌آنها این کاررا بعدازآمادگی های مقدماتی، بایک (برنامه‌عمل محاسبه‌شدهٔ مخیلانه‌وزیر‐کانه) به‌مثابهٔ بنیانگذارروان پزشکی عدلی شوروی

(وی، پی، سیربسکی) که بخاطراندیشه های مترقی وپیشرفته اش از شهرت گسترده تری برخوردار است ، میتوانند انجام دهند ، چنین می نویسد . به مردم ودوروپیش آنها چنین شکایات وموارد روانی واعصاب کدام انتباه وخاطره را درظاهرا مرمبتلا به (جنون ودیوانگی) خلق نمی کنند ، چه بسا ازین ها افرادی اندکه مبتلا به بیماری شیزوفرنیا (بیماری روانی که درنتیجهٔ برهم خوردن تعادل عصبی بین اندیشه وعمل ناهماهنگی ها بوقوع می پیوندد) ویا دگرگونیهای پاتالوجیکی دررابطه با شخصیت میباشد . اینگونه موارد هم از طرف روان پزشکان شوروی و هم دانشمندان روانی خارجی از شهرت خاصی برخوردار است .

تبارز نورمال وعادی بودن اینگونه افراد بیمار زمانیکه آنها مرتکب عمل خطرناک اجتماعی قرار میگیرند توسط شایعات ضدشوروی برای مشاجره ومباحثهٔ افترا آمیز که این افراد از عدم تعادل روانی رنج میبرند ، بکار برده شده است .

سرانجام تکذیب ورد (تبارز نورمال وعادی بودن) به مثابهٔ یک محک وملاک قاطع درتحلیل روان پزشکی در نتیجهٔ وقوع کیفیت ومسئله درر ابطه با (اولگا لونی)بهتر توضیح داده شده است.خانم لوفی، متولدسال ۱۹۵۰، و در توزیع وپخش نشرات محرمانه بسال ۱۹۶۶ دخالت داشت و بسال ۱۹۶۹ به اتهام (شایعه پراگنی وتبلیغات ضدشوروی) توقیف گردید . بخاطرتشخیص روان پزشکی توسط یک کمیسیون به موٴسسه سیربسکی راجع ساخته شد ، که درنتیجه چنین اعلام گردیدکه مبتلا به بیماری روانی(عمل خزیدن

ودولا رفتن که درنتیجهٔ این بیماری شیزوفیرنیا عاید می شود) میباشد. زمانیکه کیفیت و مسئله خانم (لوفی) بتاریخ بیست آگست سال ۱۹۷۰ استماع شد، محکمه درخواست وکیل مدافع را جهت مجازدانستن خانم لوفی شخصا درفتوای محکمه جهت استماع جریان موضوع، رامردود شمرد، اما شرکت والدین وی را به نمایندگی ازوی در آن جریان مجاز شمرد.

طبق رساله ونشریهٔ شرح وقایع اخیر (کلیه شواهد و مدارک) درمحکمه چنین گواهی داد که طبق نظرآنها که خانم لوفی ازاندیشهٔ سالم وکرکترخوب برخوردار بود، به داکتر مارتی نیننکو (Dr.Martynenko) رئیس کمیسیون تشخیص بیماریهای روان پزشکی این موضوع بگونه ای در پاسخ هائیکه بمقابل سوالات برای وی ازطرف مشاور دفاعیه یو، وی، پوزدی ایوا (Yu.V.Puzdeyeva) در برابروی ارائه شدحاکی ازبی ارتباطی موضوع را میکنند.

سوال: مسلما چه آزمایشات وتستهای فزیولوژیکی بخاطر اثبات این موضوع ازاینکه وی ازبیماری رنج می برد انجام داده شده؟

جواب: اینگونه آزمایشات فزیولوژیکی برهریک ازافراد بدون استثناء انجام داده شده، فقدان اعراض وعلایم بیماری دراصل خودنمیتواند فقدان بیماری را به اثبات رساند.

سوال: محققا برمبنای کدام اظهارنظرات کمیسیون متکی بودکه طرزالعمل فکروانديشهٔ وی درسطوح مختلف مشغول کاروبار بوده؟ حتی یکی ازین آزمایشات وتست هائیکه

به (اولگا) تجویز شده که در نتیجهٔ آن بی نظمی های عمده درطرز العمل اندیشهٔ وی ریشه دوانده، توضیح دهید و یا حتی یک تبصره و اظهار نظر وی را که چنین بی نظمی ها را تجویز کرده باشد تذکر دهید.

جواب: من نمی توانم به این موضوع پاسخ مثبت و متین ارائه دهم، اگر محکمه بدان نیاز داشته باشد و یا لازم داند برای کسیکه لازم دیده شود که به موٴسسه سیربسکی (Serbsky) جهت تاریخ بیماری فرستاده شوند، اما با آن هم، اگر واکنش وی (منظور اخانم اولگا) است در نظر گرفته شود به مثابهٔ یک نمونه مثال سلوک و معاشره وی محسوب خواهد شد. او میدانست که از کجا برداشته شد و می دانست که این چه مفهوم داشت، اما کدام علایم احساسات از خود تبارز نداد لهجه و صدای وی نیز حتی تغییر نیافت.

سوال: آیا شما معاشره و یا سلوک (اولگا) را به کنترول و مراقبت از خودش عزم جزم و سکوت و صفای وی حمل نمی کنید، که در رابطه با آن گواهان صحبت نمودند؟

جواب: این ناممکن است که کسی را بدین پیمانه کنترول و مراقبت کرد.

سوال: چگونه میتوانید این حقیقت را از اینکه وجود بیماری طبق تشخیص، از سن ۱۴ به بعد در روبافزایش گرائیده و مانع از آن نشد که موٴفقانه از مکتب ریاضیات فارغ التحصیل شود و شامل یونیورستی و یا دانشگاه گردد توضیح دهید؟

جواب: وجود چنین شکل از شیزوفیرینا (نوع بیماری روانی) مستلزم کدام تحول و دگرگونی چشمگیری در شخصیت

دیگرا ن بوجودنمی آورد .
علیرغم فقدا ن یک ا عرا ض وعلایم مشهود و واضح بیما ری روا نی دررا بطه‌با خا نم (لوفی) وبا وجودنبود ن هریک ا زنشا نه‌ویا خبرا زینکه‌سلوک ومعا شره‌وی ا ز نگا ه فزیکی وجسمی خطرنا ک ا ست کمیسیو ن روا ن پزشکان چنین تجویزگرفت که‌با یدخا نم (لوفی) به‌بیما رستا ن روان‌پز - شکی ویژه‌را جع سا خته‌شود . چنین ا ست کا روبا رموء سسه و سا زما نیکه‌قا نونا موء ظف برا ی ا فرا دی ا ست که‌آ نها به مشا به‌ء (یک خظرویژه‌برا ی ا جتما ع) محسوب میشوند . عین پدیده‌را میتوا ن درمورد (ا یوا ن پا کیموویچ)مشا هده‌کرد . درجو ن سا ل ۱۹۶۹ یک کمیسیو ن وهیئت روا ن پزشکان آ قای (یا کوموویچ) را در (ریگا) موردمعا ینه‌ومشا هده قرا ر دا دند ، نا میرده‌بعنوا ن یک کمونیست که‌ا زمقا م شا مخ و عا لی رسمی بحیث سرپرست ورئیس فا رم ا شترا کی تا سا ل ۱۹۶۸ ا زتما م مزا یا برخوردا ربود ، (ا ودرا مرا نتشا ر و پخش بیا نیه‌ها ی توهین آ میزوشا یعه‌پرا گنی که حکومت شوروی وسیستم ا جتما عی آ نرا محکوم مینمودسربرا فرا - شت) روا ن پزشکا ن کدا م پدیده‌ء غیرعا دی را درریکا رد و ثبت معا ملات ومعا شره‌ء آ قا ی یا کوموویچ جزفعا لیت سیا - سی چیزدیگری نتوا نستندبدست آ رند . تشخیص رسمی کمیسیو ن قرا رآ تی ا ست :
بیما ری کا ملا سمت بندی شده‌ا ست ، بیما را ز یک دا نش ومعلوما ت بسیا رخوب وا رزنده‌ء ا دبی ما رکسیزم - لیننیزم کلاسیک برخوردا را ست وهمچنین دا را ی یک معلو ما ت عا لی ا زآ ثا ربسا ا زفلاسفه‌وشخصیتها ی سیا سی میباشد .

درجریان گفت وشنودومصاحبه اش باروان پزشکان بیمار وضع موء دبانه ونجیبانه داشته وکدام خیال پوچ وباطل دروی به مشاهده نرسیدواز حافظه بسیار خوب وکافی برخوردار بود .

نتیجه‌گیری کمیسیون وسفارش آنها دارای کدام نتیجه نبود .

برمبنای مدارک فوق الذکر ، کمیته به این نتیجه میرسد که آقای (یاکوموویچ) یک مرحلهٔ تکاملی وانکشاف سیستم خلل دماغی درشخصیت یک دیوانه را می پیماید . . . . بیمار نیازبدرمان الزامی واجباری دربیمارستان رژیم مخصوص دارد .

غالبا ، زمانیکه کمیسیونهای روان پزشک محل مدافعین سیاسی راکه به بیماری روانی مبتلا باشندنتوانستند سراغ کنند ، به تشخیص دومی ضرورت احساس شدبساا وقات این موء سسه سیربسکی (Serbsky) است که درامرتدارک دومین تشخیص برمی آید ، بگونهٔ مثال درموارد (بیاترگریگورینکو ، اناتولی جینوف ، ناتالیاگوربانیوسکایا ولیونیدپلوش) درینگونه وسایرموارد ، موءسسهٔ روان پزشکی سیربسکی معاینات وبررسی های روان پزشکان محلی ازینکه مدافعین آنها به خلل دماغ مبتلا نبودندبه بادفراموسی سپرد- موردتردیدقرارداد . حداقل به این گونه موارد چندین بار ، موءسسه سیربسکی مدرک ومحک روان پزشکی را نپذیرفته است آنقدرزیرک ومحیل که نه تنها مردمان ساده لوح وعوام به شمول مدافعین، خودشان بلکه سایرروان پزشکان نیزتوانائی آنرا نداشتند که خودرا در

امرا رزیابی سلوک ومعاشره این مدافعین بکارانداز زند .

تشخیص های روان پزشکی (جنرال پیاترگریگورینکو) یک مخالف نا مورمارکسیست ـ لیننیست درارابطه به این پدیده بگونهٔ نمونهٔ مثال است ویا اینکه این پدیده را بازگو میکند . بسال ۱۹۶۹ بعدازاینکه کمیسیون روان پزشکی تاشکند (جنرال گریگورینکو) را موردمعاینه و مشاهده قرارداده بودندوچنین تجویزصادرنمودند که از سلامت عقل برخوردار است ، انستیتوت روان پزشکی عدلی سیربسکی درمسکوبرای باردوم نظرخواهی که پیرامون صحت وسلامتی عقلی جنرال موصوف نظرصادرکند . این دومی درارابطه با فعالیتهای سیاسی وی علایم مشهود و واضح تشخیص بیماری (پارانوئید یا انکشاف شخصیت) یک نوع ازبیماری روانی تشخیص گردید .

درضمن تجویزازاینکه گریگورینکوبیک (حالت امنیت ومصئونیت اعظمی) بیمارستان روان پزشکی ویژه نگهداری ومراقبت گردد ، متخصصین سیربسکی چنین خاطر نشان ساختندکه خلا های درمتدبررسی کمیسیون تاشکند وجودداشته است که درنتیجه به نتیجه گیری معکوس تجویز صادرشد .

کمیسیون نمی تواندبا بیماران سرپاه (غیربستر) تشخیص روان پزشکی عدلی که درتاشکندبعمل آمده ، واز اینکه وجودتحولات ودگرگونیها ی بیماری شناسی در روح وروان وی درگزارش فعلی تثبیت شده که نمیتواننددرشرایط معاینه یک بیمارسرپاه بخاطروضع وسلوک ظاهری متناسب ، بیانیه ها واظهارات رسمی دارای ارتباط منطقی

وی محافظه‌ونگهداشت دانشها وسلوک وشیوه‌های وی ـ که بطورمجموع مشخصات پاتالوژیکی انکشاف شخصیت میباشد

در (کتاب دستی ویاکتاب رهنما پیرامون روان‌پز ـ شکی برای مخالفین وناراضیان) که‌بگونهٔ محرمانه در کلونی کارتأدیبی واصلاحی بسال ۱۹۷۴ درپرم تهیه شده بود، سیمیون گلوزمن وولادیمیربوکوفسکی فقدان هریک از وجه‌مشخص ومتمایزبین محاسبه‌وشمار (عادی) نظریات وتبارز (شیزوفرینالغزنده) وانکشاف پتالوجیکی شخصیت، طوریکه‌توسط روان پزشکان شوروی درموٴسسه‌سیربسکی فورمول بندی شده‌بود، موردبحث قراردادند.

تبارزعلایم ظاهری این نوع بیماری(شیزوفرینا لغزنده، وانکشاف پاتالوجیکی شخصیت) خیلی محدود است. برعکس، سعی نمائیددرامراثبات این موضوع از اینکه‌نظرشما دربارهٔ اشغال چکوسلواکیا ویاپیرامون فقدان آزادی های دیموکراسی دراتحادشوروی یک اند ـ یشه‌ونظراشتباه‌آمیزنمیتواند باشدبلکه‌برعکس دارای یک اساس واقعی میباشد ـ ویااینکه‌سایه‌افگنی ویاغیابت و خلوت شماونزدیکان شما (جنون خطرناک تعقیب برای اذـ یت است) ویااینکه‌ارزیابی ذهنی وباطنی شما دررابطه باحیات سیاسی محلی دراتحادشوروی زمانیکه‌باواقعیت های یقینی مرتبط گرددغیرمادی نمی تواندباشد. و یا اینکه (آرزوی مرخصی شما) ازکاربعدازآنکه‌امضاآت را نیزبه (بیانیهٔ اعتراض‌آمیز) افزودی درواقع تخلف و تخطی به‌حقوق شما محسوب میشود. خلاصه‌اینکه، جائیکه فکتورهای سیاسی درجریان یک امردخیل باشد، کمیسیون

ث ـ کتاره ـ باحصار کشیدن

ج ـ ساحه‌کار

د ـ ساحه‌ورزش

ح ـ بدرفت

روان پزشکی عدلی رسمی موءظف واضحا وصراحتا چنین می نماید که جهت سازش و مواجه شدن با استاندارد و معیار منطقی عینیتها و وجود خارجی و سلطه حاکمیت علمی نمیباشد. مسلما این پدیده دررابطه با اظهار مطلب افراد مصاب به بیماری روانی مفید و سودمند خواهد بود اگر آنها به کمیسیون روان پزشکی دوم که بطور آزادانه از روان پزشکان موءظف رسمی بکارشان اشتغال دارند، تقاضا نمایند. با آنهم این مسئله بطورکلی از عرف شوروی بیرون نگهداشته شده است .

بسال ۱۹۷۱، یک روان پزشک اهل (کیف) بنام (سیمیون گلوزمن) توأم با دوتن از همراهان مجهول الهویه یک تشخیص (موءشروقابل علاج) را برای (پیاترگریگورینکو) نوشت درین تشخیص داکترگلوزمن(Gluzman) بررسی وارزیابی بیشترومفصلتری پیرامون بیوگرافی وسایراطلاعات درارابطه با (جنرال گریگورینکو) که درتشخیص رسمی موءسسه سیربسکی که دربالا ازان یادآوری کردیم، ازان نامبرده نشده است . آنها چنین نتیجه گیری کرده اندکه (جنرال گریگورینکو) هدفهای را دنبال میکردکه شایدبه احتمال زیاد ازطرف قانون قابل مجازات بود، اما ازاینکه حالت ووضع وی نمیتوانست (یک حالت اختلال دماغی غیرقابل ارزیابی ومحاسبه) پنداشته شود.

درمی سال ۱۹۷۲، داکترگلوزمن توقیف گردید و متهم به (افتراء وتبلیغات ضدشوروی) گردید. ودراکتوبرسال ۱۹۷۲ نامبرده برای هفت سال درکیف تحت شرایط

یک رژیم سخت درکلونی کار تأدیبی و اصلاحی محکوم گردید که متعاقب آن سه سال دوران تبعید در داخل کشور را به دنبال خواهد داشت . دادرس که در رأس قرار داشت ویا به عبارهٔ دیگر رئیس محکمهٔ قاضی (دی شیل) که نامبرده هم چنین در مسئله و کیفیت (لیونید پلوش) نیز چند ماه بعد تر رئیس محکمه بود . .

میزان وحدود روان پزشکی عدلی در اتحاد شوروی که در رابطه با مخالفین سیاسی به مصالحه و سازش رسیده که انعکاس آنرا در کتاب (گلوزمن وبوکوفسکی پیرامون روان پزشکی برای مخالفین) میتوان یافت .این (کتاب دستی) افراد واشخاصی را که در نتیجهٔ بازداشت وتوقیف الزامی در بیمارستان روان پزشکی تحت تهدید قرار دارند توصیه میکند چقدر بهتر خواهد بود که روان پزشکان معاینه کننده ویا به عبارهٔ دیگر روان پزشکانی که زندانیان را تحت معاینه ومشاهده قرار میدهند اعتدال وسلامت عقل آنان متقاعد وملزم ساخته شود . .

این امر به مشابهٔ یک پدیدهٔ کشنده و مهلک درخواهد آمد اگر ما خصلتهای معنوی مخالفین را تحت فشار قرار دهیم، صداقت ، حیثیت وترحم، بخاطر اینکه این بدان معنی خواهد بود که جواب های صادقانهٔ بدهیم که به ضرر یکی تمام خواهد شد وروان پزشک را با اعراض وعلائم بیماری که وی بدان نیاز دارد ، یاری می بخشد . .

آقای بوکووسکی وداکتر گلوزمن چنین تجویز نمودند که مخالفین سیاسی روان پزشکان را میگویند از اینکه فعالیت سیاسی اش بخاطر فقدان فهم ویا به عبارهٔ دیگر

نادانی وی ازعواقب احتمالی وبخاطرآرزوهای شهرت طلبی بوده، فلهذا صرف بایک دستوروی دریک بیمارستان روان پزشکی تحت بازداشت وتوقیف قرارمی گیرد، او باید درآنجا (هرگونه تاکتیک های محیلانه ونیرنگهای ممکن) رابکاربردکه روان پزشک رامتقاعدسازدکه وی اندیشه های سیاسی اش را تغییرداده است.

گزارش کمیسیون روان پزشکی عدلی دارای کدام پشتوانهٔ قانونی نمی باشد، بلکه توأم باسایراسناد و شواهدومدارک درتالار محکمه جهت استماع شکایات باید تسلیم گردد. درفقرهٔ سابق این گزارش، چنین اظهار شده بودکه هرموضوع ومسئلهٔ سیاسی درمحضرمحاکم شوروی حکم وفتوای (قصوروجرم) راباخودهمراه دارد. مدافعین سیاسی به مثابهٔ بیماران روانی تشخیص شده اندواندوخته تجارب آنها بهتراز محکمه نبوده است. درهیچیک از چنین مواردمعلوم ومشهودمحکمه شوروی بادرنظرداشت این موضوع ازینکه طرزالعمل قانونی ویاحق قانونی وی موردتخطی وتجاوزقرارگرفته است به نفع مدافعین جریان امورا فیصله نکرده است. چنین مبناها وپایه ها در بسا مواردسیاسی وجوددارد. علیرغم نقیصهٔ عمومی طرزالعمل قانونی ثابت برای نشان دادن اشخاص مبتلابه بیماری روانی، دانشمندعلم جدیدافهام وتفهیم وکنترول ومراقبت برماشین وحیوانات به شمول انسان که (Cybernatics) ازآن نام میبرنداین عالم ودانشمند که اسمش (لیونیدپلیوشه) اهل یوکرائین قبل از محاکمه یکسال درتوقیف بسربرد، که این امروی تخلف صریح از

ماده ۳۴ نهادهای طرزالعمل جنائی اتحادجماهیرشوروی میباشد. درجریان تمام این مدت، وششماه بعدتر از آن، باو اجازه داده نشدکه فامیلش را ملاقات نماید. به این تخلفات درجریان استماع شکایات درمحکمه بخاطر آقای (پلوشه) چیزی تذکرنرفته بود.

گذشته از آن، محاکم خودشان بعضا تخلفات طرز - العمل خودشان را به آنهائیکه درنتیجه تحقیق مقامات رسمی مرتکب آن شده بودند علاوه کردند. برمیگردیم به کیفیت وموضوع آقای (پلوشه) آقای (دی شیل) قاضی و دادرس استماع جریان موضوع را درمحکمه پیرامون چگو - نگی اندیشه آقای (پلوشه) بعنوان یک اسرار دولتی تصنیف بندی نمودوچنین احکام صادرنمودکه استماع جر- یان موضوع دریک اطاق صورت پذیرد، علیرغم قانون گذاری یوکرائین ازینکه استماع این جریانات را در محضرعام می پذیرد.

قاضی (دی شیل) همچنین گواهان محکمه را در امر دادن شهادت بجانبداری ازوکیل مدافع وحضور آن را در محکمه نیز مردودشمرد. سرانجام قاضی، نماینده قانونی آقای (پلوشه) را جهت اشتراک درجریان استماع شکایت در محکمه که خانم وی نیزبودغیرمجازدانست.

بالاخره:

سالون محکمه خالی بود، نه متهم ونه نماینده قا - نونی وی، ونه متخصصان پزشک ونه خویشاوندان متهم دران شرکت داشتند.

سالون استماع شکایات محکمه رایک انزوای کلی

فرا گرفته بودخصوصا کسانیکه از جهان خارج بدانجا وارد میشدند ، از اینکه دسته و یا عده ٔ از شبه نظامیان سالون عاری از مردم را محافظت میکردند و مردم را با تهدید و ارعاب و باز داشت ، حتی به پلکان های محکمه و عمارت که همشهریان میخواستند که از جریان موضوع مطلع شوند و در آن سهم گیری نمایند جدا خودداری به عمل آمد . تا اینکه سرانجام بعد از یکسلسله تقاضاها و درخواستهای زیاد به این نتیجه رسید که خانم وهمشیرهٔ متهم (بخاطر سرمای شدید)در دهلیز سالون برای شان اجازه داده شد که تا اخیر جریان استماع درآن بحال انتظار بسر برند .

مهمترین انتقادیکه در رابطه با استماع شکایات در محکمه پیرامون چنین موارد باید صورت گیرد عبارت است از وضع انتقادی آنها بسوی تشخیص های روان پزشکی که بدانجا راجع ساخته میشود . تشخیصهای روان پزشکی که ما در بالا از آن یاد آورشدیم و امثال آن، درزمرهٔ ناچیز ترین آن درجهت عمل محکمه میباشد یا به عبارهٔ دیگر تجویز و سفارش تشخیص های روان پزشکی درمقام مقایسه با صلاحیت عمل محکمه درجمله هیچ به حساب میرود . یک طریق عمل که در دسترس محاکم قرار دارد که عبارت است از تشخیص های نامکمل و غیرصریح که تشخیص دوم روان پزشکی را ایجاب میکند . این هرگز عملی نشده است . درعوض ،محاکم شوروی درموارد سیاسی تقریبا بگونهٔ ثابت نه تنها حکم و یا رأی کمیسیون روان پزشک عدلی را نمی پذیرند، بلکه سفارشات وتوصیه های آنها از اینکه چه کاری با متهم سردشت گرفته شود میباشد . اگرمسائل وجریانات طبق

معمول جریان پیدا کند، محکمه تشخیص و توصیه های کمیسیون روان پزشکی را می پذیرد، بعداز این عملیه وکیل مدافع را از مسئولیت ویا مجازات مرخص و معاف می سازد و او امر و احکامی را درجهت اقدامات و اخذ تدابیر که موجبات و وسائل بهبودی و صحت یابی افراد و در عین زمان محافظه و نگهبان اجتماع باشد صادر میکند.

یک حق انتخاب و اختیار به محکمه متضمن توقیف و بازداشت وکیل مدافع نمی باشد محکمه وی را در امر مراقبت وی به خویشاوندان ویا محافظین وی خواهد سپرد و در عین زمان مراقبت و نظارت طبی الزامی علیه وی اعمال میشود. مگر با آنهم چنین یک فیصله صرف درصورتی می تواند تحقق پیدا کند که اگر محکمه چنین فیصله نماید که متهم به درمان و مداوای طبی الزامی و اجباری نیاز ی ندارد.

اگر به محکمه، توسط یک کمیسیون روان پزشکی عدلی توصیه شده باشد، چنین فیصله میکند که متهم نیاز به درمان طبی الزامی دارد، همچنین اوامر و احکامی را نیز صادر میکند که باید متهم چه در یک رژیم عادی ویا بیمارستان ویژه ٔ روان پزشکی برای یک دوره ٔ نامعین تحت مراقبت قرار گیرد.

طبق آئین نامه جزائی (ار اس اف اس ار RSFSR) بیمارستانهای روان پزشکی عادی برای افرادیکه آنقدر جرم شان خطرناک پنداشته نشود تخصیص داده شده، درحالی که موٴسسات ویژه برای اشخاصیکه (آنها به مثابه ٔ یک خطر ویژه برای اجتماع) پنداشته شوند میباشد.

یک کتاب رسمی درسی سال ۱۹۶۶ پیرامون قانون جنائی شوروی، به مثابهٔ یک نمونه مثال فردی که از طرف محکمه به یک بیمارستان عادی روان پزشکی فرستاده شده باشد نقل قول میشود از ( ) مخصوصا یک خانم از لیننگراد کسیکه درجریان یک استدلال با همسایه اش با یک چاقو و یا کاردبزرگ سرمیزی شلاق برویش زد، بعداً از بیجا ساختن چندین دندانها، جراحات کمترخطرناکی بروی حواله نمود.

مخالفین سیاسی که اسنادومدارک آنها قابل حصول ودسترسی است دارای سابقه خطرناک نمی‌باشد و نه کمیسیون روان پزشکی که آنها را موردمعاینه ومشاهده قرارمیدهدحتی کدام تلاش وسیعی درامرنشان دادن و ظاهرساختن این موضوع ازینکه آنها باعث تهدیدخطرناک نسبت به سایرین را فراهم میسازنددراختیار ندارند. هنوزدرامرفیصله اینگونه موارد، محاکم شوروی تقریبا " بگونهٔ ثابت اشکال خیلی خطرناک توقیف وبازداشتهای الزامی را صادرکرده است، توقیف دربیمارستانهای ویژه روان پزشکی برای یک مدت زمان نامعین.

بیمارستانهای ویژهٔ روان پزشکی

تصمیم وقرارمحکمه ازینکه یک شخص چه زمانی میتواند به یک بیمارستان روان پزشکی ویژه منتقل شوددررابطه با شرایط واوضاع مشخص از اهمیت خاصی برخوردار است. شرایط فزیکی وقواعدونظم دربیمارستان روان پزشکی

عادی به‌تمام معنی کمترخطرناکترازبیمارستانهای روان پزشکی ویژه‌میباشد. ازآنجائیکه‌افرادمتهم به (تخطی های) سیاسی ازنظرروانی صحت شان ناقص تشخیص میگردد وطبق یک تعامل به‌بیمارستانهای روان پزشکی ویژه راجع ساخته‌میشوند، وچه‌بسا ازاسنادومدارک در رابطه با اوضاع واحوال دربیمارستانهای روان پزشکی ویژه‌در اتحادشوروی که‌دسترسی بدانها ممکن است بیشتراین موضوعات به (بیمارستان های روان پزشکی ویژه‌ارتباط پیدا میکندتا) بیمارستان(معمولی). روی ایندوملحوظات این گزارش درارابطه‌با اوضاع وشرایط دربیمارستانهای روان پزشکی ویژه‌توجهش را معطوف میدارد.

درارتباط با موضوع هفت بیمارستان روان پزشکی ویژه‌دراتحادشوروی وجوددارد. این بیمارستانها معمولا برمبنای اسمای شهرهای شوروی طبق موقعیت آنها نام گذاری شده‌اند.

کازان درجمهوریت خودمختارتاتار.

سیچ یوکا (Sychyovka) درناحیه‌سمولینسک.

لیننگراد (درجاده‌ء " Arsenalnaya " آرسی نلنایا و فلهذا به‌این نام آرسی نل نایا) ازآن نام برند.

چیرنای خوفسک (Chirnayknovsk) درناحیه‌کالیننگراد قبلا بخشی ازپروشیای شرقی.

منسک (Minsk) در (بیلوروسیه Bilorossiya)

دنی پروپتروسک (Dnipropetrovsk) دریک شهری که‌دریوکرائین بدین نام ازآن یادمیکنند.

اوریول (Oryol) درناحیه‌اوریول.

گذشته از آن، در اوائل سال ۱۹۷۲ در بیمارستانهای نوین روان پزشکی ویژه در بلاگوویش چینسکی (Blagovesh Chenski) در ایالت آمور در شرق دور شوروی گشوده شد. با یدچنین خاطر نشان ساخت که اسناد و مدارک قابل ملاحظه در باره شش موسسات بیمارستانهای روان پزشکی در دسترس است، و همچنین اطلاعات کمتری پیرامون آن بیمارستانهای روان پزشکی که در منسک (Minsk) کزل (Kzyl) و اوردا (Orda) وجود دارد و تقریباً پیرامون بلاگوویش چینسک هیچگونه اطلاعاتی در دست نیست.

بیماران از طبقه اناث به بیمارستان روان پزشکی ویژه بگونهٔ ثابت و لایتغیر به موسسهٔ روان پزشکی کازان فرستاده میشود. موسسه در دهکدهٔ چیووکا (Sychyovka) دارای یک (کلونی روان پزشکی) میباشد خصوصاً برای بیماران خطرناک و غیرقابل علاج. از کلیهٔ این موسسات بازداشت و توقیف در اتحاد شوروی، بیمارستان روان پزشکی ویژهٔ ذیچ یووکا (Sychyovka) بدنام ترین همه این موسسات میباشد.

گرچه در اتحاد شوروی بگونهٔ رسمی آن پذیرفته شده است اینکه بازداشت و توقیف الزامی و اجباری در بیمارستان روان پزشکی نوعی از توقیف و بازداشت است، کدام آئین نامهٔ خاصی که مسلط بر اوضاع و شرایط توقیف در اینگونه بیمارستانها باشد وجود ندارد طوریکه برای موسسات کارتاً دیبی و اصلاحی وجود دارد. تبصره‌ها و نشرات پیرامون قانونگذاری مدنی و جنائی که با اینچنین اشکال توقیف بحث میکند تقریباً بطور کلی پرابلم شرایط و اوضاع

ومکلفیت ومشاغل این بیمارستانهای روان پزشکی را نادیده می انگارند.

شرایط واوضاع دربیمارستان های روان پزشکی صرف از مجرای قانون وقواعدوزارت خانه‌ها مشخص ساخته می شود. یگانه (رهنمود) وهدایات طبع شده پیرامون عملیات بیمارستان های روان پزشکی ویگانه موضوعیکه ازطرف منابع رسمی از آن نام برده شده است مصادف به ۱۴ فبروری سال ۱۹۶۷ است که تحت عنوان (رهنمودها پیرامون سیستم تطبیق درمان اجباری وسائراقدامات مشخصات طبی دررابطه با افراد مبتلا به بیماری روانی که آنها مرتکب اعمال خطرناک اجتماعی شده اند) این اسنادومدارک حاوی صرف سی ماده مختصر، وبخش وسیع و بزرک محتوای آن به تکرار فقرات وشروط عمومی درطرز العمل آئین نامهٔ مدنی وجنائی وقف گردیده است. بگونهٔ که جهت ادارهٔ واقعی بیمارستانهای روان پزشکی توصیه نامهٔ سال ۱۹۶۷ تقریبا خودرا منحصربه سیستم ارائه اسنادومدارک موارد رفقای هم اطاق وهم منزل و حقوق با زنشستگی آنها میداندا ین سفارش نامه درهیچصورتی شرایط توقیف وبازداشت را تنظیم نمی بخشد. اگر آئین نامه‌های کارتأدیبی واصلاحی بخاطرعدم کفایت نها در امرتثبیت وبرقراری وقواعدموازین مفصل با نفوذ وموثر درمعرض انتقادقرار می گیرند، ازینکه بطورکلی نظامنامه های مشخص برای بیمارستانهای روان پزشکی وجودندارند، و یا اقلا هیچیک از آنها جهت نشروطبع بخاطراطلاع عموم در دسترس مردم قرارداده نشده است.

قانون جنائی شوروی
وزندانیان وجدان :

نه قانون معاصرشوروی ونه بیانیه‌های رسمی پا ـ
سی شوروی نظریهٔ (زندانیان وجدان) راویا هر آنچه
به زندانیان سیاسی) ازآن یادمیکنند اعتراف نمی
کنند. اشارات ونسبتهای عمومی وملی حتی تاحد ممکن
موجودیت زندانیان سیاسی دراتحادشوروی بطوراعظمی
ازکم نظیرترین پدیده‌ها محسوب میشود. بسال ۱۹۵۹ ،
نکیتا ، اس ، خروسچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح، ک ،
اتحادشوروی وصدرشورای وزراء چنین خاطرنشان ساخت
(برای امروزهیچنوع زندانیان سیاسی دراتحاد شوروی
وجودندارند.)

مقامات شوروی پیوسته این موضوع راانکار نکرده
اندازینکه شهروندان اتحادشوروی صرف روی وجوهات سیا-
سی مشمول بازداشت قرارمی گیرند. قوانین جنائی در
دوران دههٔ اول احرازقدرت شوروی بگونهٔ صریح یا دقیق
ازمجرای طرحهای قانونگذاری درامرتوقیف ، مجرمیت
وزندانی ساختن افرادروی وجوهات سیاسی راتدارک دید

این وضع یکی از مشخصات خیلی مهم ومضر این پدیده را درموقف رفقای هم اطاق بیمارستان های روان پزشکی منعکس ومتداوم میسازد. پس گرفتن موقف شان بعنوان رعایای معقول قانون این امتیاز بطور مشخص به هم اطاقی های موءسسات کارتأدیبی واصلاحی عطا شده است که آنها رسما از حقوق ومزایای شهروندی شوروی برخوردارند. البته با یکسلسله محدودیتها، وآنها حق قانونی برای اعتراض در اثنای تخلفات از قانون که علیه آنها مرتکب شده اند دارند. افرادیکه به بیمارستانهای روان پزشکی واگذار وتسلیم شده اند درظاهر امر از موقف وامتیازات شان بعنوان یک همشهری واجد حقوقی که ادعای اصلاح قانونی را دربرابر بی قانونی هائیکه علیه آنها صورت می گیرددارند. مگربا آنهم، حذف قانون تضمینات، مشخص نگهداشت ومحافظه این موقف وامتیاز، راه را درجهت محرومیت از آن می گشاید. انگیزه ایکه معیتی های مبتلایان به بیماریهای روانی را به موقف وامتیاز اطاقها پائین می آورد از هردوجانب که از شرایط کورکورانه وخموشانهٔ آنها بعنوان بیماران که مستلزم معالجه وتداوی اندوتعصب (که صرف منحصر به اتحادشوروی نمیباشد) ازینکه مبتلایان به بیماری روانی توانائی و قابلیت تشخص وشناخت منافع خودشان را ندارند.

یکی از مهمترین سرانجام وعاقبت آن چنین بوده است که هم اطاقی های بیمارستانهای روان پزشکی ویژه کدام عملیهٔ امتیازی وتضمین شده ندارد که درنتیجهٔ آن درتلاش اصلاح اشتباهات واستفاده های نامطلوب از روان

پزشکی وامورقضائی وحقوقی خودبرآیند. آنها ممکن‌نامه ها را صرف طبق میل ودلخواه دکتوران معالج شان میتوانند بنویسند، وبعدا طبق معمول صرف به‌وابستگان شان میتوانند نامه بفرستند. هم اطاقیهای بیمارستانهای روان پزشکی معمولا به‌استثنای اوقات مشخص و معین مجاز نخواهند بود که نامه بنویسند ویا اینکه اسناد و مدارک تحریری را نزدخودنگهدارند. دکتوران دراثنای تجویز و درمان میتوانند آنها را از مطالعه‌ونوشته منع کنند. این وضع برای (ویکتورفاین برگ) وپیاترگریگورینکو دستور و احکام صادرشد. زمانیکه جنرال گریگورینکوپیرامون موضوع به‌کمیسیون با قاعده‌ومنظم روان پزشکی اعتراض نمود، وی چنین اظهارداشت:

(ضرورت قلم برای چیست؟ شما باید دارای اندیشه‌ای باشیدوآن اندیشه‌هایتان را بنویسید، که‌دراینجا ازآن ممانعت به‌عمل می آید). درمکاتبات ورسال‌نامه ها بخارج،زندانیان ازدرمان های پزشکی ویاشرایط و اوضاع توقیف وبازداشت شان چیزی نخواهندنوشت‌سعی و تلاش برای چنین کاری شایسته‌وسزاوارتثبیت‌کردن است بعنوان یک سندومدرک مبتلا به‌بیماری روانی متداوم بگونه‌ء مثال، یک تشخیص رسمی روان پزشکی ولادیمیربوریسوف (Vlademir Borisov) درارابطه‌باطرز تفکر و اندیشه‌اش تذکرداده‌شده‌است.

دربیمارستان او بیش از یک دفعه‌سعی وتلاش در امر محتوای نامه‌های غیرمجازکه‌به‌خارج بایدفرستاده شود ازطریق بیماران وعیادت‌کنندگان اززندانهای روان

پزشکی به اینکار مبادرت نمودوچنین شد .

معیتی ها ویا هم اطاقی های بیمارستانهای ویژه روان پزشکی با مقامات مسئول دارای کدام تماس ورابطه نمی باشند . گرچه‌طورشایدوبایدپیرامون موضوع ازینکه درتماس آمدن ویا برقراری رابطه‌با قانوندانان ازنگاه قانونی ممانعت ندارد زینکه‌با یک قانوندان مشوره به عمل آیداین موضوع ازپدیده‌های نادربرای یک هماطاقی زندان محسوب میشودکه‌هرگونه‌رابطه‌با یک قانوندان در جریان دوره‌ٔ توقیف وبازداشت با آن برقرارنماید و مصئونیت بین المللی ازجریان موضوع بهترآگاهی دارد ونه‌برای آنها مجاز است که‌به‌وکیل مدافع چیزی بنویسند گرچه‌وکیل مدافع ازنگاه‌قانونی درامرنظارت از موءسسات روان پزشکی مکلفیت دارد ـ درطول مدت توقیف و بازداشت شان دربیمارستان ویژه‌روان پزشکی، معیتیها دربیمارستانهای روان پزشکی بطورکل ازکلیه‌امکانات ومساعدتها ازجهان خارج بروی آن ها قطع شده‌است ، و (دراختیار) مقامات اداری زندان وروان پزشکانیکه اعضای آن میباشندقراردارند .

بیمارستانهای ویژهٔ روان پزشکی تحت اداره‌ٔ مستقیم وزارت امورداخلهٔ کشور (MVD) قراردارند تا ارگانهای صحی ـ درامرتصدیق وصحت وسقم این واقعیت بخاطرآوردن خصلت وکیفیت (MVD) وزارت امور داخله امرضروری تلقی میشود . (MVD) یا وزارت اموردا خله با (KGB) کمیته مصئونیت دولتی دستآورد (MKVD)کمیساریت توده‌ای مسائل داخلی یا اداره‌ٔ خوارو بار و کار

پردازی امورنظامی اورگانیکه کنترول سیاسی را دردوره های طولانی زمامداری ستالین مستقیما اداره و وارسی مینمود. درحالیکه بسا ازوظائف ومشاغل سیاسی بطور آشکارا وصریح برای امروزازطرف (KGB) به پیش برده می شودو (MVD) ازصلاحیت گسترده برخوردار است. چه بسا از نیروهای پولیس کشورتوسط این وزارتخانه اداره میشود وهمچنین دارای نیروهای وسیع قوای مسلح نیزدرچهار چوب صلاحیت آن قراردارد که ازنیروهای منظم ومسلح کشورمجزا ومستقل میباشد. به وزارت امورداخله این مکلفیت سپرده شده است که مسائل وموارد ی را که تحت یک سلسله از ماده های آئین نامه ازای جنائی ساقط میشوند موردتحقیق وبازجوئی قرار دهد..

گذشته ازاداره ٔ موٴسسات جزائی، وزارت امورداخله ٔ کشورهمچنین نظارت ومراقبت زندانیان آزاد شده را نیزبه عهده دارد، یک مکلفیت که خصوصا درجهت منافی و ضررزندانیان سیاسی سابق بکاروبارش ادامه میدهد: وزارت امورداخله یک نقش سیاسی نیرومندی را دراختیار دارد که یکی ازمظاهرومشخصات آن خصومت مقامات عالیرتبه ٔ وزارت امورداخله دربرابرزندانیان سیاسی کشور میباشدطوریکه درین گزارش از ان یادآوری شده است..

درحالیکه چنین استدلال خواهدشدکه موٴسسات با قاعده ومنظم زندان قانوناً درحوزه ٔ صلاحیت باکفایت ارگان های مصئونیت داخلی درمی آیندویا قرارمی گیرند، این بهیچ وجه دال برموٴسسات بیمارستان نمی تواندباشدکه درامرتداوی درمانهای طبی دست اندرکارانند.

واقعیتی راکه بیمارستانهای روان پزشکی ویژه تحت اداره مستقیم وزارت امورداخله قراردارند چنین می رساندکه دست کم، به عوامل وفکتورهای امنیتی نسبت به ملاحظات طبی درامراداره اینگونه موءسسات اولویتهای بیشتری داده میشود. مگربا آنهم، سرانجام امراجتناب ناپذیراست ازینکه کنترول مستقیم اینگونه موءسسات از طرف وزارت امورداخله پیشبردمشاغل بیمارستانهای ویژهٔ روان پزشکی را با یک عنصرسیاسی که برای پاره‌ای از زندانیان ویا بیماران روان پزشکی نامرتبط باشد تلقین میکند، امابرای سرنوشت آنانیکه به‌کاروبار و عمل انتقاددرموءسسات مستقروشابت چون وزارت امور داخله باشدقاطع وفیصله‌کن پنداشته میشود.

بسا ازبیمارستانهای ویژهٔ روان پزشکی دربناها و ساختمانهای قراردارندکه قبلاً بحیث زندان وبازداشت گاهها ازآن استفاده میشد. بگونهٔ مثال، بنا ویا ساختمان بیمارستان ویژهٔ روان پزشکی که درجادهٔ آرسی نل نا یا (Aresenalnaya) موقعیت داردقبل ازانقلاب ۱۹۱۷ و ۱۹۴۹ زندان مخصوص نسوان بوده است، بیمارستان ویژه روان پزشکی (اوریول Oryol) بخشی اززندان معروف و مشهوردوران زاریا تزارراا حتوا میکندکه بنام چون اورلوفسکی تسنتیرال(Orlovsdy Tsentral)وبیمارستان ویژهٔ روان پزشکی چرینا کوفسک Chernyakovsh ۱ در کالینن گراد ـ سابقا باسم منطقهٔ ذوی نینس برک). در بازداشتگاه وزندان سابق جرمنی موقعیت دارد، کلونی روان پزشکی ذی چیووکا (Sychyovke)درناحیه سمولینسک

درساختمانها وبناهای زندانیگه به قرن ۱۸ برمی گردد موقعیت دارد. بیمارستان ویژه روان پزشکی (دنی پروپتروسک) دریوکرائین دریک محلی قرارگرفته است که قبلا به مثابه زندان ازان کارگرفته میشد.

ازنگاه قانون، بازداشت الزامی وجبری درامردرمان ومعالجه وبیماری روانی نمی تواندیک شکلی ازمجازات پنداشته شود. موءسسات ویژه روان پزشکی بنام (بیمارستانها) ومعیتی های آنها شهرت دارند. مگربا آنهم، اینگونه موءسسات ازنگاه شدت اقدامات وتدابیرامنیتی مشابه به زندانها میباشند. این بیمارستانها بایک دیوار خارجی مستحکم ودرداخل این دیوارها باسیمهای برق خاردار احاطه شده است.

افرادنظامی مسلح وسگها ازآن پاسبانی می نمایند افرادوپرسونل های بیمارستان، بشمول مدیران بیمارستان، سران شعبات ودفاتربسا ازروان پزشکان دروزارت امورداخله مأموریت دارند.

دستوروا حکا میکه معیتی های زندان باآن مواجه اندمشابه به موءسسات جزائی است. چه بسا ازمعیتی ها در سلولها قراردارند. اختلاف اساسی درفقدان قانون اوضاع حاکم ومسلط دربیمارستانهای روان پزشکی نهفته است، که طبق توصیه ها وسفارشات وزارت امورداخله سربراه می افتد. مطالبات رسمی نیزنمی تواندحتی وجود داشته باشد. ازینکه رهنمودها وهدایات ارسالی رابیماران نیز بتوانندمشاهده کنندمعیتی ها مجازاندروزانه یک ساعت به ورزش بپردازندوقات ورزش (قدم زدن صرف برای یک

ساعت ، چراغها تمام شب سلولها و اطاقها را روشن میکند ، بیماران نمی توانندپول نقدنگاه کنندویا هرآن افزارو وسائلیکه توسط مقامات زندان وروان پزشکان ممنوع قرارداده شده باشدوهم اطاقی های زندان، بیماران در بیمارستان های ویژهٔ روان پزشکی مواجه به یک دسپلین سخت وخشن میباشند. فقدان آئین نامه قانونی قواعد و نظامنامه ها ، مگربا آنهم امکانات گسترش درجهت اطاعت وفرمانبرداری ازدستوروا حکام ازبیماران نیزمطالبه میشود. طبق گفتهٔ (الکساندریه سی نین) ریاضی دان و شاعرکه چنین اظهار میکند :

چنین پذیرفته شده است که بیماران به اطاعت وفرمانبرداری به دستورات واوامر هریک تن دردهند........ حتی به تقاضا وخواستهای محافظین وچوکی داران نیز که آنها نیزدرزمرهٔ محکومین میباشند. اگربه این اوامر و دستورات تن درندهددکتوردرمشاهدات ومعاینات بیمار خصوصا وضع روان پزشکی وی را به نتیجه گیریهای منفی و نامطلوب میکشانند. این مشی ویژهٔ خطرناک وغیرانسانی چه بار خواهدآوردوآن عبارت خواهدبوداز عمل ناهنجار وزشت استخدام زندانیان که به جنایات متهم شده باشند خصوصا ازموءسسات کارتأدیبی واصلاحی که به حیث محافظ و چوکیدار (ویا مربوط به امورصحی) دربیمارستانهای روان پزشکی ویژه ازآنها کارگرفته میشود.

طبق اظهاریکتن از (شاهدوگواه) مجهول الهویه که وی مدتی را درکلونی کارتأدیبی واصلاحی در (ذی جیووکا) گذرانده است ، درهرزمان معین ومشخص دوصدزندانی از

این کلونی بحیث محافظ وچوکیدار دربیمارستان مجاور روان پزشکی بکار مشغول بودند. سایر زیا بیها وبرسیها چنین وانمود میکنند که این عمل وکاروبار در سایر بیمارستان های روان پزشکی دراتحاد شوروی نیز معمول است. طبق اظهار (ویکتورفاین برگ) (که نامبرده بعداز شرکت وسهم گیری دریک مظاهره درمیدان سرخ در برابر اشغال چکوسلواکیا توسط قشون پکت وارساوی مدت چند سالی را دربیمارستان ویژه روان پزشکی لیننگراد سپری نمود) این عمل آنها به مثابهٔ بخشی از (تجدید آموزش) به اینگونه متهمین رسماً موء جه جلوه داده شده است. درواقع، اینگونه متهمین ومحکومین کدام آموزش خاص ومناسبی جهت کار دربیمارستان برای شان سراغ نمی شود و غالباً درشرایط که کاروبار ومشاغل را درپیش میبرند احتمال فساد وجود دارد تا اصلاح. این محافظین وچوکیداران ازصلاحیت چشم گیری درامر تضمین ومتقاعد ساختن ازینکه بیماران نظم ودسپلین را، رعایت میکنند برخوردارند.

همچنین این موضوع طبق گزارش عمومی ازینکه سا از آنها برای بیماران چنین احساس اهانت وتحقیر را احساس میکنند، چنین است که آنها را بنام (کودن ها) که معنی روسی آن (دوراکی) است مسمی مسازند، حتی در محضر آنها، بیانیهٔ ذیل طبق یک مشاهدهٔ عینی وبررسی ازاوضاع کلونی روان پزشکی (ذیحیووکا) خودبا ین موضوع روشنی می اندازد.

بیماران نمی توانند حرکات عادی جسم ووجود شان

را بکارا ندا زند، ازینکه محافظین وپاسبانان درتقاضای نخست هرگزچنین اتفاقی نیفتاده است که آن ها را به تشناب همراهی کرده باشند، بیماران شخصاً خودشان از اینگونه حقوق محروم اند، وبعضاً چنین نیز اتفاق می افتدکه چندین ساعت انتظار بکشند. با پذیرش اعضای با قاعده ومنظم بیمارستان، محافظین وپاسبانان محکوم با قاعده وقانونی زندانیان را تحت ضرب وشتم قرار میدهند خلاصه با ن گونه که میتوانند آنرا بیرحمانه تلقی کرد.

درضمن یک مصاحبه با یک روزنامه نگار اسوشی ایتد پریس Associated Press) هول گرین سن (ولادیمیربوکوفسکی V.Bukovsky) پیش آمدا ین محافظین وپاسبانان را درارابطه با پاره ٔ از رفقای زندانی اش دربیمارستان ویژه ٔ روان پزشکی درلیننگراد بسال ۱۹۶۴ جنین اندازه گیری نمود:

آنها یوکرائینی را همه روزه موردضرب وشتم قرار می دادند، می بستندش وروی شکمش را لگدمال میکردند. بعضی اوقات آنها رفقای زندانی را درسلول مجرد قرار میدادندومداوما تحت لگدقرار میدادند. من چندین تن آنها را بخاطردارم که درنتیجه ٔ چنین عمل حیات شانرا از دست دادند، وکلینیک فوقانی ما پیوسته مملوا زینگونه حوادث واتفاقات بود.

رفیق زندانی سابق کلونی کارتأدیبی واصلاحی (ذیجیووکا)(Sychyovska) جروبحثهای متعددی را با زندانی جنائی که وی بحیث یک محافظ وپاسبان در[illegible] روان پزشکی مجاورخدمت میکرده بخاطرمی آورد. [illegible]

زندانی، قبلا بگونهٔ منظم وباقاعده، ازروی دلتنگی وطن پرستانه اینگونه موضوعات را بخاطرمی آورد.

(این بهترخواهدبودکه درانبارخانهٔ خودبه کار مشغول شد، آنجا پیوسته چیزی برای خوردن سراغ میشود وکسی بردهن ما ضربه وارد کند.) (اما چرا مردم را لت و کوب میکنند؟) اینجا است چرا. شما دروسط یک کوریدورو یا دهلیزقرار دارید، یک احمق با ینسومی آید، دزدانه بسوی دیوارمیرود، شما صبروحوصلهٔ خودرا ازدست داده اید، شما احساس میکنید، شما صرف وی را توی دهنش چیزی بدهید، واین شما را خوشحال وخندان میسازد.

محافظ دیگر، قدبلند، خشن ودرشت، رفیق صحبت مندشکایت نمود:

(دستهایم امروزصدمه دید)(چرا دستهایم دردمیکند؟) (من یک احمق را کتک زدم) (ویکتورفاین برگ) در ضمن یک (درخواست ازسازمان حقوق بشر) بسال ۱۹۷۰ با تفصیلات کامل مثالهای متعددراپیرامون ضرب و شتم بیرحمانهٔ بیماران دربیمارستان ویژهروان پزشکی لیننگراد بدست دارک دید (جائیکه آقای فاین برگ خودش تحت بازداشت قرارگرفته بود) واسمای آنها ئیکه ادعا می شد درجریان امردخالت دارندنقش اعضای بیمارستان با قاعده دراینگونه وقایع خصوصا یک مسئله تکان دهنده است.

چیزیکه بنام (دسپلین) شهرت داردیده وداشته اینجا دفضای ارعاب ووحشت است. مواردومسائل پاسبانان محافظین وناظرومباشربلاکها بیماران را غالبا موردضرب وشتم قرارمیدهند. ضرب وشتم قراردادن به مثابهٔ یک

کاربرد و اعمال بازداشت به مقیاس گسترده یکی از مشخصات پرنسیپ زندگی سراسری شوروی اقلا تا ۱۹۵۳ ادامه داشت این واقعیت در آن زمان از انظار مکتوم نماند، و این موضوع از طرف زعما و رهبران شوروی بسا اوقات از در گذشت ستالین یادآوری شده است. وقایع چنین نشان داده است که علیرغم تکذیب رسمی مقامات، کاربرد و اعمال بازداشت مردم بخاطر فعالیتهای سیاسی و مذهبی بعنوان تعدی و تجاوز در اتحاد شوروی باقیمانده است. اسناد و مدارک قانونی در رابطه با این مسئله قرار آتی است:

قانون اساسی سال ۱۹۳۶ اتحاد شوروی

اساسات قانون جنائی اتحاد شوروی و جمهوریتهای متحد که بسال ۱۹۵۸ بشکل قانونی پاس شده است. (۲)

---

(۱) پراودا ۲۸ جنوری سال ۱۹۵۹

(۲) اساسات قانون گذاری اتحاد شوروی نورم ها و معیار های اساسی برای یک شعبه از قانون چون قانون جنائی، طرز العمل قانون جنائی، ازدواج و قانون فامیلی و خانوادگی، قوانین تأدیبی و اصلاحی و امثال آن، اساسات برای بسا از شعبات و سازوبرگهای قانون شوروی به زبان انگلیسی تحت عنوان اساسات قانونگذاری اتحاد شوروی و جمهوریت های متحده (پروگریس ماسکو طبع ۱۹۷۴)

قانون نامه هائیکه در هر یک از جمهوریتهای اتحاد شوروی بین سال ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ بر مبنای شالوده های قانون جنائی اتحاد شوروی و جمهوریتهای اتحاد از قانون پاس

پدیده‌ء طبیعی وعادی درا ینگونه‌شرایط پنداشته میشود .
بحیث یک تعامل قانونی اینگونه موارد با موافقه‌ء خمو ـ
شانه‌ پرستاران وقابله‌ها وچشم پوشی ویا تجاهل عارفانه
دکتوران جامه‌ء عمل میپوشد . درارابطه‌با موضوع توصیه و
هدایت دکتوررا به‌محافظین وپاسبانان یادآوری میکنیم:
(آیا شما نمیدانید که‌نباید مردم را موردضرب وشتم
قرارد هید ، خصوصا زمانیکه‌شما ندانیدکه‌چه معامله‌ء با آن
ها بکنید؟) زمانیکه‌یک بیمار ، بنام (سیمین چوک)توسط
محافظین ویاسبانان موءظف درپلکان وزینه‌وبعددرسلول
اش موردضرب وشتم قرارگرفت ، دکتورموءظف (تاپیتانا ـ
الکزی وینا) تبصره‌واظهارنظرعاقلانه‌وخردمندانه‌ء ذیل
را درارابطه‌با ضرب وشتم بیمارنمود :
(اینجا بیائید ، ایستاده‌شوید ، نباید شما سرتان را
بشکنید !)
گرچه‌چنین پیش‌آمدها صراحتا غیرقانونی اند .رفقا
ویامعیتی های بیمارستانهای روان پزشکی امکانات قا ـ
نونی دردسترس‌آنها قرارداده‌نشده‌است که‌دررفع این
نقیصه‌تلاش نمایند . طوریکه‌درفوق ازآن یادآور شدیم ،
نامه‌های شکایت‌آمیزبه‌مقامات مسئول راجع ساخته‌نمی
شود ، وهریک ازانواع واشکال شکایات صرف حسب دلخواه
مقامات بیمارستان میباشد . پاره‌ء از (بیماران) سیاسی
متدها وچاره‌سازی های رادرامردفاع ازخودچون اعتصاب
غذا وتهدیدبه‌انتحاررا بکاربرده‌اند .
باحتمال چنین به‌نظرمی آیدکه‌اقدام زندانیان
بچنین عمل زمانی پیروزمندانه‌محسوب میشودکه علاقه و

دلچسپی شدیددررابطه‌با اینگونه موارد از طرف جهان خارج با آن همراه‌باشد. چه‌اکثریت قاطع از بیماران چه (دیوانه) و (هوشیار) وسائل وذرائع دردسترس آنان قرار ندارد که‌دربرابر برورویه‌وسلوک توهین آمیزمقامات بخود کمک و یاری رسانند.

دررابطه‌با دوران اقامت بیماردربیمارستان روان پزشکی اتحادشوروی، سرنوشت ومقدرات وی ازنگاه‌تکنیکی درحوزهٔ صلاحیت روان پزشکان، دکتوران ومقامات اعضای اداری مؤسسه‌است. یگانه‌طرق وشیوه مؤجه‌ومدلل برای چنین وضع عبارت‌است‌ازضرورت معیتی ها جهت درمانهای طبی وتوانائی وقابلیت پرسونل های طبی برای تقبل مسئولیت دررابطه‌با تصمیم وقرارآنها بدون رضایت بیمار که‌کدام نوع درمانی برای وی مفیدتمام میشودمیباشد. مگربا آنهم، طوریکه‌ما درفوق ازآن یادآورشدیم، استفاده ازطبابت وکاربردآن دربیمارستان های روان پزشکی در نتیجهٔ یک سلسله‌عوامل خاصیکه‌ما آنرا بنام تدابیربزرگ امنیتی یادمی کنیم تحت تأ شیرقرارگرفته‌است. حتی اگرپاسبانان نیزازنگاه‌فزیکی وجسمی با بیماران با سلوک ناشایسته‌ونامناسب پیش آمدبکنندونسبت به‌آنها بی اعتنا نباشند، به‌مشکل میتوان استدلال کردازینکه یک سیستم دسپلین ورعایت نظم توسط مجرمین وجنایت کاران محکوم ومقصرعملی میشودسازگارومواف با شیوهٔ ازدرمان روان پزشکی تصفیه‌شده‌که‌اصلا موردنیاز بیماران خراب بوده‌است میباشد. این موضوع بیشتردررابطه با (بیماران) سیاسی صدق میکندکه (بیماری روانی) آن ها

معمولا چنان در امر انتصاب رزآن مستلزم وقت است که صرف روان پزشکان انتخابی میتوانند آنرا مورد تشخیص قرار دهند.

تأکید و پافشاری روی حالات اضطراری در رابطه با نقش امنیت مستقیما پیرامون کارطبی روان پزشکان در چنین موءسسات میباشد (ویکتور فاین برگ) در یک نامهٔ محرمانهٔ که از یک بیمارستان ویژهٔ روان پزشکی لنینگراد بسال ۱۹۷۰ بخارج فرستاده شد چنین اظهار داشته است.

در یک بیمارستان ویژهٔ یک سیستم مضاعف فرمان برداری و اطاعت و انقیاد و یا کنترول دبل و مضاعف وجود دارد، که به دولائن های نظارت منتهی میشود (۱) سرطبیب که در رأس شعبه قرار دارد، داکتر مسئول مستقیما، قابله یا پرستار و (۲) مأمورن و کریوال بیمارستان، مباشرون ناظر بلاک و مسئول اطاقها، کلیهٔ آنها چنین می نماید که یک دیگر را کنترول و مراقبت می نمایند.

در بخش تحتانی این دولائن یا خطوط انقیاد و فرمان برداری پاسبان و یا محافظ قرار دارد، که وی مطیع و فرمان بردار هردو میباشد، اما کنترول و مراقبت نزدیک آن توسط نگران و یا شخص مسئول محافظ اطاق صورت میگیرد. بگونهٔ مثال کسیکه هیچ گونه پیوند و ارتباطی به نحوی از انحاء با ادویه سر و کار ندارد، چنین یک سیستم نه تنها فاقد توانائی و کفایت در جهت پیشگیری از خودکامگی استبداد محسوب میشود بلکه، درنهایت امر این سیستم (پرده پوشی) دوجانبه و همچنین آئین و رسوم

بیما رستا ن ها ی نیک بنیا درا به جنحه و تقصیر تشویق مـی کند .

همچنین به یک سلسله موا رد دیگری نیز بر میخوریم که محا فظین و پا سبا نا ن توسط شخص موءظف ا زا طا قها چنین توصیه شده میبا شد که به ا طا قها سری بزنند و دستها ی بیما ر را بسته کرده و وی را بدون ا طلاع قا بله و یا پرستا ر مورد لت و کوب قرا ردهد . ا ین سیستم درین ا وا خر به چنین شکل د ر آ مده ا ست که حتی مردما نیکه آ نها روی ا حسا سا ت بشردوستا نه برا ی بیما را ن میخوا هند کمک و یا ری رسا نند نمیتوانند به مرا م شا ن نا ئل آ یند .

فلهذا ، یک دا کتر که وا قعا درا ندیشهٔ آ ن با شد که بیما ررا ا زحیله و نیرنگ و لت و کوب مسئولین ا طا قها و مبا شرو نا ظر بلاکها دربیما رستا ن و یا زندا ن درموقفی قـرا ر ندا رد که با نجا م جنین کا ری دست زند . یک قا بله و یا پرستا ر صرف میتوا ند ا ز شخص مسئول و موءظف ا طا قها تقا ضـا نما ید که به وحشت و خشونت فزیکی نبا ید متوصل شد . وا قعیتی را که بسا ا زروا ن پزشکا ن که مأ مورین رسمی وزا رت ا موردا خلهٔ کشور میبا شند چنین میرسا نند که آ نها درجریا ن کا روبا رشا ن حدا قل قسما با یکسلسله ملاحظا ت که به ا مو ر حرفوی و تخصصی و معا شرهٔ آ نها بیگا نه ا ست هدا یت و رهنما ئی میشوند . لا ا قل دریک مورد ، سرپرست بیما رستـا ن ویژهٔ روا ن پزشکی چنین مینمود که بر مبنا ی دا را بودن صفا ت و خصوصیا ت مشخص به ا ین وظیفه برگزیده شده بود . معلوما ت نا چیز روا ن پزشکی دا شت . بسا ل ۱۹۷۰ چنین گزا رش به نشر رسید که لوا مشریا دگروا ل (با ری شینکوف) که

زمانی سمت مدیریت بیمارستان ویژه روانپزشکی (اورـ یول) را به عهده داشت، قبل از این رئیس سناتوریم برای بیماران توبرکلوز بوده است. او کارهای آموزشی اش را بحیث جراح بسر رسانده، نه به حیث یک روانپزشک درعین موٴسسه، سایردکتوران که به تجویز ودرمان روانپزشکی می پرداختند دربین آنان یکی هم داکترچشم، گوش و بینی ومتخصص گوش ویک داکترعمومی بود. نه بیمارونه خویشاوندان وی کدام نقشی درانتخاب مکلفیت روانپزشکی درمورد وی میتوانند داشته باشند.

روانپزشکان مجبورساخته نمی شوندکه نام اصلی شان را به وابستگان وخویشاوندان بیماربگویند، نه بیمار ونه خویشاوندان وی از تصمیم وقرار روانپزشک پیرامون شیوهٔ درمانی که به بیمار تجویز میشودپرسش به عمل خواهند آورد، ونمی توانندبه چنین کاری تشبث کنندصرف بروایت اسنادومدارک که این تصمیم وقرار برآن استناد دارد میتوانندمشاهده کنند.

این وضع هنوزیک تبارزتحقیروا هانت سازمان یافته درامرحقوق بیماران روانی میباشد. اعتراف وتائید به این موضوع ازینکه برخی ویا حتی بسا ازبیماران روان پزشکی توانائی وقابلیت ارزیابی وسنجش عقلی شان را درارابطه با قرارها وتصامیم طبی ندارند. بنابران این واقعیت را ازاینکه صرف نظرکردن ازبیمار دررابطه با هر یک ازنقش ونفوذ درامرتعیین وتشخیص درمان طبی آنها موجب ویا وسیلهٔ برای تصامیم خودسرانه وخودکامگی در رابطه با دکتوران وروانپزشکان میباشدرا تغییرنمیدهد

دربیمارستانهای ویژهٔ روان پزشکی، جائیکه بیماران تقریبا درتجریدکلی ازاجتماع نگهداری میشوندوجائیکه هیچیک ازملاک ومعیارطبی نقشی درامرتعیین روانپزشک ندارد، مجهول الهویه‌بودن روان پزشکان وکرکتر غیر قابل مقایسه‌تصمیمات وقرارهای آنها فعالیتهای طبی را نیازدارد که‌بگونهٔ صریح برای بیماران خطرناک ثابت میشود.

یک عمل قابل پرسش آنها عبارت از استعمال وکار بردبه‌مقیاس وسیع ادویهٔ (سولفازین) برای مقاصد غیر طبی میباشد. این ادویه‌دربسا ازکشورها موارد استعمال دارد (خصوصا دربعضی ازحالات وموارددخطرناک شیزوفرینا و فلج های پیشرفته) استعمال این ادویه‌ودرمانهای مشابه آن درین اواخردربسا ازکشورها عملا ازطرف روان پزشکان بخاطر (اینکه‌بیماران ناجیزوانگشت شماری وجودداشتند که‌برای آنها مفیدثابت میشد) وبخاطرناراحتی های فزیکی که‌درنتیجهٔ استعمال آن بوجودمی آمدمتروک قرار گرفته‌سولفازین موجبات تب خطرناک شده‌وموجبات انقباض عضلهٔ معده‌ویا شکم رافراهم میسازد، خصوصا تب ودردهای شدید.

هنوزدربیمارستانهای روان پزشکی اتحاد شوروی، نه‌تنها سولفازین جهت مقاصدطبی تجویزمیگرددبلکه به مثابهٔ یک تهدیدومجازات نیزبکارمیرود. (ویکتورفائن برگ) بسال ۱۹۷۰ درراابطه‌با موضوع جنین تبصره‌نمود:

...... انجکشنهای سولفانیلومید (ظاهراآقای فائن برگ به‌سولفازین اشاره‌میکند) تقریبا به‌شکل محدودومختصر

بحیث یک ادویه برای تهدیدوتنبیه بکارمیرود، درجهٔ حرارت بیماربه ۴۰ درجه سانتی گرید بالا میرودوبرای سه روزبرای وی درنتیجهٔ استعمال این ادویه دردورنج آور برای وی پیداشته میشودحتی کارا به تکان خوردن نیز کشانده است (جای تعجب نیست زمانیکه آنها پنجمین انجکشن وزرق این ادویه را دوروزبعدانجام دادند). عین عمل توسط ولادیمیربوکوفسکی والکساندریه سی نین - ولپین نیزگزارش داده شده است.

طرح ویا شیوهٔ دیگریکه دراتحادشوروی درامر روان پزشکی هنوزمعمول بودخصوصا دربیمارستانهای ویژه روان پزشکی آن یک طرح کاملا ازمدافتادهٔ بوددرغرب که عبارت بوداز (تحت معاینه قراردادن بیماردرنتیجهٔ بستن آن) این متدخشن بیماران خطرناک راکه به بیماری های روانی مبتلا اندازنگاه فزیکی تا اندازهٔ فرو مینشاند. طبق گزارشات واقعهٔ چشم دید (تحت معاینه قرار دادن بیماردرنتیجهٔ بستن آن به مثابهٔ تجویز ادویهٔ سلفازین، نه تنها دربرابرواکنش وضع بیماربکار برده میشودبلکه به حیث یک شیوهٔ مجازات نیزپیداشته می شود طبق اظهارولادیمیربوکوفسکی درضمن مصاحبه اش باویلیم کول(Wiliam Cole) بسال ۱۹۷۶ که یک نامه نگار کولمبیا برودکاستنگ سیستم بود:

طریق یا طرزسومی مجازات که ما آنرا بکارمی بردیم بنام(Roll-up) یا (پیچاندن بیمار) که شامل کار بردپارچهٔ مرطوب کتانی - البته پارچه بزرگ آن، که در آن بیمارا زسرتا پا پیچانده میشدتا اندازهٔ محکم وسخت

که حتی تنفس بیمار را به مشکلات مواجه میساخت وزمانیکه این پارچهٔ کتانی خشک میشد محکمتر وفشرده تر میشد و بیمار را بیشتر مواجه با مشکلات میساخت . اما این مجازات بـا پارهٔ از حزم واحتیاط توأم بود. که درجریان این موضوع پرسونلهای طبی نیز حاضر میبودند از اینکه آنها متیقن بودند که بیمار شعورش را از دست نداده است ، اگر نبض بیمار روبه سستی می گرائید بعدا پارچهٔ کتانی را سست می گذاشتند .

ویکتورفائن برگ نیز عین جریان را در بیمارستان ویژهٔ روان پزشکی لینن گراد مشاهده میکند . برای این منظور آنها به اصطلاح (پیچاندن با پارچه) ویا (پیچاندن با پارچه گرم ومرطوب) معمول است ، زمانیکه بیمار در یک پارچهٔ مرطوب پیچانده میشود نه تنها محکم و فشرده میشود بلکه بگونهٔ کرم پیله بستن تا اندازهٔ لازم سفت و محکم بسته میشود با نوارها ئیکه یکدیگر را لمس می کنند . این پارچه روبه خشکیدن میرود وتمام بدن را تحت فشار قرار میدهد طوریکه الاشه ها را (در بیمار میبندند که بیمار بحال کوما قرار می گیرد) وتمام بخش فریادو نالهٔ این قربانی شکنجه را میتوانند بشنوند . مواردی هم بمشاهده رسیده است که بیمار را ن برای ده روز متواتر (پیچانده شده اند) .

طریقه شناخته شده درمان بیماری های روانی،خصوصا شیزوفیرنیا (Schizophernia) وسایر بی نظمی های تعادل روانی تجویز ادویه ها ئیکه بیمار را بحال انحطاط درمی آرد میباشد ، بشمول (هالوپیریدول(Haloperidol)

امینازین وتریفتازین. حتی این ادویه‌ها محتاطانه با دوزهای باقاعده‌آن تجویز میگردد، البته‌با درنظرداشت وضع مریض درنتیجهٔ مراقبت از نزدیک، بخاطرباید داشت که‌تجویزاینگونه‌ادویه‌ها بیش ازحد اعراض جانبی ناگوار را با خودبهمراه دارند. (شعله‌برافروزی مواد سمی درجگر، بلندرفتن فشار عضله‌داخل چشم (Elevation of intra ocular Pressure) بالا وپائین رفتن فشار شرائین، تشنج زیاد وانقباض عضلات، سردردی ها، ناراحتی ها (Malaise) وبی قراری ها وساپراشکال انحطاط روحی، خشک شدن دهن ازجملهٔ اعراض جانبی آن میباشد. این اعراض جانبی میتوانند با تجویز ادویه‌های دیگر مرتفع گردد. تجویزاینگونه‌ادویه‌ها برای اشخاصیکه مبتلا و معروض به‌اختلالات که‌درمان آن علل مناسب برای آن می باشند نباشند (خیلی ها غیرضروری پنداشته میشود، فشار و تشنج درنتیجهٔ اعراض جانبی بوجود می آید.).

این یک حقیقت مسلم است اگرگزارشی که‌جوانب ذیدخل درزمینه‌فرستاده‌اند زینکه‌بسا از روان پزشکان در بیمارستانهای ویژه‌روان پزشکی اینگونه‌ادویه‌ها را با بی اعتنائی وکمترین توجه‌برای معیتی ها یشان در امر نیازهای طبی شان به‌تطبیق آن می پردازند. ولادیمیر گیرشونی یک کارگراز مسکوبسال ۱۹۶۹ درارابطه‌با فعالیت های مخالفت‌آمیز ش خلل دماغ تشخیص شد، وازموءسسه روان پزشکی اوریول بسال ۱۹۷۰ چنین نوشت :

زمانیکه‌رفقای زندانی ما از (بوتیرکا) مواصلت نمودند، کلیه‌شصت تن اززندانیان بدون اینکه‌معاینه

ومشا هده ا زما توسط دکتورا ن بعمل آیدتا بع ا دویه شدیم وا دویهٔ برا ی ما تجویزگردید. بگونهٔ مثا ل، آ نها فشا ر خونم را گرفتند ، ا ما به سا یر بیما را ن چندا ن توجهی به عمل نیا مد. تقریبا کلیهٔ آ نها ئیکه موا صلت نموده بودند (ا مینا زین) برا ی شا ن تجویزشد، هم بگونهٔ تا بلیت و هم ا زطریق تزریق . هیچیک ا زآ نها بدا ن علاقمند هم نبودندچه ا زنگا ه قلب بیما رویا جگرآ ن ویا هریک علل و عوا رض دیگرا ستعما ل ا ینگونه ا دویه برا ی آ نها سا ز گا ر نبود، ا گرا ین ا دویه ها ا زنظرروا نی غیرقا بل تحمل نمی بودند.

آ قا ی(گیرشونی) تأ ثیر (ا مینا زین) را توضیح می دهدوا قدا ما تی درزمینه توسط پرسونلها ی طبی بعمل آ مد زما نیکه وی به شکا یت پردا خت.

صبحگا ها ن ۱۱ ما رچ ، درا ثنا ی گردش ، درنتیجهٔ یک آ زما یش ، من بعدا زگرفتن (هیلوپری دول) که صحتم روبه وخا مت میرفت شکا یت نمودم، وتقا ضا نمودم که دو ز ومقدا رآ ن کا هش یا بد- که ا ین ا مرسرا نجا م به تجویز دوزبیشتر (ا مین ا زین Aminazin) نسبت بآ نچه بمن تجویزشده بود، تجویزگردید. سرطبیب (ا یوگنی ولادیمیر یوویچ کوزیش Evg/iny Vladimirovich Kozish) که دا کترمعا لج چشم بودرا جع سا خته شدم، که درعین حا ل مسئول کیفیت من بود، ا ین فیصله را صا درنمود:

درجریا ن ... عصا ب غذا درما ه جنوری(بعدا زا مدنم ا ینجا ا مینا زین بمن تجویزشد) رفته رفته ا زبد بدترشدم وبعدا زشکا یت ، دوزبیشترآ ن دروجودم تزریق شد (تقریبا

شده است. (۳) شالوده‌های طرزالعمل جنائی اتحاد شوروی بسال ۱۹۵۸ پاس شده است.

قوانین طرزالعمل جنائی که در هریک از جمهوریت متحد بعد از سال ۱۹۵۸ برمبنای شالوده‌های طرزالعمل جنائی اتحاد شوروی وجمهوریتهای متحد مصوب قانون گردیده است (قانون مصوب که واقعا حاکم ومسلط براوضاع

---

(۳) قانون نامه‌های جمهوریت اتحاد درهریک از جمهوریت برای هرتبعهٔ قانون که از جهت آن اساسات وشالوده های اتحاد شوروی قانونگذاری شده است. چه بسا از قانون نامه های جمهوری اتحاد که درنتیجهٔ طبع ونشراز طرف ایجنسی های نشراتی بشکل ترجمه درمی آیند دردسترس قرار نمی گیرد. جنائی ار، اسی اف اس ار وطرزالعمل قوانین جنائی که بزبان انگلیسی به ترجمه درآمده است که از طرف هیرالد برمن وجیمز سپندلر که تحت عنوان قوانین جنائی وطرزالعمل آن (درنشریه دانشگاه هاروارد، کیمبرج، مساچوستز، ۱۹۷۲) موجود است. از آنجائیکه قوانین جنائی اتحاد جمهوریت ها عموما مشابه به همدیگراند، ما درزابطه با موضوع قانون جنائی ار یش اف اس ار بعنوان ممثل قوانین جنائی کلیه اتحاد جمهوریتها یادآوری خواهیم نمود. ار اس اف اس ار (جمهوریت سوشلیستی فدرالی روسیه شوروی) بزرگترین اتحاد جمهوریت ها در اتحاد شوروی است. با نقل از ماده‌های قانون جنائی ار اس اف ار وطرزالعمل قانونی جنائی ار اس اف اس ار، ترجمه که به کاربرده شده از برمن وشپیندلر خواهد بود.

شش سی سی) من نمی توانستم بکلی بخوابم، هنوز عین مقدارا دویه برای دوازده روزدیگرتجویزگردید ،تازمانیکه آنها متقاعدشدندکه مراخواب نمی برد، وازینکه تجویز انجکشن ها مراازاعتصاب غذا بازنداشت ، دوانجکشن در روزبمن تجویزگردید، ازتاریخ ۱۷ الی ۱۸ جنوری واز تاریخ ۱۹ جنوری به بعددوتا بلیت (هیلوپیری دول)روزانه بمن توصیه گردید، که بصورت کلی چهارتا بلیت میشود (وکوزیچ Kosich) مرا متقاعدساخت که برای یک مدت طویل این ادویه تجویزخواهدشد) تطبیق این ادویه مرا بیشترنسبت به هرچیزدیگرکه قبلا روی آن تجارب داشتم صحنه را خطرناک جلوه میداد، شما به این زودی ها نخواهیدتوانست نسبت بآنچه میخواهیدزودبرخیزیدقا درنخواهی بودوبه درازا خواهدکشید ، شما با این عجله نخواهی توانست که قدم بردارید، نسبت بآنچه شما درا ندیشهء استراحت وآرامش میباشید، اگرشما می نشینید، شما دوباره میخواهیدکه گام بردارید، واین جای است که هیچ جای برای قدم زدن ویا گام برداشتن نیست . نا گفته نماند، که من یگانه کسی نیستم که با چنین رویدادها و پیش آمدها دست وپنجه نرم میکنند، هرکدام ما درینجا با تجویزادویه تریفتازین(Triftazin)(تری فلووپیرازین، ستی لازین) امینازین وسایرادویه های با دوززیاد حیات شان رقتبار است .

دکتوران دربیمارستان ویژهء روان پزشکی (دنی پروپتیرووسک) بتاریخ ۲۲ آگست ۱۹۷۳ با تجویز ادویهء (هیلوپری دول) به درمان(ایونیدپلوش) پرداختند .طوری

که به صراحت تام درنتیجهٔ ارسال نامه‌ها به فامیلش ، آقای پلوش تا آن دوران از فعالیتهای علمی وروشنفکری درسطح عالی برخوردار بود ودرامرادامه مطالعاتش پیرامون ماهیت ریاضیات وسایراشکال فعالیتهای (متهورانه) بوده است . زمانیکه بتاریخ ۲۲ اکتوبر ۱۹۷۳ خانم وی (تاتیانا زیتنی کووه ـ پلوش) ازشوهرش بازدید نمود ، اوچنین ادعا میکندکه شوهرش را بعدازتجویزادویهٔ (هیلوپری دول) بعدازدوماه وضع صحی ویرابه‌ترتیب آتی تذکر میدهد .

زمانیکه آنها لیونیدایوانویچ را به‌سالون انتظار آوردند ، شناخت وی نا ممکن بودچشمانش مملواز درد و حکایه‌از بدبختی وفلاکت می نمود ، اوکلمات را به شکل بریده وبه مشکل میتوانست اداکند ، غالبا برای اینکه موازنه‌اش را حفظ کرده‌باشدبرپشت چوکی تکیه می نمود . مساعی وتلاشهای وی درامرکنترول ومراقبت ازخود یک امرمسلم بود ، وقت بوقت چشمانش را می بست ، سعی می نمودکه به مکالمه‌اش ادامه‌دهدوبه مقابل پرسشها پاسخ دهد . اما نیروو توانائی داخلی آن روبه‌اضمحلال وتجزیه بود ، کارش تمام بود . لیونیدایوانوویچ نفس گرفته دکمهٔ لباسش را ناشیانه وغیراستادانه بازکرد .... چهره‌اش پیچیده‌دچارتشنج ودست وپایش قیدبود ......این حقیقت مسلم است با مرورزمان اوحس شنوائی اش را از دست داده‌بود ..... لیونیدایوانوویچ نمی توانست خودش را کنترول نماید ، واوبود ، که ملاقات ده‌دقیقه‌قبل از وقت بایدتمام شودوپاسبانان وی را ازآنجامنتقل ساختند

زمانیکه بعداً زملاقات خانم پلوشه از دوکتور موظف شوهرش تقاضا نمود (از وازدادن تخلص فامیلی اباء ورزید) صرف خودش را با معرفی نمودن (لیدیا الیکزی ایونا) اکتفا نمود از اینکه چرا درمان وی با هیلوپیری دول (Helo Peridol) صورت می گیرد، دکتور معالج چنین اظهار داشت: تا آنچه که لازم باشد برایش میدهیم به شما ارتباطی ندارد و یا روی این پرسش و معلومات چه میخواهید بکنید، آنچه را ما لازم می بینیم تجویز می کنیم؟

زمانیکه پلوش باردیگر به تاریخ (ششم نومبر سال ۱۹۷۳) شوهرش را ملاقات نمود وضع وی ازبدبدتر شده بود. او به خانمش چنین اظهار داشت که او از توانائی نوشتن نامه ها برای وی عاجز است و در فکر آن نیست که کتب علمی برای وی فرستاده شود بخاطریکه نیرو و توانائی مطالعه را از دست داده است. خانم پلوشه دوباره روان پزشک را مسئول وضع صحی شوهرش خواند، تقاضا نمود که چرا به شوهرش اقلا ادویهٔ جهت جبران وتلافی اعراض جانبی (هیلوپیری دول) تجویز نشده است. روان پزشک چنین اظهار داشت که هیچ چیزی را افشاء نخواهد ساخت، چه پیرامون تشخیص بیماری وی باشد و یا درمان و معالجهٔ وی. در فبروری و مارچ ۱۹۷۴ دکتوران تجویز (هیلوپیری دول) را به آقای پلوشه متوقف ساختند و در عوض (انسولین) را بیک دوز بلندبوی توصیه نمودند.

درضمن ملاقات با همسرش بتاریخ ۴ مارچ ۱۹۷۴، آقای پلوشه، طبق اظهار خانمش غیرقابل شناخت بود، پندیدگی و آماس استسقائی بزرگ در چهره اش مشهود بود به مشکل می

توانست حرکت نمایدو چشمان وی نیز نیروی حیاتی شان را
ازدست داده بودند .

ممکن روی ملحوظات وضع فزیکی خطرناک آقای پلو
شه دکتوران بسال ۱۹۷۴ دوبار موقتا از تجویز ادویه جهت
درمان وی را ه سکوت را درپیش گرفتند . در اپریل و می
ودر اخیرماه جون حالت فزیکی وروانی وی روبه بهودی می
رفت درنومبرسال ۱۹۷۴، آقای پلوشه دوز خیلی زیاد
ادویهٔ ضد (شیزوفیرنیک) یا اختلال روانی را که به اسم
(تریفتازین Triftazin) یاد میشود جغازبه زرق آن
نمود . ودر اخیرسال ۱۹۷۴ تجویزادویه موقتا قطع شد ،
وزمانیکه همسرپلوشه بتاریخ ۳ جنوری از شوهرش ملاقات
نمود وضع وی بهتروخوبترشده بود . اما با آنهم در یاد
داشت پنج سطری دراواخرماه آقای پلوشه عدم توانائی
اش را جهت پاسخ به نامه های همسرش اظهار داشت .

بتاریخ بیستم دسمبر ۱۹۷۴، خانم پلوشه به وکیل
مدافع منطقهٔ (دنی پروپتررووسک) تقاضای انعقاد یک
جریان وشوروومذاکرهٔ جنائی دربرابراعضای درمانی و
معالجوی بیمارستان ویژهٔ روان پزشکی دنی پروبترو -
وسک نمود ، وی تأکیدنمود : برای یکنیم سال اخیربرای
شوهرم دیده ودانسته وبطورعمدی ادویهٔ غیرمجاز وناد رست
جهت درمان وی تجویزگردیده این موضوع چنین صلاحیت و
اظهارمطلب را بمن می بخشدکه عمال و پرسونل طبی بیمار-
ستان بعنوان جنایتکاران پنداشته شده وتقاضا بعمل آید
که آنها درمحکمه موردپرسش قرارگیرند .

مقامات مسئول وبا صلاحیت شوروی با رها چنین اظهار

داشته‌اندکه‌روان پزشکان ودکتوران که‌به‌تشخیص نادر- ست وغلط ودرمان نادرست افراددست اندرکارمیشوند در زمرهٔ مسئولین جنائی محسوب میشوند. مساعی وتلاشهای خانم پلوش درجهت بدست گرفتن ابتکارکه‌تاکدام حد استفادهٔ نامطلوب جنائی دربرابرکارکنان وپرسونلهای طبی بیمارستان روان پزشکی ویژهٔ دنی پروپتروووسک) موٴجه‌جلوه‌میکندبایدبه‌مثابهٔ یک آزمایش وامتحان مهم تضمینان قانونی وحقوقی شوروی دربرابراستفاده های نادرست ونامطلوب درارابطه‌باروان پزشکی پنداشته‌شود. روان پزشکان یکعده‌کشورهای خارجی به‌وکلای مدافع منطقوی ناحیوی دنی پروپتروووسک) نامه‌های مبنی براظهارعلاقه ودلچسپی آنها پیرامون اینگونه‌موضوعات نموده‌وتقاضای باریافتن آنها جهت حضوربرای استماع جریان محاکمه‌را نموده‌اندردیک زمانی این گزارش تکمیل گردید (سپتمبر سال ۱۹۷۵) امابا آنهم ازینکه‌مطالبات وخواستهای خانم پلوش قناعت بخش وموٴجه‌خواهدبودویااینکه پیرامون موضوع درداخل محکمه‌جروبحثی بعمل خواهدآمدکدام‌علائم مشهودی دردست نیست.

چه‌بسا ازمعیتی های سابق بیمارستان های روان پزشکی ویژه‌به‌صراحت لهجه‌پیرامون موضوع تأکیدمینما- یندازینکه‌تجویزادویه‌های قوی وبادوزبلندفوق الذکر بطورعمدی برای بیمارانیکه‌درنتیجهٔ تشخیص به (خلل دماغ) مبتلا اند، به‌مثابهٔ یک ذریعه‌ووسیلهٔ ازالهٔ قا- بلیت وتوانائی آنها بخاطرپیشگیری ازنظریات واندیشه های (مخالفین) اعمال میشود. دربسا مواردبطور یقینی

(بیمارا ن روانی) دست کم وثیا لا اقل درنتیجهٔ درمان و مداوای طولانی با ادویه‌های دوزبلندوقوی به‌ناتوانی و سلب صلاحیت موٴقتی عقلی وذهنی مبتلا شده‌اند. این وضع درواقعیت امرقابل توبیخ وسرزنش است وحتی بیشتر از آن بخاطرتشبث به‌اینگونه (معالجه‌وتداوی) سزاوار و سر زنش میباشند.

همچنین مدارک وشواهدچشمگیروقابل ملاحظه‌نیز به چشم میخورداز اینکه‌شکل ویژه (درمان) روان پزشکی که علیه‌مخالفین سیاسی اعمال میشودتصمیم گیری آن خارج ازمحوطهٔ بیمارستانها میباشد. مدیراین بیمارستان که اسم آن(لیامین) بودووابسته‌به‌بیمارستان روان‌پزشکی ویژهٔ (زیج یووکا) بسال ۱۹۷۲ به‌یک بیمار به‌اسم (یوری بیلوو) چنین اظهارداشت :

(ما شما را بخاطر بیماری تحت درمان ومعالجه‌قرار نمی دهیم بلکه‌بخاطرنظریات واندیشه‌هایت میباشد).

دراکتوبرسال ۱۹۷۳ خانم لیونیدپلوش جهت ملاقات بایک بازرس ومحقق شهرکیف دفتر وکیل مدافع که اسمش (کوندراتینکو) بوداحضارگردید. دررابطه‌سعی و تلاشهای بیش ازحدوی به‌نماینندگی ازشوهرش آقای(کوندراتینکو) به‌خانم پلوش ظاهراچنین اظهارداشت :

(اگرشما ازین شیوه‌مخالفت میکنید، سرنوشت شوهر شما غیرازین خواهدبود) مثالهای بی شماری دررابطه با اینگونه‌پیش آمدها وجوددارد.

نجات ورهائی ازبیمارستانهای روان پزشکی

نه‌قانون ونه‌فتوای و فیصلهٔ محاکم درمان اجباری روان پزشکی‌را که‌یک محدودهٔ زمانی روی مدت توقیف به‌یک بیمارستان روان پزشکی راصادر نمی کنند.

درمان اجباری میتواندبرای یک مدت زمان نامحدود دامه‌پیدا کندبشرطیکه مرض غیرقابل علاج تلقی گردد.

تعامل وطرزالعمل آئین نامهٔ جنائی چنین تصریح میکندزمانیکه مقامات اداری مؤسسهٔ روان پزشکی، در نتیجهٔ کمیسیون بازرسی وتحقیقات دکتوران ازآن جانبداری وحمایه‌کند، درآن زمان است که‌رهائی، آزادی ویا انتقال اشخاص به‌یک بیمارستان روان پزشکی که در خصلت وکیفیت آن مختلف باشدصورت می گیرد، که البته این پیشنهادهیئت وکمیسیون تحقیق وبررسی توسط محکمه موردغوروبررسی قرارمی گیرد.

رهنمودهای وزراء چنین تصریح میکندکه‌هربیمارا ز طرف یک کمیسیون روان پزشکی درجریان وقفه‌های ششماه باید تحت معاینات قراردا ده‌شرند. این کمیسیون می تواندآزادی وی راتوصیه نمایدویا انتقال آنرا به یک بیمارستان مختلف ویا مراقبت های دوامدارجهت معالجه ودرمان درعین مؤسسات صحی را تقاضا نماید. سهمگیری مقامات ذیصلاح قانونی (کسی ازدفتروکلای مدافع) در ظاهرا مردرجلسه‌کمیسیون میتواندآزادانه‌شرکت جوید اما

وقوع چنین امریکه خارج از اتحاد شوروی از آن مطلع باشند در دست نیست . این کمیسیون که سال دوبار دایر می شود ، گاهی در نتیجه تخلفات مشابه به آنهائیکه توسط کمیسیون روان پزشکان ما هرصورت گرفته بود که در مرحلهٔ اولی سفارش و توصیهٔ مشخص را مبنی برتوقیف و مراقبت الزامی جهت درمان و معالجهٔ طبی را صادر میکند . مثال های بی شمار در رابطه با آن در نتیجهٔ کمیسیون روان پزشکی که در مارچ سال ۱۹۶۵ تهیه دیده شد چنین احکامی را صادر کرد از اینکه جنرال (پیاتر گریگورینکو Gen. P Grigorinko) از بیمارستان ویژه روان پزشکی لینن گراد باید آزاد گردد یا خیر موضوع آن بود . طبق یک تشخیص غیر رسمی در مورد اصل کیفیت وسوابق جنرال گریگورینکو توسط (سیمیون گلوزمن) رئیس کمیسیون بگونهٔ واضح و پوست کنده جنرال گریگورینکو را مخاطب قرار داد از اینکه فیصلهٔ کمیسیون یک تصمیم قبلی میباشد بنا بر آن با صحت روانی وسلامت عقل وی کدام ارتباطی ندارد .

درضمن یک جلسهٔ متخصصین که جهت مرخص ساختن وی از بیمارستان دایر شده بود ، رئیس کمیسیون از گریگورینکو پرسید : (پیاتر گریگوری ایویچ چطور آیا می خواهی ازینجا مرخص شوی؟ بخاطر اعادهٔ صحت ، ویا اینکه در مقابل تشخیص ها اعتراض نمائیم؟ صرف بخاطر بسپارید که هر گونه نقطهٔ نظر اخیر یک مدت طولانی را دربر می گیرد) (گریگورینکو ماده اول الذکر را انتخاب کرد و روی ملحوظات (اعاده مکمل صحت) از بیمارستان روان پزشکی مرخص گردید) درضمن گزارشهای کمیسیون چنین آمده است که او

به‌نادرستی اعمال وکردارش اعتراف کرده‌بود .

بخش اخیر این بیانیه‌چنین بخاطرمی آوردکه‌بنا بر یک اتهام ثابت توسط افرادیکه‌دررابطه‌با فعالیت های سیاسی ومذهبی شان به‌بیمارستان روان پزشکی فرستاده شدند ، همین افرادسزاوار وشایسته‌ٔ آن اندکه‌باید آزاد گردندکه‌اگرآنها صرف از اندیشه‌های مخالف شان دست بر دارند واز بعضی جهات اعتراف نمایندکه‌آنها به‌بیماری روانی مبتلا بوده‌اند . انکاروتکذیب معیتی ها دربیمارستان های روان پزشکی جهت پس گرفتن حرف های شان (اندیشه‌های مخالف شوروی) ومساعی اش درامر مقاومت دربرابراشکال خطرناک وزیان آوردرمان ویا معامله‌و یا اعتراض درمحل توقیفش دربیمارستان روان پزشکی (به حیث علایم مشهودا صراروی دال بربیماری روانی است .

بسال ۱۹۷۱، درجریان دومین دوره‌ٔ بازداشت جنرال (گریگورینکو) دربیمارستان روان پزشکی ویژه‌ٔ (درین اشنادرکازان که‌به‌چهارسال انجامید)یک‌کمیسیون منظم ویاقاعده‌روان پزشکان ظاهرا دربدومرحله‌ٔ پرسش وی را موردمخاطب قراردادند . (پیاترگریگوریا یویچ اندیشه‌هایت چگونه‌است ؟) ویا اینکه‌چگونه‌می اندیشی ؟ وی درپاسخ اظهارداشت که‌اندیشه‌هایم تغییرنکرده‌است ، وکمیسیون چنین تجویزگرفت : (معالجه‌با درنظر داشت وضع غیرصحی بیمارادامه‌خواهدیافت).

درجولای سال ۱۹۷۴ لیونیدپلوش به‌همسرش چنین اظهارداشت که‌وی توسط یک کمیسیون روان پزشکان محلی موردمعاینه‌ومشاهده‌قرارگرفته‌است .

اعضای کمیسیون سه سوال را با وی مطرح ساختند :
(حال واحوال شما چطوراست ؟) (خیلی خوب) (انسولین در بدن شما چه تأثیروازدکرده است ؟) (حساسیت والرژی را به بار آورده است) (راجع به فعالیتهای گذشتهٔ خودچه فکرمی کنید ؟) بخاطردخالتم دران گونه فعالیتها متأسفم) کمیسیون تصمیم گرفت که معالجه و درمان وی را طولانی تربسازد . یک داکتردربیمارستان روان پزشکی ویژه درلیننگراد بسال ۱۹۷۱ ظاهرابه (فائین برگ) چنین اظهارداشت : (مرخصی شما به معاشره وسلوک خودت ارتباط دارد ، با معاشره وسلوک منظورومرام ما نظریات واندیشه های شما است خصوصا پیرامون مسائل سیاسی . بیماری شما مخالفت است . طورشایدوبایدشما ازاندیشه های تان صرف نظرکنیدونقاط نظردرست وصحیحی راانتخاب کنید ، شمارا مرخص خواهیم کرد) .

طوریکه برای بسا ازشهروندان شوروی درچنین یک موقف ، برای (ویکتورفائین برگ ، این تقاضا ناسازگار وتنفرآوردبود ، اوازتسلیم طلبی انکارنمودودرعوض به یک سلسله اعتصاب غذا وحتی تهدیدبه انتحاردست اندرکار شد . چنین می نمایدکه این شیوه ها توأم با علاقه ودلچسپی نیرومندخارج ازکشوردرموردوی درامرآزادی نهائی وی ازتوقیف الزامی بسال ۱۹۷۴ بعنوان نقش قاطع وتعیین کننده بود . سائرین حتی بخت وطالع با آنها کمتر یاری کرده بود . طبق اظهار (واسیلی چیرنی شیو) بسال ۱۹۷۱ دردوران توقیف وی دریک بیمارستان روان پزشکی نیکلای بروسلاوسکی ۲۵ سال مکمل درچنین یک شرائط

واحوال بازداشتکاها است درذیل ازان ها یاد آورمیشویم)

تخلف های سیاسی — بسال ۱۹۶۰ قانون جنائی جانشین وضع قانون جنائی گردید

که از سال ۱۹۳۶ مرعی الاجرا پنداشته میشد. بسال ۱۹۲۶- قانون قسما بدمشابهء حربهء یک طبقه در دوران بی تجربگی وعدم پختگی سالهای مبارزه دولت شوروی بدارث گذارده شد که حدفاصل وتشخیص وتمیز بین مردمان عادی و (ضد انقلابیون) (سیاسی) جرایم وخواهان مجازاتهای شدیدی برای اخیرالذکرشدند.

ماده ۵۸ - قانون سال ۱۹۲۶ اتهامات ومحکومیت های زیرلفافه را دربرا برهریک حتی جزئی ترین شک و تردیدکه حاکی ازیک تهدیدوخطردرجهت بقای حکومت بلشویک می بودتدارک دیده بود. گذشته ازان، پاره ازقید و شرط های درقانون ۱۹۲۶ توقیف ومحکوم کردن افرادی راکه مرتکب کدام جنایتی نشده بودندقانونی جلوه داد. این پدیده از مزیت وبرتری تعیین شده که درجهت منافع دولت وبقا استحکام وثبات بلشویک بودنشئت کرده بود درین گونه شرایط واوضاع، قانون جزشکل یک افزاربقای قدرت بلشویک چیزدیگری نبود. تعبیروتفسیروتطبیق منشورهای آن پیوسته تابع خواستهای سیاسی زمان بود. قانون دان برجستهء دوران ای ای پائینت کووسکی " A.A.Point Kowsky " بسال ۱۹۴۷ می نویسد، واین موضوع را واضح میسازدککه روی وجوهات سیاسی ، مردم تحت قانون جنائی درغیاب حتی با مشکوک بودن آنها که

توقیف بخاطر داشتن اندیشه‌های عدم مصالحه و سازش مذهبی اش سپری نمود. یک سلسله مسائل دیگری توسط معیتی های بیمارستانهای روان پزشکی ویژهٔ شوروی در رابطه با بسا از مسائل منحصر بفرد اشاره میکند که برای مدت بیش از حدنهائی و اعظمی بخاطر ارتکاب جرائم از طرف آن ها توقیف بودند.

اگر کمیسیون روان پزشکی دریابد که یک بیمار بطور کلی صحت یاب شده است و می تواند مرخصی اش را موجه و عادلانه جلوه دهد، این تجویز و سفارش به محکمه را جع ساخته میشود. درجریان توقف سراسری یک بیمار در یک بیمارستان روان پزشکی، این صرف یگانه موقعی بوده که از تماس و رابطه اش را با هریک از موسسات خارج از بیمارستان روان پزشکی داشته است. حتی هنوز در ین مرحله عوامل غیرطبی نیز به چنین امری نیاز دارند که افراد مشخص (صحتمندان زنگاه طبی) میتوانند جهت درمان اجباری به موسسات روان پزشکی فرستاده شوند.

جنرال گریگورینکو درجهت دانستن کیفیت موضوع از آنجائیکه محکمه تجویز و سفارش مرخصی اش را روی ملحوظات از ینکه (دوران معالجه و درمان) مطابقت با خطرناک بودن جرم ارتکاب شده ندارد) ادعا می نمود.

درنومبر سال ۱۹۷۰ ویکتور کوزنتسوف (یک هنرمند از مسکو بسال ۱۹۶۹ بخاطر داشتن شبنامه‌ها یا اوراق سامیزدات توقیف گردید.) توسط یک کمیسیون ماهر روان پزشک دربیمارستان ویژهٔ روان پزشکی کازان جهت مرخصی اش مناسب تشخیص شد. زمانیکه این سفارش و تجویزی به

محکمهٔ محل رسید، وکیل مدافع (که بنام موروزوف شهرت داشت) با درنظرداشت وخامت جرم کوزنتسوف تقاضا نمود که دوران توقیف ومراقبت وی در بیمارستان باید به درازا کشانیده شود. محکمه با این وکیل مدافع موافقه نمود و آقای کوزنتسوف به بیمارستان ویژهٔ روان پزشکی راجع ساخته شد.

در اپریل سال ۱۹۷۲، ویکتور فاینبرگ وولادیمیر بوریسوف از بیمارستان روان پزشکی ویژه در لیننگراد به موسسه سیربسکی در مسکو جائیکه کمیسیون تشخیص آن ها را از نظر سلامت عقلی مثبت تشخیص داد منتقل شدند. جهت استماع جریان محاکمه جهت صدور احکام مرخصی و آزادی وی تاریخ ده جولای تعیین گردید. اما با آنهم، محکمه، در اثر تقاضای وکیل مدافع، از استماع کیفیت روی ملحوظات خودداری نمود از اینکه طبق رهنمودهای کمیسیون انستیتوت سیربسکی آزادی (فاینبرگ) وبوریسوف را با وجود در نظرداشت این واقعیت از اینکه این کمیسیون انستیتوت سیربسکی بودکه اصلا آقای فاینبرگ را به حیث یک خلل دماغ تشخیص کرده بود فاقد کیفیت وصلاحیت چنین تجویز وسفارش میباشد. محکمه چنین احکام صادر نمود که آقای فاینبرگ باید توسط کمیسیون مرکزی طب عدلی روان پزشکی که متشکل از کارکنان اصلی موسسه سیربسکی بود مورد معاینه ومشاهده قرار گیرد. زمانیکه این معاینه در نهایت امر در دسمبر سال ۱۹۷۲ صورت گرفت، کمیسیون مرکزی چنین تجویز نمود که باید آقای (فاینبرگ) به یک بیمارستان عادی ومعمولی روان پزشکی

منتقل گردد وآقای (بوریسوف) دربیمارستان ویژهٔ روان پزشکی درلینینگراد نگهداری شود.

با فرارسیدن سال ۱۹۷۴، بسا ازرفقای زندانی سیاسی بیمارستان های روان پزشکی اتحاد شوروی که پیرامون آنها خارج از اتحاد شوروی سروصدا های عجیب و غریبی برپا کرده بود وکاملا چهره های شناخته شده بودند آزاد شدند (به گونهٔ مثال، پیاترگریگرینکو، ویکتورفائین برگ، و لادیمیربوریسوف، ولادیمیرکیرشونی) یا اینکه ازبیمارستانهای روان پزشکی ویژه به بیمارستان های روان پزشکی عادی منتقل شدند (بگونهٔ مثال میخائیل کوکوباکا، پیاترستارچیک، اناتولی پانوماریوف). این گام آنها یک اقدام مثبت ونیک بوده وباید اعتراف نمود، وامید های را برانگیخت، علیرغم حبس وتوقیف مداوم لیونید پلوش ویکتعداد زسا یررفقای زندانی سیاسی، کاربرد و اعمال توقیف افراد دربیمارستانهای روان پزشکی به خاطرداشتن عقاید سیاسی ومذهبی تا اندازهٔ تعدیل و اصلاح را درجریان اموربوجود آورداما با آنهم، گزارشهای واصلهٔ اخیرا زاتحاد شوروی چنین حکایه میکنندکه این عمل هنوزهم جریان دارد. نشرات ۳۲ و ۳۴ شبنامه ها، شرح وقایع اخیریک سلسله موارد درارا بطه با افراد که در بیمارستانهای روان پزشکی درارتباط به داشتن اتهاماتیکه بداشتن این اتهام مسئول شناخته شده اندتحت توقیف قرارداد رند، دراظهارسمی اینگونه نظریات را موردتکذیب قراردادند.

طبق گزارش نیویارک تایمزبسال ۱۹۷۴ کیفیت و

دوسیهٔ (سویتلانا شرام کو) باشنده‌ریازان(جنوب مسکو) که‌وی درجون سال ۱۹۷۴ درراربطه‌با اعتراضات عمومی وی درمقابل آلودگی ومکدرساختن فضاکه‌ناشی ازکارخانجات وتأسیسات صنعتی محل بودبه‌بیمارستان روان پزشکی فرستاده‌شد. شماره ۳۵ شرح وقایع اخیرکه‌مصادف به (مارچ سال ۱۹۷۵) کیفیت مسئله (بوریس وینوکوروف) را گزارش میدهد، نامبرده‌یک مقام رسمی رادیوتلویزیون شوروی است، بعدازگذشت پنج روزدرجریان یک گردهم آئی حزب کمونیست رویکارآوردن سیستم دوحزبی را در اتحادشوروی ترغیب می نموددربیمارستان روان پزشکی تحت مراقبت وبازداشت قرارداده‌شد.

درمارچ سال ۱۹۷۵، ریوترازمسکوچنین گزارش داد که (ولادیمیراوسی پوف) سردبیرسابق (سلاوفیل) ژورنال های محرمانه‌ویجی(Veche) وزیملیه(Zimlya) جهت معاینه‌وتشخیص روان پزشکی عدلی درراربطه‌با اتهامات رسمی(تبلیغات ضدشوروی) به‌موٴسسه‌سیربسکی فرستاده شده‌است.

توصیه‌ها و پیشنهادها

درپرتو درمان وتداوی نادرست ومختل اوضاع زندانیان وجدان دراتحاد شوروی درفصلهای گذشته از آن به تفصیل یادآوری نمودیم، روی این موضوع مصئونیت بین المللی سفارشات وتجویزهای ذیل را بحکومت شوروی وقانون دانان وماهرین جنائی وجزائی عرضه می دارد.
این سفارشات وتجویزها شامل دوکته‌گوری است: آنهائیکه دررابطه با موء سسات کارتأدیبی واصلاحی شوروی است وآن ها ئیکه توقیف الزامی واجباری را روی ملحوظات روان پزشکی دربرمی گیرد.

درر ابطه با موء سسات کارتأدیبی واصلاحی: طوریکه این گزارش چنین نشان داده است، سیستم کارتأدیبی واصلاحی شوروی نه تنها معیار ها وموازین بین المللی را در امر درمان ومعالجهٔ زندانان نادیده انگاشته واز آن تخلف میکند، بلکه درجهت رسیدن به ستاندارد‌ها ونورمهای ثابت،

دربخشهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی داخلی و تیوری نیزعاجزونا توان آمده است .

درارتباط با این موضوع این نمیتواندیک پدیدهٔ مجردومنحصربفردپنداشته شودفلهذا سیستم های زندان انگشت شما ربا درنظرداشت ملحوظات انسانی به‌کاروبار شان ادامه‌میدهند . این موضوع نمیتواندپالیسی سازان وطراحان مشی آنرا درارابطه‌با مسئولیت درجهت اخذاقدامات وگامهای عملی بسوی بهبوددرمان زندانیان،تبرئه کنند .

۱- مصئونیت بین المللی چنین توصیه‌وپیشنهاد میکندکه حکومت شوروی بایدسیستم کارتأدیبی واصلاحی را جهت رسیدگی دقیق ومحتاطانه‌ازعموم باهدف سازماندهی و طرح ریزی یک برنامهٔ اصلاح وریفورم جزائی بگشاید . دریک سلسله‌ازکشورها ودرادوارمختلف رفورم و اصلاح آئین نامه‌های جزائی یک موضوع مباحثهٔ آزادوگسترده بوده‌است . اینگونه‌جروبحثها معمولا توجه شان را روی شرایط واوضاع ناگوارو خشن زندان ازنگاه‌عملی بی‌ثمره بودن برخی ازین شیوه‌های جزائی معطوف نموده است . علاقه‌وارتباط مردم معمولا ازهردوجانب نشأت میکند از پرنسیپ ها وقواعدیکه‌جامعه‌بطورکل دربرابرآن اعضایش که‌آنهاچون زندانیان که‌مخصوصا درمعرض خطرقراردارند، مسئولیت دارد، وازنگاه‌پراگماتیک وعملی این بازداشت و توقیف، که ارزان تمام می شود با در نظر داشت جلوگیری ازجرم وجنایت درعوض جیزهای را بجامعه اش برگردانند .

مقامات شوروی غالباً از جروبحث عمومی را پیرامون مسائل مهم دررابطه با پالیسی یادآوری کرده اند. دراواسط سال ۱۹۶۰، نشرات ومطبوعات شوروی صفحات روزنامه‌ها ونشرات را جهت بحث فورم وشکل که قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی آن دوران باید درپیش گیرد تدارک دیده بود. مگر متأسفانه، این جروبحث عمومی از آنوقت بحال سردرگم وخاتمه درآمده است واز سیستم جزائی آن دررسانه‌های گروهی شوروی ندرتاً تذکری بعمل می‌آید. اما یک سلسله جروبحثهای روی خصلت وکیفیت سیستم کارتأدیبی واصلاحی دربین قانون دانان وماهرین جنائی ادامه داشته است، اما این جروبحثها درامر بهبود اوضاع کاری ازپیش نبرده است.

تاالحال طوریکه به مشاهده رسیده است تقریباً در نتیجهٔ فقدان کلی دررسانه‌های شوروی ونشریات حرفوی ومسلکی آن ازگزارش دادن واقعیتها پیرامون اوضاع ومسائل جزائی وتقریباً تکذیب مکرروبلا وقفه درامراعتراف به وجود تخلفات خطرناک برخوردبا موضوع به مثابهٔ یک اسرار دولتی محسوب میشود. این اسرار رسمی دولتی نه تنها درامر منصرف کردن واغفال توجه عمومی وبین‌المللی ازتخلفات واقعی عاجزونا توان آمده است، بلکه همچنین به پیمانهٔ گسترده این اندیشه راازینکه سیستم زندان ومحابس اتحاد شوروی کلیه مشخصات خراب وناکارهٔ دوران گذشته را محفوظ داشته است نیزترغیب میکند. تازمانیکه این محرومیت وجودداشته باشد، سیستم زندان یکسلسله شک وتردیدها وسوء تفاهم را بطوریقینی درخارج ازکشور

وتا اندازهٔ بداخل اتحاد شوروی بوجود خواهد آورد.

بررسی سیستماتیک وسرگشودهٔ سیستم کارتأدیبی و اصلاحی اتحاد شوروی بخاطر وضع کیفری وبرخورد کینه جو — یانه وکاربردوا عمال قانون کارتأدیبی واصلاحی که تعبیر وتفسیر رسمی مسلط وحاکم برجریان امور است نیاز عاجلی بدان احساس میشود. این جریان واوضاع چنین می نماید که در محضر شورای وزرای اتحاد جماهیر شوروی که درامر تعیین وتشخیص جیره بندی های غذا برای زندانیان روی وجوهات توبیخ وسرزنش مسئولیت آنرا بعهده دارد نیز کارآن کشانده شود. عدم احترام درجهت خواستها و مطالبات زندانیان خصوصا دروزارت امور داخله کشور که سیستم کارتأدیبی واصلاحی شوروی را نظارت واداره می کند خیلی نیرومنداست وچنان می نماید که تا پائین ترین سطوح تا اعضای کارکنان موٴسسات کارتأدیبی واصلاحی با یک تأثیر منفی روی وجوهات مختلف درمان ومعالجهٔ زندانیان حاکم ومسلط برجریان امور باشد.

توجه طراحان پالیسی شوروی باید به سوی یک وا — قعیتی معطوف گرددکه جهت عملی نمودن کارتأدیبی و اصلاحی معاصرا تکاء آنها بطور پیگیر ومصرانه درجهت اصلاح وتجدید آموزش زندانیان نمی باشد بلکه تنبیه ومجازات آنها بگونهٔ یک شکل مجازات وکیفر وبه مثابهٔ یک وسیلهٔ جلوگیری از آنها وسایرین از ارتکاب به اعمال وفعالیت های (خطرناک اجتماعی) میباشد.

این یک امر تصادفی نیست بلکه بخشی از پالیسی رسمی ذخائر مادی سیستم موجوده برای زندانیان که

مستلزم ومتضمن مواجه‌بودن آنها به‌فاقهٔ روزمره و بی اعتنائی درجهت درمان ومداوای آنها میباشد. این‌تبارز اندیشه‌ونظررسمی آنها جهت تنبیه‌وسرزنش زندانیان تعیین کنندهٔ وضع وچگونگی مسئلهٔاخیرالذکراست‌که آن تأدیب واصلاح وتجدیدآموزش را به‌مثابهٔ یک اهداف سیستم کارتأدیبی واصلاحی به‌حیث عامل بالقوه‌درآورده‌است.

برنامه‌های طرح ریزی شده‌جهت‌اصلاح وتأدیب و تجدیدآموزش زندانیان درجهت‌اصلاح وبهبودکارزندانیان خدمات ناچیزانجام داده‌است تاافزایش مجازات‌نسبت به‌آنها بگونهٔ مثال، شرایط واوضاع کارشاقه‌و اجباری ازین رنگ وقماش است‌که‌این اقدام آنها دلسرد کننده است تا پیشبرداهداف رسمی بهبودی وضع زندانیان. این مسئله‌عینا به‌زندانیان وجدان وآنهائیکه‌روی تخلفات جرائم عادی درزندانها حیات بسر میبرنددریک ردیف قرار داده‌میشوند. زندانیان وجدان به‌مثابهٔ قربانیانی می باشندتا نسبت به‌عمل خیرخواهانه‌وسودمندآن ها جهت تجدیدعملی آموزش سیاسی درشکل موجودهٔ آنها.زندانیان وجدان بطورعموم ازموءسسات کارتأدیبی واصلاحی موءثرانه‌سربدرآورده‌اندودرامراستخدام سازگاروموافق باهریک ازمهارتهای حرفوی وتخنیکی که‌آنها واجد آن باشندسلب صلاحیت‌واعتبارمیشوند.

درباز پرسی وبررسی عمومی توصیه‌شده‌سیستم کار تأدیبی واصلاحی شوروی به‌این پدیده‌وتأثیرآن روی‌پیش رفت‌های اهداف مجوزهٔ رسمی این سیستم ومعیارهای بشردوستانه‌که‌ازآن دربخشهای قانون شوروی مطالبه‌شده

توجه خاص باید معطوف گردد. تا زمانیکه این وضع موجود درارتباط با زندانیان به گونهٔ مصمم وقاطع در ارگانهای رسمی وجود داشته باشد، تخلفاتیکه در این گزارش از آن تذکر رفته ادامه خواهد یافت.

۲ـ مصئونیت بین المللی استحکام وثبات ایجنسی های مسئول در امر رعایت از نظارت قانون در داخل سیستم کار تأدیبی واصلاحی را توصیه و پیشنهاد میکنند.

درزمان حال وزارت امور داخله و موسسات وابسته بآن درجهت اداره و عملکرد در ارتباط با موسسات کار تأدیبی و اصلاحی بیش از حد دارای رأی و نظر بوده و دارای صلاحیت بیشتری میباشد. این وضع بیشتر خصوصا جریان امور را به خاطر طرز برخورد و پیش آمد تنبیهی و کیفری عمال این وزارت در ارتباط با زندانیان که در کلیه سطوح وزارت امور داخله حاکم و مسلط بر جریان امور است وضع را بیش از پیش به وخامت کشانده. این مسئله به پیمانه زیاد به خاطر وجود دو عامل و یا فکتورها از اینکه زندانیان معمولا باید در شرایطیکه معیارهای مصئونیت وصحت آنچه قانون تضمین میکند کمترین اعتنائی بآن نمی شود باید کار کنند.

شواهد قابل ملاحظهٔ درارتباط با این مسئله وجود دارد که در سالیان اخیر درمان و معالجه زندانیان خصوصا زندانیان وجدان وضع را بگونهٔ قابل ملاحظه مکدر ساخته است این خرابی اوضاع به یک پیمانهٔ گسترده ناشی از نظام نامه ها و قوانینی است که از طرف وزارت امور داخله نشر و صادر میشود. چه بسا از این تغییرات و تبدلات بخاطر مبهم بودن وحذف تفصیل در آئین نامهٔ کار تأدیبی و اصلاحی

مرتکب جرم نشده اند می توانند محاکمه شوند .

البته غالبا و بعضا برای آنها ویا آنانیکه با توجه و رعایت خصلت سیاسی تطبیق و اعمال اقدامات اجباری به افرادیکه آنها مرتکب هیچ جنایتی نشده اند بلکه آن ها روی پاره ٔ از مسایل و امثال آن (فعالیتهای گذشته آن ها پیوند وارتباط آنها با محیط ناسالم جنائی و امثال آن) از نگاه اجتماعی خطرناک جلوه میکند ، این امر لازمی به نظر میخورد .

قانون جزائی سال ۱۹۲۶ درمراحل گوناگون ترمیم وتعدیل شد خصوصا بین سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ وبدین طریق این قانون را بیشتر بگونه ٔ خشن تبارز دادند .ماده مفتضح ۵۸ درامر توقیف افرادبی شماری از آن کار گرفته میشد ، بعضی اوقات کدام مبنای منطقی برای آن وجودنداشت جز استفاده فنی ارگان های پولیس از ۱۹۳۴ تا درگذشت ستالین بسال ۱۹۵۳.

از سال ۱۹۳۴ الی درگذشت ستالین بسال ۱۹۵۳ بیک بورد ویژه ٔ سه نفری " NKVD (کمیسارمردمی برای امور داخلی) با صلاحیت عام وتام درامر توقیف ، تحقیق ، محاکمه ومسائل وابسته به حکم اعدام افرادیکه به مخالفت های سیاسی مشکوک ومظنون اند ، واگذار شد . بورد ویژه بگونه محرمانه درغیاب متهم وبدون ضرورت به مشوره با هر یک از محاکم ویا نظامنامه های قانونی به کار رو با رش ادامه میداد .

بعدازدرگذشت ستالین بسال ۱۹۵۳، یک واکنش خیلی عمیق دربرابر وحشت خودکامه ومستبدانه که از آن

رونما شده است وپارده از این مواد چنین مینماید که قیود و شرط های درآئین نامه موجود دارد مستقیما مورد تخطی قرار گرفته است . این مسئله واقعیت دارد، بطور مثال نسبتا قانون که درین او اخر بگونه موء شروقا طعانه برای زندانیان سیاسی واشتراک سهمگیری آنها را در (درسخانه ها) بمنظور تجدید آموزش سیاسی لازمی واجباری میسازد و روی این ملحوظات یک سلسله تحدیدها ی را برحقوق زندانیان بخاطر اعتراضات وشکایات رسمی آنها نسبت به این روی داد ها به پیش میکشد .

قانون شوروی ضرورت برای نظارت مستقل وباقاعده عملکرد موء سسات کارتأدیبی واصلاحی را اعتراف میکند و روی این ملحوظات وکلای مدافع وکمیسیونها ی نظارت عامه را با صلاحیت قانونی درجهت بسررساندن وانجام این گونه وظائف ومکلفیتها تدارک می بیند .

مگر متأسفانه، تا این زمان این ایجنسی ها وسازمانها قادر با نجام چنین کاری نبوده اندویا اینکه در اندیشه آن نیستند که بسا از تخلفات وسوء استفاده های مختل کننده سیستماتیک واساسی را مانع گردند . آنها باید بهره اندازه صلاحیت بیشتری که جهت پیشبرد مکلفیت ووظائف شان دررابطه با سیستم کارتأدیبی واصلاحی طبق قانون تعیین شده نیاز داشته باشند، مجاز ومخیر باشند .

۳ـ این گزارش سیستم کارتأدیبی واصلاحی شوروی را به اصطلاح قانون گذاری داخلی شوروی موردبحث قرار داده است . طبق بررسیها وارزیابی های موردنظر، ما چنین می اندیشیم که درریفورم واصلاح سیستم کارتأدیبی و

اصلاحی درآینده‌ء قریب الوقوع ، طراحان پالیسی شوروی باره‌ء ازتخلفات وتخطی ها راکه ناشی ازنقص وکمبود ی خودقانون باشداین موضوع رادرنظرخواهندداشت .

آئین نامه‌ء کارتأدیبی واصلاحی موجود (تکالیف و دردورنجی) راکه‌برزندانیان واردمی آیددرنظر نگرفته انددرحالیکه‌اینچنین اعلام میکندکه‌ابتلا به‌دردورنج و مذلت ازجمله‌ء هدفهای سیستم کارتأدیبی واصلاحی نمی باشد، صرف آنها رادراسراشغال وبدست آوردن نقطه‌ء مرکزی ویااساسی درامردرمان ومعالجه‌ء زندانیان قادر میسازد، به‌گونه‌ء مثال باقانونی ساختن انقیاددوفرمان برداری زندانیان ازفاقه‌کشی دائمی وباازبین بردن روحیه‌ء آنها درجهت مطالبات درمان ومعالجه‌ء کافی برای بیماری جسم وبدن آنهاکه‌منظمازندانیان رادرنهایت امردوردیف کسانی قرارمیدهدکه‌غذای ناکافی وبخور و نمیرتغذی میکنندوکاربیشتری انجام میدهند، میباشدو بس .

ملاک پذیرفته‌شده‌ء بین المللی برای هریک ازرفورم ها واصلاحاتیکه‌دررابطه‌باقانون کیفری اتحادشوروی باشد درآئین ورسم معیارهای اصغری قوانین موءسسه‌ملل متحد درامردرمان ومعالجه‌ء زندانیان مندرج است ،که‌مقامات باصلاحیت شوروی به‌مثابه‌ء ممثل واقعی این معیارها در مقابل این شرایط واوضاع درموءسسات جزائی بگونه‌ء صریح وقاطع آنراپذیرفته‌اند . دربن گزارش تخلفات و تخطی های اساسی وسیستماتیک یک سلسله‌ازمعیارهای اصغری دررابطه‌باقوانین بین المللی راشامل آئین

نامه‌های ۱۷،۶،۵۷،۴۸(۲)۴۵،۳۷،۳۶،۳۲،۲۶،۲۵(۱)۱۷،۶ ، شرح داده و به معرفی آن پرداخته‌ایم.

۷۱(۱)۷۴(۱)

(متن این آئین نامه‌ها با این گزارش ضمیمه میباشد.)

مصئونیت بین المللی چنین توصیه میکند که مقامات مسئول شوروی در امر اعمال و تطبیق کلیه از معیارهای اصغری موء سسه ملل متحده جهت درمان و معالجهٔ زندانیان، تعدیل قانون شوروی جائیکه با معیارهای اصغری آئین نامه‌ها در تضاد قرار می گیرد و باید با جدیت تام و قاطعانه با روحیهٔ که اینگونه معیارها به رشتهٔ تحریر در آمده‌اند، طورشاید و باید با قیود و شرط‌های ویژهٔ آن اقدامات عاجلی اتخاذ نمایند.

درارتباط با توقیف الزامی افراد روی ملحوظات روان پزشکی :

ساحه و قلمرو صحت و سلامت عقلی و روانی و بیماری‌های ناشی از آن یک مسئله خیلی بغرنج و مشکلی است که نیاز به توصیه و پیشنهاد دارد. توضیح و ترسیم و موردنکوهش و تقبیح قرار دادن مثالها در ارتباط با تخطی‌ها از طرز العمل موجود یک مسئله ساده و سهل جلوه خواهد نمود اما پیشنهاد و تجویز یک فورمول که از اینگونه تخطی‌ها جلوگیری نماید یک امر خیلی مغلق و پیچیده خواهد بود، یا اینکه در تلاش و جستجوی تجویز و پیشنهادها افتادن که بتوانند بگونهٔ خیلی موء ثر از حقوق و منافع افراد حمایه و پشتیبانی نماید. یک پرنسیپ و

قاعده باید در روی مسئله توضیح کردد : هیچکس نباید ، بخاطر داشتن ویا ادعای بیماریها ی روانی، ازحقوق قانونی ، ازحمایه و معاونتها ی طرزالعمل طبی که در دسترس وی می بایستی قرار داده شود بشرطیکه صحت وتندرست باشد ، محروم ساخته شود . هرکسیکه به یک تخطی وتخلف از قوانین موضوعه متهم گردد ویا مشکوک ومظنون به بیماری روانی گردد ازنگاه قانونی توانائی وقابلیت نفوذ به کلیه ا زتصامیم وفیصله ها را که در رابطه با آن صورت می گیرد داشته باشد . این توانائی وظرفیت نه تنها درجریان دوران تحقیق و یا دراثنای استماع جریان محکمه در رابطه با کیفیت وی ، بلکه درسراسر دوران توقیف وبازداشتش به یک موءسسه روان پزشکی باید تضمین گردد . فقدان تضمین اینگونه قابلیت وتوانائی متهم غیرلازمی وتحقیرنا مطلوب افرادیکه درنتیجهٔ قضاوت وسائرین آنان را درردیف بیمار روانی قرار داده ، وبدین وسیله آنان را تحت توقیف و بازداشت نادرست قرار دهد ویا افراد را به درمان ومعالجه نامناسب فرا خواند .

۱- مصئونیت بین المللی چنین پیشنها د توصیه میکند که قانون گذاری شوروی تجدید نظر گردد و موارد ذیل را درقانون بگنجانند .

الف- حقوق ذیل، که برای افراد متهم در ماده ۴۶ طرز العمل آئین نامه جنائی(RSFSR) تضمین شده است ، هم چنین برای افراد متهم که صحت وسلامتی عقلی وروانی آن ها مورد پرسش قرار می گیرد نیز اینگونه موارد باید محفوظ گردد . متهم درجهت دانستن به این موضوع که برای چه وی

متهم میبا شدوتوضیحا تی دررا بطه‌با آنچه‌وی را متهم‌قرا ر دا ده‌ا نددا را ی چنین یک حق توضیحا ت وا قا مه‌ٔ ا ستد لا ل دربرا برسوا لات میبا شد ، ا را ئه‌شوا هدومدا رک ، تقدیم و ا را ئه‌درخوا ست ، وآ شنا ئی وی با کلیه‌ا سنا دومطا لب در را بطه‌با ا ین کیفیت بعدا زتکمیل دورا ن تحقیق ا بتدائی ویا پرسش ، ا ززما نیکه‌درنتیجهٔ ما ده ۴۷ ا ین آ ئین نا مه جدیدمیتوا نددا را ی وکیل مدا فع ویا ا زشورا ی دفا ع ا ستشا ره‌نما ید . با یددربرا برپرسشها ی قضا ئی محکمه‌با ز ا ول جهت ا را ئه‌ا ستدلال ویا کدا م شوا هدومدا رک دیگر ا ظها رآ ما دگی برا ی آ ن ودرخوا ست نمودن برا ی ا قا مهٔ دعوا وجریا ن حقوقی وفیصله‌ها ی شخص که‌با ین پرسشها می پردا زند (یا مستنطق) ، وکیل ویا محکمه .

ب ـ شخص متهم که‌صحت وسلامتی عقلی وروا نی وی مورد پرسش قرا رمی گیردبا یدمقا ما ت مسئول(قا نونی ویا طبی) ا زجریا ن موضوع مطلع گردندویا درجریا ن ا مورقرا ردا دهٔ شوند ، فیصله‌ها ئیکه‌درهریک ا زطی مرا حل کیفیت وی را تحت ا لشعا ع خودقرا رمیدهدکلیه‌حقوق ا فرا دمتهم در نتیجهٔ ما ده‌ها ی ۱۷۴ و ۱۸۵ طرزا لعمل آ ئین نا مه جنائی (RSFSR) (که‌دررا بطه‌با طرزا لعمل پرسشها ی کا رشنا س که‌با ا ینگونه‌مسا ئل سروکا ردا رد (با فرا دمتهم نیزکه‌در معرض پرسشها ی روا ن پزشکی عدلی قرا رمی گیرندا مکا ـ نا تی میسرگردد . بطورا خص ، ما دهٔ ۱۸۴ با یدجرح وتعدیل گرددویا را گرا ف چها رم ا زآ ن حذف گردد . فرما ن یا ا حکا ـ می که‌روی آ ن معا ینا ت وپرسش ها ی کا رشنا سا ن روان‌پز ـ شکی عدلی صورت می گیرددرصورتیکه‌وضع وحا لت عقلی وی

سالم پنداشته نشود نباید نظریات و رأی متخصصین به وی ابلاغ گردد.

ث ـ برای چنین یکفرد متهم ارتباط منظم با یک قانون دان و یا وکیل مدافع مورد نظر فامیل وی و برقراری تماس در رابطه با فامیل و دوستان نزدیک وی امر لازمی جلوه می کند باید امکانات آن مساعد گردد. در طرز العمل آئین نامهٔ جنائی موجود (RSFSR) مادهٔ ۴۰۵ شورای دفاع (در امر اشتراک و سهمگیری در کیفیت وی وقتی که واقعیت بیماری روانی فرد که و مرتکب عملی گردیده است که این عمل از نگاه اجتماعی خطرناک پنداشته میشود ثابت شود مجاز قرار داده میشود) چنین است از زمان یک کمیسیون روان پزشک عدلی آراء و نظریات شان را پیرامون موضوع اظهار داشته اند.

این نورم قانونی شخص متهم را در یک مرحله دشوار و قاطع کیفیتش بدون شورای وکلای دفاع قرار میدهد (که مرحلهٔ معاینات و مشاهدات و یا پرسشهای در رابطه با روان پزشکی است) و با پدرامر مجاز قرار دادن شرکت شورای وکیل مدافع از زمانیکه مقامات مسئول مستنطق فیصلهٔ جهت ارجاع شخص مسئول به پرسشهای روان پزشکی قرار داده میشود تغییر و عوض گردد. با در نظر داشت ارتباط بین شخص متهم و شورای وکلای مدافع، باید یک تبعیت و پیروی مطلق به مادهٔ ۱۲، پاراگراف دوم قانون پیرامون باز داشت مجدد (Statute On Remand) بحال توقیف (شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی ۱۱ جولای ۱۹۶۹) باشد.

از زمانیکه شرکت و شورای وکلای مدافع در مورد متهم

مجاز شمرده شد، این موضوع درنتیجهٔ ارسال ومرسول نامه توسط خودشخص ویا شخص مسئول درین مورد، مورد تائید قرارگرفته است، چه اشخاص متهم حق ملاقاتهای خصوصی را توسط شورای وکلای مدافع بدون هیچگونه ممانعت ازملاقات کنندگان ومدت زمان آنرا دریافت خواهندکرد.

د ـ شخص متهم که صحت وسلامتی عقلی وروانی وی مورد پرسش قرارمی گیرد (یا فامیل وی) بایددرامرنفوذ وموثریت حالت دماغی هریک ازکمیسیونیکه ازنگاه روان پزشکی عدلی وی را موردپرسش قرارمیدهندتوانائی وقابلیت آنرا داشته باشندکه این موضوع جهت تطبیق اینگونه مواردمادهٔ ۱۸۵، نقطهٔ (دوم) طرزالعمل آئین نامهٔ جنائی(RSFSR) نیازدارد، که حقوق افرادمتهم را تضمین میکند، (تقاضای تعیین یک گروه کارشناس ومتخصصین از بین افرادیکه توسط آنها روی آن اشاره شده است). یک میکانیسمی درزمینه جهت توانائی بخشیدن برای اینگونه شخص متهم برای اینکه بتواندخودرا ازکمیسیون بازپرس روان پزشکی بکشدیخا طریکه او (یا فامیل وی) آنرا فاقد کفایت لازم ویا نقاط نظرزیانبخش برای آنها میپندارند.

ی ـ شخص متهم درجریان تشخیص روان پزشکان ماهربایدحضوریابد، او وبایدرای حق سوال را داشته باشد و در برابر پرسش روان پزشک ها، طوریکه برای بسا ازشیوه های معاینات وپرسشهای متخصصین توسط مادهٔ ۱۸۵ طرزالعمل آئین نامهٔ جنائی (RSFSR) تدارک وتهیه دیده است.

ف ـ جریان استماع محاکم روی وضع وکیفیت عقلی ودماغی مدافعین تحت قانون جنائی طبق قیدوشرط عمومی

قانون شوروی درانظار عامه قرار داده شود . مدافع درامر حضور جریان استماع محکمه روی کیفیت خودش مجاز قرار داده شود ، تا زمانیکه این موضوع ثابت نشود که وی جریانات ونظم عادی محکمه را از مجرای توسل خشونت برهم می زند . اگر مسئله چنین باشد طوریکه اینگونه موارد حالتهای استثنائی دارند ، وکیل مدافع نمی تواند در محکمه حضور یابد نقاط نظروی بشکل بیانیه های تحریری که توسط وی جهت افاده همان مطلب برشتهٔ تحریر درآمده است باید در محکمه قرار داده شود ، درهریک از پیش آمدها ووقایع ،بگونهٔ ثابت ولایتغیر نه تنها توسط مقنن که توسط خودوی تعیین گردیده ویا فامیل وی (ویا وی اوداراری را بطه وپیوند سا قاعده ومنظمی داشته باشد) باید در محکمه حضوریابد ، هم چنین توسط نمایندگان فامیل خودش ویا درنتیجهٔ اطلاع سابقه انتخاب وگزینش وی ،

ق ــ درمواردیکه متهم (یا فامیل مربوط به متهم)دستآورد های کمیسیون روان پزشکی عدلی را نمی پذیرد ، او باید توجهش را بسوی دستآوردهای دوم محکمه ، پرسش ومعاینات آزاد ومستقل روان پزشکی مبذول دارد .

ک ــ وکیل مدافع ومقنن وی باید درهریک از دوسیهٔ قضائی که درارتباط با کیفیت وی ویا درحیطهٔ صلاحیت تعقیب با محکمه باشد دخیل باشد .

ل ــ مدافع ونمایندگان فامیل وی دربرابر حکم محکمه حق استیناف خواهند داشت وتوانائی آنرا خواهند داشت که درجریان استماع استیناف محکمه به فیصله هائیکه بر ضدوی صورت می گیرد استیناف ومرافعه خواهی کنند . او

(آنها) درین مرحله‌دوبار ه‌بار ائه‌اسناد و شواهد و مدارک لازم در مقابل دست‌آوردهای کمیسیون روان پزشکی مورد انتخاب او (آنها) قادرخواهند بود و یا به‌عبارهٔ دیگر شخص مسئول دست‌آوردهای کمیسیون روان پزشکی مورد انتخاب او (آنها) توانائی وصلاحیت خواهند داشت.

م ـ معیارها وموازین شدید و دقیق در امر یاری و کمک رساندن به‌محاکم برای رسیدن به‌یک قرار و فیصله‌ها یشان طورشاید و باید به‌روند و شیوهٔ اقدامات و تدابیریکه می‌بایستی با درنظرداشت افرادیکه از نگاه روانی و عقلی بیمار ثابت شوند و به‌انکشاف خواهند داد.

محاکم غالبا طبق صلاحیت شان (که‌درمادهٔ ۶۰ آئین نامهٔ جنائی RSFSR درامر استفاده و کاربرد صلاحیت شان تدارک دیده‌شده‌است عمل خواهند نمود که‌این امر انتقال چنین افراد جهت محافظت و نگهبانی آنها به‌وابستگان یا محافظین میباشد. شخص که‌ثابت شده‌است که‌به بیماری روانی مبتلا است طبق احکام صادره‌دریک موٴسسه که (امنیت بحداعظمی آن) از نگاه روان پزشکی ویژه تحت بازداشت و مراقبت قرارداده‌میشود و این صرف در صورتی میتواند صریحا تبارزکند که‌روی ملحوظات شرایط و حالات روانی وی، حضور دائمی وی در اجتماع به‌مفهوم یک، تهدید وخطرلازمی وجدی برای خودش ودیگران پنداشته‌شود.

ن ـ فعلا تا آنجائیکه به‌مصئونیت بین المللی ارتباط دارد، کدام تعامل قانونی بالقوهٔ که‌جهت واضح ساختن موضوع که‌کدام یک از حقوق همشهریان شوروی اگراو در بیمارستان روان پزشکی جهت درمان الزامی‌تحت مراقبت

وبا زداشت قرارگیرد باقی ومحفوظ خواهد ماند این موضوع میتواند با مطرح ساختن آئین نامه های قانونی بیانیه های صریح وروشن از اینکه معیتی های موء سسات روان پزشکی دربین موجودات اخیرا لذکر واجد حقوق ویژه ای می باشند باید اصلاح گردد .

۱- حقوق معیتی زندانیان وخانواده وی در جهت استیناف ومرافعه خواهی درهرزمان ویا دربین وقفه های منظم وباقاعده یک موء سسه ویا سازمانیکه مستقل از اعضاء وجوکات صلاحیت اداری بیمارستان باشد وچنین صلاحیت داده شده است که هرچه بیشتر از درمان ومعالجه الزامی و داخل بیستر ساختن اجباری جلوگیری بعمل آید .

۱۱- معیتی های زندان میتوانند که تماسهای منظم وباقاعده با خانواده ها ووکلای شان برقرار نمایند .

۱۱۱- معیتی های زندان ویا زندانیان میتوانند (بدون اختلال وسانسور توسط مقامات اداری بیمارستان) به وکلای مدافع شان هریک از شکایاتی را دررابطه با پیش آمد وسلوک مسئولیت بیمارستان ویا درنتیجه تعامل خاصی که به وی بد بیمارستان کشانده شده است مکاتبه نماید ، حقوقیکه به کلیه هم شهریان درنتیجه قانون (پیرامون طرزالعمل) جهت تجدیدنظر بر پیشنهادهای هم شهریان ، درخواست نامه وشکایات) (شورای عالی اتحاد شوروی مصادف به ۱۲ اپریل ۱۹۶۸) اما درعمل معیتی های بیمارستان های روان پزشکی ازین حقوق بی بهره اند .

۱- مفاد اداری ویا قیدوشرط های آن(بسال ۱۹۶۷) .
رهنمودها روی سیستم کاربردوا عمال درمان و معالجه

هیچکس مصئون نبود ، بوجودآمد . اصلاحات نیم بند متنوع تا زمان تدوین یک قانون جنائی جدید در اخیر سال ۱۹۵۰ صورت گرفت .

قوانین جنائی ۱۹۶۰ یک تحول بزرگی در سیستم قانونگذاری شوروی بوده که در واقع برای قانوندانان شوروی یک افتخار بزرگ محسوب میشود . قانون جنائی سال ۱۹۶۰ به مثابهٔ یک سند و مدارک (انقلابی) نبوده است . چنین است که این قانون بطور علنی و آشکارا در آرزو و اندیشه آن نبود که آنرا به مثابهٔ یک حربه برای یک حزب ، طبقه ویا فرقه قرار دهد بلکه به مثابهٔ یک قانون که بگونهٔ مساوی بالای هر یک از افراد جامعه شوروی باید تطبیق گردد .

یک نتیجه‌گیری دیگری از قانون ۱۹۶۰ این بود که این قانون کدام تشخیص و تمیز بین جنایات و تخلفات سیاسی را نمی شناسد اما انجام چنین کاری دال به موجودیت مستمر مخالفت سیاسی در اتحاد شوروی خواهد بود ، درحالیکه طبق دکتورین های رسمی در رابطه با موضوع بروز اینگونه مخالفتها دارای اساس اجتماعی نیست . (این دکتورین بیانگر آن است که چرا منابع نشراتی شوروی در امر محکوم ساختن جلی از جهت اینکه بین زندانیان جنائی و سیاسی کدام حد فاصل و تمیزی را قایل نشده است ، درحالیکه این تشخیص و تمیز هم در شوروی بعنوان مدار اعتبار قرار نمی گیرد) آزاد احساس میکند .

برعکس اسلاف شان ، نظامنامهٔ سال ۱۹۶۰ چنین تصریح میکند که یک شخص صرف زمانی میتواند محکوم شناخته شود که اگر در اثنای محاکمهٔ ش در یک محکمه قانونی

اجباری ساثرا قدامات وتدابیرنقش طبی درارا بطه با مبتلایان به بیماری روانی که آنها مرتکب اعمال خطرناک اجتماعی شده اند) برای ششماه به گونه ٔ منظم وبا قاعده تجدیدمعاینات بیماران های روان پزشکی یک امر پسندیده است ، اما درامرتدارک هریک ازتضمین ها ئیکه معیتی های زندانی مستحق‌اند که ازموءسسات روان پزشکی آزاد گردند آنقدرکافی به‌نظر میخورد . ازنگاه قانون به‌این نیاز خواهدبود که چنین کمیسیونها ی شامل نمایندگان وکلای مدافع دربرابر توصیه‌ها وسفارشنامه‌هائیکه توسط کمیسیون روان پزشکی بعمل می آیدداراى حق اعتراض می باشند . معیتی ویا زندانی درنتیجهٔ استشارهٔ چنین کمیسیون ها توسط یک قانون دان ویا یکتن ازاعضای خانوادهٔ زندانی ویا سابقهٔ انتخاب وی باید تمثیل وبیان گردد .

۲ـ رهنمودهای مسلط وحاکم برجریان اوضاع در داخل وشیوه‌های عمل کردموءسسات روان پزشکی سرازنو ارزیابی گردد . مصئونیت بین المللی چنین توصیه و پیشنهاده میکندکه‌چنین رهنمودها جهت جلوگیری ازتخطی ها وخلاف رفتاری های عملی متعددکه‌درگزارش فعلی از آن یادآوری شدم‌واین رهنمودها به نشرسپرده شده‌وبه‌آسانی و سهولت به‌عموم مردم واحزاب وابسته‌ومربوطه‌قابل حصول ودسترسی باشد .

۳ـ مصئونیت بین المللی توصیه‌میکند که حقوق معیتی های بیمارستان های روان پزشکی یا بیمارانیکه دربیمارستانهای روان پزشکی تحت مراقبت بازداشت قرارگرفته‌اند مجازقرار دادن فامیل وخانوادهٔ آنها جهت

داشتن نقش قاطع جهت درمان و معالجهٔ طبی آنها گسترش یابد و مراعات شود. به روان پزشکان درجهت مشوره با بیماران ویا فامیل آنها قبل از تطبیق به هرشیوهٔ درمان طبی ضرورت محسوس خواهد شد.

بیماران وفامیلی آنها از حقوق وامکانات عملی در امر استشاره با روان پزشکان ودکتورانی که خارج از موسسه روان پزشکی مشغول کار وبار اند برخوردار خواهند بود که در هر دو صورت هم رسیدگی ووارسی به وضع بیمار وهم اثر و خاصیت هر آنچه معالجه و درمانی که نسبت به بیمار صورت گرفته است میباشد. بیماران ویا خانواده های آنها در امر تردید قرار دادن هریک از شیوه ها واشکال درمان طبی که طبق پرنسیپ تجویز شده و معمول در امر سربراه انداختن مسلک طبابت که مطابق مادهٔ ۳۵ نهادهای قانونگذاری صحت عامهٔ اتحاد شوروی وجمهوریت های متحد باشد از امتیازاتی برخوردار خواهند بود.

عملیات جراحی وشیوه های مغلق وپیچیدهٔ تشخیص ها ئیکه طبق میل بیماران به اجرا درخواهد آمد و در مورد بیماریکه سن آن پائینتر از شانزده سال باشد و مبتلا به اختلال دماغی است جلب رضایت والدین، محافظین و یا معتمدین آنها رعایت میشود. اگرکدام استثنا آتی برای این قانون وجود داشته باشد، همهٔ آنها محتاطانه بگونهٔ که در عملکرد رهنمودها برای موسسات روان پزشکی که به اطلاع عامه رسانیده خواهد شد، تصریح خواهد شد. بیماران وخویشاوندان آنها توانائی آنرا خواهند داشت که جریانات جنائی ویا محاکم ملکی را دربرابر هریک از اعضای

بیمارستان ویاکارکنان وعمال اینگونه موسسات ازصلاحیت های شان سوء استفاده های نموده اند . ملازمین که با بیماران پیش آمدنا معقولی داشته اند ، دکتوران،که روی وجوهات وملحوظات عدم کفایت آنها درامردرمان تشخیص های نادرستی نموده اندویا تجویزعامل معالجهٔ ناقصی گردیده اند ، ادارهٔ جیابی که آنها ازبیماران ویامساعی وتلاش واپستگان بیماردرامریافتن وتلاش یک دگرگونی دروضع موجودممانعت های راایجادکرده اند ، اینگونه جریانات باید به نشرسپرده میشدومردم ازجریان موضوع باید مطلع ساخته شوند .

ضمیمه

برگزیده یا اقتباسی از معیارها و ستانداردهای معمول ومتداول اصغری موسسه ملل متحدد را مرمعالجه و درمان محبوسین، مصئونیت بین المللی درموسسه کارتأدیبی و اصلاحی اتحادشوروی درعمل یک سلسله تخلفات با قاعده به پاره‌ای از نارمها واساسات معیارهای معمول و متداول اصغری موسسهٔ ملل متحدد را مردرمان ومعالجهٔ زندانیان ومحبوسین را مشاهده کرده است که قرار آتی است :

۶(۱) دستورات ذیل باید بیطرفانه از آن رعایت به عمل آید. روی هیچگونه وجوهات وملحوظاتی نباید بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، اندیشه‌های سیاسی اصالت ملی واجتماعی، ملکیت ومحل تولد ویاسایر وجوهات وملحوظات تبعیض قایل شد.

(۲) برعکس احترام به ارزشها وعقاید مذهبی و دستورات اخلاقی گروپ که یک زندانی بدان پیوند وارتباط دارد یک امر لازمی است.

۱۷(۱) هرزندانی که از پوشیدن لباس دردست داشته اش

توسط عمال زندان از آن ممانعت به عمل می آید، باید با اثاثیه ولوازم کافی که مناسب شرایط اقلیمی که تضمین صحت وی را بنماید تدارک دیده شود. تدارک وتهیه اینگونه البسه نباید توهین آمیز ومحقرانه باشد.

۱۰(۱) هرزندانی باید باطرزادارهکه درا وقات معمول با غذا های مکفی ودارای کیفیت غذائی برای صحت و نیرومندی مفیدپنداشته شودودارای کیفیت سودمندوسالم وگوارا وما یهٔ صحت وتندرستی باشدوبهترتهیه وتدارک دیده شده باشدباید دردسترس زندانیان قرارگیرد.

۱۵(۱) مأمورین وکارکنان طبی مراقبت وضع صحت جسمی وروانی زندانیان باشندوروزمره ازکلیه محبوسین بیمار بازدیدبعمل آرندوکلیهٔ آنانیکه ازبیماری شکایت دارند وهریک اززندانی که موردتوجه خاص قرارمی گیرد.

(۲) عمال وکارکنان طبی جریان موضوع رابه مدیرگزارش میدهندزمانیکه ولازم داندکه باتداوم دوران زندان صحت وسلامتی جسمی وروانی وی روبه وخامت می گذارد.

۲۶(۱) مامورمسئول طبی بطورمنظم ازجریان امور صحی زندانیان وارسي وتوصیه ها ومشوره های درارابطه با موضوع به مدیرارائه کنند.

الف ـ مقدار، کیفیت، تهیه وتدارک غذا.

ب ـ نظافت وبهداشت وحفظ الصحهٔ موٴسسه وزندانیان.

ث ـ اقدامات بهداشتی، حرارت، روشنی، تهویه وتصفیه موٴسسه.

د ـ مناسب وشایسته بودن وپاکی ونظافت لباس و بستر محبوسین.

ذ ــ بازرسی ومشاهده از دستورات در رابطه با آموزشهای بدنی وسپورت درموارد یکه افراد تکنیکی برای وارسی و مراقبت برای اینگونه فعالیتها موجون باشد .

(۲) مدیر مسئول این گزارشها و مشوره های لازم را که از طرف ماموریـن صحی طبق دستورات واحکام (۲۵(۲) و ۲۶ درموارد یکه وی موافق وهم رأی با توصیه ها وسفارشات باشد باید درنظرداشته باشد . دررابطه با مسائل اقدامات عاجل و موثر به اینگونه سفارشات نموده ، اگر درچوکات صلاحیت وی نباشد واگر روی مسائل با آنها هم رأی نیست ، او باید جریان موضوع را توأم با مشوره های طبی ماموریـن مسئول بطورعاجل به مقامات بالا ترگزارش دهد .

۲۷ــ دسپلیـن ونظم ونسق باید اکیدا مراعات شود مانـه با محدودیت بیشترجز آنچه برای نگهداری مصئون حیات اجتماعی با نظم ضرورت ایجاب کند .

۳۲(۱) مجازات نباید درنتیجهٔ توقیف دریک محوطهٔ تنگ وبهم چسپیده وباکاهش وتقلیل رژیم غذائی صورت گیرد تا زمانیکه مامورمسئول طبی موردمعاینه زندانی را مورد پرسش ومعاینه قرار نداده باشد وجواز نامهٔ صادرکرده باشد که بحال موجوده اشاده ده دهد .

(۲) عین موضوع به هریک ازمجازاتهای دیگرکه به صحت و سلامتی جسمی وروانی زندانی زیان آورومضراست اعمال خواهدشد . درهیچ موردی اینگونه مجازات مغایر به آن پنداشته نخواهدشدویا منحرف شدن از پرنسیپ که دراحکام دستور ۳۱ از آن تذکربه عمل آمده است .

(۳) مامورمسئول طبی روزمره مجازاتهای را که زندانیان

مواجه بدان اندموردبررسی ومشاهده قرار دهندو مدیر مسئول آنرا اگر لازم داندخاتمه مجازات ویا تغییر در حالت مجازات لازم را روی ملحوظات صحت جسمی وروانی با آن مشوره دهد.

۳۶(۱) هرزندانی فرصت مناسبی روز (معمولی) هفته می تواند از مدیر موسسه ویا شخص مسئول با صلاحیت دیگر به نمایندگی ازوی مطالبات وشکایاتی ارائه کنند.

(۲) این ممکن خواهد بودکه اینگونه مطالبات ویا شکایات درزمانی صورت خواهدگرفت که مفتش محبس ویا زندان در جریان تفتیش از زندان بعمل می آرد. زندانی فرصت آن را خواهدداشت که با مفتش ویا هریک از عمال ومسئولین زندان به استثنای مدیرویا سایر اعضای آن به روی جریان موضوع بحث وگفتگو نمایند.

(۳) هرزندانی مجاز خواهد بودکه مطالبات وشکایاتش را بدون سانسوردراصل بلکه به شیوه خاص به مقامات مرکزی زندان، مقامات با صلاحیت قضائی وقانونی ویا سایرمقامات مسئول ازمجرای یک مقام پذیرفته شده اظهار نماید.

(۴) تا زمانیکه بطوریقینی بی معنی وبی اساس پنداشته نشود، هرمطالبات وخواستها وشکایات بصورت فوری وعاجل بدون وقفه به پاسخ آن پرداخته شود.

۳۷- زندانیان مجاز خواهندبودتحت نظارت فوری وعاجل افهام وتفهیم شانرا با اعضای خانواده ورفقای سرشناس ومشهوردروقفه های منظم وباقاعده، جه توسط مکاتبات ویا مدعوینی که از آنها بازدیدمیکنندبعمل آرند.

۴۵(۲) انتقال محبوسین وزندانیان درنقل وانتقالات

با فقدا ن وسا ئل تهویه‌ویا روشنا ئی ویا به‌هرذرا ئع ووسا-
ئل دیگریکه به‌صحت وسلامتی جسمی آ نا ن نا را حتی ها و
مصیبت ها ی را با عث میشودجلوگیری بعمل آ ید .
۴۸- کلیه‌ا عضا وا فرا ددرتما م ا وقا ت خودرا بعنوان نمونه
مثا ل لنجا م مکلفیت خودشا ن درا مرنفوذوا یفا ی نقش
موء شربا لای روحیه‌زندا نیا ن بخا طربرخوردوسلوک ا نسانی
که‌درنتیجهٔ ا ین عمل زندا نیا ن به‌مقا ما ت زندان‌ا حترا م
قا ئل میشوند .
۵۷- زندا نی شدن وسا یرا قدا ما ت که‌سرا نجا م قطع علا قه
یک متخلف را ا زجها ن خا رج وا نمودمیکنندروا قعیت‌ا مر
جزسلب نمودن حق خودا را دیت وی ومحروم سا ختن شخص‌ا ز
آ زا دی چیزدیگری نمی توا ندپندا شته‌شود . فلهذا سیستم
زندا ن، به‌ا ستثنا ی حا لات عا رضی وا تفا قی به‌تفکیک و
تبعیض موء جه‌یا بمنظورحفظ وبرقرا ری نظم ودسپلین درد
ورنج که‌نا شی ا زچنین ا وضا ع وشرا یط ا ست‌وضع را ا ز بد
بدترمیسا زد .
۷۱(۱) کا رزندا ن نبا یدخصلت مصیبت با ر دا شته‌با شد .
۷۴(۱) تدا بیروا قدا ما ت ا حتیا طی جهت محا فظه مصئونیت
وصحت کا رمندآ زا دبطورمسا ویا نه‌درموء سسا ت رعا یت گردد
ا نجمن قا نون دا نا ن ا تحا دشوروی
۱۴- جا ده‌کا لینن
مسکو، K.9
ا تحا دشوروی
آ قا ی ما رتین ا ینا لزمنشی عمومی مصئونیت بین
ا لمللی .
53 Theobald's Road,
London WCIX 8SP.

آقای:

درارتباط با نامهٔ موٴرخ ۱۵ اپریل شما وبه‌اطلاع (پیرامون شرایط واوضاع زندانیان وجدان) ما باید چنین اعتراف نمائیم که‌ما مائل ومشتاق آن نیستیم که پیرامون یک کتاب که‌شما از آن یادآورشده‌اید، وآن جعل سازی عامیانه‌ولکه‌دارساختن واقعیت شوروی وقانونیت سوشلیستی میباشد. صادقانه

با احترام ـ ال ـ شمیربنوف
رئیس‌انجمن قانون‌دانان شوروی

وفا خپاره کړي دي

دکتاب نوم	مؤلف	مترجم
دخناورو فارم	جارج اورول	پروفیسر رسول امین
روسهای عقلت طلب وتیوری نشنلزم نوین	پروفیسر تیواری	شفق ستانیزی
دروس فاسد تولنه په دری جلده کي	کانستین میخایل سمیس	محمد آصف اکرام
د کی.جی.بی دسته په دوه جلده کي	الکسی مایگوف	اختر محمد
کمپهای مرگ کولیما	رابرت کانکویست	ز.ع ممتاز
دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم جلد اول	اناتولی کایستن	سید فقیر علوی
شوروی اتحاد او دار لچونه	رابرتا گورین	محمد آصف اکرام
دکیمیاوی زهرجنو موادو په حق کي لمړنی لاسوند	داکتر تاج الدین ملتعل	
تلاش های روس برای اشغال افغانستان	عبدالکریم «محب»	
طبقهٔ نوین	میلوان جیلاس	ج.ح ابراهیمی
دروغهای جدید بخاطر دروغهای قدیم جلد دوم		سید فقیر علوی
انتقاد ماتریالیزم دیالکتیک	ابوالوفا افغانی	
په آسیا کي د روس د پراختیا غوښتنو پالیسی	جوزف پوپوسکی	موسی خان جلالزی
ماده و معنی	ابوالوفا افغانی	
په روسیه کي مخالفین	ریدولف ل.توکس	عبدالکریم محب
افغانستان - درگیری شوروی	ادوارد جیرادیت	ج.ح ابراهیمی

جرم وی توسط قانون مشخص دراشنای ارتکاب عمل جرم وی به اثبات برسد. همچنین قانون نامه طرزالعمل جزائی ۱۹۶۰ دارای یک ضمانت نیرومندی از حقوق متهم را نیزدربرمی گیرد، یا به عبارهٔ دیگرحقوق متهم درقانون نامهٔ طرزالعمل جزائی ۱۹۶۰ دارای یک تضمین نیرومند ومحکم درارابطه با موضوع است. بگونهٔ مثال، بر گشت وتغییرجهت گیری ازاعمال قانون گذشته بگونهٔ صریح در امرتحریک استنطاق های شبانه بیان شده است. گذشته از آن، عین قانون نمونه های جنایات راکه (کمیته های امنیت دولتی) کی،جی،بی و MVD درامرتحقق صلاحیت داده شده است محدود می سازد مشروط براینکه استنطاق و تحقیق بایدتحت سرپرستی وکالت ویا گماشته های دولت صورت گیرد.

جنایاتی راکه کی،جی،بی میتواند تحقیق کند غالبا" دربخش قانون نامهٔ جنائی میباشند (خصوصا جنایات خطر ناک دربرابردولت) (ماده های ۶۴ و۷۳)

این یگانه بندی است که درتحت همان ماده بسا از زندانیان سیاسی محکوم ومقصرقرارداده می شوند. رول و نقش نیرومندوکالت جهت (متقاعد) ساختن ازقانوندانان بعنوان ناظردرنتیجه قانون جنائی سال ۱۹۶۰ وطرزالعمل قانون نامه جزائی ۱۹۶۱ موردتائیدقرارگرفته است. وکالت یا گماشته ها دارای یک ارگان متمرکزعالی میباشند، مدعی العموم ویا وکیل جزائی اتحادشوروی درین اواخر (رومن رودینکو) " Roman Rudenko " از طرف شورای عالی اتحادجماهیرشوروی انتخاب شده است و

د کتاب نوم	مؤلف	مترجم
د ترکستان مستعمره کول	پ. گ. گلوزا	جگړن نصرالله صافي
د افغانستان په باب د شپېنجونو	پوهاند داکتر حسن کاکړ	
انقلاب افغانستان وافغان هاي تشكيلات در هندوستان، فارس و افغانستان.	محمدحسن کاکړ	
د زړه رنځ (سل)	دوکتور محمد یوسف لغاني	
تعلیم مسلحانه روس بر افغانستان	غلام محي الدين زرملوال	
جهاد في سبيل الله	عصمت الله روحاني	
ابوالهول او کمیسار	محمدحسن هیکل	محمّد آصف اکرام
عوامل ونتایج کودتاه هفت ثور	نیازی اُمیدوار	



Serise No.37-38-39

PRISONERS OF CONSCIENCE IN THE USSR

BY

AMNESTY INTERNATIONAL

TRANSLATE BY

J.H.IBRAHIMI

PUBLISHED BY

WRITERS' UNION OF FREE AFGHANISTAN

PESHAWAR 1989

COPISES 2000

صرف دربرابر آن شورا مسئولیت دارد و توأم با انتخاب مدعی العموم کلیه وکلاء یا عاملین جمهوریتها بکارشان می پردازند. درمقابل اخیرالذکر وکلاء یا عاملین محلی منطقوی، شهری و استانها را انتخاب می نماید. استدلال درامر مرکزیت نیرومندا زبرای آن است که وکالت یا گماشته‌ها را از کنترول ارگانهای محلی آزاد و مستقل سازد و فلهذا این ارگان را درامر انجام وظیفهٔ ناظر و مباشرتی خودمختار، قدرت عمل بیشتری بوی مفوض کنند. این آزادی وخودمختاری عاملین بطورصریح درمادهٔ ۱۱۷ قانون اساسی شوروی لازم دانسته شده است. قانون (خصوصاً فریضه یا قانون سال ۱۹۵۵ روی موضوع سرپرستی ونظارت بروکالت) وکالت یا گماشتگی ها را از صلاحیت ونیروی قابل ملاحظهای درامر نظارت براجرای عدالت برخوردار ساخت.

وکالت میتوانددربرابر هردستوررسمی، رهنمودها و یا تصویب نامه که احتمال قانون شکنی درآن میرود اعتراض نماید. همچنین دربرابر عمل ورهنمودهای تحقیق وتعقیب درحالات وکیفیت جنائی به مخالفت و اعتراض برخیزد. درواقع، وکالت خودش به تحقیق بسیاری ازمسائل وکیفیتهای جنائی به انواع مختلف آن دست اندرکار میباشد. درکلیه تحقیقات جنائی مسئولین وکارمندان دفتروکالت، طبق قانون خودرا روی این موضوع ازینکه قانون با دقت هرچه بیشترموردبازجوئی قرار می گیردو (با شدت هرچه بیشترمراقبت بعمل خواهد آمد ازینکه نه تنها یک همشهری بدام تعقیب جنائی بی

اساس وغیرقانونی ویا به هریک از محدودیت های غیرقانونی حقوق نیفتند) سرانجام، وکالت ومقیاس گسترده دارای حق نظارت برطرز العمل محاکم وتصامیم آنها ودر ضمن علیه موء سسات جنائی میباشد.

فلهذا، هردوی آن قانون روی کتاب شوروی و کاربرد آن درعمل درردیف یک سلسله موضوعاتی اندکه (روی مصلحت) سیاسی که بعضا چنین ایجاب مینماید که پرنسیپ های مجردقانونی ومربوط به قانون اساسی درجهت اهداف سیاسی بایدقربانی شوند. قانون اساسی سال ۱۹۳۶ به کلیه ازشهروندان اتحادشوروی یک سلسله ازحقوق انسانی را، به شمول(آزادی مراسم ونیایش مذهبی) (ماده ۱۲۴) (آزادی بیان) (آزادی نشرات) (آزادی اجتماعات) (برگذاری میتنگهای مردم)و (آزادی صف آرائی درجاده ها و شهرها جهت مظاهرات) تضمین کرده است (طبق ماده ۱۲۵) و به عین ترتیب ماده ۱۷ قانون اساسی به هریک ازجمهوریت ها این حقوق را نیزتضمین کرده است که میتوانندازاتحاد شوروی جدائی وکناره گیری نمایند، چنین میرساند که شهروندان هریک ازجمهوریت درامرپیروی وحمایه از چنین کناره گیری دارای یک سلسله حقوق ووجائبی میباشد. این حقوق بگونهٔ رسمی ومطلق پذیرفته نشده است. لیونیدبرژنیف، منشی عمومی حزب کمونیست اتحادشوروی دراکتوبرسال ۱۹۷۳ چنین اظهارنموده بود (قوانین شوروی شهروندان ما را ازآزادی سیاسی گسترده بهره مند ساخته است. ودرعین زمان سیستم حکومت ومنافع مردم شوروی را درهریک ازتلاشهائیکه درامرمختل ساختن این

آزادی ها صورت می گیرد نگهداری ومحافظه می نماید.)

ظاهرا حیاتی ترین پرابلم عبارت از پالیسی رسمی آن است که تا کدام پیمانه (سوء استفاده) از حقوق انسانی بعمل می آید برای امروز در اتحاد شوروی از زنگاه عملی، استفاده از گفتار مطبوعات یا اجتماعات در امر افاده و اظهار مطلب ویا کاربرد و به قالب عمل ریختن آن منافی معتقدات ویا ارزشهای اخلاقی توأم با پالیسی رسمی و دکتورین آنها سزاوار آنست که به مثابهٔ یک بد رفتار با آن برخورد نمود و به عین ترتیب، استعمال و کاربرد از هر یک از این حقوق در امر تبلیغ ونشر جدائی و انفکاک هر یک از جمهوریتهای متحد ویا حمایهٔ بیشتر در امر خود مختاری جمهوریت به مثابهٔ اینکه پیمانهٔ کنترول حاکمیت مرکزی را کاهش دهد موضوعی است دارای جریمهٔ خطرناک وشدید.

علیرغم فقدان تشخیص قانونی بین (جنایات سیاسی) و (مجرمین عادی) فهرست قوانین موجود جنائی شوروی یک تعداد مجرمینی را که بگونهٔ واضح ونمایان در ماهیت وخصلتش سیاسی است وبطور مستقیم تخلف صریح بر حقوق سیاسی شهروندان شوروی محسوب میشود، بگونهٔ مثال، ماده ۷۰ قانون جنائی ارا س افای ارچنین می رساند.

تحریک ضد شوروی وآشوب ایجاد آشوب وپروپاگند اکه به منظور تخریب وتضعیف رژیم شوروی سربرا ه انداخته میشود (VLAST) یا مرتکب

چنین عمل مشخص گردد ، خصوصا جنایات خطرناک علیه دولت شوروی یا به نشر و پخش آن پرداختن، برای عین هدف ، افترا و اتهام جعل سازی شده که دولت شوروی و سیستم اجتماعی را لکه دار میسازد و یا بدوران انداختن نشر و توزیع آن و یا آمادگی برای آن و یا محافظه و نگهداشت آن برای عین مقصد ، نشریات و آثار دارای چنین محتوای ، درنتیجهٔ سلب آزادی از آنها برای یک مدت زمان از شش ماه گرفته الی هفت سال توأم یا بدون تبعید اضافی برای یک مدت از دو الی پنج سال و یا با تبعید برای یک مدت زمان که از دو الی پنج سال باشد مجازات خواهد شد. عین عمل توسط یک شخصیکه قبلا هم خصوصا به اتهامات خطرناکی دربرابر دولت و یا درجریان جنگ مواجه گردیده باشد با محروم ساختن وی از آزادی برای یک مدت زمانی که از سه الی ده سال باشد ، توأم با تبعید اضافی برای یک مدت زمان از دو الی پنج سال و یا با تبعید کردن شخص برای یک مدت زمان از دو الی پنج سال باشد حکم مجازات علیه وی تعمیل خواهد شد.

ماده ۷۲ چنین ادامه میدهد :

فعالیتهای سازمانی که هدف آن خصوصا ارتکاب جنایات و جرایم خطرناک دربرابر دولت و همچنین شرکت وی درسازمانهای ضدشوروی باشد ، فعالیتهای سازمانی که هدف آن درامر تدارک و یا خصوصا ارتکاب جنایات خطرناک علیه دولت ، یا درامر سازو برگ دادن یک سازمان طوریکه هدف آن ارتکاب چنین جرائم باشد ، یا سهم گیری درسازمانهای ضدشوروی، طبق ماده ۶۴ و ۷۱ قانون نامه موجوده

مجازات خواهدشد.

چه مقامات شوروی ظاهراً این مواد قانونی را در رابطه با مسایل قانونی که در امر محاکمه مشهور (اندری سن یاوسکی) Sinyavsky و (ویولی دانیل YULI DANIEL دوتن از نویسندگانیکه متهم به نوشتن ونشر و توزیع کتابهائیکه حاوی (پروپاگندا ضدشوروی) بود به پیش کشانیده شدنا کافی به نظر میخورد، هردوی این متهمین دربرابر این اتهامات وارده با ارائه استدلال از اینکه نوشته آنها به هیچگونه کدام (انگیزه ضدشوروی) ندا- شته از خوددفاع نمودند. علیرغم نظر مبصرین شوروی مبنی براینکه (انگیزهٔ ضدشوروی) برای یک فردیکه تحت ماده ٧٠ مقصرشناخته شودبا یدوا نمودگردد، وعلیرغم تبارز اشکالات درامر تعقیب جهت نشان دادن (انگیزه ضد شوروی) آقای (سن یاوسکی ودانیل) مقصرشناخته شدند وبه حبسهای درازمدت محکوم شدند. پرابلم هائیکه درجهت اثبات (انگیزهٔ ضدشوروی) دخالت داشت چه از نگاه نشریات و توزیع ودرمظاهرات عمومی مثل آنهائیکه جریان محاکمهٔ (سن یاوسکی دانیل) را تعقیب میکردند مقامات شوروی رابیشتردرامرنیازگسترش قانون گذاری مبنی برمحدود کردن حق (آزادی بیان) و (آزادی اجتماعات) متقاعد ساخت. درجریان یک ماه محاکمه (سن یاوسکی - دانیل) دوماده دیگربه قانون نامه های جنائی علاوه گردید. در نظامنامهٔ جنائی ار اس اف اس ار (RSFSR) تعداد شماره آن از ۱۹۰-۱ و۱۹۰-۳ میباشد.

ماده ۱۹۰-۱

توزیع وپخش جعلیات وساخت وبافتها که بکذب و دروغ شهرت دارد که دولت شوروی وسیستم اجتماعی آن را لکه دار میسازد، توزیع ونشر سیستماتیک بشکل شفاهی درام رجعل سازی ها ئیکه دروغ وکذب محض است و صرف در جهت لکه دار ساختن دولت شوروی وسیستم اجتماعی آن و همچنین تدارک وتهیه ونشروتوزیع بشکل نوشته ومطبوع ویا هریک از انواع واقسام نشرات وآثار با چنین محتوای با محروم ساختن از آزادی برای یک مدت زمانیکه بیش از سه سال نباشد یا بواسطهٔ کار وبا روشاغل تأدیبی و اصلاحی که بیش از یکسال نباشد، ویا با پرداخت جریمهٔ که بیش از صدروبل نباشد مجازات خواهد شد.

ماده ۱۹۰-۳

سازماندهی یا سهمگیری فعال درآن، فعالیت دسته ها یا گروپها ئیکه نظم عامه را مختل میسازد، سازماندهی، وهمچنین، سهمگیری فعال درآن، عملیات دسته ها ئیکه نظم عامه را با اعمال خشونت آمیز برهم میزند یا با حضور صریح آن ها درامر عدم اعتنا وپابندی آنها به خواستها و تقاضا های قانونی نمایندگان مقامات ذیصلاح یا اینکه متضمن تخلف از کاروبار حمل ونقل یا دولت وموسسات اجتماعی ویا موسسات سرمایه گذاری شده باشد درنتیجهٔ محروم ساختن آن از آزادی برای یک مدت زمانیکه از سه سال بیشترتجاوزنکند، یا با مشاغل وکاروبار تأدیبی و اصلاحی برای یک مدت زمانیکه بیش از یکسال نباشد یا با

مصئونیت بین المللی یک جنبش عالم شمول حقوق بشری است واز هریک از احزاب سیاسی، ایدئولوژی و یا عقیدهٔ مذهبی مستقل میباشد وکدام پیوندی با آنها ندارد. این سازمان درامرنجات ورهائی مردان وزنان که درهرگوشه وکنار جهان بخاطرآراء ونظریات شان، رنگ، مبداء نژادی ومذهب، جهت رسیدن باهداف وآرمان مشخص شان به خشونت متوسل نشده اند دست اندرکار وفعالیت است که همهٔ آنها را بنام (زندانیان وجدان) مسمی میسازند.

مصئونیت بین المللی به کلیه شکنجه ها ومجازات های مالی به هرانواع واشکال آن بدون قیدوشرط وبا اظهار حقایق جداً به مخالفت برخواسته است وخواهان محاکمات عاجل مناسب وپسندیده برای کلیه ازندانیان میباشد.

مصئونیت بین المللی درسراسرجهان بر مبنای اعلامیهٔ عالم شمول حقوق بشربه مثابهٔ پیشاهنگ ملل متحددررابطه با قوانین واصول های حداقل دراً مرمعامله وبرخوردبا زندانیان تلاش ونظارت به خرج میدهد.

مصئونیت بین المللی موقف مشاوررا با سازمان ملل متحدایفاء کرده (Ecosoc) یونسکووشورای اروپائی، روابط وپیوندتعاونی با کمیسیون داخل امریکا پیرامون حقوق بشرسازمان کشورهای امریکائی داشته و همچنین با سازمان وحدت افریقا (دفتریکه جهت اسکان و تعلیم وتربیهٔ مهاجرین افریقائی مشغول کاراست) به عنوان ناظردست اندرکاروفعالیت است.

به هزاران تن ازافرادعام ازمردان وزنان برای امروزدرکالونی های کارتأدیبی واصلاحی کارگران و

پرداخت جریمه که بیش از صد روبل نباشد.

این ماده‌های جدید با ماده‌های ۷۰ و ۷۲ متفاوت است که در آنها از مجازات کمتر خشونت بار نسبت به اخیر آن به تصویب رسانده‌اند.

مکر با آنهم، ماده ۱۹۰–۱ و ۱۹۰–۳ بخاطر اینکه اتهام در تحت این ماده‌ها کدام اثباتی را در رابطه با (انگیزه ضد شوروی) در زمینه مدافعین یا زندار در روی این منظور به آسانی میتوانند تطبیق گردد. فلهذا تعقیب از اینکه مدافع تحت ماده ۱۹۰–۱ میدانست که نظریات و بیانیه‌ها ئیرا که او پخش نموده است دروغ و کذب محض بوده‌اند باید به اثبات برسانند. این موضوع محاکم شوروی را مانع از متهم و محکوم ساختن بسا از افراد تحت ماده ۱۹۰–۱ و ۱۹۰–۳ برای داشتن ارتباط با سایر همشهریان شوروی در امر انتقاد و خورده‌گیری از موءسسات شوروی یا پالیسی های رسمی آن، نشده است. بگونهٔ مثال، پنج تن از آن ها ئیکه در آگست سال ۱۹۶۸ در میدان سرخ ماسکو برضد پنج کشور پیمان وارسا در رابطه با اشغال چکوسلواکیا با عتراض پرداختند هریک از آنها تحت هردو ماده ۱۹۰–۱ و ۱۹۰–۳ متهم و محکوم شدند. محکمه چنین فتوای صادر نمود که شعارهای مثل (مرگ بر اشغالگران به اساس (به جمهوریت سوشلیستی چکوسلواکیا مداخله نکنید) (آزادی برای دوبچک) و (بخاطر آزادی شما و ما) که برروی پلی کاردها و یا اعلان و آگهی های که مظاهره چیان با خود حمل میکردند (بگونهٔ صریح ممثل و بیانگر کذب و دروغ خود ساخته و پرداخته که دولت شوروی و سیستم اجتماعی آن

رابی اعتبار جلوه داد)

مثال دیگر کاربرد و اعمال این میتود ماده های جدید مصادف به محاکمهٔ (ولادیمیر بوکوفسکی، وادیم دی لون و ایوگنی کوشیو) در آگست سال ۱۹۶۷ است، که آنها نیز تحت ماده ۱۹۰–۳ جهت سهمگیری آنها در یک مظاهره مختصر و کوچک در چهار راهی یا میدان پوشکین ماسکو در برابر تصویب ماده ۱۹۰–۱ و ۱۹۰–۳ به مظاهره پرداختند. مدعی العموم در بیانیه نهائی اش در محکمه چنین اظهار داشت:

اساسات و شالوده ها در امر کاربرد و اعمال ماده ۱۹۰–۳ قرار ذیل است:

شهروندان شوروی در امر عدم توافق با پارهٔ از مسائل به شمول اقدامات و کارائی مقامات مسئول دارای یک سلسله وجائب و حقوقی میباشند که با ید اظهار کنند، اما برای دسترسی به آن یک طرز العمل نظم و قانون وجود دارد و در ضمن سر براه انداختن مظاهرات، متهمین این طرز العمل را تعقیب نمی کردند، فلهذا مرتکب نقض نظم و آرامش میشدند. تخلف و نقض شکنی از صلح و آرامش خشن بود خشونت بخاطر گستاخی و غرور بود. تبارز گستاخی آنها در واقع با انتقاد آنها از قوانین موجود و فعالیتهای کارمندان امنیتی آغاز گردید، فلهذا حاکمیت خود شان را در معرض خطر قرار میدهند. در اساس، نظم عامه در نتیجهٔ شعار دادن ها مورد تخلف قرار گرفت. هر سه مدافعین مقصر شناخته شدند.

این قوانین جدید، توأم با ماده های ۷۰ و ۷۲ بسا اوقات به بسا افراد یکه عقاید و اندیشه های مختلف و متفاوت

سیاسی را اظهار داشته اند و کسانیکه حقوق اساسی و قانونی شان را درجهت (آزادی اجتماعات) به یک طریقه غیر موءجه و غیرقابل تحسین درقالب عمل ریزند، پیشرفت وانکشاف نشرات سامزدات (نشریهٔ محرمانهٔ مردم یا شب نامه) (نشریهٔ که از طرف مردم بگونهٔ محرمانه نشروتوزیع می گردد). بهبود وانکشاف درنشرات محرمانه بمثابهٔ یک علاج وچاره سازی دربرابر نشرات رسمی که درمواظبت و کنترول رسمی قرار داشت سرانجام به گرفتاری وتوقیف تعداد وسیع وگسترده ای از مردم تحت عنوان اتهامات تهیه و تدارک، دارا بودن ویا توزیع این نشرات محرمانه غیر دولتی مواجه گردید. از آنجائیکه تولید، تملک، یا توزیع ونپخش نشریهٔ محرمانه درتحت شرایط قانون شوروی متروک قرار نگرفته بود، مقامات مسئول درتلاش وجستجوی امکاناتی بودند که از طریق تعقیب ویورش بردن بمحتویات اسناد ومدارک این نشرات محرمانه بمثابهٔ یک نشریه ضد (شوروی) ویا (بعنوان اکاذیب وافتراء دولت شوروی وسیستم اجتماعی آن) به آن خاتمه بخشند.

یک یادآوری از روحیه ایکه درآن اینگونه فعالیت دررابطه با محاکمهٔ (میخائیل خیفیتز) (M: KHIFITS) در سپتمبر سال ۱۹۴۷ به پیش برده میشد دررونوشت این نشریه محرمانه تدارک دیده میشد.

(آقای خی فیتز) یک نویسندهٔ جوان از لیننگراد متهم به (پروپاگندا وتبلیغ ضدشوروی) دررابطه با نوشته ها یش به شکل یک مقاله پیرامون اشعار (جوزف برودسکی) شده بود. درمحکمه آقای (خی فیتز) اعتراف نموده بود که

او یک مسوده‌ء از مقاله‌اش را در بین رفقایش روی اظهار نظر آنان پیرامون مقاله‌اش توزیع وپخش نموده بود واکنش مدعی العموم را از رونوشت استخراجی ذیل می توانید بدست آرید :

مدعی العموم ـ آیا شما چنین وانمود میکنید که (مقاله‌شما) ضدشوروی بوده؟

آقای خیفیتز ـ نه بطورکلی.

مدعی العموم ـ آیا این عوض شد؟ آیا بگونه‌ء ضدشوروی باقی می ماند؟

آقای خیفیتز ـ با آن درحال اختلاف (قرار می گیرد)

مدعی العموم ـ اما سیزده تن آنرا مطالعه کرده اند!

آقای خیفیتز ـ سیزده تن درنتیجه‌ء مطالعه آن، آنرا تبلیغ وپخش نکرده اند ویا توسط آن انگیزه به تحریک واداشته شده اند!

مدعی العموم ـ نه خیر، حتی این موضوع تحریک وتبلیغ وانگیزه ضدشوروی بوده است وروی موضوع مبرم ومصربوده

درنتیجه آقای خیفیتز به جرم (تحریک وآشوب ضدشوروی) برای چهارسال دریک رژیم سخت گیرانه کمپ کارگران تأدیبی واصلاحی محکوم قرارداده شد ودوسال تبعید نیزبرآن علاوه گردید.

همچنین قانون جزائی شوروی یک سلسله ماده های نیزپیرامون این نوع جرائم درخوددارد که حقوق همشهریان را درامر (آزادی مذهبی) سلب میکند. ماده ۱۴۲ قانون جنائی اراس اف اس ار RSFSR چنین اداممیدهد: تخلف ازقوانین پیرامون انفکاک وجدائی کلیسا و

دولت وکلیسا ومکتب . تخلف ازقوانین ودستورالعملهای
جدائی کلیسا ودولت ودولت ومکتب وکلیسا با یکسلسله از
مشاغل وکاروبارتأدیبی واصلاحی برای یک مدت زمانیکه
بیش ازیکسال نباشد ویا درنتیجهٔ پرداخت جریمه که بیش
از پنجاه روبل نباشد مجازات خواهند شد .

عین عمل توسط یک شخصیکه قبلا هم به تخلف ازقوا-
نین جدائی کلیسا ودولت ودولت ومکتب وطورشایدو باید
فعالیتهای سازمانی که هدف آن درامرارتکاب به چنین
عملی باشد ، با محروم ساختن آن ازآزادی برای یکمدت
زمانیکه بیش از سه سال نباشد مجازات خواهد شد .

این قانون بطورکلی مبهم به نظر می‌آید ،متخلفین
تحت این ماده صرف روی یک قانونیکه ازطرف هریک ازشو-
رای عالی کارگران ورنج بران هریک ازجمهوریتهای
اتحادشوروی بسال ۱۹۶۶ ازآن تعریف بعمل آمده است در
بین سایرچیزها ، تصویب نامه سال ۱۹۶۶ آموزش سازمان
داده شده وسیستماتیک پرنسیپ های مذهبی را به معدنچیان
غیرقانونی اعلام میکنند . این موضوع قابل پرسش استکه
تاکدام پیمانه این جریان به ماده ۱۲۴ قانون اساسی
اتحادشوروی که چنین تصریح میکند (آزادی وجدان) و
(آزادی مراسم وعبادات مذهبی وآزادی تبلیغات وپرو-
پاگندای ضدمذهبی... برای کلیه همشهریان) مجازاند و
اعتراف میکنند، درمغایرت وتضادواقع میشود. فرمان
سال ۱۹۶۶ به گونهٔ صریح با پیمان ومعاهده پیرامون
امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی (که ازجانب اتحادشوروی
به امضاء رسیده است) که حقوق کلیه والدین را در جهت

آموزش اطفال شان طبق معتقدات آنها تصریح میکند در تضاد ومغایرت واقع میشود. مگربا آنهم، این فرمان کاملا با اساسات قانون فامیلی وازدواج اتحادشوروی ساز گاراست. ماده ٔ اول اخیرالذکربه مشابه ٔ یکی ازوظائف اساسی قانون فامیل اتحادشوروی دررابطه (با ازبین بردن نهائی بقایای خطرناک ومراسم دوران گذشته در روابط فامیلی) یک کته‌گوری که آموزش وتعلیم مذهبی هم درآن شامل است، میباشد. همین نهادها (ماده ٔ ۱۸) همچنین توضیح می نمایدکه (والدین اطفال شانرا بروحیه ٔ قانون معاشره ٔ بنیانگذاران کمونیسم باید آموزش وتعلیم دهند).

پیروان مختلف العقیده انجیل عیسوی وابسته بغسل تعمیدبرای حقوق شان چنین استدلال میکنندکه اطفال شانرا باروحیه ٔ مذهبی که اشاره به تصویب نامه سال ۱۹۱۸ جدائی کلیسا ازدولت ومکتب ازکلیسا، که بامضاء لینن نیزرسیده است، وقسما چنین توضیح میدهد:
(همشهریان رهنمودهای مذهبی رابگونه ٔ خصوصی میتوانند فراگیرند). فرمان شورای کمیساری توده ای دررابطه با جدائی کلیسا ازدولت ومکتب ازکلیسا (۲۰ جنوری سال ۱۹۱۸)

ماده ۱۴۲ قانون نامه ٔ ۱۹۶۰ طوریکه طبق قانون مصوبه ٔ سال ۱۹۶۶ بعدازیک سلسله ترمیم وتعدیل روی تخلفات مذهبی که غالبا دربرابربرساازاعضای جناح مخالف پیروان انجیل عیسوی تعمیدیون بکاررفته است، می باشدبخاطراینکه آنها ازتسلیم شدن به یک سلسله قیودات شدیدبرفعالیتهای مذهبی که دراوائل سال ۱۹۶۰ تحمیل شد

اباء ورزیدند. تعمیدیون مخالف (غالبا آن به مثابه ء ریفورم اشاره میکنند باپتیست ها یا (انیت سیا تیونیکی) ازسازمان برسمیت شناخته شده وابسته به هواخواهان انجیل عیسوی باپتیست قطع علاقه نمودند. چه بسا ازباپتیست های مخالف تحت بازداشت قرار گرفتند ویا ازطرف محاکم تحت ماده ۱۴۲ ازادعای حقوق والدین بالای فرزندانشان محروم ساخته شدند واین حقوق ازآنها سلب گردید، عمدتا برروی اتهامات رهنمائی وآموزش اطفال شان برمبنای پرنسیپ های مذهبی برخوردرسمی مختصرا آنچه که توسط مدعی العموم بسال ۱۹۶۶ درجریان محاکمهء (گینادی کری اوچ کوف) وگریگوری وینز) دوتن ازسخنگویان برجسته باپتیست های مخالف اظهارگردید.

(گری اوچ کوف) به مثابهء یک قهرمان، مردمانیکه آنها، درمخالفت ازقانون ونادیده انگاشتن آن،هدایات ورهنمودهای را به اطفال خوردسن میدهند. این وضع برخورد آنهادررابطه خطاکاران ویا متخلفین قانون خصوصا افتضاح آمیزاست.

(کری اوچ کوف) و(وینز) ازایدیالوجی که مسلط براجتماع ما است بهترمطلع اندچیزیکه با مذهب کدام پیوندی ندارد. هنوز، باوجودایدیالوجی خودما وباوجود اینکه آنچه درموء سسات آموزشی ومکاتب تدریس می شود، آنها راه ومسیرشان را می پیمایند ورهنمودها وهدایات مذهبی را به اطفال شان سازوبرگ میدهند.

بگونهء سپتمبرسال ۱۹۷۴، درحدودیکصدوهشتاد تن ازتعمیدیون(باپتیست ها) مخالف، بخاطر (جرائم) و

تخلفات مذهبی محکوم بزندان گردیده اند. در اواخر سال ۱۹۷۴ مقامات رسمی شوروی به نمایندگان جامعه باپتیست جهانی که از این کشور بازدید می نمودند چنین اعلام داشتند که در حدود شصت تن از باپتیستهای مخالف روی مسائل عفو عمومی درجریان دوماه قبل از حبس آزاد شده اند. اطلاعاتیکه از آنوقت به بعد از طرف اتحاد شوروی صادر شده است موءید این بیانیهء رسمی است.

بتعداد کثیری از عیسوی های اورتودوکس، بودیستها، مسلمین وسایر حامیان وپیروان ادیان در اتحاد شوروی بخاطر (تخلفات) مذهبی تحت بازداشت قرار دارند تعداد مجموعی از زندانیان مذهبی هنوز معلوم نیست. مگر با آنهم از تکرار واقعه در رابطه با آنها آنچه در گزارش وبیانیه ها از طرف زندانیان وزندانیان سابق، زندانیان که روی عقاید مذهبی بزندان انداخته شده اند از یک تناسب معین مجموع تعداد زندانیان وجدان به موضوع میتوان قضاوت کرد.

رهبران دسته های مذهبی خصوصا تحت ماده ۲۲۷ قانون جزائی ار اس اف اس ار (یا معادل آن در سایر جمهوریتهای متحد) درمعرض زندانی شدن قرار دارند. ماده ۲۲۷ چنین ادامه میدهد:

تخلف وتجاوز از فرادوحقوق همشهریان درزیر انجام مراسم مذهبی، سازماندهی ویا رهبری کردن یک گروپ که فعالیت آن بمنظور تبلیغ عقاید مذهبی وانجام مراسم مذهبی با شد ارتباط با عوامل ومسببات خطر به صحت وسلامتی همشهریان محسوب گردیده ویا سایر تخلفات وتجاوزات

به‌حقوق افرادویا همشهریان، ویا ناگزیرساختن و فراهم ساختن موجبات برای همشهریان درامرخودداری ازفعالیت اجتماعی ویا انجام کاروبا رومشاغل کشوری یا شهری ویا باکشاندن معادنچی ها به‌چنین یک سازمانها ،با سلب ومحروم ساختن آن ازآزادی برای یک مدت زمانیکه بیش ازپنج سال نباشدویا درنتیجهٔ تبعیدکه‌درتحت عین شرایط قرارگیردیا با مصادرهٔ اموال وملکیت وی ویا بدون مصادره‌حکم مجازات علیه‌آن مرعی الاجراء قرارخواهد گرفت .

سهمگیری فعال درفعالیت یک گروپ که‌درپاراگراف یک ماددفعلی مشخص شده‌است ، ویا تبلیغ وپروپاگند ا سیستماتیک که‌منظوروهدف آن ارتکاب چنین اعمال باشد فلهذا درنتیجهٔ محرومیت آنها ازآزادی برای یک مدت زمانیکه‌بیش ازسه‌سال را دربرنگیردویا با تبعید کردن آن برای همین مدت زمان مجازات خواهدشد ، ویا باکارو باروشاغل تأدیبی واصلاحی برای یک مدت زمانیکه‌بیش ازیکسال را دربرنگیردمحکوم خواهدگردید .

تذکر: اگرحرکات وفعالیتهای افرادطوریکه‌درپاراگراف دوم ماده‌موجوددازآن تذکررفته ، وافرادخودشان کدام عامل خطربزرگ اجتماعی پنداشته‌نشوند ، اقدامات فشارا جتماعی علیه‌آنها سردست گرفته‌خواهدشد (بیرمن و شپیندلر) درهمانجا (اقدامات فشاراجتماعی) نه تنها شامل مجازات کدازطرف محاکم تجویزگردیده‌است میباشد بلکه‌دراخطارها ، درتوبیخهای رسمی، جریمه‌های کوچک و امثال آن . اقدامات مکافات ومجازات کدازطرف سازمان

های اجتماعی ومحاکم تعیین میشود) مواردمتعددی نیز وجوددارد که درآن فعالیتهای مذهبی کشیشان اورتودوکس وروم‌ن کاتولیک ومرشدان وکشیشان مخالف باپتیست در نتیجهٔ تحقیق وبررسی مقامات رسمی ومحاکم برای اینکه تحت ماده ۲۲۷ مجرم شناخته شود چنین تعبیروتفسیر شده است.

دراین اواخرکاربردوتطبیق مضحک بی تناسب مادهٔ ۲۲۷ درمورد (بیدیا دنداورون) اتفاق افتاد. (مسئلهٔ آقای دنداورون درتاریخ شرح وقایع مسائل معاصر" نشرات مصئونیت نشرات بین المللی لندن۱۹۷۵" تذکررفته است نمبر ۲۸، صفحه ۲۴ و۲۸. شرح وقایع اخیریک ژورنال وابسته به سامزدات است که درمسکوبچاپ میرسدا ما محرمانه وصرف درامرگزارش ازتخلفات حقوق بشردراتحاد شوروی وقف شده است. به‌گونه منظم از ۱۹۶۸ بداینسوبه‌فعالیت آغازکرده با یک وقفه ازاکتوبر ۱۹۷۲ تا می ۱۹۷۴ مصئونیت بین المللی ترجمه‌های انگلیسی این شبت وقایع را از ۱۹۷۰ بداینسوطبع ونشرنموده است. درموردمسئله دندا-رون همچنین مراجعه‌شودبه مذهب درکشورهای کمونیستی (کیستن کالج، کینت انگلیند) جولای، اکتوبر ۱۹۷۳، صفحات ۴۳، ۴۷ واوبزرورلندن اول دسمبرسال ۱۹۷۴) – آقای دندارون، متولدسال ۱۹۱۴، پسریک پیروبودائی سرشناس وابسته‌به‌جناح لاما تقریبا برای مدت بیست سال درکمپهای زندان اتحادشوروی بعدازه ۱۹۳۷ خدمت کرده، ودوباره به مقامش برگزیده شد (که این موضوع بگونه رسمی ازینکه وی بیگناه بوده اعتراف شده خصوصا به‌سال ۱۹۵۶

بیماران روان پزشکی دربیمارستانها وزندانهای اتحاد شوروی بخاطر معتقدات سیاسی ومذهبی حیاتشانرا سپری میکنند.

درجریان بیشتر ازچهارده سال کاروفعالیت پیرامون تخلف از حقوق بشری درسراسردنیا مصئونیت بین المللی اسناد ومدارک معتبروبی شماری را پیرامون برخورد و سلوک ودرعین زمان شرایط واوضاع زندانیان وجدان در اتحادشوروی اندوختهاست . این گزارش ، یکی ازمفصل ترین اطلاعاتیکهتا حال توسط مصئونیت بین المللی در یک کسوروا حدتهیهوتدارک دیدهشدهاست محسوب می شود ، توجههمگان را پیرامون این اسناددرامرتمثیل یک محاسبهوارزیابی تحلیلی درارابطهبا اوضاع زندانهای شوروی وکالونی های کارتأدیبی واصلاحی کارگران و برخوردهای قانونی ودرمانی طبی زندانیان وجدان کهآن ها درموءسسات روان پزشکی تحت بازداشت وتوقیف قرار دارندجلب میکند.

همچنین توضیح دهندهٔ این موضوع نیزهستکه چرا تجارب مصئونیت بین المللی هرگزتبرئهساختن مدافعین سیاسی دراتحادشوروی نبودهاست وهمچنین این موضوع را نیزوانمودمیکندکهچسان ملاحظات سیاسی بعضا قوانین جنائی وتئوری آنرا تحتالشعاع قرارمیدهد.

گزارش باتوصیهها وسفارشهای مفصل به مقامات شوروی درجهت بهبودامورجزائی شوروی وبرخوردبا افراد مظنون کهازنظرروانی بیمار اند، موضوع را خاتمه می بخشند.

او فلهذا به مطالعه بودیسم وکلتور مردم تبت پرداخت و بحیث یک کارشناس ما هردرین رشته قرار گرفت . در اولان اودی(دربوریاتیا ، یک ناحیه که با یک عنعنه نیرومند بودائی) است حیات بسر میبرد . آقای داندارون)شاگردان زیادی راکه آنها درمطالعهٔ کلتورشرقی علاقمندی ازخودنشان میدهند بخودجذب نموده است . طبق یک نامهٔ محرمانهٔ سازمان امنیت دولتی (ک.گ.ب.) شوروی ازطرف همقطاران آقای(دندارون) یک انجمنی که برمبنای(دوستی ومنافع مشترک) بودپی ریزی شد .(نامهٔ مجهول ومحرمانه نشرات وابسته به غیرحکومتی به وی. ای گوروایدوف ، رئیس شورای مسائل مذهبی درارابطه با موضوع با شورای وزرای اتحادشوروی را بطه برقرارنمود (پانزدهم فبروری سال ۱۹۷۳) روی مسائل مذهب درسرزمینهای کمونیستی(کیستن کالج، کینت ، انگلیند) جولای ـ اکتوبر۱۹۷۳ صفحه ۴۳)

درآگست سال ۱۹۷۲، آقای دندارون بازداشت و تحت ماده ۲۲۷ قانون جزائی اراس اف ار محکوم شناخته شد . صورت حساب واعلان فرجام خواهی وی را به قیادت از فرقه بودیست بخاطرهنمائی حامیانش در (قربانیهای خونین) (رابطه دستوری) (تلاشها درامرکشتار وضرب شتم اعضای پیشین فرقه که آنها درتلاش قطع رابطه با آن بودند) و (پیوندها با کشورهای خارجی وصهیونیسم بین المللی): متهم قرارداد .

بساازموارداتهام آقای دندارون درجریان محاکمه وی دردسمبرسال ۱۹۷۲ در(اولان اودی) تخفیف داده شدو یا ازنظراندا خته شد . فلهذا محکمه به مثابهٔ اتهامات

ثابت شده از اینکه (گروپ دندارون) میتینگ های نیایش را برگزار ساخته بودند و یک تخصیصیه مالی غیرمجاز برای این منظور تدارک دیده شده بود و آقای (دندارون) به مثابهٔ یک مربی روحانی هندوها در برابر آن دسته قرار گرفته بود.

آقای (دندارون) در نتیجهٔ آن به پنج سال محرومیت از آزادی محکوم شد، و در کلونی تأدیبی و اصلاحی کارگران به نزدیکی جهیل بیکال بتاریخ ۲۶ اکتوبر سال ۱۹۷۴ درگذشت یک تعداد از همکاران وی نیز همچنین تحت عنوان قانون جنائی متهم شناخته شده و کار آنها به تشخیص های روان پزشکی راجع ساخته شد که در نتیجه از نظر روانی بیمار تشخیص داده شدند و به موءسسات روان پزشکی سپرده شدند. هردو قانون نامهٔ جنائی ار اس اف اس ار (ماده ۱۴۳ ممانعت از انجام مراسم وشعائر مذهبی) و نظامنامه سال ۱۹۶۶ شورای عالی اتحاد شوروی در چنین موارد، مجازات آنها را مطالبه میکند بدین معنی آنها را که در جهت اجرای حقوق مراسم مذهبی همشهریان مداخله می کنند، هنوز در بسا جاها، لست معتقدین که در موءسسات و بنگاهای تولیدی مکاتب استخدام شده اند. اطفال از فامیل معتقدین به انواع و اشکال مختلف ارعاب و وحشت مواجه شده اند.

باپتیست های مخالف غالبا شکایت از این دارند که آنها در امر استخدام و تعلیم در معرض تبعیض قرار میگیرند (که یک تخلف صریح از قانون مصوبهٔ سال ۱۹۶۶ با دقت ومهارت پیرامون محتوای ماده ۱۴۲ قانون نامهٔ جزائی وجنائی ار اس اف اس ار میباشد) موارد خیلی مستند با پ

تیست های مخالف وجوددارد که تحت ضرب وستم قرار گرفته اند وحتی درا ثنای عملیات پولیس دربرابر اجتماع مذهبی حتی مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند . بگونهٔ مثال (نکلای ایوانوویچ لویکه) او منسک توسط یک افسر شبه نظامی کیپتن(تولی مشرپیا ترلویکا نوف) درا ثنای یک عملیه پولیس دربرابر یک اجتماع نیایش ودعا خوانی در یک جنگل نزدیک ماجی لیف دربیلوروس بتاریخ دوم ماه می ۱۹۷۴ مورد اصابت گلوله قرار گرفت وبشدت جراحت برداشت . درحالیکه به هردوی این ماده های ۱۴۲ و ۲۲۷ بطور منظم درموارد جنائی بدان علیه ارادتمندان مذهبی استناد میشود که مقامات مسئول حکومتی وپولیس درارابطه با اذیت ونارا حتی که جدا از آن ممانعت شده است درارابطه با ارادتمندان مذهبی مقصرشناخته شوند وچنین می نماید که کدام تعامل قانونی هم درزمینه وجودنخواهدداشت .

توقیف وبازداشت

درارابطه با موضوع طرزالعمل های مسلط بر جریان امورجهت تلاشی، بازداشت وتوقیف بدون محاکمه اصول وضوابط سخت ودقیقی وجوددارد . هیچکسی بدون تجویز کتبی وکیل یا عامل نمی تواند بازداشت گردد . درحالیکه هنوزسعی وتلاش درامرتوقیف وبازداشت برروی شالوده دقیق قانونی سردست گرفته شده است فلهذا ادعای استبداد وخودکامگی می تواند مردودشمرده شود . نمونه های مثال خیلی مستندطرزالعمل تخلفات وحتی عنف وجبر و بی

حرمتی های جسمی اکثرا به نظر میخورد. چنین انگاشته می شود که چنین وحشت های علنی از مشی عمومی آن منشأ می گیرد. اما بیشتر این موضوع ارتباط دارد به بیروکراتهای محلی و مقامات مسئول پولیس. مگر با آنهم، امکان در امر تخلف و تخطی از طرز العمل حقوق شخصی متهم و یا مظنون ریشه های خیلی عمیق و نیرومندی در قانون شوروی از نگاه عملی شکایات خصوصا از طرف قربانیان که در زمره نارا- ضیان سیاسی قرار می گیرند و یا معتقدین مذهبی، بخودی خود اعتراف نموده اند و یا اینکه با ظاهر شدن موضوع نقش نه چندان موءثری میتوانند داشته باشد.

طبق قانون، بازداشت قبل از محاکمه در جریان یک تحقیق مقدماتی در تحت هر نوع شرایط و پیش آمد های بیش از نه ماه به درازا نمی کشد. اگر تحقیق بیش از این حد به درازا بکشد زندانی از توقیف تا زمان محاکمه وی با ختم شدن موارد و کیفیت دوسیهء وی آزاد گردد (مراجعه شود به طرز العمل قانون جزائی ار اس اف اس ار ماده ۹۷) علی الرغم این لازمه و نیاز، افرادیکه به جرم سیاسی متهم باشند کارشان بیشتر از این به درازا میکشد که حتی بدوازده ماه می انجامد (بگونهء مثال یوری گالانسکوف، الکساندر گینزبرگ، پتراس پلمپا پلویرا، پوویلاس پتروپنس یوناس شتاساتیس) و حتی (پیاتریا کیر) کار آن به چهارده ماه کشید.

طبعا هرگونه تلاش قانونی در زمینه موءجه جلوه دادن اینگونه تخطی ها صورت گرفته، یک استثنا در مورد یک ریاضی دان یوکراینی بنام (لی او نید پلوشه) بوقوع پیوسته

که درجنوری سال ۱۹۷۲ تحت توقیف قرار گرفت وتا جنوری سال ۱۹۷۳ محاکمه نشد. امر تحقیق وبازپرسی چنین اعلام داشت که شورای عالی اتحاد شوروی بگونه رسمی تمدید دوران تحقیق (پلیوشه) را به یکسال رسانده، وازینکه (نیکلای پودگورنی ومیخائیل گیورگادزی) مرتبا صدر شورای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ومنشی آن، این فیصله نامه را امضاء نموده اند.

اشخاصیکه در توقیف وبازداشت قرار دارند تا زمان محاکمه میتوانند از مدعوئین بازدید نمایند، با قانون دانان یا وکیل قانونی ملاقات نمایند ویا با (خویشاوندان ویا سایر همشهریان تا زمانیکه مقامات مسئول تحقیق وبازپرسی به آنها چنین چیزی را مجاز دهند میتوانند مکاتبه نمایند. بعداً آنها بطور قانونی بعد از توقیف وبازداشت آنها تا مدت نه ماه با سایرین علاقهء آنها قطع می شود.

(گابریل سوپرفین) یک دانشمند وادیب ماسکو در جولای سال ۱۹۷۳ به جرم (تحریک ضدشوروی وتبلیغ) جهت انتخاب یک وکیل مدافع اجازه برای وی داده نشدونا گزیر شد که متون مندرجه گرد آوری شده را درجریان تحقیق وبازپرسی مقدماتی بدون همکاری ومعاونت یک وکیل قانونی شخصا موردمطالعه قرار دهد، علیرغم ماده های ۲۰۱ و ۲۰۲ طرزالعمل قانون نامه جنائی ازاینکه شورای دفاع در اثنائیکه متهم درامر بازرسی دوسیه اش قبل ازاینکه به فرجام خواهی تشبث کند بدان نیاز دارد.

مسئله ضمانت بگونهء خیلی مشکل غیرمحتمل جلوه می کند خصوصا درموارد سیاسی اکادمی سین (اندری سخاروف)

وخانمش (ایلینا بوتر) برای (یوری سیخا نوویچ) یک ریاضی دان بعدا زینکه اخیرا لذکر در خزان وزمستان سال ۱۹۷۲ (تحت ماده ۷۰) به جرم داشتن نشریه (ضدروسی) مدت چهار ماه را درزندان سپری نمود به ضمانت نامه وی اظهار آمادگی ابراز داشتند. گرچه بگونهٔ واضح وبرجسته کاملا مناسب وسزاوار ضمانت نامه بودند، اما به اکادمیسن (سخاراوف) ازطرف مقامات مسئول کا،جی،بی درجریان یک مصاحبه به وی چنین اطلاع داده شد (کی،جی،بی) وی را بعنوان یکفرد که او بتواند نیازهای را که درارابطه با چنین موارد لازم دیده شده متقاعد کننده پندارد. درر ویدادها و پیش آمدها، آقای شیخا نوویچ برای یکسال بدون اینکه بتواند باخانم اش ویا حتی با وکیل مدافعش صرف برای یکبار ملاقات کند دربازداشت بود.

شورای دفاع

طرزالعمل های دفاع ازقانون طوری که درین اواخر به تصویب مقامات شوروی رسیده است عموما از نگاه حقوق بشری قابل قبـــول پنداشته میشوند. مگربا آنهم کاربرد وتطبیق آن درموارد سیاسی منظما یک سلسله نارسائی ها ومشکلات را درارابطه با حقوق متهم ونقض قوانین شوروی به بارمی آورد.

طبق ماده ۲۶ طرزالعمل وتعامل قانونی جنائی ار اس اف اس ار، ومطابق به نظامنامه های مشابه هریک از سایراصولنامه های جمهوریت های اتحادشوروی، متهـــم دارای چنین حقوقی است که شورای دفاع ازحقوق وی دفاع کند ویا میتواند وکیل مدافع داشته باشد. مطابق به ماده

۴۸ تعامل قانونی جنائی اراس اف اس ار متهم میتواند وکیل مدافعش را برگزیند ، واگر او (متهم) با زپرس و یا محکمه را درامر گزینش وکیل مجاز میداند و با یدرضایتش را درامرانتخاب وکیلش اظهار نماید .

اما با آنهم ارزش واهمیت وکیل به حیث یک مدافع درنتیجهٔ یک سلسله عوامل محدود گردیده است . در کلیه موارد مختلف ، متهم میتواند طبق اجازه مقامات مسئول با زپرس وکیل مدافعش را ملاقات کند (مراجعه شود به اصول نامهٔ تعامل جنائی ماده ۴۷ اراس اف اس ار). این موضوع حتی صرف زمانیکه متهم دربازداشت بدون محاکمه قرار داشته باشد بکار میرود ، یا به عبارهٔ دیگر متهم اگر بدون محاکمه تحت بازداشت قرار گرفته باشد درآن صورت میتواند از وکیل مدافع استفاده کند . از آن جائیکه افراد درباز داشت وزندانها بدون اینکه تحت محاکمه قرار گیرند حتی تا نه ماه نیز طول میکشد ، متهم کلیه تحقیقات و بازپرسی ها را بدون استفاده از وکیلش بسر میرسانند . درموارد سیاسی به شکل دیگران، حتی عوامل بیشتر خطرناک آن که موثریت حقوق متهم را درامر مشوره با وکیلش مانع میشود . کلیه وکلای مدافع دراتحادشوروی به چنین مشاغل وکار و بار عملی دست دارند به انجمن دارالوکاله ها پیوند و ارتباط دارند . قانون سال ۱۹۶۲ اراس اف اس ار پیرامون کار و بار و مشاغل دارالوکاله ها و یا وکلای مدافع چنین تقاضا و مطالبه دارد که (یک وکیل مدافع به مثابهٔ یک مدل و نمونهٔ رعایت وشدید غیرقابل انحراف وبرگشت ناپذیر قوانین شوروی باید باشند) نظیرسایرمقطاران آنها در

سیستم های قانونی وقضائی وکلای مدافع شوروی نه تنها یک تعهددربرابر موء کلین خوددارندبلکه بجامعهء شوروی نیزمکلفیت دارندمگربا آنهم ، امکان نقاظت بین این تعهدات ونقش حزب کمونیست اتحادشوروی درامرتشخیص و تعیین که کدام چیزها بدمثابهء عنصراساسی منافع جامعه پنداشته میشوددرحال تصفیه وسازش است . چه از آنجا ئیکه شصت فیصداز وکلای مدافع اعضاء داوطلب ونامزد حزب کمونیست اتحادشوروی میباشند ، این بمعنی آنست که آن ها دارای دونوع تابعیت وفرمانبرداری میباشند ، به قانون وبه حزب ، که تعامل با الخیرالذکراطاعت وفرمان برداری لازمی را با قوانین وپالیسی های آن ایجاب می نماید .

هروکیل مدافع دریک معضلهء دوجانبه که درامرگز ـ ینش وانتخاب بین(رعایت شدیدوانحراف ناپذیرقوانین شوروی) واطاعت وفرمانبرداری ازمشی حزبی قرارگرفته است .

این امربرای یک وکیل مدافع درامرارجحیت و سبقت به هریک ازمطالبات وخواستهای رسمی در مقابل خواستها ومطالبات پالیسی حزب نامناسب به نظرمیخورد . درموارد مدافعین سیاسی ازطرف زعامت حزب لازم دیده شده است (بگونهء مثال) که یک کسی(ضدشوروی) است ، یک وکیل مدافع کمونیست درفعالیتهای قانونی اش درنتیجه خواستها ومطالبات حزبی درتحت فشارگذاشته میشود .گذ ـ شته از ان باید گفت که حتی کسانیکه وابسته وپیوند به حزب هم نباشند به عین فشارها قرارمی گیرند ، گرچه نه بهمان

تنوع واشکال رسمی آن.

حتی درموجودیت اینگونه محدودیت های واقعی پیرامون اهمیت وارزش وکلای مدافع وکیل مدافع سیاسی یک وکیل مدافع را نسبت بدیگر بحیث یک مشاور دفاعی اش ازحجیت قایل شود. مگربا آنهم، درارابطه با موضوع یک سیستم فوق العادهٔ تصفیهٔ سیستم قانونی که به اصطلاح شوروی ها (دویوسکی) وجوددارد، که طبق آن صرف یک وکیل مدافع که مخصوصا حساب وی پاک وتصفیه شده است میتوانند درمواردیکه لازم باشد به (دوسیه های محرمانه) سری بزنند، یک کته گوری دراتحادشوروی که موارد سیاسی وقضایای وابسته بآن بدان تعلق می گیرد. این موضوع برقرارساختن اعتمادباپارهٔ ازوکلای مدافع درارابطه باخارج ساختن همنوعان شان ازصحنه، موقف وجهت گیری رسمی آنرا درشک وتردیدقرار میدهدازاینکه کلیهٔ اعضای انجمن وکلای مدافع واجداین خصلتهای معنوی وحرفوی بوده، و منعکس کننده نظرات رسمی روی این موضوع میباشند از اینکه هیچ چیزجریانی راکه درنتیجهٔ آن محاکمات سیاسی باقاطعیت تصمیم گیری شده است منقلب سازد.

بخاطرسیستم تصفیه ها، مدافعین سیاسی بعضا به گونهٔ موٴثرازحقوق شان درامرگزینش وانتخاب شوراى دفاعی شان محروم ساخته شده اند، که بهترین مثال آنرا میتوان (ولادیمیربوکوفسکی) بسال ۱۹۷۲ یادآوری نمود.

وچیزمهمترازان که باآن دریک ردیف قرارمیگیرد واقعیتی است که وکلای مدافع که دارای تصفیهٔ حساب مشخص باشندغالبا درامرمواجه شدن به خطروازدست دادن

آن درنتیجه یک عمل فوق العاده جسورانه ومتهورانه در فعالیت دفاعی شان محضا بی میلی بخرج میدهند جهت برائت وبرآمدن ازعهده کاری استدلال اقامه میکنند ودر امر تسکین وتخفیف ازمعضله تلاش به خرج میدهند .

برخی ازقانون دانان مصمم وانعطاف ناپذیر که آن ها درامردفاع ازموء کلین شان آنقدردرست ومستقیم موضع گیری می نمودند که سرانجام ازنگاه سیاسی درردیف نا ـ راضیان که به یک سلسله عملیات تشبث کردند متهم گردیده اند وصورتحساب تصفیه شده وبلا مانع شانرا توأم با حق دفاع درموارد سیاسی ازدست داده اند (بگونهء مثال اس کالیستراتووه ، دـ کامینسکایا ویو. پوزدی ایو) می باشد یادآوری وتذکرازمثالهای آن ها برای همقطاران شان یک امردلگرم کننده وتشویق کننده درانجمن وکلای مدافع نمی باشد . درموارد مختلفه سیاسی طرز برخورد و سلوک درامردفاع با عطالت وبدون انگیزه وخیال بوده ، وشورای دفاع بعضا بااینگونه اتهاماتی که دربرابرموء ـ کل وی سربرا ه انداخته شده صرف محکومیت کمتر ویا تخفیف محکومیت را نسبت به برائت وی تقاضا می نمایند .

همچنین یکسلسله مواردیگری هم پیرامون تعقیب بی درنگ وکیل مدافع که اودرامرمصالحه وسازش جهت دفاع ازموء کلین سیاسی سرپیچی وامتناع ورزیده است نیزبه نظرمیخورد . بهترین مثال دراین موردمیتوانداز (ب . ای. ذولوتوخین) یک قانوندان برجستهء ماسکو که وی از (الکساندرگینزبرگ) بسال ۱۹۷۸ درماسکو دفاع نمود . دفاعیهء آقای (ذولوتوخین) ازجانب رفقای آقای

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

توسط ا رتین ا ینا لز ، منشی
عمو می، مصد نیت بین ا لمللی

درجولای سا ل ۱۹۷۴نما یندگا ن ا نجمن قا نون دا نا ن شوروی یـ. مسوده ٔ ا سا سی قا نو ن گذا ری کا رتأ د یبی وا صلاحي کا رگری را درما سکوتسلیم هیئت نما یندگی کمیتهٔ اجرا ئی بین ا ملللی مصئونیت بین ا لمللی نمودند. قا نو ن دا نا ن جنـ ن تأ کیدنمودند ، درحا لیکه یک چا رچوب صلاحیت برا ی هریـک ا زموٴ سسا ت جمهوریـت ها ی سوشلیستی ا تحا دشوروی و ـوددا رد (بنیا دگرا یا ن) خو د شا ن جهت محا فظه ونگهبا نی ز ندا نیا ن وا وضا ع وا حوا ل آ نها نسبت به آ نچه که توسط ستا ـدا ردومعیا رها ی اصغر ی موٴسسه ملل متحددرا مربرخوردوسلـ ک با زندا نیا ن که بیا نگرنورمها ی بین ا لمللی دررا بطه با ا وضا ع و شرایط محبس وزندا نها ا ست چیزبهتری را تدا رک دیده اند .

درضمن پذیرش ا ستا دشوروی، هیئت نما یندگی مصئو نیت بین ا لمللی تأ کیدنمودکه نظا منا مه ها وقوا نیـــن

(گینزبرگ) موردمدح وستایش قرارگرفت. مگربا آنهم، دربین پنج ماه (آقای ذولوتوخین) ازحزب از شورای عالی انجمن وکلای مدافع وازمقام وشغلش که بحیث رئیس دفترمشورتی قانون بود اخراج گردید.

استدلالیکه درزمینه ارائه گردید عبارت از این بود که (آقای ذولوتوخین) (باعدم پیوند وارتباط وی بحزب، که درامر دفاع از "گینزبرگ" که مشی غیرشوروی بود) اقامه گردید. سرانجام امرچنین شد که آقای (ذولوتوخین) ازحقوق ومزایای شغل وکاروبارش بعنوان یک قانوندان ووکیل مدافع محروم ساخته شد.

محاکمات درتجارب مصئونیت بین المللی هرگزچنین رویدادهائیکه برائت وکلای مدافع سیاسی را در اتحاد شوروی بخاطرداشته باشد به مشاهده نرسیده است. هیچ محکمهٔ شوروی کسی را که به جرم فعالیت سیاسی محاکمه کرده باشد دوسیهٔ مدعی العموم را روی وجوهات تخلفات ازتعامل که درجریان دوران تحقیق مرتکب آن گردیده یا روی یک سلسله ملحوظات ناکافی بودن گواهی واستدلال ردنکرده است.

چنین مواردزمانیکه آغاز شد به یک محکومیت میانجامد چنین میرساندکه محک ومعیار نسبت به مجرمیت جنائی عامل تعیین کننده واساسی پنداشته میشوند. استدلال جانب مقابل چنین خواهد بودکه مقامات مسئول تحقیق، کاروبارشان راکاملا انجام میدهندکه شانس لغزش و اشتباه دران وجودندارد. مگربا آنهم هیئت تحقیق

همواره راه مستقیم وصحیح را درپیش گیرند فلهذا تصمیم محاکم دررابطه با چنین مواردبی ارتباط به نظر میخورد به استثنای قرار وتصمیم گیری آنها درمورد محکومیت. گذشته از آن (لغزش ناپذیری ومصئونیت از خطا) ارگانهای تحقیق درظاهر امر صرف (درموارد سیاسی) جنبهٔ تطبیقی دارد. این موضوع یک پیش آمدوروید ادمهم برائت در موارد جنائی میباشد. این یک امرواضح است که درموارد سیاسی، وکالت، که ازنگاه رسمی پاسبان رعایت قانونی به نمایندگی ازیک سلسله ملاحظات ودیدگاههای "عالی" (سیاسی) به یکسو قرارداده شده اند، جهت متقاعد ساختن موضوع ازینکه فتوای علیه (مقصر) موردنظر قبلی درمواردسیاسی کشانده شده است ویا راجع ساخته شده است، محاکم شوروی منظما درامراتخاذ تصامیم واحکام که مستقیما بانورم های تعامل که قانون شوروی آنرا پی ریزی کرده است تخلف وتخطی ازآن محسوب میشود. ماده ۱۱۱ قانون اساسی شوروی چنین تصریح میکندکه با زجوئی وپرسش از کلیه مواردرکلیه محاکمات باز وکشوده خواهد بود، تا جائیکه قانون استثنا آت را مجاز ندانند. چه بسا ازمحاکمات سیاسی درواقع این قانون موجب استثنا آت میشود. جریان محاکمات غالبا بگونهٔ برجسته دراطاق خلوت انجام میپذیرد وبعضی اوقات از خویشاوندان نزدیک ودوستان متهم به این محکمه اجازه دخول را ندارند. البته به بهانه های مختلف ازینکه (کلیه چوکی ها بطورکلی اشغال شده است و چوکی خالی وجودندارد) محاکمه مؤرخ یوکراینی (والنتین موروز) بگونه رسمی دریک اطاق خلوت بدون حضور

حتی گواه مخصوص انتخاب شده وبدون کدام استدلال موءجه ورسمی صورت گرفت. غالبا محل، تاریخ ووقت محاکمه درآخرین دقایق تغییر میکندویا حتی بعدازآغاز جریان محاکمه این مسئله بوقوع می پیونددوابستگان وخویشاوندان متهم ازینکه آنها ازآنجه زجریان محاکمات کاملا آگاهی ندارندبا صراحت اعتراض نامه های راعنوانی مقامات مسئول به پیش کشیدند. ازآوان رویکارآمدن کمیته غیررسمی حقوق بشردرماسکو، تحت سرپرستی اکادمیسین ویا عضوفرهنگستان آقای (سخاروف) یکسلسله تلاش ها ازطرف اعضای وابسته بداین فرهنگستان، خصوصا از طرف عضوانجمن دانش (سخاروف) درجهت اشتراک به محاکمات سیاسی سربراه انداخته شده است، امابا آنهم به مقدارخیلی ناچیزبدافراد ووابستگان متهم جهت اشتراک اجازه نامه صادرمیشود. مظاهره چیان خارج از ساختمان های محکمه درجریان محاکمات مخالفین حکومت غالبا " توسط افرادمسئول محکمه وافراد (کی،جی،بی) کتک کاری شدندویا درواقعیت امربرای ساعتها ویا روزها به حال توقیف نگهداشته شدند.

بداخل اطاق محکمه (رئیس محکمه) که بعضی اوقات با یونیفورم مجهزمیباشدتوسط یک گادی مخصوص آورده میشود، جریان محاکمه را با تبصره های خصمانه وپرسروصدا ویا درجریان محاکمهء یک یهودی، با اخطاریه های ضد یهودی، ویا درامرصدوراحکام مبنی برتشدید بخشیدن محکومیت، مختل ساخته میشود. رونوشتها وسواد های محاکمات سیاسی را ومسیرشانرا درسا میزدات (نشراتیکه

از طرف مخالفین حکومت توزیع وپخش میکنند) درمییابند وچنین وانمودمیکنندکه دربسا مواقع مقالات بی شمار و متنوع اصولنا مهٔ جریان وتعامل جنائی موردتخلف قرار گرفته است (کتلاک چنین تخلفات را میتوان دریادداشت ها (پاول لیت وینوف) محاکمه‌چهارتن(نشرات پنگوئین لندن ۱۹۷۲ بدست آورد) تقریبا بگونهٔ ثابت درینگونه محاکمات شواهدیکهازطرف محکمه‌پذیرفته‌شده‌نا تکمیل به نظرمیخوردووزنهٔ تعادل به‌گونهٔ غیرعادلانه‌که‌به ضرر مدافع می انجامد، میباشد. دربسا مواردگواهان مدافع درجهت اجرای شهادت مجازشمرده‌نمی شوند. بعضا چنین اتفاق می افتدکه‌گواهان مدافع که‌روی این منظورخواسته‌شده‌اندجهت ادای شهادت جزآنچه‌توسط مستنطق‌استنباط ونتیجه‌گیری شده‌است ممانعتهای برای شان ایجاد می شود. چه‌بارهاتضادهاودروغهای آشکاردرامرثابت ساختن ومدلل کردن آن چه‌کدازطرف‌گواهان مدعی العموم از طرف محاکمه‌بدون اینکه‌کدام رقیبی درمقابل آنها قرار گیردموردپذیرش قرارگرفته‌است. چه‌دربسا موارد مدعی العموم بمنظورتشخیص آن(کارشناسان وروان پزشکان ماهر) راروی موضوع محصورساختن مدافعین سیاسی به تأسیسات عقلی وعصبی تجویزوسفارش میدهد. محاکم مسلما چنین تجویزوسفارشات راعلیرغم غیرقابل پذیرش بودن آنها به‌مثابهٔ یک واقعیت ثابت ومدلل می پذیرد. (جهت اطلاع بیشتربه‌موضوع به‌فصل ۷ توقیف الزامی در بیمارستانهای روان پزشکی مراجعه‌شود).

رسما مقام باصلاحیت که‌شهرهٔ آفاقی در محاکمات

سیاسی داشته باشند خیلی تعداد آن ها ناچیز وانکشت شمار است و زمانیکه اینگونه مسائل بوقوع می پیوندد ، در تمثیل و عرضه داشتن اینگونه جریانات قضاوت های یک جانبه در جریان امور دخیل بوده است ، که ناظر صحنه می تواند چنین استنباط بنماید که هدف از چنین شهرت آنها صرف جنبهٔ تبلیغاتی داشته تا ترسیم وتشریح حقیقت .

بگونهٔ مثال محاکمه (سنیاوسکی ودانیل) به سال ۱۹۶۶، محاکمهٔ (گینزبرگ وگالانسکوف) بسال ۱۹۷۸و در این اواخر محاکمهٔ (پیاتریا کیرو ویکتورگراسین) در آگست ۱۹۷۳ رسماً توسط خبرگزاری های شوروی بگونهٔ احساساتی که منظور آن بی اعتبار جلوه دادن متهم در انظار عمومی در داخل وخارج توأم با پیوند وارتباط آنها با سازمانهای ضدشوروی پناهنده کان گزارش داده میشود . بعداز محاکمهٔ (یا کیروکراسین) یک کنفرانس مطبوعاتی نیز دایرگردید صرف بخاطر استفادهٔ نامه نگاران خارجی، متهمین به گونهٔ رسمی به آنها نشان داده شدند ، وآنها نیز بنوبه خود بیانیه های تدارک دیده شدهٔ شانرا از اینکه مقصر ومجرم می باشند ابراز داشتند . پیش آمدیکه به مثابهٔ یک تبلیغات رسمی عملیات دربرابر روزنامه نگاران غربی درماسکو و برضدجنبش حقوق بشردر اتحاد شوروی اتفاق افتاد بگونهٔ مثال ایزوستیا ارگان رسمی نشریهٔ دولتی گفته های (یاکیر) را نقل قول میکند از اینکه آنچه که بعضی اوقات در اتحاد شوروی بنام (جنبش دموکراتیک) اش خوانند صرف تعمیل واجرای برنامه ها وتاکتیک های است در کشور توسط (سازمانهای جلا وطنان ومهاجرین ضدشوروی).

دررا بطه‌با موضوع مثالهای برجسته‌ء جرا یدو نشرات رسمی وژورنالهای شوروی را که‌بدانتقادویا رقابت بیک جمله‌ء (مقصر) درموارد سیاسی بپردازدوجودندارد. این موضوع درتضادومخالفت علنی وآشکارریکاردنشرات شوروی پیرامون مواردجنایات غیرسیاسی میباشد، که‌روی آنها نشرات شوروی درا مردفاع از افراد متهم روی وجوهات مختلف برحسب پیش آمدچیزی می نویسند. این تناد واختلاف دوبا ره‌یک واقعیتی را تبارزمیدهدواقعیتی که مدافعین سیاسی که‌قانون شوروی را عملی میسازندعبارت اندازآن هائیکه‌این کاربه‌زیان آنها تمام میشود و به مثابه‌ء یک کته‌کوری جداگانه (متخلفین) با آنها بر خورد وسلوک به‌عمل می آید.

مجازات : ماده ۲۱ قانون نامه‌ء جنائی اراس اف اس ار سلسله‌ء مجازات را که‌برای متخلفین جنائی درنظرگرفته‌شده‌است چنین خلاصه‌میکندوعبارت اند از:

- سلب آزادی آنها.
- تبعید.
- اخراج کردن ودورداشتن ازمحل.
- کاروبارومشاغل تأدیبی واصلاحی بدون اینکه‌آزادی ازآنها سلب گردد.
- سلب حقوق ازآنها درامراشتغال آنها به‌دفاتر ویژه و یا مصروفیت آنها درفعالیتهای بخصوص.
- جریمه

- عزل وبرکناری آنها ازدفتر.
- تحمیل وظایف درامر ترمیم آنچه از رهگذر آن خطرایجاد شده است ویا ترمیم خسارات وارده.
- توبیخ وسرزنش اجتماعی.
- مصادره مایملک ودارائی.
- عزل وبرکناری وی ازنظامی ویا درجه ومقام آن.

گذشته از آن، مجازات اعدام ممکن (به مثابه یک اقدام استثنائی) به افرادیکه متهم به هریک از جنایات مختلف هژده گانه که شامل (خیانت) (جاسوسی) (عملیات تروریستی) ویک سلسله جنایات اقتصادی متنوع وچندین جنایات دیگر که با خشونت توأم باشد اعمال خواهد شد. دردوران جنگ، جنایات ویژه دیگری با محکومیت آن به مرگ قابل توبیخ وسرزنش پنداشته میشود. طورشایدوبایدتا آن جائیکه به مسئونیت بین المللی این موضوع علنی گردیده، هیچیک اززندانیان وجدان دراین اواخر دراتحاد شوروی به اعدام محکوم نشده اند. بسا ازافراد که به (جرائم) سیاسی ومذهبی متهم گردیده اند محکوم به (سلب آزادی) شده اند، بدین معنی که در زندان تحت بازداشت قرار می گیرد ویا دریک اجتماع وکلونی کارگران تأدیبی واصلاحی قرار داده میشود. شرایط زندان که سلسله آن ازیکسال گرفته الی پانزده سال میباشد، اخیر الذکر مرحلهء نهائی محکومیت زندان که یک امرقانونی پنداشته میشود. محکومیت ویا محکوم کردن کسی به (سلب آزادی) نیز بدان علاوه خواهد شد، محکومیت که سالهای چندی را در (تبعید) تا تکمیل دوران زندانی اش باید

چنین امری را متقبل گردد. شخصیکه دوران محکومیت تبعید را می گذراند لازم است که دور از محل بود و باش مردم (خصوصا در یک ساحهٔ کوچک و دور افتاده) که از نظر مقامات مسئول اداری تجویز گزفتهٔ میشود منتقل شود.

گرچه چنین افراد میتوانند بر طبق قانون بطور آزادانه در چهارچوب ساحه های مشخص شده به گشت و گذار بپردازند، اما حرکات آنها از نزدیک توسط مقامات دولتی محل و مقامات ام، وی، دی (MVD) مراقبت میشود.

تصادفا چنین مسائلی نیز بوقوع می پیوندد افرادی که متهم به (جرائم) سیاسی باشند عوض اینکه زندانی شوند تبعید میشوند. در برخی از موارد به متخلفین و مرتکبین اولی مدافعین جوان، و مدافعین وابسته به طبقه اناث چنین بوده است. مگر با آن لم کشف یک نمونهٔ بستگی و پیوند آنها در امر ملائمت و انعطاف پذیری با چنین اشخاص مشکل جلوه میکند. در فبروری سال ۱۹۷۵ یک محکمه یوکرائینی (اوکسانا پاپوویچ) را به جرم (تحریکات و تبلیغات ضد شوروی) محکوم ساخت. (اوکسانا پاپوویچ) متولد سال ۱۹۲۸، که مدت ده سال در کمپهای کار اجباری بخاطر فعالیتهای ملیت خواهی یوکرائینی گذرانید، در نتیجهٔ زندان این خانم صحت و سلامتی جسمی اش را از دست داد. و در خزان سال ۱۹۷۴ دوباره زندانی شد. در جریان محاکمه مدعی العموم وی را بخاطر توزیع نشرات محرمانه و گذشته از آن چند سال قبل از زین از جهت جمع آوری اعانه و توزیع آن به وکلای مدافع بخاطر آزادی زندانیان سیاسی یوکرائینی متهم نمود. قبل از محاکمه

اش (اوکسانا پاپوویچ) درنتیجهٔ یک عمل جراحی دوران نقاهت را سپری مینمود وصرف با عصا چوب زیربغلی بدگشت وگذار می پرداخت ودرانتظار یک عمل جراحی دیگر بود . فلهذا وی را دریک شرایط خیلی دشوار درکلونی کارگران تأدیبی واصلاحی به هشت سال زندان وپنج سال تبعید محکوم ساختند .

محاکم صرف نادرا یک محکومیت بحال تعلیق را در موارد سیاسی روی آن صحه می گذارند ومثال خیلی برجسته درین اواخر مصادف بسال ۱۹۷۵ درمحکمهٔ لیننگراد در رابطه با (ولادیمیرمادام زین) یک نویسندهٔ که درارتباط با تلاشهای وی درجهت ترتیب وتنظیم مجموعهٔ از اشعار (جوزف برودسکی) بازداشت گردید ، میباشد . قبل از محکومیتش (آقای مادام زین) نامهٔ عنوانی سر دبیر (لوموند) نوشت . بگونهٔ مکمل درلوموندپاریس در ۱۳ فبروری سال ۱۹۷۵ بچاپ رسید .

درجریان این محاکمه ازمحتوای اشرات و نوشته هایش که رنگ سیاسی داشته است انکارنمودوچنین تأکید نمودکه او (برضدشوروی) نبوده است ونه با سازمانهای هر رنگ وقماش (ضدشوروی) کدام پیوندورابطهٔ داشته است. اودرنامه اش به (لوموند) با درک تقصیرش واتهاماتیکه علیه وی واردآمده است خاتمه بخشید . این نامه توأم با ندامت درواقع نشان دهندهٔ اعترافاتی است که (آقای مادام زین) درمحکمه اظهارداشت . علیرغم نقاظت های آشکاربین خودداری وتکذیب ازهرنوع فعالیتهای ضد شوروی (مادام زین) واعتراض به (تقصیر) اتهامات

(تحریک وتبلیغ ضدشوروی) محکمه سرانجام وی را مقصر دانست و محکوم نمود (برودکاست بدزبان انگلیسی تاس مصادف به ۲۱ فبروری سال ۱۹۷۵ که نسخه برداری شده و از طرف دستگاه سخن پراکنی بی بی سی درخلاصه پخش اخبار جهانی ترجمه شد) با درنظرداشت این واقعیت که آقای (مادام زین) اعتراف نموده است، محکمه پنج سال محکومیت وی را درحال تعلیق درآورد. این محکومیت بگونهٔ تیپیک بود. این موارد با نمونه های فیصله نامهٔ محکمه برای ارائه دادن فتوای (تقصیر) به هرگونه ملحوظاتیکه مناسب باشد وفق داده شد.

درخواست وتقاضا نامه ها دربرابر محکومیت محکمه در جریان هفت روزجریان محاکمه صورت خواهدگرفت. درموارد سیاسی، ایگونه موارد به کاهش وتفصیل محکومیت میانجامد نه به برائت کلی یک متهم.

استیناف ومرافعه طلبی دربرابر فتوای صادر شده محکمه درامر محکومیت دربین هفت روزدوران محاکمه باید صورت گیرد. ودرموارد سیاسی، اینگونه مسائل معمولا" به تقلیل وکاهش مدت محکومیت می انجامد اما هرگزجریان امر به بری الذمه بودن متهم نمی تواند تمام شود. فتوای که درجریان محاکمه بحیث نمونهٔ مثال از طرف محکمهٔ عالی یا ستره محکمه جمهوریتهای اتحادروی آن بحث به عمل آمد (که شامل پارهٔ ازمحاکمات سیاسی نیزمیشود) قابل استیناف ومرافعه خواهی نمی تواندباشد، گرچه چنین مواردبگونه سابردوسیه ها ممکن روی آن به اساس ابتکار وکیل یا عامل که اگراوچنین بیندیشدکه یکسلسله تخلفات

با یدبا دقت واحتیاط کامل توأم با معیارها وستانداردهای بین المللی موردمطالعه ومقایسه قرارگیرد.

هیئت نمایندگی همچنین قانون دانان راازاینکه یک گزارش پیرامون اوضاع محابس وزندانهای شوروی که از طرف مصئونیت بین الملل درحال نوشته شدن است توصیه نمود، به تائیدازدلگرمی واطمینان قبلی ازینکه هردوی آنها ومقامات مختص ذیصلاح شوروی قبل ازینکه این گزارش به نشرسپرده شود تبصرهٔ پیرامون آن خواهندنمود.

این گردهم آئی درمسکو یکی از ان سلسله جروبحث های بودبا رهبران وزعمای ممتازکارمندان حرفه‌ئی قانونی شوروی که از سال ۱۹۷۳ به اینسو سازوبرگ گرفته نمایندگان مصئونیت بین المللی چندین مراتب دست زندانیان ومحبوسین وجدان اتحادشوروی راکه حالت وکیفیت آن ها را موردپذیرش قرارداده، مقامات مسئول شوروی را در جریان امورقرارداده است. مباحثات وجروبحث ها در رابطه با اوضاع وشرایط محابس ومعیارقوانین ونظامنامه های اصغری ملل متحددرا مرشدبوده های برخوردودرمتن زندانها وکه منظما ازطرف هیئت نمایندگی اتحادشوروی درکنفرانسهای موءسسه ملل متحدحمایه وپشتیبانی بعمل آمده است، نیزشامل آن بوده است.

نمایندگان انجمن حقوقدانان شوروی یک مسودهٔ قبلی این گزارش راکه دریک کنفرانس بین المللی در اپریل سال ۱۹۷۵ درالجزایردایرشده بودبآنها ارائه داده شد. مسوده وپامتن چاپ شده به رئیس انجمن لیو — سمیرنوف درپانزده اپریل به مسکوفرستاده شد. آقای

درطرزالعمل وتعامل درجریان نخستین دادرسی در این قضیه رونما گردیده است احتمال دارد قضیه موردتجدید نظر قرار گیرد که تجدید نظر در موارد فیصله محکمهٔ سیاسی به ندرت به چشم میخورد .

قانونگذاری دررابطه با کار تأدیبی واصلاحی

پرنسیپ ها واساس نامه ها ئیکه روی آن موٴسسات و سازوبرگ های زندان دراتحادشوروی به فعالیت شان ادامه میدهند مطابق قانون نامهٔ مصوبه سال ۱۹۶۹ شورای عالی اتحادشوروی ونام گذاری نهادهای قانون گذاری درارابطه با تأدیب واصلاح کارگران اتحادجماهیرشوروی و جمهوریتهای اتحادپایه ریزی شده است .

این سنددارای چهل وهفت ماده که موضوعات عمده درارابطه با سازمان وتشکیلات زندان ها دراتحادشوروی را دربرمی گیرد .

بعدازسال ۱۹۶۹ موٴسسان جمهوریتهای اتحاد یک نظامنامهٔ تأدیبی واصلاحی کارگری را که متضمن یکسلسله پرنسیپ ها ئیکه درنهادها واساسات آن قرارداشت تصویب ودرضمن آن پاره ءازتفصیلات عملیات زندان را تجویز و سفارش نمود . نظامنامه های جمهوریت های مختلف در تفصیل ناچیزواندکی که برخی ازآنها واجدآن میباشند مشابه بهمدیگراند . با اهمیت ترین آنها طبق این گزارش ویکی ازآنها که درلابلای آنها ازان باید یادآوری نمود . عبارت است ازنظامنامهٔ تأدیبی واصلاحی کارگرار اساف

اسار بخاطراینکه موضوع بستگی به جمهوریت سوشلیستی فدرالی روسیهٔ شوروی اراس اف اس‌ار داردکه عده ای بیشتر محبوسین سیاسی دران قرارداردند.

به مثابهٔ قانون گذاری جنائی که در اخیرسال ۱۹۵۰ دایرشد، قانون گذاری تأدیبی و اصلاحی کارمعاصر در شوروی بیانگریک سعی وتلاشی است درامرتدوین کردن تحولات ودگرگونیها ئیکه درمشی رسمی آنها بعد از مرگ ستالین بوقوع پیوسته است طرح ریزی، اعلام و انتشار این قوانین دراواسط ماه ۱۹۶۰ درنتیجهٔ یک سلسله جرو بحث های زیاد روی موضوع مؤسسات کیفری وجزائی به جلوکشیده شد، جروبحثیکه نه تنها قضات و متخصصین جنائی را بلکه پاره از ظهارنظرعمومی را نیزطورشایدوباید در برمیگرفت. این قانون گذاری، زمانیکه پا به عرصه وجود گذاشت، آرزوها وخواستها ی برخی از قضات شوروی را در رابطه با اصلاحات گسترده وسریعی که شامل حال سیستم جزائی وکیفری شوروی گردیده بودنمی توانست بر آورده سازد. وضع قانون تأدیبی واصلاحی معاصربگونهٔ کلی سیستم تیوری آنرا بخاطرداردنظامنامه‌ها وکارنامه و تجاربیکه درمرامنامه‌ها ی رسمی آن بسال ۱۹۵۴، ۱۹۵۸ و ۱۹۶۱ به تصویب رسیده است بخاطرداردوآنرا نگهداری می کند. تحولات ودیگرگونی ها ی خیلی عمده ایکه بیانگراین موضوع دررابطه با قانون گذاری تأدیبی واصلاحی کار به سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ درظاهرامرتضمین ها ی ذره‌پوشی درامر رعایت واحترام ازقانونیت وپیروی از نظامنامه ها و اصول میباشد. درظاهرامریک واکنش بهانارشی که مسلط

برجریان امورسیستم تأدیبی واصلاحی کاردردوران زمامداری ستالین بود. مگرمتأسفانه استمداد شایان تمجید ازقانون گذاری معاصردررابطه باقانون متداول ومعمول بگونهٔ رقتبار ازبساجهات باعرف وروش معاصردرتضاد واقع میشود.

تیوری مفاهیم قانون گذاری تأدیبی واصلاحی دررابطه باکاردراتحادشوروی، منظور از

وضع قانون تأدیبی واصلاحی دررابطه باکارترتیب اثردادن وفراهم کردن مجازات دررابطه باجنایت باایناندیشه که نه تنها تحمیل کردن یک مجازات برای ارتکاب یک جرم چنین بایدباشدبلکه همچنین برای تأدیب واصلاح محکومیت این مقصرین باروحیه وسلوک وظیفه شناسی برای کارومراعات دقیق وکامل ازقوانین واحترام برای جامعهٔ سوشلیستی ودرضمن جلوگیری ازارتکاب جرایم تازه هم توسط محکومیت مقصرین وبوسیلهٔ سایرافرادوهمچنین درامرامحاء ونابودی جنایات پیشرفتهای صورت گرفته. تطبیق واعمال محکومیت روی منظورواردکردن رنج و ناراحتی جسمی ویاتحقیروتوهین به کرامت انسانی نمی تواندباشد. مسئله عمده واساسی دربحث وگفتگوی شوروی ها روی وضع قانون زندان دررابطه باترکیب ویژه دوقسمت برجسته بازداشت وزندان است. پهلوها وجوانب منفی آن تحمیل وواردکردن فشارونا راحتی(

) وجوانب مثبت آن اصلاح وتأدیب

هریک ازافرادزندانی بطورجداگانه ومنفرداست (

نهادهای اتحاد جماهیر شوروی و اصول نامه های تأدیبی و اصلاحی کار جمهوریت متحد با نگرش رسمی و اداری به معضله در رابطه با آشتی و مصالحه با ارزشهای بشردوستانه و ایده آلهای سوشلیستی توأم با ضرورتهای (مبارزه در برابر جنایات) میباشد. طبق ادعای کارآگاهان و متخصصین جنائی شوروی، قانون تأدیبی و اصلاحی کار در شوروی این اندیشه و تخیل را از اینکه مجازات و کیفر جنائی بمثابه ء افزار و وسیله ء کسب و دستیابی به انتقام و مکافات و کیفر از جنایتکاران میباشد. بگونه مثال پروفیسور امـ د شارگورودسکی که یکتن از نظریه پردازان و تیوریسن نه چندان خیلی برجسته شوروی که پدر و دحیات گفته است، مکافات و کیفر را به مثابه ء یک اساس توبیخ و مجازات به کلیه مذاهب در جریان تاریخ حل نموده است. او چنین تأکید نمود که بقا و نگهداشت پرنسیپ های کیفر و مکافات و انتقام یکی از مشخصات تیوریها و نظامنامه های مجازات در جوامع کاپیتالیستی میباشد. قانوندانان در جوامع سوشلیستی طبق ادعای پروفیسور (شارگورودسکی) که وی چنین معتقد است این پرنسیپ ها را تردید نموده است و کیفر و مکافات را (به مثابه ء شکل معاصر انتقام گیری بدوی چیز دیگری نمی داند).

فلهذا حتی قانون گذاری اخیر شوروی در رابطه با کار تأدیبی و اصلاحی از این گونه پرنسیپ های بشردوستانه انحراف کرده اند. ماده اول نهادهای وضع قانون کار اصلاحی و تأدیبی چنین تصریح میکند (کاربرد و اعمال

محکومیت نباید به منظور وارد کردن مصائب ورنج ویا توهین وتحقیر به حیثیت وآبروی انسانی قرار گیرد) (تأکید روی موضوع از طرف مصئونیت بین المللی صورت گرفته است) (این اظهارات دررابطه با پرنسیپ درهریک از نظام نامه های کارتأدیبی واصلاحی جمهوریتهای متحد به نظر میخورد) . (غالبا اینگونه اظهارات از طرف مبصرین شوروی به مثابهٔ یک اشاره دررابطه با مروت وشفقت سوشلیستی) که لازمهٔ قانون گذاری برای شوروی باشد از آن یادآوری می نمایند . هنوزهم کلمه بندی خطرناک آن به سلسله مسائل اساسی درتیوری کارتأدیبی واصلاحی درشوروی که صرف با مشکلات قابل حل میباشد حکایت میکند نسبت باین که فشارها وضربات ناشی از دردورنج برزندانیان و یا تحقیرویا توهین حیثیت وآبروی انسانی آنها ،مادهٔ یک چنین میرساند که (هدف) آن صرف کاربردواعمال مجازات درانحادشوروی نمی باشد . درهیچ جای از نهادها و یا اصول نامه های قانون کارتأدیبی واصلاحی جمهوری متحد کاربرداینکونه عملیات بگونهٔ واضح وآشکارا از ان ممانعت وجلوکیری نشده است .

توضیح رسمی برای چنین یک عمل آشکار و علنی خلاف قانون که عبارت از تمثیل مجازات بواسطه تعریف ویا تاحدی وابسته به رنج ومصیبت است ، چه جسمی و چه روحی . گذشته از آن عنصردردورنج درمحرومیت از آزادی وسلب آن(وسایراشکال مجازات است) که بگونهٔ رسمی به مثابه یک مانع عمده واساسی میباشد ، چه برای زندانی مجرد وبرای عناصر (ناپایدار ومتزلزل) که آنها بواسطه

جنایات تحت امتحان وآزمایش قرار خواهند گرفت. فلهذا درحالیکه ادبیات ونشرات شوروی پیرامون مشی جزائی اخطارهای مکرری را دربرابر تعیین وتحمیل (مجازات یا کیفر) غیرلازمی رنج ومصیبت برزندانیان تمثیل میکند پالیسی رسمی همچنین درنتیجه تحریم ملایمت ونرمش ناروا درامر برخورد وسلوک با زندانیان نیز مشخص میگردد.

قانونگذاری کارتأدیبی واصلاحی شوروی وتئوری های آن درارابطه با تحمیل رنج وتکالیف منظم وباقاعده را برزندانیان که نه تنها صرف یک مسئله پرنسیپ از نگاه جنائی است بگونه آشکارا موردتردیدقرار نداده است، بلکه دارای یک اهمیت مهم درامرارزیابی کردن شرایط زندان اتحادشوروی با درنظرداشت ملاحظات حقوق انسانی نیزمیباشد.

ازجمله مطالب خیلی واضح که خاصتا ازنگاه کیفری ومجازات درارابطه باسیستم کارتأدیبی واصلاحی شوروی است ازینکه پالیسی ومشی رسمی آن حاوی دستوروا حکامی است که زندانیان بایددریک حالت ووضع گرسنگی دایمی نگهداشته شوند. نظامنامه کارتأدیبی واصلاحی (ا ر ا س ف ا س ا ر) صرف آن مقدارغذارا به زندانیان تهیه وتدارک می بیندکه ازنگاه بیالوژیکی وعلم الحیات لازمی پنداشته شود.

افرادمتهم ومحکوم آن مقدارغذای را دریافت خواهندکردکه باآن اورگانیسم انسان وظایف عادی وطبیعی اش را بتواندانجام دهد. یک مقایسه این معیارقانونی با ماده بیستم درارابطه با معیاروستاندارد آئین نامه

اصغری ملل متحددرا مرمعا مله وسلوک با زندانیان آموز -نده و عبرت آمیز است .

هرزندانی باید از جانب مقامات مسئول درا وقات معمول با غذائیکه کیفیت غذائی آنها برای صحت وسلامتی جسم مفید ثابت شود ، که خصلت وکیفیت مایهء صحت و تندرستی که درا مرتهیه وتقسیم وتوزیع آن بهترکار شده باشد . انگیزه کیفری برای نورم قانونی شوروی ازینکه زندانیان صرف مقدار غذای موردنیاز شان را بطوراصغری ازنگاه بیالوجیکی به همان گونهء که درفوق ازآن یادآوری شد بآنها تجویزگردد ، درسطورذیل آنچه که ازین مقدار غذائی اصغری درسطورقابل تذکرذیل ازان توضیح بعمل آمددرکتب درسی آنها نیزگنجانیده شده که ازطرف وزارت امورداخلهء اتحادشوروی (MVD) وزارتخانهء که مستقیما مسئول ادارهء این سازمان های کارتأدیبی و اصلاحی را بعهده دارد موردقبول واقع شده .

عدم تهیه وتدارک آنچه ازنگاه معیارهای اصغری فیزیولوژیکی ووظایف الاعضاء درارتباطه با غذا وتدارک مواد مربوط است . مصیبت ورنج های جسمی را به بارمی آورد وسرانجام به لاغرسازی وفقدان توانائی اورگانیسم ، بیماری بالاخره به فقرونا توانی حیات فردمنتهی میشود . حفظ ومراقبت همه روزه اجناس ومواد متهمین که آنها مترصدونا ظربرخواستهای رژیم اندردا خل حدودالزامی فزیولوژیکی سربرا ه می افتد .... که ازکیفرمندرجهء مجازات ناشی میشودواهمیت ولزوم استعمال واستفاده ازآن در امرحصول ودستیابی به هدف های عمومی بازدارنده و

تعلیمات وآموزشهای تأدیبی واصلاحی، قانونگذاری کار تأدیبی واصلاحی شوروی تا یک حد مشخصی درامر حفظ و مراقبت مطالب عمده و مهم درارابطه با زندانیان بمثابهء یک وسیلهء دستیابی وحصول با هداف مسلم مادهء بیست نهادهای قانونگذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحاد شوروی وجمهوریتهای متحد باشد بهره برداری میکند.

روی این منظوراز اینکه صرف آن زندانیانیکه (آنها درخواستهای رژیم تبعیت مینمایند) (درجها رجوب حد ود لازمی ازفیزیولوژیکی) (تغذی خواهندشد) که به حیث یک نتیجه یا یک کاهش درجیره بندی های غذا برای آن زندانیانیکه ازکارامتناع میورزندکه آنها (عمدا) معیارهای تولیدی کارشانرا بسرنمی رسانند، یا آنها درامرتخلف ازدسپلین ونظم به سلولهای مجازات قرارداده می شوند. غذا هم اطاقهای زندانها کمتراز زندانیانی است که در کلونی های کارتأدیبی واصلاحی تحت بازداشت قراردارند. گرچه ازنگاه پرنسیپ کلیه زندانیان درکلونی های کار تأدیبی واصلاحی طبق نورم واحدبدون کدام تفاوت که به کدام نوع رژیم آنها نگهداشته شوند، درعمل متوالیا" رژیم های خیلی شدیدوخطرناک، کاهش پی درپی درجیره بندی ها باشد متضمن آن میباشد. این پالیسی سرزنش آمیزدررابطه با گرسنگی برای کلیه زندانیان که قانونا" تجویزشده است بگونهء مفصل درذیل پیرامون آن بحث خواهدشد. این مشی دربخشی ازین گزارش که با قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی شوروی سروکاردارد، بخاطر اینکه این سازمان وسایرسازمانهائیکه خاصتا در امور

کیفری ومجازات سیستم زندان شوروی روی این ادعا را ازینکه تحمیل مصائب ورنج (بمثابهٔ یک هدف) قانون جنائی وکارتأدیبی واصلاحی شوروی نمی باشد منسوب می سازند به معرض نمایش قرار میدهند. درحالیکه بگونهٔ رسمی چنین ادعا شده است که قانون کیفری ومشی آن که با نام (انسان دوستی وشفقت) مشخص شده است، که درینصورت ازنگاه مفایسوی سیستم های قانونی غیرسوشلیستی بگونه ابتدائی وحشی وجاهل میباشند، همان قانون گذاری که مسلط وحاکم برجریان امورسیستم زندان شوروی است شامل قیدوشرط های که تحمیل رنج وآزاررا حکمی ودستوری قرارمیدهند درین صورت قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی شوروی ازنگاه کیفیت با آن قانون گذاری که آنرا تعویض نموده اند تفاوتی ندارد.

قانون گذاری که درجریان بیست سال دوران ستالین معمول ومتداول بوده.

درظاهرا مردررا بطه با مواردومسئله بیشتر قاطع و مسلم، قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصر شوروی برمبنای عنعنهٔ که از دوران خیلی قدیم وکهن برای آنها بهارث مانده تبعیت وپیروی مینمایند. روی این ادعا ازینکه نخستین هدف سیستم کارتأدیبی واصلاحی عبارت است از (اصلاح وتأدیب وتجدید تربیت وآموزش) افراد متهم میباشد این پرنسیپ ودستورالعمل توسط نویسندگان و مسئولین قانون گذاری جزائی وجنائی شوروی در کلیه دوران موجودیت دولت شوروی موردتائید قرارگرفته است. مگربا آنهم، قانون نامه های پیشین زندان (۱۹۲۴و۱۹۳۳)

بین اعضای طبقه‌کارگرکه‌جنایات آنها بگونه‌ء اساسی دولت جدیدرا تحت تهدیدقرار میدهدواعضاء وحامیان(طبقات خصم) که‌آنها بخاطرفعالیتهای شان که‌دارای اهمیت سیاسی است زندانی شدندیک حدفاصل را بوجود می آورند. تحت این سیستم، صرف مجرمین وجنایتکاران معمولی و عادی بایدموردااصلاح قرارگیرند.

زندانیان سیاسی قابل اصلاح پنداشته‌نمیشوند قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصر این تشخیص وامتیازرا بگونه‌ء رسمی نمی پذیردوخواهان(اصلاح وتجدیدتربیئت وآموزش) برای کلیه‌زندانیان است. اما باآنهم، باروبکارآوردن اقدامات وتدابیرخیلی خشن دربرابر(خصوصاجنایتکاران خطرناک دولتی) قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصرشوروی هنوزبطورضمنی اززندانیان سیاسی جهت درمان مشخص آنها یادآوری میکند.

نقطه‌نظررسمی شوروی پیرامون درمان وسلوک بازندانیان بگونه‌ء عمیق تحت الشعاع عقیده‌واصول مادی گرائی مارکسیستی ازینکه‌سلوک وبرخوردافرادرابعاد گسترده‌ترآن درنتیجه‌ء شرایط واوضاع اوبژکتیف (آفاقی) ومشخص سمت بندی میشوندقرارگرفته‌است که‌درتحت همان گونه‌شرایط آنها قابل درک اندوتأثیرات سوبژکتیف (ذهنی) که‌آنها درمعرض آن قرارمی گیرند، مشخص وتعین میشود.

برمبنای چنین مکلفیتها، چنین درنظرگرفته شده

سمیرنوف درعین زمان رئیس هیئت قضات عالی کشوراتحاد شوروی نیزمیباشد .

دریک نامهٔ محرمانه ، مصئونیت بین المللی چنین تذکرداد تبصره ها ئیکه پیرامون صحت ویا تفسیر و تعبیر حقایق درگزارش بعمل آمده استقبال خواهندنمود .جواب آقای سمیرنوف موٴرخ ۲۷ آگست ۱۹۷۵ دراخیرا ین گزارش مجددا به نشررسیده است . گرچه گزارش به اوضاع و احوال زندان سروکاردارد ، نخستین علاقمندی ودلبستگی مصئونیت بین المللی درامرنجات ورهائی بخشیدن بدون قید وشرط کلیه زندانیان وجدان میباشد . لهذا مصئونیت بین المللی تصمیم گیری مورخ ماه سپتمبرحکومت شوروی را درسال ۱۹۷۳ درامرتصویب پیمان موٴسسه ملل متحدپیرامون حقوق مدنی وسیاسی که شامل مصوبات جهت محافظه حقوق بنیادی هرفردازهمشهریان است استقبال میکند . حمایت ومحافظت آن ها یک اصل مهم ولازمی بودموشا به بضمانت های است که قانون اساسی شوروی نیزازآن برخوردار است . اما باکمال تأسف ، قانون جزائی شوروی مصوبات مغایرآنرا درخودگنجانیده است (مراجعه شود به صفحهٔ ۷و ۸) که مقامات ذیصلاح رادرامربزندان انداختن ناراضیان مذهبی وسیاسی مجازمیدانند .

یکی ازبین تباین خلاف قاعدهٔ آنها بین قوانین پذیرفته شدهٔ بین المللی وقانون اساسی شوروی که ازیکسو وقانون جنائی داخلی آنها ازجانب دیگرمیباشدچنین است که اکثریت آنهائیکه فعلا درزندان حیات بسرمیبرند درظاهرامرتخلف ازمعیارها وستاندارد های پذیرفته شده

است ، که موء سسات کارتأدیبی واصلاحی شوروی مکلفیت انجام مسئولیت طرح ریزی، کاربرد علمی پروگرام سالم درامر (اصلاح وتجدیدتعلیم آموزش) زندانیان، هدف و منظورآن که درماده بیستم نهادهای قانون گذاری جنائی اتحادجماهیرشوروی وجمهوریتهای اتحادشوروی پی ریزی شده ، که چنین میرساند:

تأدیب وتنبیه نه تنها (گوشمالی درجهت تهذیب و اخلاق) برای جرم وجنایتی که مرتکب شده میباشد ،همچنین دارای یک هدف درامرتأدیب واصلاح وتجدیدآموزش افراد متهم به روحیهء مشی پاک نفسی وانظباط نفس بسوی کارو مشاغل قبول واجابت درست وصحیح با قوانین مربوطه ، احترام گذاردن برای قوانین درجهت زندگی عموما فراد سوشلیست ....

این عقیده به وضع قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحادشوروی وتیوری آن یک روحیه خوش بینی واعتماد را مبنی براینکه حبس وزندانی شدن دراتحادشوروی دارای یک ارزش وخصلت مثبت برای محبوس وزندانی محسوب می شودتا یک مجازات محض برای تخلف وی ازقانون. اما با آنهم دربین قضات وحقوق دانان شوروی وماهرین وکار شناسان جنائی آن اختلافات وتفاوت های نظرواندیشه به نحویکه ازکاربرد عملی این پرنسیپ ودستورالعمل ها از اینکه زندانیان باید (تأدیب واصلاح شوند) و (تجدید آموزش یابند) چه توقعاتی ازان میتوان داشت وجود دارد. بگونهء مثال، ای،وای، ناتاشیف وان ای سترو ـ چکوف بسال ۱۹۶۷ ازطریق نوشتن اثردررابطه با این

نظریه سهم گرفته اند .

ازینکه در رابطه با تأدیب و اصلاح وتجدید آموزش و تعلیم یک فرد متهم زمانی میتوانیم اظهار نظر کنیم که او یکتن از اعضای مفید و مثمر جامعه قرار گیرد ، چنین است زمانیکه او از نگاه معاشره و اخلاق مورد اصلاح قرار گرفت ، اوست که تجاوز را از روی ترس مجازات ترک نگفته باشد .ناتاشیوستروچکوف فراتر از آن کام برداشتند . یا به عباره ء دیگر ، اصلاح وتأدیب وتجدید آموزش باید در جهت حصول یک نتیجه باشد : فرد و یا شخصیکه دوران محکومیتش را سپری کرده باشد نباید بیش از این برای جامعه خطرناک ثابت گردد ، وگذشته از آن او باید گاه نه نیرو و توانائی اش را در امر استفاده جامعه از خود تبارز دهد .

ام - د شارگورودسکی ، این جهت گیری نهادی را بمثابه یک تصور ، در رابطه با اهداف کیفر و مجازات مورد تکذیب قرار داد : کاروبار و وظائف آموزشی وتعلیمی در رابطه با مجازات و کیفر زمانیکه متخلف وقانون شکن بعد از تکمیل دوران محکومیتش که نباید بیش از این مرتکب جنایت شود افزایش می یابد . موقف آن مصنفین که میخواهند احساسات شخص جانی را از نگاه اخلاق و معاشره تغییر دهند از ساحه وظایف محدود که باید در قوانین جزائی در تعیین مجازات رعایت شود ، تجاوز میکنند ، وظیفهء عمومی تعلیم وآموزش یک شخص برای اینکه یک تبعهء حساس جامعهء سوسلیستی بار آید ، در رابطه با آموزش اخلاقی شخص ، در بعضی شرایط حتی در شرایط عادی فامیل وخانواده ،مکتب ویا محل اجتماع وکولکتیف همواره توأم با موفقیت

نبوده است که اینطوریک توقع داشته باشیم که جنایات قابل مجازات در جائیکه شرایط آموزش وتعلیم از نگاه جنبه های اخلاقی طوری وسیع باشد این بیشتریک تخیل است که انجام اینگونه وظایف مجازات جنائی مجرم را در شرایط که حالات واوضاع برای تربیه وآموزش از نگاه جنبه اخلاقی آن خیلی مشکل باشد بسپاریم، یا به عبارهٔ دیگر از اینکه چنین یک مکلفیتی را دررابطه با طرحها و مسائل کیفرجنائی برگزینند .... درجائیکه شرایط واوضاع در امرآموزش از نگاه معاشره وی واخلاقی اش گسترده تراز آن است بگونهٔ چشمگیری مشکل جلوه میکند .

قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصرانعکاسی است ازدونظریات خیلی افراطی دررابطه با اندازه وحدود قابل توقع وآرزوی ما پیرامون(اصلاح وتأدیب) افراد زندانی ماده ۳۰ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی اتحادجماهیرشوروی وجمهوریتهای متحده بمثابهٔ یک هدف (درامرپیشبردوارتقاء این احساس وآگاهی،بلند بردن سطح فرهنگی وانکشاف ابتکارمثبت افراد مقصر) میباشد .

مکلفیت عمده آموزش وتعلیم یک فردبخاطراینکه یک شهروندبا احساس جامعهٔ سوشلیستی قرارگیرد ، تعلیم وآموزش فردازنگاه اخلاقی، حتی درشرایط واوضاع خانواده عادی، دبستان وسایرمجامع اشتراکی مقرون پیروزی نبوده است . درامرمتقبل شدن وبعهده گرفتن چنین یک مکلفیت ووظیفه بسوی طرحهای مجازات جنائی.... بگونهٔ کلی تخیلی جلوه میکند . جائیکه شرایط درامر آموزش و

تعلیم بشکل گسترده‌تر آن از نگاه اخلاقی و معنوی بگونه قابل ملاحظه خیلی مشکل است .

قانونگذاری کار تأدیبی و اصلاحی معاصر منعکس کننده دو نظریات بیشتر افراطی و رادیکال در رابطه با درجه و مقیاس (اصلاح و تأدیب) افراد زندانی مطلوب و قابل توقع طوریکه از آن یادآوری نمودیم میباشد .

ماده ۳۰ نهادهای قانونگذاری کار تأدیبی و اصلاحی اتحاد شوروی و جمهوریتهای اتحاد به مثابه یک هدف (در امر پیشبرد آگاهی و درک بیشتر، بلندبردن سطح فرهنگی و انکشاف ابتکار مثبت افراد مقصر) گامهای برداشته است . آراء و نظریکه زندانیان میتوانند و باید از نقطه نظر بنیادی اصلاح گردند در ضمن تبصره ایکه روی اساسات و نهادهای قانونگذاری کار تأدیبی و اصلاحی اتحاد شوروی و جمهوریتهای اتحاد یک حجم اداری با صلاحیت و با اختیار که به مثابه یک رهنمای عملی برای چندین کتگوری های مقامات رسمی که در امر عملی ساختن کار تأدیبی و اصلاحی دخیل بودند میباشد ، که روی آن تأکید شده است .

طبق این تبصره ، سعی و تلاش بیشتری در امر اصلاح افرادیکه مقصر به تخلفات از قانون جنائی اند نیاز است و آن بخاطر نقش مشخصات مشترک به چنین افراد میباشد .

تجدید تعلیم و آموزش افرادکه آنها به تخلف از قانون پرداخته اند یک وظیفه و مکلفیت خیلی مغلق و مهم میبا .. ، بهمان گونه طور شاید و باید بگونهٔ واضح آفراد این رده‌بندی به مثابهٔ یک قاعده و قانون بگونه سرسختانه

ومصرانه‌درای نظریات ورسوم وعادات ضداجتماعی بوده و درک وآگاهی آنها نسبت به‌سایرهمشهریان درسطح پائین ترقرار دارد. جهت انجام وبسررساندن درست این مکلفیت برای کلیه زندانیان خاص لازمی وضروری جلوه می کند که جهت فهماندن موضوع توسط مقامات اداری موءسسات کار تأدیبی واصلاحی، طبق همین منابع رسمی تحت رسیدگی خیلی دقیق قرار بگیرند.

کارگران موءسسات کار تأدیبی واصلاحی یعنی آنانیکه مکلفیت تعلیمی مشخص با افراد مقصر را درقالب عمل پیاده میکنند باید مساعی وتلاش شان را درامر مطالعه بهتر شناخت شخصیت مقصرودرامردرک خصلت های منفی سیرت وی خلاها ونارسائی های تعلیمی وآموزشی وی که وی را درامر ارتکاب به‌یک جنایت کشانده وبگونهء سیستماتیک واساسی حرکات وسکنات وی درشرایط واوضاع محرومیت وی از آزادی، خصلتهای معاشروی وتهذیب وی وضع برخوردوطرز تلقی وی درارابطه‌با کارومطالعه، درامرانجام تعهدات اجتماعی وی وامثال آن موردرسیدگی دقیق قرار گیرد. کلیهء این عوامل وفکتورها طورشایدوباید چنین وسایل آموزش وتعلیم مشخص وفردی بیشترموءثرکه‌وی را تحت تأثیرقرارد‌هدوفراهم آوری تسهیلات درامراصلاح وتأدیب وتجدیدآموزش وی برای شخص مجرم باید انتخاب گردد.

وسائلیکه‌درجهت (اصلاح) وتأدیب وتجدید تعلیم و آموزش زندانیان بکاررفته‌است عبارت‌اند از اشکال متنوع فعالیت تعلیمی وکارگری میباشد. تعلیم و آموزش کارگری وپارهء ازتعالیم سیاسی ومعاشره وی

(تهذیب) برای زندانیان لازمی می نماید. بخاطر اینکه (برنامه وطرح) برای هریک از زندانیانی با درنظرداشت اینگونه عوامل طوریکه طبق جرم وقصورش دوران محکومیت را می گذراند، (نیم رخ ویا مقطع تولید) موءسسات وسازمانهای ویژهٔ کار تأدیبی واصلاحی وازیابی سازمان و موءسسه دررابطه با کرکتر ونیازدرامراصلاح وتأدیب وی، ادارهٔ هریک ازسازمان وموءسسه کارتأدیبی واصلاحی که قلمروگسترده تری را درامرتصمیم گیری خصلت سعی وتلاش که درامراصلاح هریک اززندانی بدانها محول شده ایجاب میکندازهم متفاوت است.

ازیک سو، این وضع ازپرنسیپ اعلان شدهٔ رسمی ازنیکه محابس وزندانها که بایدبگونهٔ عالی درامر جلوگیری ازتخلفات (قانون سوشلیستی) توسط مقامات اداری یا زندانیان یکسان تنظیم گردداانحراف کرده است. وازجانب دیگر، ادارات زندان که بواسطه قانون و یک میکانیسم که باآنهم دارای یک طرح مثبت ومفیدی است که باید چنان باشد، ودرجهت (تحقیروا هانت به حیثیت انسانی) زندانیان با تخلف ازماده اول نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی بکارمیرود. این وضع خصوصا با درنظرداشت رابطهٔ موضوع با زندانیان که (جنایات آنها) درنتیجهٔ تلقینهای وجدان الهام گرفته است واقعیت دارد. مهارساختن اینگونه زندانیان برای مطالبات وخواست های شان ازینکه آنها آراء ونظریات شان را تغییردهندبیانگریک سعی وتلاش است که درجهت ازبین بردن هریک ازانگیزه های جنائی آنها که نه تنهادارای کدام

نقش میباشد، بلکه ناگزیرساختن آنها درا مرتردیدو پس گرفتن نظریات شان پیرامون مسائل ذهنی ومعنوی، سیاسی ومذهبی نیزمیباشد.

ازآوان (اصلاح وتأدیب) و (تجدیدآموزش وتعلیم) زندانیان درعمل با طرحهای جزائی وکیفری که میتوانند درموءسسات کارتأدیبی واصلاحی وبعدازآزادی زندانیان وجدان میتواننددرهردوصورت تطبیق گردد، درواقع توأم با وضع تحقیرآمیزرشوه وباج مواجه میباشد.

قانونیت سوشلیستی مسوده‌قوانین کارتأدیبی و اصلاحی موجودهٔ شوروی درپاسخ به‌فقدان چنین قانون گذاری قبل ازسال ۱۹۶۹ میباشد. قانون نامهٔ اخیرزندان ومحابس که‌بایددراتحاد شوروی موردقبول واقع گرددقانون نامهٔ کارتأدیبی و اصلاحی سال ۱۹۳۳ اراساف اساربوده‌است. بطورعموم چنین پذیرفته‌شده‌است که‌با ختم دوران ستالین این نظامنامه با (نظامنامه‌های کارتأدیبی واصلاحی وسایرجمهوریتهای متحد) نمی توانست قابل تطبیق باشد. اکثریت بندها و ماده‌های نظامنامه متروک قرارگرفت ویاقوانین ونظام نامه‌های جدیدجای آنرا گرفت. چه‌بسا ازین قوانین‌دیگر بشکل رهنمودهای اداری که‌توسط MKVD یا MVD نشر و شایع میشد. به‌عبارهٔ دیگرقانون بواسطه‌یک سلسله تصامیم اداری که‌توسط دستاندرکاران برجسته‌امنیتی متنوع که‌غیرقابل توضیح است معاوضه‌شده‌است. این وضع مشخصهٔ انارشی کداجریان بیست سال اخیردوران حیات

ستالین مسلط برجریان اوضاع بود- انارشی که دربسیاری ازبخش حیات مردم شوروی منتشروسرایت کرده بود چنان بیماری بومی ومخلی بگونه که درروابط بین ارگان های پولیس وشهروندان، ادارهچیان زندان وزندانیان بود.

سالهای بعدازه ۱۹۵۳ درنتیجه مساعی وتلاش درجهت اعادهٔ قانونیت اداری ونظم ونسق درارابطه با سیستمکار تأدیبی واصلاحی مشخص میشود.

نهادهای سال ۱۹۶۹ بیانگریک سعی وتلاش در امر تجدیدسازمان دهی واستقرارمجددبدون تردیدوحاکمیت الزامی قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی درجریان عملیهٔ سیستم جزائی میباشد. نظامنامههای کارتأدیبی واصلاحی جمهوریتهای متحدکههدف ومنظورآنها در امراستحکام وثبات بخشیدن بهکرکترونقش الزامی کلیه نهادهای متحددرنتیجهتدارک (کلیهموازین ممکنهقوانین کارتأدیبی واصلاحی) میباشد.

طبق ماده ۸ نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی اتحادجماهیراشتراکیهشوروی وجمهوریتهای متحد کلیهزندانیان(ازحقوق مسلم کهدرنتیجهقانون برای شهروندان اتحادشوروی) مرعی الاجراقرارداده شده است بهرهورمیشوند.

تبصرهپیرامون نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی درراابطهبااتحادشوروی وجمهوریتهای متحد بطورکامل چنین ارزیابی میکندکهزندانیان نمیتوانند ازکلیهمزایای حقوق همشهری شوروی مستفید گردند.

زندانیان سیاسی، خصوصاً آنهائیکه روی اتهامات دخالت آنها درامرپخش وتوزیع نشرات غیرمجاز (سامیزدات) و یا شرکت آنها در (تظاهرات ضدشوروی) که محتملا با استهزا و تمسخربدرقدخواهدشد، با اعتراف ودرک موضوع ازینکه زندانیان نمی توانند (حقوقی را به مثابهٔ داشتن حقوق) ارگانهای نشراتی خودآنهاویا (حق برگزاری صف آرائی ها، مظاهرات، ومیتنگها) را داشته باشندیا به عبارهٔ دیگردرموردآنها واجب الرعایه نمی توانندباشند.

درنشرات ومطبوعات شوروی پیرامون موضوع، ما بکدام نتیجهٔ صریح درراِبطه با حقوق زندانیان ازینکه بتوانندازآزادی معتقدات مذهبی شان بهره مندشوند بر نمی خوریم حقوقیکه ماده ۲۴ قانون اساسی شوروی روی آن صحه گذاشته وآنرا تضمین کرده است. موارد مختلفی وجودداشته است که درموارداین حقوق درراِبطه بازندانیان اهمال وبی مبالاتی صورت گرفته است، خصوصاً زندانیانی که روی ملحوظات فعالیتهای مذهبی شان زندانی شده اند فلهذاچنین برمی آیدکه این پرنسیپ مسلماً ازنگاه قانونی روی این موضوع ازینکه زندانیان (بمثابهٔ اتباع کشوراندکه دارای حقوق ومکلفیتهای معینی اند) و سر انجام برخوردوسلوک با زندانیان مطابق به حقوق و مکلفیت آنها آنچه درقانون تصریح شده است باید باشد.

علیرغم محدودیت های شدیدروی نشرات درراِبطه باتشریح انتقادی عمل موٴسسات کارتأدیبی واصلاحی، قضات وکارآگاهان جنائی درمراحل مختلف وگوناگون استحضاری شانرا ازعامل بالقوهٔ یکه برای مطلقیت وتدارک دیدن

سوء استفاده دربرابر زندانیان درداخل چنین موسسات و وسازمانها در اتحاد شوروی وجود دارد آشکار ساخته است . این شناسائی واعتراف در بیانیه های مختلف در نشرات رسمی شوروی پیرامون موضوع محکوم کردن از تخلفات (قانونیت سوشلیستی) توسط مقامات زندان منعکس شده است .

مثالهای بی قانونیت وخودکامگیها ، درهریک از شرایط واوضاع فعالیت ما غیرقابل تحمل میباشد ، خطر بزرگ وآشکار را درمورد فقدان آزادی محسوب میشود . این وضع قسما روی احساس اتکاء دارد زیرا که بی قانونی توسط مقامات رسمی کارتأدیبی واصلاحی وسیله درا مرتکامل وگسترش احترام ازبرای قانون درروابط با افراد مقصر نمی باشد .

قانون گذاری کار تأدیبی اتحادشوروی درامر متقاعد ساختن این موضوع از اینکه نورم ها ومعیارها چه توسط مقامات رسمی وزندانیان یکسان مورد احترام وپذیرش قرار می گیرد میکانیسم های چندی را پی ریزی نموده است که عمده ترین همهء آن وکالت یا گماشتگی است ، که پذیرش وقبول آنها بهانواع مختلف تصامیم وقرار های که توسط ام وی دی (MVD) ومقامات مسئول اداری کار تأدیبی واصلاحی سردست گرفته میشود وجه کسانی مکلفیت اقدامات دربهترین فرصت را جهت جلوگیری وخاتمه بخشیدن به هریک از تخلفات قانونی از هرکسی که نشئت کند مقصر باید مورد محاسبه قرار گیرد ، نیاز دارد . نقش عمده درزمینه همچنین (به کمیسیون های نظارت عمومی)

بین المللی دررابطه با حقوق انسانی است ، ودر واقع بازداشت آنها ، تحت قانون جنائی درامر تخلفات در برابر قانون شوروی میباشد . یکی از اهداف ومنظور گزارش نوین عبارت از این است که توجه جهانیان را باینگونه تضادها جهت اینکه قانون دانان شوروی ومتخصصین جنائی آنها باید فعالیتهای قانونی وجنائی شانرا مورد تجدید نظر قرار دهند واز اینکه ترمیمی درقانون باید صورت گیرد بخاطر اینکه آنرا با قانون مصوب معاصر وتعهدات بین المللی وتوأم با قانون اساسی شوروی درجهت تائید و تصدیق آن دریک ردیف قرار دهد .

پیشنهاد دیگه مصئونیت بین المللی به قانوندانان شوروی مبنی بر اینکه هر اشتباه ولغزش را که درر ابطه با حقیقت که بطور ناگهانی وتصادفی ممکن درگزارش تبارز کند که هنوز به قوت واعتبار خود باقی است مورد ارزیابی قرار دهند . درواقع ، دگرگونیها وتغییرات درطرز العمل جزائی وتعدیل وترمیم قوانین ویژه دررابطه با پیش آمد وسلوک باافراد زندانی که چنین گفته میشود که مبتلا به بیماری روانی میباشند وبرای ضرورت درمان بگونهٔ افراطی این گزارش آنرا تحت الشعاع خود قرار خواهد داد . یک حالت ووضعی که توسط کلیه اعضای مصئونیت بین المللی وحامیان آن مورد استقبال قرار خواهد گرفت .

مگر با آنهم این نظر واندیشهٔ مصئونیت بین المللی که شرایط واوضاع موجوده درین گزارش توضیح داده شده است ، وهمین اوضاع وشرایط زندانها ، کالونیهای کارتادیبی واصلاحی کارگری وبیمارستانهای روان پزشکی در اتحاد

سپرده شده است که اصلاحیت گسترده دراMرتحقیق وبررسی اوضاع و احوال درکلیه موسسات کارتأدیبی واصلاحی برخوردار است . .

هنوز برای کلیه تضمینات قانون گذاری رسمی به این نوع، سربرا ه انداختن سیستم کارتأدیبی و اصلاحی درعمل درنتیجهٔ تخلفات معین وآشکار وانحرافات از قانون مشخص میشود اظهارات وادعاها دررابطه با بی قانونی ها ازطرف اداره چیان بگونهٔ مستمرودوامدار در یگانه ارزیابی ومحاسبه ایکه با دسترسی ما راجع به اوضاع وحالات درزندانهای شوروی وکلونی های آن وجود دارد تبارزمیکند . استیناف والتماس نشرات غیروابسته به حکومت وبیانیه های زندانیان وزندانیان سابقه شاهد این مدعا میباشد نمی تواندکسی ازین حقیقت مبنی بر اینکه خواستها وآرمانهای بسا ازقضات شوروی ازینکه قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی معاصرشوروی تضمینات آهن پوشی را دررابطه با احترام برای قانون تدارک خواهد دید ، درچندین سطوح کذب وفریب بوده است . درحالیکه پرنسیپ را ازینکه قوانین کارتأدیبی واصلاحی قوانین و قواعدمتین ومحکم دررابطه با عملیات محلات توقیف وباز داشت را باید تدارک ببینندمی پذیریم. قانون گذاران شوروی روی این نظریه ازینکه قرارها وتصامیم طبق قوانین وقواعدنمی تواندساخته شودبلکه یک سلسله ملحوظات مقتضی ومناسب باید برجریان امورمسلط باشد .بالنتیجه دربسا ازساز وبرگهای مراجع تصمیم گیری، قوانین کار تأدیبی واصلاحی صرف اعلامیه های مبهم دررابطه بـــــا

پرنسیب ها را فرا هم میسازد. وبیشترین کارها برهنمود وهدایت آنانیکه مسئول سربرا ه اندا ختن سیستم کارتأ دیبی واصلاحی اندواگذارشده است.

فلهذا، نورمها ومعیارها درامرتغذی زندانیان از طرف شورای وزرای اتحادجماهیرشوروی پی ریزی شده است وزارت امورداخله شوروی(MVD) باهمکاری و معاونت وزارت صحت، سیستم بهداشتی وصحی را برای زندانیان تصریح میکند، صرف رهنمودهای گسترده توسط قانون تشبیت میشود. وزارت اموردا خله اموی دی(MVD) هم چنین نظامنامه ها ورهنمودهای متعددی را به نشر می سپارد که بگونهٔ مفصل عملیات موءسسات کارتأ دیبی و اصلاحی را مشخص میسازد. ادارههای مشخص موءسسات کار تأ دیبی واصلاحی دارای صلاحیتهای گسترده تری در امر اخذقرا روتصمیم گیری پیرامون تفصیلات برنامه های آموزشی وپروگرام کارزندانیانیکه تحت صلاحیت آنهاقرار دارند میباشد. این ادارات هم چنین درامرتطبیق مجازات به پیمانه گسترده ومتنوع مورددلخواه وصلاحدید خود شان، بدون استشاره با هریک ازمقامات عالی ویا مقامات ذیصلاح خارج، دارای صلاحیت میباشند. درزمره این مجازات وکیفرها محروم ساختن فامیل وو ابستگان زندانی و محروم ساختن وی ازحقوق خریداری مواد غذائی مورد نیاز که ناقص وضعیف است میباشد. تطبیق پارهٔ ازمجازات ها ازطرف مقامات اداری، بگونهٔ مثال جابجا ساختن یک زندانی دریک سلول مجازات، نیاز به پذیرش وتوافق عمومی(کمیسیون نظارت) که درمنطقه فعالیت دارد، می

باشد. مسلما درموردزندانیان سیاسی چنین توافق صرف یک امرمعمول پنداشته میشود. ما هیچ مواردی را بخاطر نداریم که تصمیم وقرارمقام اداری درامرمجازات کیفر یک زندانی سیاسی درنتیجهٔ جادادن آن (بیک سلول مجرد) ویا (سلول) از طرف کمیسیون نظارت به این گونه موارد، موردتردید قرار گرفته باشد.

محبوسین وزندانیان درکلونی ها وزندانها چنان اظهارداشته اندکه نظامنامه ها وقوانین نمایشی درهریک ازموءسسات وسازمانهای کیفری توأم با اطلاعات درباره اوقات طعام، تغییرساعات کاروبا معیارهای تولیدی صرف به مثابهٔ پرنسیپ های اساسی اند. به زندانیان اجازه داده نمی شودپیرامون رهنمودهای ویژه وقوانینی که ماموریت های زندان وحیات کلونیها رامنسجم میسازد (بگونهٔ مثال رهنمودهای وزارت امورداخله نمبر ٥٢٠ — چهاردهم جنوری ۱۹۷۲، که قیدوشرط های آن (PROVISIONS) مستقیما با نهادهای قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی درتناقض اند) فلهذا افراد اداری کلونی وزندان بگونه مستمرزمانیکه زندانیان را به تخلف ازقوانین اتهاماتی علیه آنها واردمیسازند به این رهنمودها اشاره میکنند.

روی این حقیقت ازینکه مقامات اداری زندان خود را درفعالیتهای شان درنتیجهٔ قانون گذاری کارتأدیبی و اصلاحی که بسا اوقات وازطرق متنوع تمثیل شده است احساس ناآرامی ومجبوریت نمی کنند. بگونه مثال درجون سال ۱۹۷۴ جگرن پای می نوف، رئیس وسرپرست

کلونی کارتأدیبی واصلاحی ۳۵-۳۸۹ وی اس پرم بزندا ـ نیان سیاسی که‌به‌اعتصاب غذاپرداخته‌بودندچنین اظهار داشت با وجوداینکه (دارای صلاحیت عام وتام بوده) وکیل ویاگماشته ، با ایقان جهت نظارت قانونی درکمپ ها ومطابقت پاره‌ءاز قوانین اداری (اوطرف ام وی دی "MVD" ومقامات اداری موءسسات مشخص کارتأدیبی و اصلاحی) به‌شکل قانون نوشته‌شده ، درعمل واجدآن صلاحیت وخودمختاری لازمی برای تطبیق ظاهری این مکلفیت را ندارد . علیرغم صلاحیت قانونی بزرگ وعمده‌آن وکیل یا گماشته‌بطورکلی به‌گونه‌ء ثابت فاقدتوانائی چلینج با تصامیم ام وی دی" MVD" ویا مقامات مسئول ام وی‌دی که‌کلونی ها ویا زندانها راادار ه‌میکنند ، میباشد .

رده‌بندی های زندانیان قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی تطبیق و اعمال

مجازات ذیل راکه‌توسط محکمه‌فتوای آنها صادرشده‌است نظم ومنسجم میسازد ، محرومیت ازآزادی، تبعید ، اقامت‌گاه‌محدودومنحصر ، کارتأدیبی واصلاحی بدون محرومیت ازآزادی، دربین گزارش‌صرف (محرومیت از آزادی) موردبحث ماقرارخواهدگرفت . .

دراتحادشوروی، دوگونه‌محلات درارابطه‌با زندان و بازداشتگاهها وجوددارد ، کلونیهای کارتأدیبی وزندان ها (که‌شکل دیگربازداشت‌گاهها وزندان توقیف ونگهداری آن ها درموءسسات روانی وعقلی وعصبی است .که‌درارابطه با موضوع قانون گذاری کارتأدیبی واصلاحی شوروی چیزی

تذکر رفته است وبطور جداگانه پیرامون موضوع بحث به عمل خواهد آمد) که هر دوی آنها از طرف وزارت امور داخله وارسی میشود . .

کلونی کار تأدیبی و اصلاحی بگونهٔ رسمی آن بهترین شکل موسسه در رابطه با زداشت محسوب میشود ، بخاطر اینکه از نگاه نظری، توجه و پافشاری نهائی اش را در جهت تأدیب و اصلاح وتجدید آموزش وتعلیم برای زندانیان محسوب میشود . یگانه حدود و مرز مشخص وحد فاصل بین کلونی ها وزندانها چنین است که اول الذکر نسبت به دومی آن قدر خطرناک وشدید نیست . زندانها در نتیجهٔ قانون در جهت تعمیل نقش بیشتر تنبیهی نسبت به کلونیها میباشد مگر با آنهم ، هر دو گونه های این موسسات روی هدف تنبیهی وطورشاید و باید برای اصلاح) و (تجدید آموزش و تعلیم) میباشد . در اثنای صدور احکام فتوای محاکم نوعیت واشکال موسسات را که با یدیک زندانی، دوران محکومیتش را در آن سپری نماید تعیین وتشخیص میکنند ، یک شخص میتواند دوران محکومیتش را تا یک زمان بعد از این که یک مدتی را در کلونی کار تأدیبی و اصلاحی ویک دوران تبعید داخلی را سپری کرده باشد ، بگذراند . .

الف : کالونیهای کار تأدیبی و اصلاحی

درقاموس رسمی، کلیه (کلونی) (کلونیه) بطور کلی جا نشین کلمه (کمپ) (Larger) شده است . فلهذا ،زندانیان تقریبا همواره اصطلاح (کمپ) را بکار میبرند که طرز

تلقی وبرداشت آنها را از یک نقش عنعنوی کمپ ها بحال تغییرنا پذیربا قیما نده داشت ، افاده میکندفتوا ومحکومیت کسانیکه درنتیجهٔ محکمه صادرشده باشدکه نه تنها مبین شکل مؤسسه (کلونی یا زندان) که زندانی می بایستی آن جا فرستاده شود بلکه همچنین گونهٔ (رژیم) که تحت همان شرایط او باید تحت محافظت قرار گیرد را نیزتصریح میکند.

درر ابطه با موضوع چهار رده بندی کلونی رژیم وجود دارد که شرایط واوضاع توقیف ونبازداشت را انسجام می بخشدوآنها از نگاه شدت وسخت گیری فزاینده عبارتنداز : معمولی (Obśshchi) شدیدساختن(Uselenny)سخت گیر (ctrag) ومخصوص (Osoby) رژیمها ازیکدیگر شان از نگاه درجه وکمیت وکیفیت کیفروتنبیه که برسریک زندانی تحمیل میشود متفاوت است که هرکدام آن مستلزم دگرگونیهای زیادی (PROGRESSIVE REDUCTION) از حقوق زندانیان درامردیدوبازدیدوابستگان و دوستان، پذیرفتن نامه نگاران، خریداری خوراکه با باضافی و امثال آن میباشد. .

شکل ومقدار کارکه لازمه یک زندانی است مطابق به رژیم آن فرق میکند. زندانیانیکه تحت (رژیم بخصوص) درمی آینددرسلولها نگهداری میشوند. .

تفاوت ودگرگونیهای چشمگیربین رژیمها درنوعیت غذا وخوراکه آن نهفته است . که درزمینه بقانون کار تأدیبی واصلاحی نیزضرورت نمی افتد. اینگونه قانون چنین تصریح میکندکه جیره بندی غذا باید قسما مطابق به اوضاع وچگونگی زندانیان بسوی کارآنها بستگی دارد

اما مقدار غذائیکه به زندانیان بداساس تیپ ونمونه رژیم داده میسود بستگی ندارد. فلهذا نظامنامه های قانون گذاری فوق العاده جیره بندی های غذا را مطابق به نمونه رژیم که با بدمعاوت باشند تصریح میکنند. رژیمهای شدید تروخشن تر آن جیره بندیها ی غذا را هنوز در نتیجهٔ کاهش درمصارف قابل مجاز اضافی ومتمم محصولات غذائی بیشتر کاهش میدهد.

ب : زندانها

محکومیت تا یک مدتی درزندان یکی از اشکال خیلی خشن سلب آزادی هم اطافی های زندان است که غذا های کمتری نسبت به هم اطافی های کلونی دریافت میکنند، و حقوق آنها بیشتر محدود تروضیق ترساخته میشود. درحالیکه درکلونی های کارتأدیبی واصلاحی زندانیان (باستثنای آنها ئیکه به رژیم ویژه ویا آنانیکه برای مجازات وتنبیه به سلولها ی کیفری فرستاده میشوند) بگونهٔ مشترک جا داده میشوند. افرادیکه دوران محکومیت شان را درزندان ها سپری میکنند درسلولها نگهداری میشوند. بطورعموم، سلولها ی زندان گنجایش بیش ازیکنفرزندانی را دارند و قانون چنین تصریح میکندکه یک زندانی نمی تواند به مثابه یک اقدام دسپلین درسلول های مجردقرارداده شود مگربا آنهم، زندانیان می توانندطبق تقاضای خود شان درسلولهای مجردقرارگیرند ویا اینکه طبق تصامیم وقرار مقامات اداری ومسئول اگرآنرا لازم ببینندکدام توجیه

و استدلالی درجهت قرار دادن یک زندانی درسلول مجرد دریک زندان از طرف قانون تعیین نشده است و تطبیق و اعمال این اقدام وتشبث به مقتضای مقامات مسئول زندان صورت می گیرد. گرچه درچنین موارد، مقامات مسئول زندان موافقهٔ وکیل یا عامل را بدست آرند، به دست آوردن جنین موافقه نامه برحسب معمول صورت می گیرد، خصوصا زمانیکه دوسیهٔ مجرم یک دوسیه سیاسی باشد فلهذا سلولهای مجردد را مرکار بردوسایل مجازات وکیفر ویا انتقام گیری دربرابر زندانیان متمرد مسئول است.

یک مثال خیلی برجسته ومغشوش اینگونه تخطی ها در رابطه با معامله وسلوک آنها با والنتین موروز (Valentin Moroz) یک موءرخ یوکرائینی که دوران محکومیت طولانی درزندان ولادیمیر بخاطر (آشوب وتبلیغ ضدشوروی) میباشد. بسال ۱۹۷۲، آقای (موروز) با دوتن از زندانیان خطرناک جنائی دریک سلول قرار داده شد. آنها وی را برای دوهفته مکمل با بیدارخوابی بستوه آوردند و سرانجام برمعده وشکمش خنجرزدند. وبالاخره آقای (موروز) دریک سلول مجردقرار داده شد، درظاهر بخاطر محافظه ازخودش، گرچه زندانیان غیرخطرناکی نیز در زندان ولادیمیر وجودداشتندکه با آنها آقای (موروز) می بایستی هم اطاق بود. درجولای سال ۱۹۷۴، بعداز یک مدت تقریبا دوسال درسلول مجردزندان، آقای موروز، چنین می اندیشیدکه ازنگاه روانی سالم است، باعتصاب غذا پرداخت. دریک تلاش جهت تغییر موقف زندانی وی به یک (کلونی) تا (مرگ) ادامه داد. این موضوع مبین یک

شرایط واوضاعی است که او در معرض آن قرار داشت ازینکه با گذشت تقریبا نه سال مکمل در کلونیهای شوروی و زندان های آن که گرسنگی یکی از مشخصات دائمی حیات محسوب میشود ، آقای (موروز) احساس ناآرامی مینمود که در جهت حصول و دسترسی به چنین یک هدف محدود به اعتصاب غذا متوصل شود .

آقای (موروز) برای پنج ماه به این کار ادامه داد در نتیجهء تغذی اجباری از طرف عمال زندان زنده ماند . در اواخر نوامبر سال ۹۷۴ او در ضمن یک نامه عنوانی خانمش چنین نوشت ازینکه بعد از یک وعدهء رسمی که او در یک سلول دیگری که سایر زندانیان سیاسی در آن قرار دارند جا داده خواهد شد و دوباره به غذا خوردن پرداخته است .

دو تیپ رژیم در زندان ها وجود دارند : (عادی یا معمولی) و (شدید) زندانیان در رژیم عادی در زندان سه روبل در ماه جهت خریداری مواد غذائی موردنیاز مصرف کنند عیادت کنندگان از زندانیان میتوانند صرف در سال دوبار و آنهم بطور مختصر از آنها بازدید کنند که سه بسته کاغذیا دداشت و تکه های پشمی هر سال دریافت میکنند و در ماه یک نامه می فرستند . دوران (تمرین) زندانیان مجاز اند با رژیم عادی که یک ساعت در روز است . برای زندانیان تحت شرایط (دشوار و شدید) و یا رژیم شدید ، حقوق آنها بیشتر محدود شده است طبق قانون هیچ هم اطاقی زندان نمی تواند در تحت شرایط رژیم دشوار و سخت بیش از شش ماه متوالی و پی درپی قرار گیرد .

موقعیت کلونیها وزندانها وتعداد زندانیان وجدان

ازآنجائیکه آمار واحصائیه رسمی جزائی بگونه اسرار دولتی تصنیف بندی شده اند این مشکل است که گفته شود که بکدام اندازه موسسات جزائی وکیفری درواقع وجود دارند، درکجا و چه سان این موسسات وسازوبرگها در اتحاد شوروی تقسیم شده اند. مصئونیت بین المللی اسمای آنها را، و در بسیاری موارد نظام نامه های پوستی وآدرسها، که شامل بیش از سیصدوسی محابس وکلونی های کار مشهور که زندانیان سیاسی را درین اواخر بیدجا دهدویا بدجا داده با شد بخاطر دارد. که از انجمله بیش از یکصدوهشتاد باز داشتگاهها وکلونیها در اراس اف اس ار (بشمول ناحیه در حومه پرم " " در اورال ها ودرجمهوریتهای خود مختار موردوویا که هردوی آنها به پیمانه گسترده و بلند زندانیان سیاسی را درخودجا داده است) که بیشتر از شصت آنها دریوکرائین، بیلوروسیه، مولداویا، سرحدات چین وجمهوریتهای آسیای میانه توزیع وتقسیم شده اند.

نهادهای قانونگذاری کارتأدیبی واصلاحی (ماده ۶) چنین تصریح میکنندکه افراد متهم باید (بمثابه یک قانون) دوران محکومیت شانرا درجمهوریتهای خود شان که قبل از بازداشت ومحکومیت درانجا بودوباش داشتند، سپری کنند. متخلفین سابق ازین قانون مستثنی میباشندوهمچنین خارجیان واشخاصیکه مرتکب (خصوصا جرائم خطرناک دربرابر دولت) شده باشند. اینگونه افراد محتملا

جماهیرشوروی، شرایط واوضاع پائین ترازمعیارها و ستاندارد های ملی وبین المللی قرار می گیردکه اتحاد شوروی ازامضاء کنندگان و متعهدین این پیمان است .

ماده های قانون جنائی شوروی که درجهت عملی ساختن اساسی ترین حقوق انسانی محدودیت های ایجاد میکنند

بسا اززندانیان وجدان دراتحاد شوروی بخاطر تخلف ازماده ششم قانون جنائی شوروی زندانی میشوند . (۱)

ماده ۶۴ ـ این ماده به مفهوم ارتکاب به عمل خیانت (گریزوفراربخارج ازکشوروامتناع آنها جهت باز گشت ازخارج به اتحادجماهیرشوروی میباشد)

ماده ۷۰ـ تحریکات ضدشوروی وتبلیغات ، مثلاً طرح ساختن اوضاع ویا تبلیغات که بمنظورتخریب کردن و یا تضعیف نمودن رژیم شوروی ویاارتکاب به جنایات ویژه

---

(۱) اشاره به ماده قانون جنائی جمهوری سوشلیستی فیدرالی روسیه شوروی میباشد . ترجمه ازهیرالد،ج، بیرمن وجیمز، دبلیو، شپیندلرتحت عنوان قانون جنائی شوروی وطرزالعمل آن میباشد . قانون نامه های (نشریه یونیورستی هاروارد ، کیمبرج، مساچوستز ۱۹۷۲، میباشد)عین همان ماده ها را به شماره های مختلف درقانون نامه های جنائی هریک ازاتحادجمهوریتها یاتحادیه



بسلسلهٔ نشرات «وفا» (۳۷ - ۳۹)

زندانیان وجدان
در
اتحاد شوروی

مؤلّف : مصئونیت بین المللی

مترجم : ج . ح ابراهیمی